

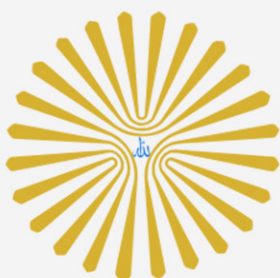
# مجموعه مقالات

اولین

همایش ملی صحیفه سجادیه امام سجاد(ع)

۱۹-۲۰ آذرماه ۱۴۰۴

دانشگاه پیام نور مرکز شیراز



دانشگاه پیام نور  
مرکز شیراز

واحد کارآفرینی و ارتباط با صنعت دانشگاه پیام نور استان فارس

## فهرست مطالب

۳	نرگس عباسی، الهام اسراری تاکید حفظ محیط زیست در دعای استسقاء
۱۱	فروزان نوروزی نژاد، حسین رحمانی تیرکلایی جایگاه عدالت اجتماعی در منظومه فکری امام سجاد (ع) براساس صحیفه سجادیه
۲۰	محمد حسن امامی الگوی عدالت جنسیتی در گفتمان دعایی امام سجاد (ع): مطالعه‌های مضمونی بر صحیفه سجادیه
۶۱	محسن دریابیگی صحیفه سجادیه متن توحیدی برای رهایی از تاریکی
۷۵	محمدکاظم تقوی مضامین قرآنی در صحیفه سجادیه ه
۹۸	قاسم محسنی مری، بهزاد مریدی تحلیل گفتمان معنای زندگی در دعای مکارم الاخلاق صحیفه سجادیه از تجربه دعا تا خودآگاهی مؤمنانه
۱۱۵	سلمان نیکبخت، مرضیه ولی زاده اخلاق دعا در صحیفه سجادیه و قرآن در مناجات التائبین
۱۲۰	یاسر شکر پور ابعاد اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه: تحلیل محتوایی و کارکردهای آن در جامعه معاصر
۱۲۵	یوسف متقیان نیا، مینا حسونی نژاد کاربست راهبرد افزایش در ترجمه متون دینی، واکاوی ترجمه حسین انصاریان از صحیفه سجادیه در چارچوب نظریه گارسس
۱۳۱	نجمه نبوتی تحلیل اخلاق حرفه ای در صحیفه سجادیه با تاکید بر آراء تفسیری علامه طباطبایی
۱۳۶	علی دریس اخلاق حرفه‌های امام سجاد (ع) در دعای بیستم صحیفه سجادیه و تطبیق آن با آیات اخلاقی قرآن
۱۴۳	مریم جلیلیان تحلیل ادبی-عرفانی مناجات المتوسلین در راستای کاهش اضطراب و کسب آرامش درونی
۱۶۲	سمیه پورحسن صحیفه سجادیه الهام بخش جبهه مقاومت
۱۶۷	محمد حسین امامی بازسازی الگوی سه لایه عدالت اجتماعی در اندیشه امام سجاد بر اساس صحیفه سجادیه
۱۹۴	سید جلال صمدانی جایگاه و اهمیت صحیفه سجادیه در اندیشه اسلامی



## تاکید حفظ محیط زیست در دعای استسقاء

نرگس عباسی

گروه آمار، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

الهام اسراری

دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

در صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)، دعاهایی وجود دارد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به حفظ محیط زیست اشاره دارند؛ مهم‌ترین نمونه آن دعای استسقاء (طلب باران) است که بر اهمیت آب، باران، کشاورزی، امنیت غذایی و نقش طبیعت در زندگی انسان تأکید می‌کند. دیدگاه صحیفه سجادیه، دعای استسقاء تنها یک درخواست باران نیست، بلکه چارچوبی معنوی-اخلاقی برای مدیریت پایدار منابع طبیعی و رفع بحران بی‌آبی است. امام سجاد (ع) در این دعا، باران را به‌عنوان رحمت الهی و عامل حیات زمین معرفی می‌کند و آن را پیوندی میان انسان، طبیعت و خداوند می‌داند.

کلمات کلیدی: دعا، باران، صحیفه سجادیه، محیط زیست، کشاورزی، غذا.



#### مقدمه

محیط زیست در صحیفه سجادیه در دعای طلب باران (دعای استسقاء)، توجه به منابع طبیعی، ارتباط معنوی با طبیعت به تکرار، نمایان شده است. صحیفه سجادیه تنها یک کتاب دعا نیست؛ بلکه منشور اخلاقی و زیست‌محیطی نیز به شمار می‌آید. نگاه امام سجاد (ع) به طبیعت، بر پایه رحمت، برکت و مسئولیت انسان در برابر زمین است. این آموزه‌ها می‌توانند امروز به عنوان مبنایی برای فرهنگ حفظ محیط زیست و مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی (مانند کمبود آب و تغییرات اقلیمی) مورد استفاده قرار گیرند. در صحیفه سجادیه، به‌ویژه در دعای استسقاء (طلب باران)، نگاه عمیقی به اهمیت آب و نقش آن در زندگی انسان و موجودات وجود دارد. این دعا می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب معنوی برای مدیریت پایدار منابع آبی در عصر حاضر مورد استفاده قرار گیرد، زیرا بر ضرورت حفظ آب، پرهیز از اسراف، و توجه به پیوند معنوی انسان با طبیعت تأکید دارد.

#### دعای استسقاء

دعای استسقاء و نماز آن، راهی برای بازگشت به خداوند، توبه، اصلاح رفتار و جلب رحمت الهی است. این سنت نشان می‌دهد که نزول باران تنها یک پدیده طبیعی نیست، بلکه در نگاه دینی، نشانه‌ی ارتباط مستقیم انسان با خدا و پاکی دل‌هاست. استسقاء در لغت به معنای «طلب آب» یا «درخواست باران» است در اسلام، وقتی خشکسالی یا کمبود بارش رخ می‌دهد، مسلمانان با دعا و نماز جمعی از خداوند طلب باران می‌کنند. این عمل علاوه بر جنبه‌ی عبادی، کارکرد اجتماعی و معنوی دارد؛ مردم را به همبستگی، توبه و اصلاح رفتار دعوت می‌کند.

#### فرازهای از دعای استسقاء

• «اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا هَنِيئًا مَرِيئًا عَدَقًا وَارْفًا مُجَلَّلًا دَائِمًا»

خدا یا! ما را بارانی فراوان، سودمند، گوارا و پیوسته عطا فرما

• «اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ، وَتَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَنِيَ، وَتُنْبِتُ بِهِ مَا قَدْ بَسَقَ»



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

خدایا! بارانی عطا کن که به وسیله آن آنچه مرده زنده شود، آنچه نابود شده بازگردد، و گیاهان برویند

• «اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا تَجْعَلُهُ بَلَاغًا لِلْحَاضِرِ وَالْأَبَدِ، وَنَافِعًا لِلْعِبَادِ»

خدایا! بارانی عطا کن که برای شهرنشین و بادیه‌نشین کافی باشد و برای بندگان سودمند گردد

نکاتی که از دعای طلب باران (دعای استسقاء) می‌توان برداشت: امام سجاد (ع) در این دعا از خداوند نزول باران را برای زنده شدن زمین و رفع نیازهای موجودات درخواست می‌کند. این دعا نشان‌دهنده وابستگی حیات انسان و حیوان به منابع طبیعی است. به اهمیت باران در کشاورزی، امنیت غذایی، اقتصاد و بقای اکوسیستم‌ها اشاره دارد. توجه به منابع طبیعی: در دعاها، بارها از خداوند خواسته می‌شود که زمین را پر از برکت کند و منابع طبیعی را برای انسان‌ها و حیوانات حفظ نماید. این نگاه، نوعی دعوت به مسئولیت‌پذیری در برابر زمین و نعمت‌های طبیعی است. ارتباط معنوی با طبیعت: امام سجاد (ع) طبیعت را نشانه‌ای از قدرت و رحمت الهی معرفی می‌کند. این نگرش باعث می‌شود انسان‌ها به جای بهره‌برداری بی‌رویه، با احترام و تعادل از طبیعت استفاده کنند. حفظ آب و منابع آبی: در دعای استسقاء، آب به عنوان نعمتی حیاتی مطرح می‌شود. این دعا می‌تواند الهام‌بخش مدیریت پایدار منابع آبی در عصر حاضر باشد.

این فرازها نشان می‌دهند که امام سجاد (ع) آب را نعمتی مشترک برای همه موجودات می‌داند و بر عدالت در بهره‌برداری، پایداری در نزول باران، و نقش حیاتی آب در زندگی و کشاورزی تأکید دارد. همین نگاه می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌های آبی امروز باشد؛ از جمله مدیریت عادلانه منابع، جلوگیری از اسراف، و توجه به نیازهای همه اقشار جامعه.

### ذخیره و پایداری آب

در صحیفه سجادیه، به‌طور مستقیم اشاره‌ای به مکانیزم‌های فنی ذخیره آب (مثل سدسازی، حوضچه‌ها یا قنات‌ها) وجود ندارد، زیرا این کتاب یک متن دعا و مناجات است و بیشتر بر نگاه معنوی و اخلاقی به منابع طبیعی تأکید دارد. اما در برخی فرازهای دعای استسقاء، می‌توان برداشتهایی داشت که به مفهوم ذخیره و پایداری آب نزدیک است:



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

«اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا هَنِيئًا مَرِيئًا غَدَقًا دَائِمًا»

خدایا! بارانی فراوان، گوارا و پایدار بر ما فرو فرست

واژه‌هایی مانند غَدَقًا (فراوان) و دَائِمًا (پایدار) نشان می‌دهد که امام سجاد (ع) به بارانی اشاره دارد که نه تنها لحظه‌ای، بلکه ماندگار و قابل ذخیره باشد.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ بَلَاغًا لِلْحَاضِرِ وَالْبَادِ»

خدایا! آن را برای شهرنشین و بادیه‌نشین کافی قرار ده

این فراز به نوعی بر توزیع و دسترسی عادلانه آب تأکید دارد؛ که در مدیریت پایدار، با ذخیره و تقسیم درست منابع آبی محقق می‌شود.

در متن دعا، مکانیزم‌های مهندسی ذکر نشده‌اند، اما مفهوم پایداری و ذخیره آب به‌طور غیرمستقیم مطرح است. این نگاه می‌تواند الهام‌بخش سیاست‌های امروز باشد: ذخیره آب در سدها و سفره‌های زیرزمینی، مدیریت بارش‌ها برای جلوگیری از هدررفت، توزیع عادلانه آب میان مناطق شهری و روستایی. بنابراین، صحیفه سجادیه به‌طور مستقیم از «ذخیره آب» سخن نمی‌گوید، اما در دعاهای مربوط به باران، بر پایداری، فراوانی و بهره‌مندی همگانی تأکید دارد که می‌تواند به‌عنوان مبنای فرهنگی و اخلاقی برای سیاست‌های ذخیره و مدیریت منابع آبی در عصر حاضر استفاده شود. صحیفه سجادیه امام سجاد (ع) با نگاه معنوی و اخلاقی به آب و باران، می‌تواند مبنای یک مدل سیاست‌گذاری پایدار منابع آبی باشد. این مدل بر پایه اصولی است که از دعاهای امام (به‌ویژه دعای استسقاء) استخراج می‌شود. بنابراین، صحیفه سجادیه به‌طور مستقیم از «ذخیره آب» سخن نمی‌گوید، اما در دعاهای مربوط به باران، بر پایداری، فراوانی و بهره‌مندی همگانی تأکید دارد که می‌تواند به‌عنوان مبنای فرهنگی و اخلاقی برای سیاست‌های ذخیره و مدیریت منابع آبی در عصر حاضر استفاده شود.

### اصول مدیریت پایدار منابع آبی در صحیفه سجادیه

در صحیفه سجادیه اصول مدیریت پایدار منابع آبی بیشتر در قالب دعاهای مرتبط با باران و طبیعت (به‌ویژه دعای استسقاء) مطرح می‌شود. این دعاها بر عدالت در بهره‌برداری، پرهیز از اسراف، حفظ اکوسیستم، و پیوند



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

معنویت با مدیریت منابع طبیعی تأکید دارند. آب به عنوان نعمت الهی و عامل حیات: امام سجاد (ع) در دعای استسقاء، باران را مایه زنده شدن زمین و بقای انسان و حیوان معرفی می‌کند. این نگاه، آب را نه صرفاً یک منبع طبیعی، بلکه امانت الهی می‌داند که باید با احترام و مسئولیت‌پذیری حفظ شود. تأکید بر عدالت در بهره‌برداری: دعاها نشان می‌دهند که نزول باران باید به گونه‌ای باشد که همه موجودات از آن بهره‌مند شوند. این اصل می‌تواند الهام‌بخش توزیع عادلانه منابع آبی در جوامع انسانی باشد. پرهیز از اسراف و تخریب: نگاه امام سجاد (ع) به آب، همراه با هشدار نسبت به بی‌توجهی و اسراف است. در مدیریت پایدار، این اصل به معنای کاهش مصرف بی‌رویه، جلوگیری از آلودگی منابع آبی و استفاده بهینه از آب است. پیوند معنویت با محیط زیست: در دعاها، آب و باران به عنوان نشانه‌های رحمت الهی مطرح می‌شوند. این نگرش باعث می‌شود انسان‌ها به جای بهره‌برداری صرفاً اقتصادی، با احترام و تعادل از منابع طبیعی استفاده کنند. نقش آب در امنیت غذایی و اقتصاد: امام سجاد (ع) باران را عامل رونق کشاورزی و تأمین روزی می‌داند. این نگاه، اهمیت آب در توسعه پایدار کشاورزی و اقتصاد مقاومتی را برجسته می‌کند.

### پیشنهادات

صحیفه سجادیه با نگاه معنوی و اخلاقی به آب، اصولی همچون عدالت در بهره‌برداری، پرهیز از اسراف، احترام به طبیعت و توجه به امنیت غذایی را مطرح می‌کند. این اصول می‌توانند امروز به عنوان پایه‌های مدیریت پایدار منابع آبی در سیاست‌گذاری و فرهنگ عمومی مورد استفاده قرار گیرند. موارد پیشنهادی به شرح ذیل، قابل سیاست‌گذاری هستند.

- الهام برای سیاست‌های آبی: آموزه‌های صحیفه سجادیه می‌توانند مبنای فرهنگی و اخلاقی برای سیاست‌های مدیریت آب در ایران و جهان باشند.
- تقویت فرهنگ عمومی: دعاها می‌توانند در آموزش عمومی نقش داشته باشند و مردم را به صرفه‌جویی و حفاظت از منابع آبی ترغیب کنند.
- پاسخ به بحران‌های زیست‌محیطی: در شرایط کم‌آبی و تغییرات اقلیمی، این دعاها یادآور می‌شوند که آب نعمتی مشترک است و باید با همکاری و مسئولیت جمعی حفظ شود



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

در ادامه مقاله، مدل سیاست‌گذاری آبی الهام‌گرفته از صحیفه سجادیه، ترکیبی از عدالت اجتماعی، پایداری زیست‌محیطی، و معنویت اخلاقی است. این مدل می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب فرهنگی و اخلاقی در کنار دانش فنی و مهندسی، راهنمای سیاست‌گذاران برای مدیریت بحران آب در عصر حاضر باشد. اصولی در جدول چارچوب اجرایی پیشنهادی مطرح گردیده است از سه منبع لاتینی که در منابع ذکر شده آمده است.

## چارچوب اجرایی پیشنهادات

اقدام	راه‌کار عملی	برگرفته از اصل
سه‌میه‌بندی منصفانه میان مناطق شهری و روستایی	توزیع عادلانه آب	عدالت در بهره‌برداری
ساخت سدهای کوچک محلی، تغذیه مصنوعی سفره‌های زیرزمینی	ذخیره و مدیریت بارش‌ها	پایداری
آموزش عمومی، تعرفه‌های تشویقی برای صرفه‌جویی	فرهنگ‌سازی مصرف بهینه	پرهیز از اسراف
جلوگیری از آلودگی رودخانه‌ها و تالاب‌ها	حفاظت از منابع طبیعی	حفظ اکوسیستم
استفاده از آموزه‌های صحیفه در آموزش و رسانه‌ها	تقویت فرهنگ دینی	معنویت و اخلاق

## نقشه راه مرحله‌ای برای سیاست‌گذاری آبی الهام‌گرفته از صحیفه سجادیه

این نقشه راه بر پایه آموزه‌های امام سجاد (ع) در دعای استسقاء طراحی شده و مراحل اجرایی را از سطح فرهنگی تا سطح فنی و سیاستی نشان می‌دهد و از فرهنگ و معنویت آغاز می‌شود، به سیاست‌گذاری عدالت‌محور و مدیریت پایدار می‌رسد، و در نهایت با نوآوری و همکاری جهانی تکمیل می‌شود. آموزه‌های صحیفه سجادیه می‌توانند ستون‌های اخلاقی و فرهنگی این مسیر باشند، در حالی که فناوری و سیاست‌های مدرن ابزار اجرایی آن خواهند بود.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

نقشه راه مرحله‌ای برای سیاست‌گذاری آبی الهام‌گرفته از صحیفه سجادیه

<ul style="list-style-type: none"> <li>● آموزش عمومی: ترویج فرهنگ صرفه‌جویی و احترام به آب از طریق رسانه‌ها، مدارس و مساجد.</li> <li>● الهام از دعاها: استفاده از فرازهای صحیفه سجادیه برای تقویت نگاه معنوی به آب به‌عنوان «امانت الهی».</li> <li>● ایجاد مسئولیت اجتماعی: تأکید بر اینکه آب متعلق به همه موجودات است و باید عادلانه مصرف شود.</li> </ul>	<p><b>مرحله ۱: بنیان فرهنگی و اخلاقی</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● توزیع عادلانه آب: طراحی نظام سهمیه‌بندی و مدیریت منابع برای مناطق شهری، روستایی و کشاورزی.</li> <li>● حمایت از اقتدار آسیب‌پذیر: تضمین دسترسی پایدار به آب برای روستاها و مناطق کم‌آب.</li> <li>● شفافیت در مدیریت: ایجاد سامانه‌های نظارت عمومی بر مصرف و توزیع آب.</li> </ul>	<p><b>مرحله ۲: سیاست‌گذاری عدالت‌محور</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● ذخیره بارش‌ها: ساخت سدهای کوچک محلی و تغذیه مصنوعی سفره‌های زیرزمینی.</li> <li>● کاهش هدررفت: اصلاح شبکه‌های آبرسانی و جلوگیری از نشت و اتلاف.</li> <li>● بازیافت آب: استفاده از فناوری‌های تصفیه و بازچرخانی آب در صنعت و کشاورزی.</li> </ul>	<p><b>مرحله ۳: مدیریت پایدار و ذخیره‌سازی</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● جلوگیری از آلودگی منابع آبی: وضع قوانین سختگیرانه برای صنایع و کشاورزی.</li> <li>● احیای تالاب‌ها و رودخانه‌ها: پروژه‌های بازسازی اکوسیستم‌های آبی.</li> <li>● کشاورزی پایدار: ترویج روش‌های آبیاری کم‌مصرف (قطره‌ای، بارانی).</li> </ul>	<p><b>مرحله ۴: حفاظت از محیط زیست</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● هوشمندسازی مدیریت آب: استفاده از سنسورها و داده‌های بزرگ برای پایش منابع آبی.</li> <li>● پیش‌بینی بارش‌ها: بهره‌گیری از مدل‌های اقلیمی برای مدیریت بحران کم‌آبی.</li> <li>● انرژی‌های تجدیدپذیر: استفاده از انرژی خورشیدی و بادی برای پمپاژ و تصفیه آب.</li> </ul>	<p><b>مرحله ۵: نوآوری و فناوری</b></p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>● دیپلماسی آبی: همکاری با کشورهای همسایه برای مدیریت مشترک رودخانه‌ها و منابع مرزی.</li> <li>● تبادل دانش و تجربه: مشارکت در پروژه‌های بین‌المللی مدیریت آب.</li> <li>● همبستگی جهانی: تأکید بر اینکه آب نعمتی مشترک برای همه بشریت است.</li> </ul>	<p><b>مرحله ۶: همکاری منطقه‌ای و جهانی</b></p>

## منابع

الصحیفه السجادیة. امام علی بن الحسین (ع).

- [1] Academia Journal of Environmental Sciences and Sustainability. (2025). Environmental ethics and ecosystem preservation in sustainable development. Academia Publishing. Retrieved from [https://www.academia.edu/journals/6/academia\\_environmental\\_sciences\\_and\\_sustainability](https://www.academia.edu/journals/6/academia_environmental_sciences_and_sustainability)
- [2] Dehghani, M., & Sadeghi, A. (2023). *Environmental ethics in Islamic prayers: A case study of Sahifa Sajjadiya*. Journal of Environmental Ethics and Sustainability, 12(2), 45–60.
- [3] Schlosberg, D., & Collins, L. B. (2024). Sustainability justice: A systematic review of emergent trends and themes. Sustainability Science, 19, 123–140. Springer. <https://doi.org/10.1007/s11625-024-01565-8>



[4] Walker, G., & Day, R. (2024). Assessing environmental justice contributions in research and public policy: An applied framework and methodology. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 26(3), 215–232. Taylor & Francis. <https://doi.org/10.1080/1523908X.2024.2321183>



## جایگاه عدالت اجتماعی در منظومه فکری امام سجاد (ع) براساس صحیفه سجادیه

فروزان نوروزی نژاد

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، تاریخ اسلام، اهواز، ایران؛ [Forouzan500@gmail.com](mailto:Forouzan500@gmail.com)

حسین رحمانی تیرکلایی

دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ [Rahmani1391@pnu.ac.ir](mailto:Rahmani1391@pnu.ac.ir)

### چکیده:

عدالت اجتماعی، از بنیادی‌ترین مفاهیم اخلاقی و دینی، جایگاهی محوری در اندیشه اسلامی دارد. در این پژوهش، مفهوم و مبانی عدالت اجتماعی برپایه صحیفه سجادیه، اثر جاودانه امام سجاد (ع)، بررسی و تحلیل شده است. هدف پژوهش، استخراج مؤلفه‌های نظری عدالت از دعاها و نیایش‌های امام سجاد (ع) و تبیین ابعاد اجتماعی، اخلاقی و الهی آن برای ارائه چارچوبی بومی در حوزه عدالت اجتماعی است. روش تحقیق به صورت تحلیل محتوای کیفی و بر اساس رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عدالت در اندیشه امام سجاد (ع) مفهومی جامع است که ابعاد اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی را دربر می‌گیرد. ایشان عدالت را نه فقط در توزیع مادی، بلکه در رفتار، مسئولیت اجتماعی، احترام به حقوق دیگران، و مبارزه با فقر و تبعیض جست‌وجو می‌کند. همچنین، در نگاه امام، عدالت با عبودیت خداوند، صبر، تقوا و خودسازی فردی پیوند خورده است. نتیجه پژوهش آن است که صحیفه سجادیه را می‌توان به‌منزله‌ی متنی نظری برای تدوین «مدل اسلامی عدالت اجتماعی» در نظر گرفت؛ مدلی که در آن، عدالت اخلاقی، اجتماعی و الهی به صورت درهم‌تنیده و مکمل یکدیگر مطرح می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: عدالت اجتماعی، امام سجاد (ع)، صحیفه سجادیه، حقوق انسان، برابری و انصاف



عدالت، از بنیادی‌ترین مفاهیم اندیشه انسانی و دینی است که در طول تاریخ همواره الهام‌بخش حرکت‌های فکری، سیاسی و اجتماعی بوده است. هیچ مکتب الهی یا نظام اخلاقی را نمی‌توان یافت که در اصول خود به عدالت بی‌توجه باشد. در سنت اسلامی نیز عدالت نه تنها در حوزه روابط فردی، بلکه در نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جایگاه محوری دارد. از نگاه متفکران مسلمان، عدالت ریشه در ذات الهی دارد و انعکاس صفات خداوند در جامعه انسانی است. امام علی (ع) عدالت را شریف‌ترین فضیلت انسانی دانسته و امام خمینی (ره) نیز تحقق عدالت را هدف اصلی بعثت انبیا معرفی کرده است. با این حال، یکی از غنی‌ترین و در عین حال کمتر کاویده‌شده‌ترین منابع اسلامی در زمینه عدالت اجتماعی، صحیفه سجادیه اثر گران‌قدر امام سجاد (ع) است. امام سجاد (ع) در یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخی مسلمانان زندگی می‌کرد؛ زمانی که ارزش‌های الهی به حاشیه رانده شده و جامعه اسلامی گرفتار تبعیض، رفاه‌طلبی و بی‌عدالتی شده بود. در چنین شرایطی، امام با زبان دعا و نیایش، ارزش‌های اخلاقی، سیاسی و اجتماعی اسلام را احیا کرد و در متون مناجات خود، مبانی فکری عدالت، حقوق انسان‌ها و جایگاه اجتماعی آنان را به شیوه‌ای عمیق و ماندگار بازتاب داد. از این رو، می‌توان گفت صحیفه سجادیه تنها مجموعه‌ای از دعاها نیست، بلکه متنی اندیشمندانه درباره سامان اخلاقی و اجتماعی انسان است که عدالت در محور آن قرار دارد.

عدالت اجتماعی در آموزه‌های اسلامی به معنای توزیع منصفانه حقوق، فرصت‌ها و مسئولیت‌ها در جامعه است. اندیشمندان مسلمان از صدر اسلام تاکنون درباره ابعاد اخلاقی و اجتماعی عدالت سخن گفته‌اند، اما بازخوانی این مفهوم در پرتو منابع اصیل دینی، همچون صحیفه سجادیه، کم‌تر به صورت نظری و نظام‌مند انجام شده است.

در صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع) با تعابیر مختلف، عدالت را پایه روابط انسانی معرفی می‌کند. در دعاها و مناجات‌های ایشان مفاهیمی چون احترام به حقوق دیگران، دفاع از مستضعفان، انتقاد از ظلم حاکمان، فقرزدایی، رعایت انصاف، برابری مؤمنان و مسئولیت اجتماعی، همگی نشانه‌هایی از یک نظریه منسجم عدالت اجتماعی است. با وجود این، تاکنون پژوهش‌های اندکی کوشیده‌اند تا با تکیه بر تحلیل محتوای علمی، مؤلفه‌های نظری عدالت اجتماعی در صحیفه سجادیه را استخراج و تبیین کنند. بنابراین مسئله‌ی اصلی مقاله‌ی حاضر چنین است: عدالت اجتماعی در صحیفه سجادیه بر چه مبانی اخلاقی، الهی و اجتماعی استوار است، و این مبانی چگونه می‌توانند الگوی نظری عدالت در جامعه اسلامی معاصر را شکل دهند؟



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

این پژوهش در پی آن است که با تفسیر اجتماعی از دعاهای امام سجاد (ع)، چارچوبی برای «نظریه عدالت اجتماعی اسلامی» ارائه دهد و نشان دهد که چگونه نگاه الهی به انسان، محور بازتوزیع عادلانه‌ی قدرت، ثروت و منزلت است.

## معنا و مفهوم عدالت اجتماعی:

عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تاریخ با آن آشنا بوده است. عدالت ضمن محبوبیت فراوانی که در نزد اندیشمندان و مردم جوامع مختلف در بردارد، در تعریف و تبیین آن برداشت‌های متفاوتی وجود دارد. باین حال جامعه‌ای نمی‌توانیم پیدا کنیم که نسبت به عدالت بی‌تفاوت باشد. طوری که ویل دورانت ریشه تخریب تمدن‌ها و انحطاط را بی‌عدالتی و تبعیض می‌داند و می‌گوید: «تمدن را نمی‌شود با غلبه و فتح از میان برد، تمدن از درون تخریب می‌شود، مدنیت در جامعه با رعایت تساوی حقوق انسانی شکوفا می‌شود و تبعیض ریشه آن را می‌خشکاند و از بین می‌برد، سلامت ملل خیلی مهم‌تر از ثروت ملل است» (ویل دورانت، ۱۳۷۸: ۱/۴).

معانی عدالت: عدالت در زبان فارسی به معنای انصاف داشتن و داد کردن است (معین ۱۳۸۶: ۲۲۷۹). در زبان انگلیسی، به معنای تساوی، برابری، مثل و مانند است (فرهنگ لانگمن، ۲۰۰۰: ۷۶۷). در دیدگاه امام علی (ع) عدالت تدبیر عمومی مردم است، درحالی‌که بخشش مختص به گروه خاصی است، پس عدالت شریف‌تر و برتر است (سیدرضی، ۱۳۸۴: ۷۳۵). تعریف ارسطو راجع به عدالت، باتوجه به بحث فضیلت، به مفهوم حد میانه‌روی می‌آورد و بنیان عدالت را در هر چیزی رعایت میانه‌روی می‌داند (عالم، ۱۳۵، ۱۳۷۶: ۱). نظر ارسطو عدالت: تقوایی است مطلق کامل، زیرا عمل به آن، عمل به فضیلت تمام است (ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۲۶). افلاطون نیز در کتاب معروفش جمهوریت از عدالت سخن گفته «به نظر او عدالت آرمانی است که تنها باتربیت یافتگان فلسفه به آن دسترسی دارند و به یاری حس و تجربه نمی‌توان به آن رسید. عدالت اجتماعی در صورتی برقرار می‌شود که هرکس به کاری دست زند که استعداد، شایستگی و توانمندی آن را دارد و از مداخله در کار دیگران بپرهیزد» (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۲). جان ریمر در موضوع عدالت توزیعی، کتاب برابری فرصت را نوشت که و پشتوانه فکری کتاب برابری فرصت نوشته‌های سه فیلسوف بود و معتقد است «هم سطح کردن عرصه لازمه این است که کمبودهای کسانی که را که سبدهای پست‌تری از منابع درونی برخوردارند با یک پیمانانه اضافی از منابع بیرونی جبران کنیم» (ریمر، ۱۳۸۲: ۲۱).

حوزه مطالعات اسلامی تعارضاتی در مفهوم عدالت بین شیعه و اهل سنت وجود دارد. اهل سنت غالباً عدالت را منحصر در امور اخلاقی و ویژگی‌های شخصی قرار می‌دهند، شیعه با نگرش به عدالت به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین، آن را در تمام شئون زندگی فرد و خصوصاً زندگی اجتماعی قلمداد می‌کند. به‌عنوان مثال اشاعره هر



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

چیزی آن جهت عدل است که فعل خدا است و چون به عقیده اشاعره هیچ فعلی در ذات خود نه عدل است و نه ظلم و به علاوه، هیچ فاعلی غیر از خدا وجود ندارد، پس ظلم مفهوم ندارد (مطهری، بی تا، ۴۷). اما برخلاف این فرق، شیعیان به حُسن و قبح ذاتی امور اعتقاد دارند که عقل انسان نیز توانایی درک حُسن یا قبیح بودن امور و همچنین عادلانه یا ظالمانه بودن آنها را دارد (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۲۱۷). همین اندیشه‌ها بوده است که شیعه را در طول تاریخ جریانی ضد ظلم و پیشتاز عدالت قرار داده است.

مفهوم عدالت اجتماعی: امام خمینی (ره) با پیروی از بزرگان ائمه اطهار (ع) سعی در گسترش عدالت در جامعه داشته و هدف نهضت‌های اجتماعی و رسالت پیامبران تحقق عدالت اجتماعی مطرح می‌کند (امام خمینی ۱۳۶۹: ۱۸۷، ۲۱). عدالت اجتماعی؛ یعنی عدالت در شایع اجتماع، اعم از حوزه مسائل سیاسی، اقتصادی... این نوع عدالت در قلمرو اختیارات و فعالیت‌های حکومت قرار می‌گیرد و منظور آن است که نسبت به انصاف عمل شود و به کسی ستم نشود (حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۴). عدالت اجتماعی به معنای توزیع منصفانه منافع، حقوق و فرصت‌ها در جامعه است. آن یک مفهوم از همبستگی و تعادل اجتماعی است که به تلاش برای تقسیم منافع به عدالت بین افراد و گروه‌های مختلف در مجتمع می‌پردازد.

## مبانی عدالت اجتماعی در اندیشه امام سجاد (ع):

جریان‌های سیاسی که پس از جانشینی پیامبر اکرم (ص) پیش آمد به نفع اهل بیت پیامبر اکرم (ص) نبود. پس از شهادت امام علی (ع) معاویه توانسته بود امام مجتبی (ع) امام دوم شیعیان را به صلح تحمیلی بکشاند و بعد از قدرت گرفتن بنی‌امیه و شهادت امام حسین (ع) جامعه اسلامی رنگ و بوی جامعه جاهلی به خود گرفت و کمتر اثری از تربیت عمیق اسلامی در این دوره مشهود بود (شهیدی، ۱۳۸۶: ۴۰). مسعودی هم درباره این دوران می‌نویسد: «علی بن الحسین امامت را با تقیه شدید و به طور پنهانی با دشواری برعهده گرفت» (مسعودی، ۱۳۶۲: ۱۶۸). امام سجاد (ع) بعد از شهادت پدر بزرگوارش، نه تنها مرجع فقهی شیعیان بود، بلکه فقه‌های عامه هم در بسیاری از مسائل به ایشان مراجعه می‌کردند، یکی از این افراد زهری است (واقعی، ۱۳۷۴: ۱۵۴/۵). یکی از تاریک‌ترین ادوار حکومت در تاریخ اسلام مصادف بود. با توجه به شرایط سیاسی حاکم بر این دوره امام سجاد (ع) با زبان دعا توانسته بود که به ابعاد مختلفی از جمله بحث عدالت، توحید... توجه نشان داده است. در شرایطی که جامعه دچار انحراف و رفاه‌طلبی و دنیازدگی شده توانست دعا را به‌عنوان راهی برای بخشی از عقاید خود استفاده کند. از الگوی برجسته امام سجاد (ع) در اعمال اجتماعی بحث اخلاص است به‌خصوص



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

اخلاص آن در رسیدگی به فقرا و مستمندان و تأمین زندگی نیازمندان و مایحتاج آنان بوده است (دعائی، ۱۳۸۰: ۳۵۰).

شخصیت امام سجاد (ع) در تاریخ اسلام به‌عنوان یکی از شخصیت‌های بزرگ و الگوی اخلاقی و دینی شناخته می‌شود. ایشان با تلاش‌های خود در زمینه عبادت، آموزش، خدمت به محرومان و مقاومت در برابر ستم و ظلم، نمونه‌ای برای مسلمانان و مردم جهان است. امام سجاد (ع) با وجود محدودیت‌ها و سختی‌هایی که داشتند، توانستند به‌عنوان یک رهنما و نمادی از صبر، تواضع و ایمان عمل کنند و برای نجات اسلام و انسانیت تلاش کند در مجموع، آموزه‌های امام سجاد (ع) درباره عدالت اجتماعی بر پایه ارزش‌های انسانی، مبارزه با ستم و استثمار، توزیع منصفانه ثروت، حقوق مستضعفان و اصلاح اجتماعی تأکید داشتند. ایشان به‌عنوان یک رهبر دینی، تلاش می‌کردند تا افراد را به توجه به حقوق دیگران، توزیع منصفانه منافع اجتماعی و اصلاح خود و جامعه تشویق کنند. این آموزه‌ها و مناظرات امام سجاد (ع) تا به امروز به‌عنوان مرجعی برای بررسی مسائل عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی و جهان اسلام مطرح هستند. امام سجاد (ع) به توازن در برخورد با دیگران، احترام به حقوق همه افراد جامعه، و توجه به نیازها و حقوق گروه‌های ضعیف‌تر، به‌عنوان مبانی عدالت اجتماعی اشاره می‌کند.

## نمونه‌های مرتبط به عدالت اجتماعی در صحیفه سجادیه (امام سجاد علیه‌السلام):

انسان در حیات اجتماعی خود و ثبات جامعه، نیازمند مدیریت و اجرای قانون است. به همین جهت، وجود حاکم یا حاکمان سیاسی لازم و ضروری است و پیشگیری و جلوگیری از ظلم افراد علیه یکدیگر و ایجاد نظم و انضباط در جامعه، با وجود حاکمان سیاسی امکان‌پذیر است. با توجه به این ضرورت و برای اینکه هدف حکومت تأمین شود، حاکمان سیاسی دارای حقوقی هستند که مردم جامعه باید آنها را رعایت کنند. امام سجاد (ع) در رساله حقوق خود، به حقوق حاکمان سیاسی نیز اشاره فرموده است.

«و اما حق پیشوای حکومت بر تو این است که بدانی تو برای او وسیله امتحان شده‌ای و او هم به تو گرفتار است به‌خاطر تسلطی که خدایش بر تو داده و باید خیرخواه او باشی و با او در نیفتی؛ زیرا که بر تو نفوذ دارد و (ممکن است) سبب هلاک خود و او گردی و خوار شوی و برای او نرمش و فروتنی کن تا آنجا که رضایت او را به اندازه‌ای که زیانش به تو نرسد به دست آری و زیانش به دین تو نرسد و در این باره از خدایاری جویی و با او مبارزه و دشمنی نکنی؛ زیرا اگر چنین کردی او را و خود را ناسپاس کرده‌ای و خود را به بدی کشانده‌ای و او را هم از جهت خود به هلاکت رسانده‌ای و تو سزاواری که کمک او شمرده شوی بر ضرر خود و شریک او باشی در هر چه با تو کند (و لا قوه الا باللّه). حول و قوه‌ای جز از ناحیه خدا نیست» (حرانی ۱۳۹۸: ۲۶۶).



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

حدیث مذکور نیز با تأکید بر فروتنی، نرمش کردن و رضایت حاکم، به اهمیت مسئولیت فرد در قبال رهبری و حاکمیت اشاره می‌کند

این اصل نشان می‌دهد که در نظر امام سجاد (ع)، احترام به مقام حاکم و رعایت حقوق دیگران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تحکیم ارتباط با خدا: در حدیث مذکور، آمده است که باید به خدا توکل کنی و از او یاری جویی کنی. این نشان می‌دهد که در نظر امام سجاد (ع)، ارتباط نزدیک با خداوند و تحکیم این ارتباط نقش مهمی در انجام وظایف اخلاقی و اجتماعی دارد.

درباره حقوق رعیت: «اما حقوق رعیت تحت سلطه و حکومت تو این است که بدانی آن‌ها به خاطر ضعف خود و نیرومندی تو، رعیت تو گشته‌اند، پس بر تو واجب است که درباره آنان به دادگری عمل کنی و برای آن‌ها همچون پدری دلسوز باشی و خطاهای آنان را که از روی نادانی انجام داده‌اند ببخشی و در مقابل مجازات اعمال بد آن‌ها عجله نکرده و خداوند را به خاطر توانایی که به تو داده سپاسگزار باشی» (حرانی، ۱۳۹۸: ۲۶۱).

نظر امام سجاد (علیه‌السلام) و راولز درباره حقوق رعیت و نقش دولت در تحقق عدالت اجتماعی را می‌توان به شرح زیر تحلیل کرد: امام سجاد (ع) در این حدیث بیان می‌کند که به‌عنوان حاکم و رهبر، وظیفه شما است که به دادگری درباره مسائل آنان عمل کنید و مثل یک پدر مهربان نسبت به آنان باشید. باید خطاهای آنان را که به دلیل نادانی انجام داده‌اند ببخشید و در مقابل تخلفات آنان بی تأخیر و سرعت به اجرای عدالت بپردازد. همچنین، باید به خداوند برای توانایی‌ای که به شما داده شده سپاسگزار باشید.

توجه به زندگی فقرا: دعای هشتم فراز سوم «و فخر فروشی ثروتمندان و تحقیر تهی‌دستان و بدی سرپرستی نسبت به زیردستان و ترک سپاس نسبت به کسی که به ما احسان و خوبی کرده».

رعایت حقوق افراد و توزیع منابع عادلانه: «و به تو پناه می‌آوریم، از بدی باطن و ناچیز شمردن گناه کوچک و این که شیطان بر ما چیره شود، یا روزگار ما را به عرصه بلا و نکبت اندازد، یا پادشاه بر ما جور و ستم روا دارد» (صحیفه سجادیه، دعای هشتم فرازششم).

در این دعا، به بدی باطن، ناچیز شمردن گناه کوچک، تأثیر شیطان و همچنین ظلم و ستم حاکم اشاره شده است.



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

رفع نابرابری: دعای سیزدهم فراز سیزدهم «پس کسی که ترمیم کمبود و شکاف زندگی‌اش را از تو بخواهد و تغییر تهیدستی و فقرش را از تو درخواست کند، محققاً حاجتش را از جایگاه اصلی‌اش خواسته؛ و به دنبال درخواست و خواهشش، از راه صحیح و درستش آمده».

فقرزدایی در جامعه: دعای بیستم فراز بیست چهارم «پروردگارا درود فرست بر محمد و آل او و مرا بدون مشقت و زحمت اکتساب و از آنجا که گمان نمی‌برم روزی عطا فرما تا به اشتغال به کسب روزی از راه عبادتت باز نمانم و با رنج و تعب‌های طلب رزق را به دوش نکشم». اشاره به نیازمندی و فقرزدایی در جامعه دارد.

همنشینی با فقیران دعای سی‌ام: «خدایا! هم‌نشینی با تهی‌دستان را محبوب من قرار ده و مرا در هم‌نشینی با آنان به صبر، پسندیده یاری کن».

در دعا ذکر شده است که از معصومان علیهم‌السلام، الگوی همنشینی با نیازمندان و فقیران بوده است. این نشان می‌دهد که در نظر امام سجاد (ع)، همنشینی با فقیران و رفتار نیکو با آنان برای تقویت ارتباط با خداوند و نیز تحقق ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی مهم است.

دعای چهل هفتم، فراز بیست نهم «ای ذات پاک منزّه (از حد و نقص) گفتار تو (و سخنانت در کتب آسمانی) همه حکم تو است و حکم و قضای تو حتمی‌الوقوع و اراده ازلیت عزم جزم است و قطعی الاجراء و تردید در آن راه نخواهد یافت»

امام سجاد (ع) در دعای بیستم، فرازدهم در بخشی از آن که به خداوند می‌خواند، عنوان می‌کند: «بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست و مرا به زینت صالحین و شایستگان بیوشان و به من توفیق بده تا عدل و داد را در جهان گسترش دهم». امام سجاد (ع) در این دعا از خداوند می‌خواهد که به فرزندشان، حضرت حجت بن الحسن (عج)، توفیق عدل و انصاف در همه زمینه‌ها را عطا کند و جهان را از ظلم و ستم کاملاً پاک سازد.

در دعای سی هشتم فراز یکم، امام (ع) می‌فرماید: «بار خدایا، من به درگاه تو عذر می‌خواهم از ستم کشیده‌ای که در برابر من به او ستم رسانده و من او را یاری نکرده‌ام...». از این فراز می‌توان استنباط کرد که ادای حق یکی از جوانب عدالت است. مومن مسئول یاری کردن مومن دیگر است و اگر نیازهای او را برآورده نکند، مورد سوءاستفاده قرار خواهد گرفت.

در دعای سی نهم فراز چهارم، امام (ع) می‌فرماید: «بار خدایا... از من یا بوسیله‌ی من ستمی به او رخ داده و حق او از دست داده و داد خواهی از حقش را از میان برده باشم، پس بر محمد و آل او درود فرست و او را از



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

توانگری خود از من خوشنود ساز...» نکته مهم این است که آیا معصومین از مردم حقی را خلاف قانون گرفته‌اند که در درگاه خداوند تضرع می‌کنند و از او می‌خواهند که به وسیله توانایی خود حق را به آنها برگرداند؟ با مطالعه رساله حقوق امام سجاد (ع) می‌توان درک کرد که حق در اینجا به طور کلی به معنای بهبود و اصلاح افراد است، پس برای همه دعا کنید و همه را یاری کنید. البته اگر یک مومن بخواهد حق مومن دیگری را به طور کامل برآورده کند، حتی با اختصاص تمام ساعات زندگی خود به این کار، همچنان نمی‌تواند به طور کامل این حقوق را برآورده کند. هم از ادای حقوق و عدالت توسط امام (ع) در این دعا تفسیر می‌کنم، نه تعدی و ستم در حق دیگران.

امام (ع) در دعای بیست دوم فراز سوم معیار و ملاک عدالت را معرفی می‌کنند و فرمودند: «و آن رها را نور روشنایی بخشیدی (قرآن) و ترازوی عدل که زبانه‌اش از حق و دوستی بر نمی‌گردد...» امام (ع) در این فراز ملاک عدالت را قرآن معرفی می‌کنند که مردم با تأسی از احکام و دستورات الهی، می‌توانند جامعه را پر از عدل و داد نمایند و در احکام دین هیچ ظلم و تعدی وجود ندارد.

### نتیجه‌گیری

بررسی محتوای صحیفه سجادیه نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی در اندیشه امام سجاد (ع) مفهومی همه‌جانبه است که ریشه در معرفت توحیدی و ارزش‌های اخلاقی دارد. در نگاه امام، عدالت نه یک مفهوم صرفاً حقوقی یا اقتصادی، بلکه راهی برای سامان یافتن روابط انسانی و بنیانی برای تعالی معنوی جامعه است. امام سجاد (ع) در دورانی می‌زیست که تبعیض و بی‌عدالتی بر جامعه اسلامی سایه افکنده بود، از این رو با زبان دعا و نیایش، مفاهیم عدالت، برابری و رعایت حقوق انسان‌ها را احیا کرد. دعا‌های آن حضرت مجموعه‌ای از اصول اجتماعی و اخلاقی را دربر دارد که جوهره‌ی تفکر عدالت‌محور اسلام را شکل می‌دهد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد امام سجاد (ع) عدالت را در چند سطح تبیین می‌کند:

۱. عدالت فردی: توجه به خودسازی، پرهیز از ظلم و رعایت انصاف در رفتار.
۲. عدالت اجتماعی: پاسداشت حقوق مردم، مهربانی با زیردستان، مقابله با فقر و تبعیض و توزیع عادلانه نعمت‌ها.
۳. عدالت الهی: پیوند انسان با خداوند و التزام به احکام الهی به‌عنوان ترازوی عدل.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

از دیدگاه امام سجاد (ع)، عدالت تنها وظیفه حاکمان نیست، بلکه مسئولیتی همگانی است که افراد را به مسئولیت‌پذیری، رعایت حق دیگران و خدمت به اجتماع فرا می‌خواند. در این نگرش، عدالت اجتماعی با ایمان، تقوا و کرامت انسانی پیوندی ناگسستنی دارد.

در نتیجه، می‌توان گفت که نظریه عدالت اجتماعی در صحیفه سجادیه الگویی کامل از عدالت اسلامی را عرضه می‌کند؛ الگویی که در آن اخلاق، معنویت و حقوق اجتماعی در کنار هم مسیر ساخت جامعه‌ای متعادل و انسانی را هموار می‌سازند.

## منابع

- احمدی، م. (۱۳۹۰). عدالت اجتماعی در اندیشه اسلامی. تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- حسینی دشتی، م. (۱۳۸۵). معارف و معارف علوی: شرح نهج‌البلاغه و تحلیل اندیشه‌های امام علی (ع). قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- رازی، فخرالدین. (۱۴۰۳ ق). تفسیر کبیر. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طباطبایی، س. م. ح. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (جلدهای گوناگون). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ویل دورانت، د. (۱۳۷۸). تاریخ تمدن (ترجمه احمد آرام). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمدی، ع. (۱۳۹۶). امام سجاد (ع) و عدالت اجتماعی در صحیفه سجادیه. مجله اندیشه دینی و اجتماعی، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۲.
- نهایندی، ح. (۱۳۹۲). تحلیل آموزه‌های اجتماعی اسلام بر پایه دعاهای صحیفه سجادیه. قم: بوستان کتاب.
- صحیفه سجادیه. (بی‌تا). ترجمه و تصحیح محمدباقر محقق. قم: دفتر نشر اسلامی.



## الگوی عدالت جنسیتی در گفتمان دعایی امام سجاد (ع): مطالعه‌ای مضمونی بر صحیفه سجادیه

محمد حسن امامی

گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه باقر العلوم (ع)، قم

گروه مطالعات اجتماعی، مؤسسه آموزش عالی امام رضا (ع)، حوزه علمیه قم

گروه مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم

[mhemami7068@gmail.com](mailto:mhemami7068@gmail.com)

### چکیده

در دهه‌های اخیر، عدالت جنسیتی به یکی از مناقشه‌برانگیزترین مفاهیم در عرصه اندیشه دینی و علوم اجتماعی تبدیل شده است؛ مفهومی که میان دو افراط «برابری‌سازی مکانیکی نقش‌ها» و «توجه نابرابری‌های ساختاری به نام سنت» سرگردان مانده است. در این میان، بخش قابل توجهی از ادبیات موجود، یا مبتنی بر ترجمه نظریه‌های غربی است و یا صرفاً به متون فقهی و حقوقی تکیه دارد. این پژوهش با پذیرش این فرض که دعا در سنت شیعی، تنها گفتگوی عاطفی با خداوند نیست؛ بلکه حامل «گفتمان هنجاری» درباره انسان، خانواده و جامعه است، در پی تبیین الگوی عدالت جنسیتی در گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup> بر اساس صحیفه سجادیه است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمونی، تمامی ادعیه مرتبط با خانواده، روابط انسانی، اخلاق اجتماعی و نفی ظلم در صحیفه سجادیه را مورد بررسی قرار می‌دهد. واحد تحلیل، آن دسته از فرازهای دعایی است که حاوی دلالت‌های مستقیم یا غیرمستقیم درباره کرامت انسان، نسبت زن و مرد، حقوق و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی و مفهوم عدالت هستند. پس از قرائت مکرر متن، واحدهای معنایی استخراج، کدگذاری اولیه بر اساس چارچوب نظری عدالت جنسیتی در اندیشه اسلامی انجام، و سپس کدها در قالب مضامین میانی و اصلی سامان‌دهی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup>، الگویی سه‌سطحی از عدالت جنسیتی عرضه می‌کند: ۱. سطح «کرامت انسانی مشترک»، که هرگونه امتیاز ارزشی مبتنی بر جنسیت را نفی و معیار برتری را تقوا و بندگی می‌داند؛ ۲. سطح «ساختار عادلانه خانواده»، که در آن، خانواده میدان مسئولیت‌های متقابل و حقوق متوازن است، نه مناسبات سلطه یک‌سویه؛ ۳. سطح «روابط اجتماعی عادلانه»، که در آن، هر نوع ظلم، تحقیر، بهره‌کشی و ناامن‌سازی بر پایه جنسیت مردود شمرده می‌شود. بر اساس این مضامین، می‌توان از یک «الگوی تفاوت‌پذیر اما ظلم‌ستیز» از عدالت جنسیتی در صحیفه سجادیه سخن گفت؛ الگویی که ضمن پذیرش تمایز نقش‌ها، هرگونه نابرابری تحقیرآمیز و تبعیض‌آمیز را نامشروع می‌داند و ظرفیت آن را دارد که در مناقشات معاصر پیرامون عدالت جنسیتی، مبنای بازخوانی انتقادی و بازسازی نظریه‌های بومی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: ظلم‌ستیز، عدالت، تقوا، سلطه، سنت.



عدالت جنسیتی در دهه‌های اخیر به یکی از مفاهیم اصلی در منازعات نظری و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی تبدیل شده است. این اصطلاح در ادبیات معاصر، هم در سطح نظریه‌های فمینیستی، و هم در سطح اسناد بین‌المللی، به گونه‌ای به کار رفته که از «برابری کامل حقوقی و نقش‌ها» تا «توزیع متناسب فرصت‌ها و مسئولیت‌ها بر اساس تفاوت‌های زیستی و اجتماعی» را در بر می‌گیرد. [۷] همین تکثر معنایی سبب شده است که هم در حوزه علوم اجتماعی و هم در گفتمان دینی، نوعی ابهام مفهومی و در نتیجه، تعارض در داوری‌ها پدید آید؛ به گونه‌ای که گاه هر خوانشی از نسبت زن و مرد، با یکی از قرائت‌های عدالت جنسیتی ناسازگار می‌نماید و متهم به «ظلم» یا «سنت‌گرایی تبعیض‌آمیز» می‌شود.

در جهان اسلام و به ویژه در فضای فکری ایران، مواجهه با مفهوم عدالت جنسیتی، غالباً در دو سطح صورت گرفته است: نخست، نقد یا پذیرش گزینشی برخی مؤلفه‌های نظریه‌های غربی جنسیت و عدالت؛ و دوم، بازخوانی احکام و آموزه‌های فقهی و حقوقی درباره زن و خانواده بر محور پرسش از «تبعیض» یا «تفاوت». [۱۲] در این میان، بخش مهمی از ادبیات دینی مربوط به زن، خانواده و اخلاق اجتماعی - که در متون معنوی و دعایی بازتاب یافته - در حاشیه مانده است. حال آنکه در سنت شیعی، «دعا» نه صرفاً گفتگوی عاطفی با خداوند؛ بلکه حامل دستگامی از مفاهیم هنجاری درباره انسان، نسبت فرد و جامعه، ساختار خانواده و الگوی مناسبات عادلانه است.

صحیفه سجادیه، به عنوان یکی از مهم‌ترین متون دعایی شیعه، جایگاهی ممتاز در این میان دارد. این اثر را به درستی، «اخت القرآن» و «زبور آل محمد» خوانده‌اند و آن را پس از قرآن کریم و نهج‌البلاغه، از غنی‌ترین منابع معارف الهی و اخلاق اجتماعی دانسته‌اند. [۲] ساختار صحیفه، تنها مجموعه‌ای پراکنده از مناجات‌های فردی نیست؛ بلکه منظومه‌ای نسبتاً منسجم از سخن گفتن با خداوند در اقی‌های گوناگون حیات انسانی است؛ از خودشناسی و عبودیت تا روابط اجتماعی، از مناسبات قدرت و ظلم تا حقوق بندگان و از خانواده و فرزندان تا امت و جامعه. با این همه، سهم صحیفه در ادبیات مربوط به «زن»، «خانواده» و به طور خاص «عدالت جنسیتی»، به مراتب کمتر از ظرفیت واقعی آن بوده است.

از سوی دیگر، بخش مهمی از نوشته‌های دینی درباره زن و خانواده، یا در سطح دفاع خطابی از آموزه‌های اسلامی در برابر نقدهای فمینیستی باقی مانده و یا صرفاً به تبیین احکام فقهی و تفاوت‌های حقوقی میان زن و مرد محدود شده است. [۴، ۱۲] در چنین فضایی، پرسش از اینکه «اگر به جای متن فقهی صرف، به سراغ گفتمان دعایی امام معصوم برویم، چه الگویی از عدالت میان زن و مرد و چه تصویری از ساختار عادلانه خانواده به دست می‌آید؟»، کمتر به صورت روشمند طرح و پی‌گیری شده است. این در حالی است که دعاهای صحیفه، به ویژه در بخش‌هایی که به خانواده، روابط خویشاوندی، حقوق مردم و نفی ظلم اختصاص دارد، واجد دلالت‌های عمیق در باب کرامت انسان، مسئولیت‌های متقابل زن و مرد و مبانی اخلاقی تنظیم مناسبات جنسیتی است.

مسئله اصلی این مقاله از همین خلأ برمی‌خیزد. در شرایطی که مفهوم عدالت جنسیتی در فضای عمومی و دانشگاهی، عمدتاً با ادبیات ترجمه‌شده و یا گفتگوهای فقهی - حقوقی گره خورده است، گفتمان دعایی امام سجاد ۷ در صحیفه سجادیه چه امکانی برای



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

صورت‌بندی یک الگوی بدیل - یا دست کم مکمل - از عدالت جنسیتی دارد؟ به تعبیر دیگر، اگر عدالت جنسیتی را نه صرفاً «برابری آماری فرصت‌ها»؛ بلکه «توزیع عادلانه کرامت، حقوق و مسئولیت‌ها میان زن و مرد» بدانیم، صحیفه سجادیه در سطح مبانی انسان‌شناختی، اخلاقی و خانوادگی، چه مضمونی از این عدالت را به دست می‌دهد و این مضمون چه نسبتی با مناقشات معاصر در این حوزه دارد؟

از منظر این پژوهش، بی‌توجهی به ظرفیت صحیفه سجادیه در بحث عدالت جنسیتی، نوعی کاستی در مواجهه بومی با این مفهوم است؛ زیرا این متن، برخلاف بسیاری از آثار کلامی و فقهی، در مقام «گفتگو با خدا» سامان یافته و در نتیجه، ترجمان نوعی خودآگاهی دینی درباره انسان و مناسبات انسانی است. در چنین متنی، زن و مرد پیش از آنکه در قامت سوژه‌های حقوقی ظاهر شوند، در جایگاه بندگان مخاطب خداوند حضور دارند؛ بندگانی که کرامت آنان از نسبت با خداوند ناشی می‌شود، نه از جنسیت؛ و مسئولیت آنان در قبال یکدیگر، ذیل مسئولیت بزرگ‌تر پاسخگویی به خدا تعریف می‌گردد. این زاویه دید، افقی متفاوت برای فهم عدالت جنسیتی می‌گشاید؛ افقی که نه با تقلیل زن و مرد به نقش‌های اقتصادی - اجتماعی صرف، و نه با فروکاست عدالت به برابری صورتی حقوق، قابل احصا است.

## ۲. بیان مسئله

گفتمان عدالت جنسیتی در جهان معاصر، عمدتاً در چارچوب نظریه‌های مدرن عدالت و حقوق بشر شکل گرفته است؛ نظریه‌هایی که بر پایه فردیت خودبسنده، خودآیینی انسان و قرارداد اجتماعی بنا شده‌اند. در این چارچوب، «برابری»، نقطه آغاز و «حذف هرگونه تفاوت مبتنی بر ویژگی‌های زیستی و هویتی»، یکی از افق‌های اصلی به شمار می‌رود. بسیاری از نقدهایی که از سوی متفکران مسلمان به این الگو وارد شده، حول دو محور می‌چرخد: نخست، نادیده گرفتن ابعاد معنوی و غایی حیات انسان؛ و دوم، بی‌توجهی به نقش تفاوت‌های واقعی میان زن و مرد در طراحی نقش‌ها و مسئولیت‌ها. [۴، ۱۲]

در مقابل، اندیشه اسلامی با تکیه بر مبانی انسان‌شناسی و هستی‌شناسی خاص خود، عدالت را قبل از آنکه به سطح توزیع حقوق و امکانات فرو بکاهد، در نسبت با «حق» و «حقیقت» معنا می‌کند؛ به این معنا که هر چیز در جایگاه شایسته خود قرار گیرد و هر صاحب حقی به حق خود برسد. بر اساس این تلقی، عدالت جنسیتی به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌های زن و مرد یا یکسان‌سازی نقش‌ها نیست؛ بلکه به معنای نفی هرگونه ظلم، تبعیض تحقیرآمیز و محرومیت ناروای هر یک از دو جنس از حقوق انسانی و الهی خویش است. [۵، ۷]

با وجود این، بخش عمده‌ای از ادبیات دینی موجود در این حوزه، هم در سطح دفاع از آموزه‌های اسلامی، و هم در سطح نقد نظریه‌های رقیب، بر متونی؛ چون قرآن، نهج‌البلاغه و متون فقهی و حدیثی تکیه دارد و متون دعایی - به ویژه صحیفه سجادیه - کمتر به عنوان منبع شکل‌دهنده به «گفتمان عدالت» مورد توجه قرار گرفته است. حال آنکه صحیفه، همان‌گونه که برخی پژوهش‌ها در



حوزه اخلاق اجتماعی، عرفان و کلام نشان داده‌اند، واجد شبکه‌ای از مفاهیم درباره کرامت انسان، نفی ظلم، حقوق مردم و ساختار خانواده است که می‌تواند در بحث عدالت جنسیتی نیز راه‌گشا باشد. [۱۱]

در این چارچوب، مسئله اصلی مقاله حاضر را می‌توان چنین صورت‌بندی کرد که چگونه می‌توان با رویکردی مضمونی و نظام‌مند، از ادعیه صحیفه سجادیه الگویی برای عدالت جنسیتی استخراج کرد؛ الگویی که از یکسو، بر مبنای کرامت مشترک انسانی زن و مرد و نفی هرگونه ظلم جنسیتی استوار باشد، و از سوی دیگر، تفاوت‌ها و تکثر نقش‌های خانوادگی و اجتماعی را نیز به رسمیت بشناسد؟ این پرسش، خود متضمن چند پرسش فرعی است که عبارتند از: صحیفه در باب انسان، چه تصویری ارائه می‌کند و این تصویر چه نسبتی با جنسیت دارد؟ در ادعیه مربوط به خانواده، چه نوع رابطه‌ای میان زن و مرد، والدین و فرزندان و اعضای خانواده ترسیم شده است؟ و چه نوع زبانی برای توصیف ظلم، حق‌کشی و عدالت در روابط انسانی به کار رفته و این زبان چگونه می‌تواند در فهم عدالت جنسیتی راه‌گشا باشد؟

### ۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت این پژوهش را می‌توان در سه سطح نظری، گفتمانی و کاربردی توضیح داد.

#### ۳.۱ سطح نظری

مقاله حاضر تلاشی است برای عبور از دوگانه غالب در بحث عدالت جنسیتی؛ دوگانه‌ای که از یکسو، به ترجمه و اقتباس نسبتاً منفعلانه نظریه‌های غربی عدالت و جنسیت محدود می‌شود، و از سوی دیگر، به دفاع کلی و بعضاً واکنشی از احکام موجود، بدون بازخوانی عمیق مبانی اخلاقی و انسان‌شناختی آنها. این پژوهش می‌کوشد با اتکا به متنی کلاسیک و در عین حال کمتر کاویده شده در این حوزه؛ یعنی صحیفه سجادیه، زمینه‌ای برای تولید مفهوم عدالت جنسیتی بر اساس گفتمان اخلاقی - معنوی اسلام فراهم سازد؛ گفتمانی که در آن، عدالت پیش از آنکه یک مقوله حقوقی صرف باشد، یک فضیلت اخلاقی و یک وضعیت وجودی انسان مؤمن است.

#### ۳.۲ سطح گفتمانی

اهمیت کار در این است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان به جای تمرکز یک‌جانبه بر نصوص فقهی، از متون دعایی و معنوی نیز برای بازسازی گفتمان اسلامی در حوزه زن و خانواده استفاده کرد. دعا در سنت شیعی، محل تکوین و بازنمایی نوع خاصی از «خود مؤمن» است؛ خودی که نسبت خود با خدا، خویشتن، خانواده و جامعه را در قالب گفتگو و اعتراف و طلب، صورت‌بندی می‌کند. در چنین متنی، عدالت جنسیتی تنها موضوع بحث نظری نیست؛ بلکه به شکل ضمنی در نحوه خطاب، نوع درخواست‌ها درباره خانواده، شیوه توصیف ظلم و حق‌کشی و ارزیابی موقعیت‌های انسانی منعکس می‌شود. بازخوانی این لایه‌ها می‌تواند به اصلاح زبان و چارچوب‌های موجود در گفتگوهای دینی درباره زن و مرد کمک کند و از فروکاست آنها به سطح جدال‌های سیاسی و حقوقی جلوگیری نماید.



نتایج این پژوهش می‌تواند برای حوزه‌های مختلفی؛ مانند آموزش دینی، تدوین متون درسی در موضوع زن و خانواده، طراحی برنامه‌های فرهنگی درباره ارتقای اخلاق خانوادگی و اجتماعی، و حتی بازاریابی در برخی سیاست‌گذاری‌ها در حوزه زنان و خانواده مفید باشد. اگر استخراج الگوی عدالت جنسیتی از صحیفه سجادیه به درستی صورت‌بندی و تبیین شود، می‌تواند مبنایی برای طراحی محتوای آموزشی و تربیتی قرار گیرد که در آن، به جای تکرار شعارهای کلی، بر کرامت مشترک انسان، مسئولیت‌های متقابل، نفی ظلم و رعایت تناسب نقش‌ها تأکید می‌شود. [۴، ۱۲]

#### ۴. پیشینه و خلأ پژوهش

مرور اجمالی پیشینه نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، آثار متعددی درباره عدالت جنسیتی در ایران منتشر شده است؛ آثاری که یا از منظر حقوقی - کیفری، یا از منظر جامعه‌شناختی، و یا در قالب تحلیل انتقادی اسناد بین‌المللی به این مفهوم پرداخته‌اند؛ همانند «بررسی ساختاری عدالت جنسیتی در کیفرگذاری جرایم تعزیری» و «بررسی رویکردهای رایج در مفهوم عدالت جنسیتی». علاوه بر این، مجموعه‌ای از کتاب‌ها و مقالات نیز به تبیین جایگاه زن در اسلام و حقوق زن در فقه و شریعت پرداخته‌اند؛ مانند آثار شهید مطهری و آیت‌الله جوادی آملی که به ویژه در تبیین مبانی کرامت زن، تفاوت‌های زن و مرد، و فلسفه احکام خانوادگی نقش داشته‌اند؛ آثاری همچون «نظام حقوق زن در اسلام» و «زن در آینه جمال و جلال».

با این حال، در میان این حجم از آثار، دو کاستی عمده دیده می‌شود: نخست، غلبه رویکرد فقهی - حقوقی و کم‌رنگ بودن توجه به منابع معنوی - دعایی، و دوم، فقدان پژوهشی نظام‌مند که به طور خاص، عدالت جنسیتی را از زاویه گفتمان دعایی صحیفه سجادیه موضوع مطالعه قرار داده باشد.

هر چند برخی پژوهش‌ها به ابعاد مختلف صحیفه پرداخته‌اند؛ همانند عرفان نظری، آموزه‌های اخلاقی، تصویر انسان کامل، یا نگاه آن به امامت، اما عدالت جنسیتی به مثابه مفهومی مستقل و به مثابه محور تحلیل مضمونی ادعیه، در مرکز توجه قرار نگرفته است. و دیگر آنکه، آن دسته از آثاری که به زن و خانواده از منظر متون دینی پرداخته‌اند، غالباً قرآن و نهج‌البلاغه را در کانون توجه قرار داده‌اند و اگر هم به صحیفه پرداخته‌اند، بیشتر به صورت حاشیه‌ای و در حد ذکر برخی ادعیه به عنوان شواهد استناد کرده‌اند. این در حالی است که ساختار ادعیه صحیفه - به ویژه در دعاهای مربوط به والدین، فرزندان، همسایگان، اهل ثغور، حاکمان و رعیت - سرشار از مضامین عدالت‌خواهانه و ظلم‌ستیزانه است که می‌تواند در فهم عدالت جنسیتی نیز ایفای نقش کند.

بدین ترتیب، این پژوهش به دنبال تحلیل مضمونی و نظام‌مند از عدالت جنسیتی در گفتمان دعایی امام سجاد (ع) است؛ تحلیلی که نه در سطح گردآوری نقلی شواهد؛ بلکه در سطح استخراج مضامین، مقوله‌بندی آنها و صورت‌بندی یک الگوی مفهومی عمل کند.



۵. اهداف و سؤالات پژوهش

این پژوهش بر مبنای این پیش فرض شکل گرفته است که متون دعایی کلاسیک شیعی و به ویژه صحیفه سجادیه، صرفاً حامل عواطف دینی نیستند؛ بلکه در لایه عمیق تر خود، واجد «گفتمان هنجاری» درباره انسان، خانواده و جامعه‌اند. بر این اساس، هدف کلی مقاله، تبیین و صورت‌بندی الگوی عدالت جنسیتی در گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup>، بر اساس تحلیل مضمونی ادعیه منتخب صحیفه سجادیه است.

برای دستیابی به این هدف، چند کار می‌بایست انجام شود:

ا. استخراج و تبیین مبانی انسان‌شناختی عدالت جنسیتی در اندیشه اسلامی با تکیه بر مفهوم کرامت انسانی، تفاوت نقش‌ها و نفی ظلم جنسیتی.

ب. شناسایی و طبقه‌بندی مضامین مرتبط با عدالت، ظلم، کرامت انسانی، خانواده و روابط زن و مرد در ادعیه صحیفه سجادیه.

ج. استخراج شاخص‌ها و مؤلفه‌های عدالت جنسیتی در ادعیه صحیفه و سازمان‌دهی آنها در قالب مضامین میانی و اصلی.

د. صورت‌بندی یک الگوی مفهومی سه‌سطحی از عدالت جنسیتی (سطح کرامت انسانی، سطح ساختار خانواده، و سطح روابط اجتماعی) در گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup>.

ه. بررسی نسبت الگوی به دست آمده با برخی خوانش‌های معاصر از عدالت جنسیتی در ادبیات اسلامی و غیر اسلامی، به صورت اجمالی و در سطح نظری.

لذا سؤال اصلی این پژوهش، چنین است: الگوی عدالت جنسیتی در گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup> - بر اساس ادعیه صحیفه سجادیه

- چیست و بر چه مؤلفه‌ها و مضامینی استوار است؟

برای پاسخ به این سؤال، پاسخ به چند سؤال فرعی لازم است که عبارتند از:

ا. عدالت جنسیتی، بر پایه مبانی انسان‌شناختی و اخلاقی اندیشه اسلامی، با چه شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی قابل تعریف و عملیاتی‌سازی است؟

ب. در ادعیه صحیفه سجادیه، کدام مضامین مرتبط با کرامت انسان، نفی ظلم، ساختار خانواده و روابط زن و مرد قابل

شناسایی است و این مضامین چگونه می‌توانند در چارچوب عدالت جنسیتی بازخوانی شوند؟

ج. گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup> چه تصویری از رابطه زن و مرد و تقسیم حقوق و مسئولیت‌ها در خانواده ارائه می‌کند؟

د. مضامین صحیفه درباره ظلم، حق‌کشی و انصاف در روابط انسانی، چه دلالت‌هایی برای نفی تبعیض و بی‌عدالتی جنسیتی دارد؟

ه. الگوی عدالت جنسیتی مستفاد از صحیفه سجادیه، چه تفاوت‌ها و هم‌پوشانی‌هایی با برخی رویکردهای معاصر به

عدالت جنسیتی دارد و چگونه می‌تواند در بازسازی گفتمان بومی در این حوزه مؤثر باشد؟



در فضای علمی حاضر که بخش مهمی از بحث‌های مربوط به عدالت جنسیتی میان دو قطب «ترجمه نظریه‌های غربی» و «واکنش‌های دفاعی و خطابی» در نوسان است، هر پژوهشی که مدعی نوآوری باشد، ناگزیر باید به صورت شفاف نشان دهد که چه چیزی را اضافه می‌کند و کدام خلأ را پر می‌کند. بر همین اساس، نوآوری مقاله حاضر را می‌توان در سه سطح متن، روش و نظریه توضیح داد:

### ۶.۱ نوآوری متنی: تمرکز بر صحیفه سجادیه به عنوان منبع اصلی عدالت جنسیتی

بخش عمده ادبیات اسلامی مربوط به زن و خانواده، بر قرآن، روایات فقهی، متون حقوقی و گاه نهج البلاغه متمرکز بوده است. در این میان، صحیفه سجادیه - با آنکه از نظر محتوای اخلاقی و اجتماعی، ظرفیت بالایی دارد - کمتر به صورت مستقیم در مباحث عدالت جنسیتی مورد استفاده قرار گرفته است. مقاله حاضر، با انتخاب صحیفه سجادیه به عنوان «متن کانونی» و نه صرفاً «متن حاشیه‌ای»، تلاش می‌کند از دل ادعیه این کتاب و به طور روشمند، مؤلفه‌های عدالت جنسیتی را استخراج کرده و آن را در قالب الگو صورت‌بندی کند. این جابه‌جایی کانون توجه، خود یک نوآوری قابل دفاع است، به ویژه در سنتی که اغلب، دعا را به حوزه احساسات فردی محدود کرده است.

### ۶.۲ نوآوری روشی: به‌کارگیری تحلیل مضمونی نظام‌مند در مطالعه متن دعایی

مطالعات دینی سنتی، معمولاً با رویکردهای تفسیری، کلامی یا فقهی به متون می‌نگرند، اما پژوهش حاضر از روش تحلیل مضمونی - به عنوان یکی از روش‌های شناخته‌شده در پژوهش کیفی - برای مطالعه متن دعایی بهره می‌گیرد. این بدان معناست که ادعیه صحیفه، نه صرفاً به عنوان مجموعه‌ای از عبارات معنوی؛ بلکه به مثابه «داده» کدگذاری، مقوله‌بندی و در قالب مضامین اصلی و فرعی سامان‌دهی می‌شود. به‌کارگیری این روش در مطالعه عدالت جنسیتی در یک متن دعایی شیعی، گامی رو به جلو در پیوند روش‌های نوین پژوهش کیفی با علوم اسلامی است.

### ۶.۳ نوآوری نظری: صورت‌بندی یک الگوی سه‌سطحی عدالت جنسیتی

نوآوری سوم مقاله، در سطح نظری است. نتیجه تحلیل مضمونی ادعیه منتخب، به صورت‌بندی الگویی می‌انجامد که عدالت جنسیتی را در سه سطح «کرامت انسانی مشترک»، «ساختار عادلانه خانواده» و «روابط اجتماعی عادلانه» توضیح می‌دهد. این الگو از یکسو، با ادبیات اسلامی موجود درباره کرامت انسان، حقوق زن و خانواده هم‌سخن است، [۴، ۱۲] و از سوی دیگر، فاصله خود را از دو افراط برابری‌گرایی مکانیکی و تفاوت‌گرایی توجه‌گر تبعیض، حفظ می‌کند. در این الگو، تفاوت نقش‌ها به معنای تفاوت در درجه کرامت یا حق‌مندی نیست؛ بلکه به معنای تنظیم متوازن مسئولیت‌ها بر اساس واقعیت‌های انسان‌شناختی و غایات اخلاقی است. در نهایت، مقاله حاضر می‌کوشد سهمی هر چند محدود در شکل‌دهی به گفتمان بومی عدالت جنسیتی داشته باشد؛ گفتمانی که هم نسبت انتقادی خود را با برخی عناصر نظریه‌های سکولار حفظ کند، و هم از فروکاست عدالت به دفاع از وضع موجود بپرهیزد.



تکیه بر صحیفه سجادیه به عنوان متنی که در عین عمق معنوی، ناظر به زندگی عینی و روابط واقعی انسان‌هاست، می‌تواند به ایجاد توازن میان «آرمان‌گرایی اخلاقی» و «واقع‌گرایی اجتماعی» در این گفت‌وگو کمک کند.

به این معنا، ادعای مقاله این نیست که آخرین یا تنها الگوی ممکن عدالت جنسیتی اسلامی را ارائه می‌دهد؛ بلکه این است که از دل یک متن مهجورتر در این ساحت؛ یعنی صحیفه سجادیه، الگویی بدیل و قابل بحث عرضه می‌کند که قابل مقایسه، نقد و تکمیل در کنار دیگر الگوهاست.

## ۲. مبانی نظری و مفهومی عدالت جنسیتی در اندیشه اسلامی

در این بخش، ابتدا مفهوم «عدالت» را در منظومه فکری اسلام روشن می‌کنیم، سپس به «عدالت جنسیتی» می‌رسیم، پس از آن، جایگاه زن و مرد در انسان‌شناسی اسلامی را توضیح می‌دهیم، و در پایان، چارچوب مفهومی و شاخص‌هایی را که در تحلیل صحیفه سجادیه به کار خواهیم گرفت، صورت‌بندی می‌کنیم.

### ۲.۱ مفهوم عدالت در سنت اسلامی

در سنت اسلامی، عدالت مفهومی حاشیه‌ای و فرعی نیست و از مبانی توحید تا فروع فقه، رد پای آن دیده می‌شود. عدالت در قرآن کریم، هم‌زمان مفهومی الهی، اخلاقی و اجتماعی است. خداوند «قائماً بالقسط» معرفی می‌شود، پیامبران برای برپایی قسط برانگیخته می‌شوند، و مؤمنان مأمور به قیام برای عدالت هستند. این گستره معنایی، از همان آغاز نشان می‌دهد که عدالت در اندیشه اسلامی، صرفاً یک قاعده حقوقی نیست؛ بلکه یک «نظم وجودی و ارزشی» است.

در کلام و فلسفه اسلامی، دو لایه اساسی در معنای عدالت قابل تفکیک است: لایه نخست، عدالت به مثابه «وضع الشیء فی موضعه» است؛ یعنی هر چیز در جای شایسته خود قرار گیرد و هر صاحب حقی به حق خود برسد. این معنا در آثار حکما و متکلمان تکرار شده و به ویژه در بحث عدل الهی، به صورت مبنای نظری فهم نظام هستی و مناسبات حق و خلق به کار رفته است. لایه دوم، عدالت به مثابه «ملکه و فضیلت اخلاقی» در نفس انسان است؛ یعنی حالتی که انسان را از تجاوز، افراط و تفریط باز داشته و او را در سلوک فردی و اجتماعی، بر میزان حق و انصاف نگه می‌دارد.

در فقه و حقوق اسلامی نیز، عدالت هم در مقام «شرط» (مثلاً عدالت شاهد، عدالت حاکم، عدالت امام جماعت) و هم در مقام «غایت» (مثلاً عدالت در قضا، عدالت در تقسیم حقوق خانوادگی و مالی) حضور دارد. از این منظر، عدالت، هم معیار اعتبار برخی احکام است و هم هدفی است که بسیاری از احکام برای تحقق آن جعل شده‌اند. هنگامی که بحث به حوزه زن و مرد می‌رسد، همین دو سطح باید هم‌زمان دیده شود: از یکسو، عدالت به عنوان معیار ارزیابی احکام و ساختارهای حقوقی، و از سوی دیگر، عدالت به عنوان فضیلت اخلاقی در رفتار زن و مرد نسبت به یکدیگر.

بنابراین، قبل از هرگونه بحث درباره عدالت جنسیتی، باید روشن باشد که عدالت در این مقاله، نه به معنای صرف «مساوات» و نه به معنای «حفظ وضع موجود» است؛ بلکه ناظر به «تناسب حق و تکلیف با حقیقت انسان» است. این تلقی، ما را از دو خطای رایج



باز می‌دارد: یکی فروکاست عدالت به برابری کمی همه چیز؛ و دیگری، تقدیس هر نوع تفاوتِ حقوقی تاریخی به نام دین، بدون سنجش آن با معیارهای حقیقی عدل.

### ۲.۲ از عدالت تا عدالت جنسیتی

وقتی واژه جنسیت کنار عدالت قرار می‌گیرد، حساسیت‌ها چند برابر می‌شود. در ادبیات معاصر، «عدالت جنسیتی» گاهی به معنای «برابری کامل فرصت‌ها، حقوق و نتایج میان زن و مرد» به کار می‌رود و گاهی هم به معنای «حذف هر گونه تبعیض مبتنی بر جنسیت». در برخی متون اسلامی معاصر، تلاش شده است تا تعریفی سازگارتر با مبانی دینی ارائه شود و از مفاهیمی مانند «عدالت استحقاقی» سخن رفته است؛ یعنی هر یک از زن و مرد، به میزان استحقاق واقعی و با توجه به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های خود، از حقوق و فرصت‌ها بهره‌مند شوند، به گونه‌ای که هیچ کدام موضوع ظلم و تبعیض تحقیرآمیز قرار نگیرند. [۳، ۸]

در این فضای پرتنوع، اگر عدالت جنسیتی را ساده‌سازی کنیم، عملاً یا به ورطه پذیرش بی‌چون و چرای الگوهای سکولار می‌افسیم، یا در جبهه دفاع کور از هر نوع تفاوتِ حقوقی موجود می‌ایستیم. مقاله حاضر، با تکیه بر مبانی اسلامی، عدالت جنسیتی را چنین توضیح می‌دهد:

- عدالت جنسیتی؛ یعنی نفی هر گونه ظلم، تحقیر و محرومیت ناروا بر پایه جنسیت؛
  - عدالت جنسیتی؛ یعنی توزیع متناسب کرامت، حقوق و مسئولیت‌ها میان زن و مرد، بر اساس حقیقت مشترک انسانی و تفاوت‌های واقعی و کارکردی؛
  - عدالت جنسیتی؛ یعنی پذیرش تفاوت نقش‌ها، در عین نفی هر نوع برتری ارزشی ذاتی یک جنس بر جنس دیگر.
- بر این اساس، عدالت جنسیتی با مساوات مکانیکی تفاوت دارد. مساوات مکانیکی بر این باور است که هر جا برای مرد حقی تعریف شد، همان حق و به همان شکل باید برای زن نیز تعریف شود، آن هم بدون توجه به تفاوت‌های جسمی، روانی، خانوادگی و اجتماعی. اما عدالت جنسیتی - در تلقی اسلامی - می‌گوید: زن و مرد در کرامت انسانی، امکان قرب الهی، حق حیات، حق آموزش، حق برخورداری از امنیت و احترام اجتماعی، هم‌سنگ هستند، اما در بعضی نقش‌ها و تکالیف، ممکن است تفاوت‌هایی وجود داشته باشد که اگر بر پایه مصلحت واقعی و ساختار حقیقی وجود انسان باشد، با عدالت منافات ندارد. [۴، ۱۲]
- نکته اساسی اینجاست که هر تفاوت حقوقی، لزوماً عادلانه نیست؛ همان‌گونه که هر برابری صوری، لزوماً عادلانه محسوب نمی‌شود. معیار، نسبت این تفاوت یا برابری با حقیقت انسان، کرامت مشترک و مصالح واقعی فرد و جامعه است. اینجاست که پای مبانی انسان‌شناختی به میان می‌آید؛ مبانی که بدون آنها، عدالت جنسیتی در حد شعار باقی می‌ماند.

### ۲.۳ جایگاه زن و مرد در انسان‌شناسی اسلامی

در انسان‌شناسی اسلامی، نقطه آغاز، انسان است، نه مرد و زن. قرآن معیارهای اصلی کرامت و برتری را در تقوا، علم، عمل صالح و قرب الهی قرار می‌دهد، نه در جنس، نژاد، قومیت یا طبقه. از این منظر، زن و مرد دو صورت از یک حقیقت هستند؛ هر دو مخلوق



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

خدا، هر دو مخاطب تکلیف، هر دو قادر بر سیر الی الله، و هر دو موضوع ثواب و عقاب می‌باشند. آثار متفکرانی که به صورت نظام‌مند به مسئله زن در اسلام پرداخته‌اند - مانند شهید مطهری در «نظام حقوق زن در اسلام» و علامه جوادی آملی در «زن در آینه جلال و جمال» - بر همین نکته تأکید دارند که کرامت زن و مرد، در مرتبه انسانیت یکی است و تفاوت‌ها مربوط به نقش‌ها و استعدادهای خاص است، نه مربوط به ارزش ذاتی. [۴، ۱۲]

بر اساس این مبانی، می‌توان چند قید مهم برای فهم عدالت جنسیتی در اندیشه اسلامی ترسیم کرد:

### ۱. کرامت ذاتی مشترک

زن و مرد به عنوان انسان، حامل کرامتی هستند که از نسبت آنها با خداوند ناشی می‌شود، نه از کارکرد اجتماعی آنها. هیچ نظامی از حقوق و تکالیف، اگر این کرامت را مخدوش کند و یکی از دو جنس را به مرتبه ابزار یا شیء فرو بکاهد، اسلامی و عادلانه نیست.

### ۲. تفاوت‌های تکوینی و روانی

اسلام، تفاوت‌هایی را در ابعاد جسمی، عاطفی و نقش‌های طبیعی زن و مرد می‌پذیرد و این تفاوت‌ها را در برخی احکام لحاظ کرده است، اما همین تفاوت‌ها، نیازمند تفسیر دقیق و جلوگیری از سوء استفاده است؛ یعنی نمی‌توان هر نوع ساختار اجتماعی تبعیض‌آمیز را به تفاوت‌های تکوینی الصاق کرد و از زیر بار نقد اخلاقی فرار نمود.

### ۳. خانواده به عنوان واحد اصلی عدالت جنسیتی

در انسان‌شناسی اسلامی، انسان به صورت منفرد و جدا از خانواده تعریف نمی‌شود. زن و مرد، در بسیاری از نقش‌ها، در نسبت با خانواده معنا پیدا می‌کنند. بنابراین، عدالت جنسیتی، صرفاً مسئله توزیع فرصت‌ها در بازار کار یا سیاست نیست؛ بلکه در سطحی عمیق‌تر، مسئله «عدالت در ساختار خانواده، در تقسیم محبت، توجه، مسئولیت و قدرت» است.

### ۴. مسئولیت متقابل و پاسخگویی در پیشگاه خداوند

در نگاه اسلامی، زن و مرد نه صرفاً در برابر جامعه یا دولت؛ بلکه در برابر خداوند مسئول هستند. این مسئولیت، نوعی «تقوای رابطه‌ای» ایجاد می‌کند؛ یعنی هر نوع ظلم به دیگری - از جمله ظلم جنسیتی - نه فقط تجاوز به حق انسان، که تخطی از مرزهای الهی است. بر این اساس، عدالت جنسیتی بدون تقوای فردی و اجتماعی، به مفهوم تو خالی تبدیل می‌شود. این محورهای انسان‌شناختی، در تحلیل متون دینی از جمله صحیفه سجادیه، اهمیت مضاعف پیدا می‌کنند؛ زیرا دعا، نقطه تلاقی خودآگاهی انسان، اعتراف به ضعف‌ها و طلب اصلاح در پرتو این مبانی است.

### ۷.۴ صحیفه سجادیه و گفتمان عدالت و کرامت

صحیفه سجادیه، متنی است که در ظاهر، مجموعه‌ای از دعاهاست، اما در لایه عمیق‌تر، یک «جهان‌بینی زبانی» را به تصویر می‌کشد؛ جهان‌بینی‌ای که در آن، نسبت خدا و انسان، فرد - جامعه - اکم و محکوم، خانواده و امت، و نیز ظلم و عدالت، بارها و



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

بارها صورت‌بندی می‌شود. مقدمه‌ها و شروح متعددی که بر صحیفه نوشته شده‌اند، بر این جنبه تأکید کرده‌اند که این متن، تنها برای

خواندن در خلوت عبادت نیست؛ بلکه برای فهمیدن منطق عبودیت و حیات اخلاقی نیز هست. [۶، ۱۱]

وقتی از منظر عدالت جنسیتی به صحیفه می‌نگریم، چند نکته کلیدی در ساختار این متن به چشم می‌خورد:

### ۱. محوریت کرامت انسان در برابر خداوند

بسیاری از دعاها، با توصیف انسان به عنوان موجودی ضعیف، محتاج و خطاکار آغاز می‌شوند، اما در عین حال، بر شرافت او به عنوان حامل «روح الهی» و مخاطب خطاب‌های الهی تأکید دارند. این ترکیب تواضع و کرامت، چارچوبی می‌سازد که در آن، هیچ انسانی - از جمله زن و مرد - مجاز به تحقیر دیگری نیست؛ زیرا هر دو، در برابر عظمت خداوند، در موقعیت بندگی مشترک قرار دارند.

### ۲. حضور پررنگ خانواده و روابط خویشاوندی در دعاها

دعاهای مربوط به والدین، فرزندان، همسایگان، مؤمنان و... شبکه‌ای از روابط انسانی را ترسیم می‌کند که در آن، محبت، مسئولیت، حق و تکلیف در هم تنیده‌اند. در این دعاها، الگوی مطلوب رابطه، نه سلطه و استیلا؛ بلکه رحمت، شفقت و رعایت حقوق است. هر چند در متن دعاها، واژگان زن و مرد همیشه به طور صریح نمی‌آیند، اما ساختار خانواده‌ای که ترسیم می‌شود، ناگزیر از حضور هر دو جنس است و منطق حاکم بر آن، قابل تعمیم به مناسبات زن و مرد در خانواده است.

### ۳. تأکید مکرر بر نفی ظلم و طلب عدل

امام سجاد ۷ در دعاهای مربوط به حاکمان و رعیت، به صراحت از خداوند می‌خواهد که او را از ظلم به بندگان حفظ کند و در مقابل ظالمان قرار ندهد. در دعاهای مربوط به حقوق مردم نیز، به شدت از حق‌کشی، استعلاء، استضعاف و تحقیر برحذر می‌دارد. این زبان، وقتی در کنار انسان‌شناسی توحیدی قرار می‌گیرد، زمینه‌ای می‌سازد که در آن، هر نوع ظلم - از جمله ظلم مبتنی بر جنسیت - نامشروع و مطرود است.

### ۴. خودآگاهی و اعتراف به خطا

ساختار بسیاری از دعاهای صحیفه، اعتراف‌محور است؛ یعنی انسان، خطاها، غفلت‌ها و ظلم‌های خود را برمی‌شمارد و از خداوند طلب اصلاح می‌کند. این ساختار، اگر در حوزه روابط زن و مرد نیز به کار گرفته شود، می‌تواند مبنای نقد اخلاقی رفتارهای ظالمانه و تبعیض‌آمیز باشد. مردی که به حقوق همسر خود بی‌اعتناست، زنی که به وظایف خود در قبال خانواده بی‌مبالات است، یا جامعه‌ای که ساختارهای ناعادلانه بر یکی از دو جنس تحمیل می‌کند، همه در معرض این نقد قرار می‌گیرند.



بنابراین، صحیفه سجادیه را می‌توان متنی دانست که در آن «عدالت» و «کرامت» نه در قالب بحث نظری؛ بلکه در قالب دعا و گفتگو با خداوند صورت‌بندی شده‌اند. هنر پژوهش حاضر این است که این صورت‌بندی‌دعایی را با ابزار تحلیل مضمونی، به زبان نظری عدالت جنسیتی ترجمه کند.

### ۷.۵ چارچوب مفهومی و شاخص‌های عدالت جنسیتی در این پژوهش

بر پایه مباحث پیش‌گفته و با استفاده از ادبیات موجود درباره عدالت جنسیتی در اسلام، [۳، ۴، ۵، ۸، ۱۲] می‌توان چارچوب مفهومی زیر را برای تحلیل ادعیه صحیفه پیشنهاد کرد:

#### ۱. کرامت انسانی مشترک زن و مرد

هر فراز دعایی که در آن، انسان - بدون تفکیک جنسیتی - به عنوان موجودی کریم، محترم، مخاطب خطاب الهی، شایسته رحمت یا موضوع محبت الهی معرفی شود، برای ما دلالت بر کرامت مشترک زن و مرد دارد. این کرامت، سنگ بنای عدالت جنسیتی است؛ زیرا هر نظامی از حقوق و تکالیف که کرامت یک جنس را فروتر از جنس دیگر قرار دهد، از منظر اسلامی قابل دفاع نیست. در تحلیل مضمونی، هر اشاره به بندگان، مؤمنان، بندگان صالح، مسلمانان و... که معیار برتری را به تقوا و ایمان بازگرداند، در این دسته قرار می‌گیرد.

#### ۲. نفی ظلم، تحقیر و استضعاف در روابط انسانی

فرازهایی که در آن از خداوند طلب رهایی از ظلم، حفظ از تعدی به حقوق دیگران، دوری از استعلاء و استضعاف و پرهیز از تحقیر بندگان می‌شود، شاخص دیگری برای عدالت جنسیتی است؛ زیرا هر نوع ظلم و تحقیر، فارغ از موضوع آن، در گفتمان اسلامی مطرود است و وقتی این معیار عمومی پذیرفته شد، ظلم مبتنی بر جنسیت نیز ذیل آن قرار می‌گیرد. در تحلیل، هر جا از واژگانی؛ مانند ظلم، بغی، استعلاء، استضعاف، هضم حقوق، استخفاف و مانند آن سخن رفته، به عنوان نشانه‌های حساسیت گفتمان دعایی نسبت به عدالت بررسی می‌شود.

#### ۳. ساختار عادلانه خانواده و مسئولیت‌های متقابل

دعاهای مربوط به والدین، فرزندان، همسران، خویشاوندان و اهل بیت، منبع اصلی استخراج شاخص‌های عدالت در سطح خانواده‌اند. در این فرازها، نوع نگاه به روابط خانوادگی، نحوه توصیف وظایف هر عضو، میزان تأکید بر محبت، گذشت، رعایت حقوق، دعا برای سعادت مشترک و... نشان می‌دهد که خانواده در این گفتمان، چگونه واحدی است و عدالت در آن چگونه فهمیده می‌شود. هر جا مسئولیت‌ها به صورت یک‌سویه و سلطه‌گرانه تعریف نشده؛ بلکه بر مسئولیت متقابل تأکید شده است، برای ما نشانه‌ای از عدالت جنسیتی در سطح خانواده است.



### ۴. مسئولیت اخلاقی مرد در قبال خانواده

در ادبیات اسلامی، غالباً مرد به عنوان سرپرست خانواده معرفی می‌شود، اما این سرپرستی، در متون اخلاقی و معنوی، بیش از آنکه به معنای سلطه باشد، به معنای مسئولیت سنگین‌تر است. در صحیفه سجادیه، هر جا مرد - به عنوان پدر، شوهر، یا سرپرست - مخاطب تکلیف‌های سنگین‌تر در قبال خانواده قرار می‌گیرد، یا از خداوند برای انجام درست وظایفش یاری می‌طلبد، شاخصی برای فهم این نوع سرپرستی به عنوان مسئولیت و خدمت، نه برتری ارزشی به دست می‌آید. این نکته در تحلیل عدالت جنسیتی اهمیت دارد؛ زیرا بسیاری از نابرابری‌های ظاهری، اگر در چارچوب «مسئولیت خدمت‌محور» فهمیده شود، معنایی متفاوت پیدا می‌کند.

### ۵. الگوی روابط اجتماعی عادلانه و محترمانه

دعاهای مربوط به حقوق مردم، همسایگان، مؤمنان، اهل ثغور، و حتی دشمنان، تصویری از روابط اجتماعی مطلوب در گفتمان امام سجاد<sup>۷</sup> ارائه می‌دهد. هر جا سخن از رعایت حقوق همه، پرهیز از اهانت، عدالت در معامله، انصاف در قضاوت و... به میان می‌آید، این مضامین، وقتی در کنار انسان‌شناسی توحیدی قرار گیرد، به عدالت جنسیتی نیز تسری پیدا می‌کند؛ یعنی جامعه‌ای که در آن اصولاً تحقیر دیگری ممنوع است، نمی‌تواند تحقیر مبتنی بر جنسیت را نادیده بگیرد.

### ۶. تربیت اخلاقی و تقوای رابطه‌ای

در بسیاری از فرازهای صحیفه، امام سجاد<sup>۷</sup> از خداوند طلب می‌کند که اخلاق او را اصلاح کند، خشونت، تندی، خودخواهی، حسد و دیگر رذایل را از او بزداید و به جای آنها، حلم، رحمت، تواضع و حسن خلق قرار دهد. این مضامین، وقتی در بستر روابط زن و مرد و ساختار خانواده قرار گیرد، شاخصی برای «تقوای رابطه‌ای» است؛ یعنی عدالت جنسیتی، بدون تربیت اخلاقی و کنترل امیال سلطه‌گرانه، تحقق‌پذیر نیست. به عبارت دیگر، عدالت جنسیتی صرفاً با تغییر قانون به دست نمی‌آید؛ بلکه نیازمند اصلاح قلب و خلق هم هست.

این شش محور، چارچوب مفهومی است که در بخش روش‌شناسی، به زبان «کدها و مقوله‌ها» ترجمه خواهد شد و در بخش یافته‌ها، بر اساس آن ادعیه صحیفه خوانده و تحلیل می‌شود. به این ترتیب، از یکسو، عدالت جنسیتی در حد مفهوم مبهم و انتزاعی باقی نمی‌ماند، و از سوی دیگر، تحلیل متن دعا از وضعیت ذوقی و سلیقه‌ای خارج شده و تابع یک منطق قابل پیگیری و نقد می‌شود.

### ۸. روش‌شناسی پژوهش

#### ۸.۱. نوع پژوهش و رویکرد کلی

این پژوهش از نظر هدف، نظری - کاربردی است؛ بدین معنا که از یکسو، در پی غنای ادبیات نظری عدالت جنسیتی از منظر گفتمان اسلامی است و از سوی دیگر، می‌کوشد الگویی قابل استفاده در عرصه‌های آموزشی و فرهنگی ارائه کند. از نظر ماهیت و



## صحیفه سجاده امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

روش، پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد؛ زیرا با داده‌های زبانی و متنی سر و کار دارد و هدف، فهم و تفسیر

معانی و مضامین نهفته در دعاهای صحیفه سجاده است، نه اندازه‌گیری و آزمون فرضیه‌های کمی. [۱۳]

رویکرد اصلی در تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمونی است؛ روشی که در ادبیات روش‌شناسی کیفی، برای شناسایی، استخراج، سازمان‌دهی و تفسیر الگوهای معنایی در داده‌های متنی به کار می‌رود. [۹] در این روش، پژوهشگر با تکیه بر خوانش مکرر متن، واحدهای معنایی مرتبط با سؤال پژوهش را استخراج کرده، کدگذاری اولیه را انجام داده، کدها را در قالب مقوله‌ها و مضامین میانی سامان داده و در نهایت به مضامین اصلی و الگوهای کلی می‌رسد.

انتخاب تحلیل مضمونی برای این پژوهش چند دلیل روشن دارد:

۱. ماهیت متنی و معنوی داده‌ها؛

۲. نیاز به استخراج تدریجی مضامین و الگوها از متن، بدون تحمیل پیش‌داوری‌های سخت و صلب؛

۳. امکان پیوند دادن یافته‌های متنی با چارچوب نظری عدالت جنسیتی؛

۴. قابلیت بازتولید فرایند تحلیل توسط پژوهشگران دیگر، در صورت شفاف بودن مراحل کار.

به این ترتیب، پژوهش حاضر نه در پی تفسیر ذوقی و خطابه‌ای از صحیفه است، نه به دنبال یک قرائت صرفاً فقهی؛ بلکه در پی آن است که با رویکردی سیستماتیک و کیفی، «مضامین عدالت و کرامت» را در گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup> ردیابی کرده و آنها را در قالب الگویی از عدالت جنسیتی صورت‌بندی کند.

### ۸.۲ جامعه متنی و میدان پژوهش

جامعه پژوهش در این مقاله، تمامی ادعیه منسوب به امام سجاد<sup>۷</sup> در صحیفه سجاده، بر اساس نسخه‌های معتبر و رایج این کتاب است. صحیفه در قالب مجموعه‌ای از دعاها سامان یافته است که هر یک موضوع یا موقعیتی خاص را پوشش می‌دهد؛ مانند دعا در

طلب مغفرت، دعا برای والدین، دعا برای فرزندان، دعا برای اهل ثغور، دعا برای همسایگان، دعا برای حاکمان و... [۱۱]

با این حال، بدیهی است که همه دعاها به طور یکسان برای بحث عدالت جنسیتی موضوعیت ندارند. برای مثال، دعاهایی که به طور عمده بر حالات درونی سالک، خوف از خدا، توبه و استغفار فردی متمرکزند، نسبت به دعاهایی که به خانواده، جامعه و روابط انسانی اشاره می‌کنند، اهمیت ثانوی دارند. از این رو، پژوهش حاضر ضمن آنکه تمام صحیفه را به عنوان میدان معنایی عام در نظر می‌گیرد، در عمل، بر زیرمجموعه‌ای از دعاها تمرکز می‌کند که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با محورهای زیر پیوند دارند:

۱. خانواده و روابط خویشاوندی؛

۲. حقوق مردم و روابط اجتماعی؛

۳. ظلم، عدالت، انصاف و کرامت انسان؛

۴. مسئولیت‌های متقابل مؤمنان نسبت به یکدیگر.



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

به بیان دیگر، جامعه متنی، تمام صحیفه است، اما واحدهای انتخاب شده برای تحلیل تفصیلی، از میان دعا‌های مرتبط با این حوزه‌ها استخراج می‌شوند. این رویکرد، از یکسو اجازه می‌دهد که تحلیل در افق کلی جهان‌بینی صحیفه باقی بماند، و از سوی دیگر، از پراکندگی و سطحی‌نگری پرهیز شود.

### ۸.۳ روش نمونه‌گیری و معیارهای انتخاب ادعیه

با توجه به اینکه پژوهش از نوع کیفی و مبتنی بر تحلیل متنی است، نمونه‌گیری بر اساس منطق نمونه‌گیری هدفمند انجام شده است؛ یعنی انتخاب واحدها نه بر اساس تصادف آماری؛ بلکه بر اساس «تناسب و غنای معنایی» آنها نسبت به سؤال پژوهش صورت گرفته است. [۱۳]

فرایند انتخاب ادعیه و فزاهای مورد تحلیل، در چند مرحله انجام شده است:

#### ۱. مرور اولیه تمام صحیفه

در گام نخست، متن کامل صحیفه - بر اساس دو ترجمه معتبر فارسی و متن عربی - به طور کامل خوانده شد تا تصویری کلی از ساختار دعاها، تنوع موضوعات و نقاط تمرکز معنایی به دست آید.

#### ۲. شناسایی دعا‌های مرتبط با خانواده، جامعه و عدالت

در گام دوم، دعا‌هایی که در عنوان یا محتوا، مستقیماً به والدین، فرزندان، همسایگان، مؤمنان، اهل ثغور، حاکمان و رعیت، حقوق مردم، ظلم و عدالت اشاره داشتند، به عنوان «دعا‌های محوری» برای تحلیل انتخاب شدند. دعا‌هایی؛ مانند «دعای آنگاه که به پدر و مادر خود دعا کند»، «دعای او در حق فرزندان»، «دعای او برای همسایگان و دوستان»، «دعای او در حق مرزداران»، «دعای او در حق حاکمان و رعیت» از جمله این دعاها هستند.

#### ۳. استخراج فزاهای مرتبط با عدالت و کرامت

در گام سوم، از درون دعا‌های محوری، فزاهایی که حاوی دلالت‌های روشن - هر چند غیرصریح - درباره کرامت انسان، نفی ظلم، رعایت حقوق، مسئولیت‌های متقابل، توزیع عادلانه نعمت‌ها و قدرت، و اخلاق روابط انسانی بودند، علامت‌گذاری و برای تحلیل مضمونی برگزیده شدند. در این مرحله، حساسیت ویژه‌ای نسبت به واژگان و تعبیری؛ مانند «حق»، «عدل»، «ظلم»، «بغی»، «استعلاء»، «استضعاف»، «استخفاف»، «احسان»، «انصاف»، «کرامت»، «رحمت» و نظایر آن اعمال شد.

#### ۴. بازبینی و پالایش نمونه‌ها

در گام چهارم، فهرست اولیه فزاهای انتخاب شده مورد بازبینی قرار گرفت تا از تکرارهای غیرضروری، یا وارد شدن نمونه‌هایی که ارتباط ضعیفی با بحث عدالت جنسیتی دارند، جلوگیری شود. معیار اصلی در این پالایش، «توان فراز در مشارکت در پاسخ به سؤالات پژوهش» بود؛ به این معنا که هر فزایی که دلالت قابل دفاعی بر یکی از شاخص‌های چارچوب



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

مفهومی (کرامت مشترک، نفی ظلم، ساختار خانواده، مسئولیت متقابل، روابط اجتماعی عادلانه، تقوای رابطه‌ای) نداشت، کنار گذاشته شد.

نتیجه این فرایند، شکل‌گیری مجموعه‌ای از فرازهای منتخب از چند دعای کلیدی بود که هم از نظر تنوع موضوعی، و هم از نظر غنای معنایی، برای تحلیل مضمونی عدالت جنسیتی در گفتمان دعایی امام سجاد ۷ مناسب تشخیص داده شد.

## ۸.۴ واحد تحلیل و سطح کدگذاری

در پژوهش‌های کیفی مبتنی بر متن، تعیین «واحد تحلیل» نقش اساسی دارد؛ زیرا مشخص می‌کند که پژوهشگر در چه مقیاسی معنا را ردیابی و ثبت می‌کند. در این مقاله، با توجه به ساختار صحیفه، واحد تحلیل، فراز دعایی در نظر گرفته شده است؛ یعنی هر جمله یا ترکیب چند جمله متوالی که در مجموع، یک معنای نسبتاً مستقل را درون دعا تشکیل می‌دهد. این انتخاب چند پیامد مثبت دارد:

از یکسو، واحد تحلیل آنقدر کوچک نیست که به سطح واژه یا عبارت منفصل فروکاسته شود و انسجام معنایی از دست برود، و از سوی دیگر، آنقدر بزرگ نیست که در سطح یک دعای کامل، چندین معنای متفاوت در هم ادغام شود و امکان کدگذاری دقیق فراهم نباشد.

در سطح کدگذاری، برای هر واحد تحلیل، امکان ثبت چند کد هم‌زمان در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، هر فراز می‌تواند هم‌زمان به مضامین مختلفی؛ مانند «کرامت»، «نفی ظلم»، «ساختار خانواده»، «مسئولیت متقابل»، «روابط اجتماعی» و «تقوای رابطه‌ای» دلالت داشته باشد. این انعطاف، با ماهیت پیچیده متن دعایی همخوان است؛ زیرا اغلب فرازها در یک حرکت زبانی، چند سطح معنایی را در کنار هم قرار می‌دهند. کدگذاری در دو سطح انجام می‌شود:

### ۱. کدگذاری اولیه (باز)

در این مرحله، فرازها با عبارات کوتاه و توصیفی، بر اساس نزدیک‌ترین معنای مرتبط با عدالت و روابط انسانی، برجسب‌گذاری می‌شوند؛ مثلاً «درخواست توفیق برای رعایت حقوق دیگران»، «اعتراف به کوتاهی در حق مردم»، «درخواست دوری از ظلم»، «تأکید بر کرامت بندگان خدا»، «توصیف وظایف والدین»، «دعای خیر برای فرزندان» و...

### ۲. کدگذاری محوری و انتزاع مضامین

در مرحله بعد، کدهای مشابه یا مرتبط، در ذیل مقوله‌های میانی قرار می‌گیرند و از دل این مقوله‌ها، مضامین اصلی سازگار با چارچوب استخراج می‌شود. به این ترتیب، حرکت از متن به مضمون اصلی، به صورت سلسله‌مراتبی و قابل‌ردگیری صورت می‌گیرد. [۹]



### ۸.۵ مراحل تحلیل مضمونی ادعیه

فرایند تحلیل مضمونی در این پژوهش، در امتداد الگوهای شناخته‌شده در ادبیات روش‌شناسی کیفی طراحی شده، اما با خصوصیات متن‌دعایی و هدف پژوهش سازگار شده است. این فرایند را می‌توان در پنج مرحله اصلی خلاصه کرد:

#### ۱. آشنایی عمیق با متن

در این مرحله، متن عربی و ترجمه فارسی ادعیه منتخب، بارها و با دقت خوانده شد تا پژوهشگر با زبان، ساختار، استعاره‌ها و فضای معنایی صحیفه انس گیرد. این مرحله، صرفاً «مرور سطحی» نیست؛ بلکه نوعی غوطه‌وری در متن است که امکان تشخیص ظرایف معنایی، کنایه‌ها و پیوندهای درونی میان فرازها را فراهم می‌کند. [۱۳]

#### ۲. استخراج واحدهای معنایی مرتبط با عدالت جنسیتی

پس از آشنایی عمیق، فرازهایی که با یکی از محورهای عدالت، کرامت، خانواده و روابط انسانی ارتباط داشتند، به صورت نظام‌مند استخراج و در جدولی ثبت شدند. در این جدول، برای هر فراز، اطلاعاتی؛ مانند شماره دعا، محل فراز، متن عربی، ترجمه فارسی و یادداشت‌های اولیه پژوهشگر درج شد. این یادداشت‌ها، نقش «خاطرات تحلیلی» را داشتند و در مراحل بعدی، به پالایش کدها کمک کردند.

#### ۳. کدگذاری اولیه بر اساس چارچوب مفهومی

در این مرحله، هر فراز با یک یا چند کد توصیفی برچسب‌گذاری شد. این کدها بر اساس چارچوب مفهومی عدالت جنسیتی تدوین شده بود، اما با انعطاف لازم، تعیین شدند؛ یعنی چارچوب نظری، افق تحلیل را مشخص می‌کرد، اما مانع از ظهور کدهای تازه نمی‌شد. هر جا فرازی دلالتی فراتر از کدهای پیش‌بینی شده داشت، کد جدیدی تعریف می‌شد تا خطر تحمیل چارچوب بر متن به حداقل برسد. [۹]

#### ۴. تشکیل مقوله‌ها و مضامین اصلی

پس از کدگذاری اولیه، کدهای مشابه یا هم‌خانواده، بررسی و در قالب مقوله‌های میانی دسته‌بندی شدند. برای مثال، کدهایی مانند «درخواست توفیق برای رعایت حقوق دیگران»، «اعتراف به کوتاهی در حق مردم»، «درخواست دوری از ظلم» و «درخواست عدالت در قضاوت»، در ذیل مقوله «حساسیت نسبت به حقوق دیگران» قرار گرفتند. سپس، این مقوله‌ها به مضامین اصلی؛ مانند «نفی ظلم و تحقیر»، «روابط اجتماعی عادلانه» و «تقوای رابطه‌ای» متصل شدند. در این مرحله، ارتباط میان مضامین اصلی نیز ترسیم شد تا زمینه برای الگوپردازی فراهم گردد.



## ۵. تفسیر مضامین و الگوبردازی

در آخرین مرحله، مضامین اصلی به صورت جامع و در نسبت با یکدیگر تفسیر شدند. در اینجا، پرسش‌های نظری دوباره فعال شد و مضامین، در نسبت با مبانی انسان‌شناختی و نظری عدالت جنسیتی ارزیابی گردید. نتیجه این فرایند، شکل‌گیری یک الگوی سه‌سطحی از عدالت جنسیتی در گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup> بود که به تفصیل ارائه و تحلیل می‌شود.

## ۸.۶ اعتبار، روایی و اعتمادپذیری نتایج

در پژوهش‌های کیفی، مسئله اعتبار و اعتمادپذیری نتایج، به ویژه زمانی که پژوهش بر متن دینی کلاسیک متمرکز است، اهمیتی دوچندان دارد. در این مقاله، برای افزایش اعتبار و روایی یافته‌ها، چند راهبرد به کار گرفته شده است:

## ۱. شفافیت در فرایند تحلیل

یکی از اصول اساسی در روش کیفی، امکان پی‌گیری مسیر تحلیل توسط دیگران است. به همین دلیل، مراحل انتخاب دعاها، استخراج فرازاها، کدگذاری، تشکیل مقوله‌ها و مضامین، به صورت روشن و مرحله به مرحله توضیح داده شد. این شفافیت، امکان ارزیابی و نقد روش را برای خواننده فراهم می‌کند. [۱۳]

## ۲. استفاده از منابع متعدد ترجمه و شرح

برای کاهش خطای ناشی از ترجمه و فهم نادرست واژگان و ساختارهای عربی، از چند ترجمه معتبر فارسی صحیفه سجادیه و نیز از برخی شروح و تفاسیر آن استفاده شده است. مقایسه این ترجمه‌ها و شروح، به تثبیت فهم معنایی فرازاها کمک کرده و از تکیه پژوهش بر یک ترجمه خاص جلوگیری نموده است. [۶، ۱۱]

## ۳. همسنجی با مبانی نظری عدالت جنسیتی در اسلام

مضامین استخراج شده از صحیفه، در بخش بحث و تفسیر، با مبانی نظری عدالت و عدالت جنسیتی که در آثار اسلامی معاصر مطرح شده‌اند، همسنجی می‌شود. این همسنجی، نوعی «روایی نظری» فراهم می‌کند؛ بدین معنا که نتایج متنی، با دستگاه نظری گسترده‌تر محک زده می‌شوند تا از سازگاری کلی و پرهیز از تناقض‌های آشکار اطمینان نسبی حاصل شود. [۴، ۵، ۸، ۱۲]

## ۴. بازاندیشی مداوم پژوهشگر (خودنقادی)

از آنجا که در پژوهش‌های کیفی، پژوهشگر خود ابزار اصلی تحلیل است، آگاهی نسبت به پیش‌فرض‌ها و ملاحظات شخصی، نقش مهمی در اعتبار نتایج دارد. در طول فرایند تحلیل، تلاش شده است که با ثبت یادداشت‌های تحلیلی، بازگشت‌های مکرر به متن و بازبینی کدها، از تحمیل‌های غیرموجه پیش‌فرض‌ها بر متن جلوگیری شود. هر جا دو قرائت متفاوت از یک فراز ممکن بوده، به قرائتی که با کل گفتمان صحیفه و مبانی نظری عدالت سازگارتر است، ترجیح داده شده است، اما امکان قرائت‌های بدیل نیز به کلی نفی نشده است. [۱۳]



۵. تطبیق درونی (انسجام مضامین)

در مرحله الگوپردازی، مضامین اصلی بر اساس انسجام درونی و همخوانی با یکدیگر ارزیابی شده‌اند؛ یعنی بررسی شده که آیا می‌توان آنها را در چارچوب یک الگوی منطقی سه سطحی (کرامت انسانی، ساختار خانواده، روابط اجتماعی) قرار داد، بدون اینکه تناقض آشکاری میان آنها رخ دهد. این تطبیق درونی، نوعی کنترل کیفی بر ساختار نظری حاصل از تحلیل مضمونی است.

۸.۷ ملاحظات تفسیری و محدودیت‌های روش شناختی

هر چند تلاش شده است روش شناسی پژوهش تا حد امکان دقیق و شفاف باشد، اما محدودیت‌های ذاتی کار با متن دینی و روش کیفی را نمی‌توان نادیده گرفت. مهم‌ترین این محدودیت‌ها عبارتند از:

۱. تفسیربودن ناگزیر تحلیل

هر تحلیلی از متن دینی، حتی اگر از روش‌های سیستماتیک بهره‌برد، نهایتاً تفسیری است و در افق افهام بشری قرار دارد. پژوهش حاضر نیز مدعی «کشف نهایی» الگوی عدالت جنسیتی در صحیفه نیست؛ بلکه یک قرائت روشمند و قابل نقد از این متن ارائه می‌دهد. پژوهشگران دیگر، با پیش‌فرض‌ها و حساسیت‌های متفاوت، ممکن است به تأکیدها و اولویت‌های دیگری برسند.

۲. تمرکز بر یک منبع و یک نوع متن

تکیه اصلی پژوهش بر صحیفه سجادیه است. هر چند این متن از متون درجه اول شیعی است، اما به هر حال بخش خاصی از میراث دینی و آن هم در قالب دعا را نمایندگی می‌کند. بنابراین، الگوی عدالت جنسیتی استخراج‌شده، نیازمند تکمیل و مقایسه با الگوهای مستفاد از قرآن، نهج‌البلاغه و روایات اخلاقی و فقهی دیگر است. این محدودیت، در بخش پایانی مقاله به عنوان یکی از محورهای پیشنهاد برای تحقیقات آتی مطرح خواهد شد.

۳. عدم استفاده از داده‌های میدانی

این پژوهش عمدتاً متنی است و به داده‌های میدانی (مانند نگرش‌ها و تجارب زنان و مردان متدین نسبت به عدالت جنسیتی) ورود نمی‌کند. از این رو، نتایج آن در سطح «الگوی گفتمانی» باقی می‌ماند و برای سنجش فاصله این الگو با واقعیت اجتماعی، نیاز به پژوهش‌های مکمل کمی و کیفی وجود دارد.

با پذیرش این محدودیت‌ها، می‌توان گفت روش شناسی پژوهش، در حد اقتضای یک مطالعه‌ی متنی - نظری، از استحکام نسبی برخوردار است و زمینه لازم را برای ورود به گزارش و تحلیل تفصیلی یافته‌ها فراهم می‌کند؛ بخشی که در آن، مضامین عدالت جنسیتی در گفتمان دعایی امام سجاد ۷ از دل فرازهای مشخص صحیفه سجادیه استخراج و تبیین خواهد شد.



## ۹. یافته‌ها: تحلیل مضمونی عدالت جنسیتی در ادعیه صحیفه سجادیه

در این بخش، تبیین می‌کنیم که گفتمان دعایی امام سجاد ۷ چگونه و در چه سطوحی، تصویری از عدالت، کرامت و نسبت زن و مرد و خانواده ارائه می‌کند. همان‌طور که پیش از این گفته شد، واحد تحلیل در این پژوهش، «فراز دعایی» است و مضامین بر اساس چارچوب مفهومی، در شش محور اصلی سامان یافته است. در این بخش، این مضامین را به صورت تفصیلی گزارش و تحلیل می‌کنیم.

## ۹.۱ کرامت انسانی مشترک به عنوان سنگ بنای عدالت جنسیتی

نخستین و بنیادی‌ترین مضمون که تقریباً در سراسر صحیفه حضور دارد، تأکید بر کرامت مشترک انسان است؛ کرامتی که هیچ‌گاه به جنسیت گره نمی‌خورد؛ بلکه به «انسان بودن» و «بنده خدا بودن» وابسته است. امام سجاد ۷ در دعاهای متعدد، وقتی از «عباد»، «خلق»، «اهل طاعت»، «مؤمنان» یا «مسلمانان» سخن می‌گوید، هیچ تفکیکی میان زن و مرد در سطح ارزش وجودی قائل نمی‌شود. این سکوت آگاهانه، در واقع نوعی «یکسان‌سازی هستی‌شناختی» زن و مرد در مقام بندگی است.

در بسیاری از فرازها، انسان - بدون تمایز جنسیتی - موجودی معرفی می‌شود که:

۱. مخاطب مستقیم خطاب الهی است؛

۲. شایسته رحمت، مغفرت و هدایت است؛

۳. می‌تواند از حسیض معصیت به اوج قرب الهی برسد؛

۴. موضوع تکلیف و مسئولیت است.

این تصویر، اگر چه به ظاهر صرفاً انسان‌شناسانه است، اما در سطح پیامدهای اخلاقی، بنیان هر نوع تبعیض ارزشی مبتنی بر جنسیت را متلاشی می‌کند. وقتی «انسان» - نه «مرد» - معیار خطاب الهی و محور تکریم خداوند است، دیگر هیچ دلیلی برای کاهش شأن زن به سطح موجودی فرعی، ضمیمه یا حاشیه‌ای باقی نمی‌ماند.

امام سجاد ۷ در دعاهای مربوط به آفرینش، نعمت‌های الهی و موقعیت انسان در جهان، بارها بر این امر تأکید می‌کند که انسان، حامل امانت الهی و مخاطب خاص لطف خداست. [۲] وقتی این نگاه را به سطح عدالت جنسیتی منتقل کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که:

۱. هر ساختار حقوقی یا فرهنگی که کرامت زن را به عنوان «انسان» نادیده بگیرد و او را صرفاً در قالب نقش‌های ابزاری

(بژه لذت، نیروی کار ارزان، ابزار تولید نسل) ببیند، در تضاد با روح گفتمان صحیفه است؛

۲. هر نوع گفتمان دینی که به طور ضمنی یا صریح، زن را «درجه دوم» در مسیر قرب الهی یا شایستگی اخلاقی معرفی

کند، نه تنها پشتوانه‌ای در صحیفه ندارد؛ بلکه با منطق دعاهای آن ناسازگار است.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۳. نکته مهم این است که امام سجاد ۷ هرگاه از «اصلاح امور بندگان» یا «کمال اخلاق مؤمنان» سخن می‌گوید، دعا را به گونه‌ای بیان می‌کند که هر انسان مؤمن - زن یا مرد - می‌تواند خود را مخاطب آن بداند. کلیت زبان صحیفه، زبانی «شمول‌گرا» است، نه «مردمحور». این شمول‌گرایی زبانی، خود یک داده مهم در بحث عدالت جنسیتی است.

۴. اگر زبان دعا، زن را از دایره خطاب معنوی بیرون می‌گذاشت، می‌شد از دل آن یک هیات مردمحور استخراج کرد؛ اما وقتی زبان دعا، زن و مرد را در مخاطب واحدی به نام «عبد» یا «مؤمن» ادغام می‌کند، عدالت جنسیتی از سطح «حاشیه‌ای» به سطح «درونی» ارتقا می‌یابد؛ یعنی در خود زیربنای معنوی رابطه انسان و خدا، زن و مرد هم‌وزن فرض شده‌اند.

از منظر تحلیل مضمونی، هر فرازی که در آن انسان به طور عام، حامل کرامت و موضوع محبت و عنایت الهی معرفی می‌شود، در کد «کرامت مشترک» ثبت شده است. تراکم این کدها در صحیفه، نشان می‌دهد که گفتمان امام سجاد ۷، حتی پیش از ورود به بحث خانواده و روابط اجتماعی، سطحی از عدالت جنسیتی را در قالب «برابری در توان قرب، در شأن عبودیت و در امکان رشد» تضمین می‌کند.

این مضمون، وقتی در کنار مبانی نظری مطرح در آثار متفکران اسلامی درباره کرامت زن و مرد قرار می‌گیرد، [۴، ۱۲] پایه اصلی الگوی ما را می‌سازد: عدالت جنسیتی، پیش از هر چیز؛ یعنی پذیرش کرامت مشترک انسان، صرف‌نظر از جنسیت؛ و هر نوع تفاوت بعدی، باید با این کرامت سازگار باشد، نه نقض‌کننده آن.

## ۹.۲ نفی ظلم، تحقیر و استضعاف؛ عدالت به مثابه حساسیت اخلاقی

دومین مضمون اصلی در صحیفه، حساسیت شدید نسبت به ظلم، تحقیر و استضعاف است. امام سجاد ۷ در دعا‌های مختلف، آنچنان زبان تندی علیه ظلم و ظالمان به کار می‌برد و آنچنان از خداوند طلب مصونیت از آلودگی به ظلم می‌کند که تردیدی باقی نمی‌گذارد که در این گفتمان، ظلم، صرفاً خطای فردی نیست؛ شکستن یک نظم الهی است.

این حساسیت نسبت به ظلم، در سطوح مختلفی ظاهر می‌شود:

۱. ظلم انسان به خدا (شرک، ناسپاسی و معصیت)؛
۲. ظلم انسان به خود (سقوط اخلاقی، حبس در شهوات و محروم کردن خود از رحمت الهی)؛
۳. ظلم انسان به دیگران (حق‌کشی، استعلاء، استضعاف، تحقیر و بهره‌کشی).

برای بحث عدالت جنسیتی، به ویژه سطح سوم اهمیت دارد. امام سجاد ۷ بارها از خداوند می‌خواهد که او را از اینکه «دیگران را کوچک بشمارد»، «حق مردم را نادیده بگیرد»، «به بندگان خدا ظلم کند» و «خود را برتر از دیگران ببیند» حفظ کند. این زبان، وقتی با انسان‌شناسی توحیدی صحیفه جمع می‌شود، به این معناست که اولاً، هر انسانی به عنوان مخلوق و بنده خدا، دارای حرمت است؛ ثانیاً، هر نوع تحقیر، توهین، استفاده ابزاری، استثمار یا حذف دیگری، تعدی به این حرمت است؛ و ثالثاً، این قاعده عام، «هیچ استثنای جنسیتی» ندارد.



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

به عبارت دیگر، اگر در جایی از فرهنگ دینی یا عرف اجتماعی، تحقیر زنان، عادی سازی شده یا خشونت کلامی و رفتاری علیه زنان به نام غیرت، قوامیت یا سنت توجیه شده است، این امر بیش از آنکه ریشه در متن هایی چون صحیفه داشته باشد، به ساختارهای فرهنگی و سوء فهم های تاریخی باز می گردد. گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup>، با حساسیتی که نسبت به مطلق ظلم و تحقیر دارد، هر نوع ظلم جنسیتی را نیز در دایره همین محکومیت قرار می دهد.

نکته اینجاست که امام سجاد<sup>۷</sup> تنها از ظلم «دیگران» سخن نمی گوید؛ بلکه از «ظلمی که ممکن است خود انسان - هر که باشد - در حق دیگران روا دارد» نیز به شدت بیم دارد. او از خداوند می خواهد که او را از افتادن در جایگاه ظالم برهاند و به او توفیق دهد که در حق هیچ کس - از نزدیک ترین افراد خانواده تا دورترین انسان ها - حق کشی نکند. [۲]

این خود آگاهی نسبت به امکان ظالم شدن خود، اگر در حوزه روابط زن و مرد جاری شود، پیامدهای مهمی دارد: اول اینکه، مرد متدین نمی تواند به صرف اینکه سرپرست خانواده است، خود را از خطر ظلم به همسر یا فرزندان مصون بداند؛ بلکه باید مدام خود را در معرض نقد و استغفار ببیند؛ و دیگر اینکه، زن متدین نیز در حوزه مسئولیت های خود، نمی تواند بی تفاوت از کنار عدم انجام حقوق احتمالی نسبت به همسر، فرزندان یا دیگران بگذرد.

از منظر عدالت جنسیتی، این بدان معناست که ظلم جنسیتی، قبل از آنکه مسئله ای ساختاری باشد، یک بحران اخلاقی است و صحیفه دقیقاً همین بحران اخلاقی را نشانه می گیرد.

در سطح تحلیل مضمونی، فرازهایی که در آنها واژگان کلیدی «ظلم»، «بغی»، «استعلاء»، «استضعاف»، «استخفاف» و «هضم حقوق» به کار رفته، به عنوان نشانه های این حساسیت اخلاقی نسبت به عدالت ثبت شده اند. تعداد و غلظت این فرازها در صحیفه، نشان می دهد که گفتمان امام سجاد<sup>۷</sup>، فضایی را می سازد که در آن هر انسان متدینی باید نسبت به کوچک ترین نشانه های ظلم در رفتار خود حساس باشد.

هنگامی که چنین فضایی را به بحث جنسیت تعمیم دهیم، نتیجه چنین می شود که هر جامعه ای که در آن، تحقیر زنان - به واسطه جنسیت - رواج دارد، در تضاد با روح صحیفه حرکت می کند، حتی اگر در سطح ظاهر، به برخی احکام دینی استناد کند.

### ۹.۳ ساختار عادلانه خانواده و مسئولیت های متقابل

محور سوم تحلیل، ساختار خانواده در گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup> است. صحیفه سجادیه در چند دعا، به طور مستقیم به خانواده و روابط خویشاوندی می پردازد؛ از جمله دعا برای والدین، دعا برای فرزندان، دعا برای خویشاوندان، دعا برای همسایگان و دوستان، و دعاها ی عمومی برای مؤمنان. این دعاها اگر چه به صورت صریح، نقش های زن و مرد را تفکیک نمی کنند، اما منطق کلی ای که برای خانواده ترسیم می کنند، سرشار از دلالت های عدالت محور است که عبارتند از:



# صحیفه سجاده امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۱. خانواده به مثابه میدان رحمت و مسئولیت، نه میدان سلطه

در دعاهای مربوط به خانواده، امام سجاد ۷ خانواده را نه صرفاً یک «واحد حقوقی»؛ بلکه یک «فضای اخلاقی و عاطفی» می‌بیند؛ فضایی که در آن، اعضا نسبت به یکدیگر هم حق دارند، هم محبت، و هم مسئولیت. ادبیات دعا درباره خانواده، مبتنی بر مفاهیمی؛ چون «رحمت»، «شفقت»، «احسان»، «حسن معاشرت»، «صله رحم» و «حفظ حرمت» است. این تصویر، در برابر تصویری که خانواده را صحنه اعمال قدرت یک‌سویه مرد بر زن و فرزندان می‌بیند، قرار می‌گیرد. در صحیفه، خانواده، میدان یک «پروژه مشترک» است؛ پروژه رسیدن به سعادت، تربیت نسل صالح، و ایجاد محیطی که هر عضو بتواند در آن رشد کند. در چنین فضایی، عدالت جنسیتی به این معناست که هیچ یک از دو جنس، حق ندارد دیگری را صرفاً ابزار تحقق خواسته‌های خود بداند؛ هیچ کس - حتی اگر در موقعیت حقوقی قدرتمندتری باشد - مجاز نیست حرمت شخصیتی دیگری را بشکند؛ و روابط، بر محور «احسان» و «گذشت» است، نه بر محور «مطالبه خشن حق» از سوی یک طرف و «تحمل منفعلانه» از سوی طرف دیگر.

۲. تصویر والدین: مسئولیت مشترک در قبال فرزندان

در دعای مربوط به فرزندان، امام سجاد ۷ نحوه نگاه خود به رابطه والدین و فرزندان را به‌زیبایی ترسیم می‌کند. او از خداوند می‌خواهد که فرزندان را اهل ایمان، اخلاق، علم، عفت و موفقیت قرار دهد، آنان را از انحراف حفظ کند و او را در تربیت درست آنها یاری رساند. [۲] ساختار دعا به گونه‌ای است که پدر را - به عنوان دعاگو - در موقعیت «خدمتگزار رشد فرزندان» قرار می‌دهد، نه در موقعیت «مالک مطلق آنان».

از منظر عدالت جنسیتی، این دعا بیان‌کننده آن است که فرزند، «امانت الهی» است، نه ملک والدین؛ هدف از رابطه والد - فرزند، تحقق رشد معنوی و شخصیتی فرزند است، نه صرفاً استمرار نسب یا تأمین نیازهای عاطفی والدین؛ و تربیت، پروژه‌ای مشترک است که بدون اخلاق، محبت و الگوی صحیح عملی، به ثمر نمی‌رسد.

اگر چه متن دعا، در ظاهر از زبان پدر سخن می‌گوید، اما مضامین آن بدون تردید به مادر نیز قابل تعمیم است. مادر، همانند پدر، امانت‌دار فرزند است و در قبال رشد معنوی و اخلاقی او مسئولیت دارد. در اینجا، عدالت جنسیتی در سطح خانواده بدین معناست که تربیت و رشد فرزند، مسئولیت مشترک زن و مرد است؛ هیچ یک حق ندارند دیگری را از این پروژه بیرون بگذارند یا نقش او را به سطح فرعی تنزل دهند؛ و نگاه ابزاری به فرزند - برای تثبیت قدرت یا حفظ ظاهر - با روح این دعا ناسازگار است.

۳. تصویر والدین: حق‌مندی در عین امکان خطا

در دعای مربوط به پدر و مادر، امام سجاد ۷ از خداوند می‌خواهد که به او توفیق دهد تا حقوق پدر و مادر را ادا کند، در برابر آنان فروتن باشد، برای آنان استغفار کند و نیکی و دعا را پس از مرگشان نیز ادامه دهد. [۲] لحن دعا، حاکی از عظمت حقوق والدین و ضرورت رعایت احترام و خدمت به آنان است.



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

از منظر عدالت جنسیتی، نکته مهم این است که «والدین» - شامل پدر و مادر - هر دو موضوع تکریم‌اند. زن، در مقام «مادر»، دارای حق و حرمت ویژه است؛ نه صرفاً به عنوان همسر، بلکه به عنوان یکی از ارکان اصلی وجودی و تربیتی فرزند. در این دعا، هیچ نشانه‌ای از اینکه مادر از حیث منزلت اخلاقی و عاطفی پایین‌تر از پدر قرار گیرد، دیده نمی‌شود؛ بلکه در سنت اسلامی، بارها بر جایگاه ممتاز مادر تأکید شده است.

نکته ظریف دیگر این است که امام سجاد (ع)، در عین تأکید بر حق‌مندی والدین، هرگز آنها را «معصوم» فرض نمی‌کند. دعا برای آموزش گناهان، رفع خطاها و جبران کوتاهی‌های آنان نیز در متن دعا وجود دارد. این بدان معناست که والد بودن، مصونیت اخلاقی نمی‌آورد؛ والدین، هر چند صاحب حق‌اند، اما ممکن است مرتکب ظلم، کوتاهی یا خطا شوند؛ و فرزندان موظفند به حقوق والدین احترام بگذارند، اما این به معنای توجیه هر نوع رفتار ناعادلانه از سوی والدین نیست.

در سطح عدالت جنسیتی، این نکته اهمیت دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که نه پدر و نه مادر، هیچ کدام در روابط خانوادگی، فراتر از نقد اخلاقی قرار نمی‌گیرند؛ حتی اگر حقوق ویژه‌ای هم داشته باشند.

### ۴. عدالت به مثابه تعادل در توزیع محبت، احترام و توجه

یکی از لایه‌های پنهان در دعاهاى خانوادگی صحیفه، تأکید بر تعادل در توزیع محبت، احترام و توجه است. امام سجاد (ع)، هم برای والدین دعا می‌کند، هم برای فرزندان، هم برای خویشاوندان، هم برای همسایگان و هم برای عموم مؤمنان. این گستره نشان می‌دهد که در نگاه او، عدالت در خانواده و اجتماع، تنها در سطح حقوق مادی تعریف نمی‌شود؛ بلکه توزیع عادلانه محبت، دعا و توجه نیز بخشی از عدالت است.

در بسیاری از خانواده‌ها، یکی از دو جنس (معمولاً زن) از نظر توجه عاطفی، احترام و شنیده شدن، در حاشیه قرار می‌گیرد؛ در حالی که صحیفه فضایی را ترسیم می‌کند که در آن هیچ کس به عنوان «حاشیه کم‌اهمیت» حذف نمی‌شود. در اینجا عدالت جنسیتی بدین معناست که زن و مرد، هر دو به عنوان اعضای اصلی خانواده، باید موضوع محبت، احترام و دعا باشند؛ هیچ کدام نباید صرفاً «وسیله تأمین نیاز دیگری» دیده شوند؛ و خانواده عادل، خانواده‌ای است که در آن، «سهم شنیده شدن، دیده شدن و مورد احترام بودن» به طور متوازن میان اعضا توزیع شود.

به این معنا، دعاهاى خانوادگی صحیفه، بی‌آنکه وارد زبان حقوقی صرف شوند، بنیانی معنوی برای عدالت جنسیتی در خانواده می‌گذارند.

### ۹.۴ مسئولیت اخلاقی مرد؛ سرپرستی به مثابه خدمت، نه سلطه

در ادبیات اسلامی، «قومیت» یا سرپرستی مرد در خانواده، اگر به درستی فهمیده شود، بیش از آنکه امتیاز باشد، بار مسئولیت است. اکنون باید ببینیم گفتمان دعایی امام سجاد (ع) با مرد متدین چگونه سخن می‌گوید و چه تصویری از مسئولیت او در قبال خانواده می‌سازد.



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

در صحیفه سجادیه، دعاها از زبان امام - به عنوان یک «مرد»، «پدر»، «عضو خانواده» و «عضو جامعه» - صادر می‌شوند؛ اما این مرد، چگونه خود را در نسبت با دیگران می‌بیند؟

### ۱. خود را «مسئول» دیدن، نه «صاحب حق مطلق»

در بسیاری از فرازها، امام سجاد ۷ به عنوان دعاگو، بار سنگین مسئولیت را بر دوش خود احساس می‌کند؛ مسئولیت در قبال خانواده، در قبال بندگان خدا، و در قبال امت اسلامی. او از خداوند می‌خواهد که او را در انجام این مسئولیت‌ها یاری دهد، کوتاهی‌های او را ببخشد، و او را از غفلت و سوءاستفاده از موقعیتش حفظ کند. [۲]

این خودآگاهی مسئولانه، اگر چه در متن دعا به طور مستقیم به «مرد بودن» او ربط داده نمی‌شود، اما با توجه به ساختار اجتماعی آن زمان - که مرد، مسئولیت بیرونی بیشتری در خانواده داشته - نشان می‌دهد که امام سجاد، سرپرستی را «توجیه سلطه» نمی‌فهمد؛ بلکه آن را «بار پاسخگویی» می‌داند. او بیش از آنکه نگران «از دست دادن موقعیت» باشد، از این می‌ترسد که در موقعیت خود، «ظلم کند یا کوتاهی نماید».

در الگوی پیشنهادی این مقاله، این نگاه، عنصر کلیدی است. عدالت جنسیتی در سطح روابط خانوادگی، زمانی ممکن است که مرد، سرپرستی را نه حق مطلق؛ بلکه مسئولیت پاسخگویی در برابر خدا و خانواده بداند.

### ۲. حساسیت نسبت به حق الناس، به ویژه حقوق نزدیکان

یکی از مضامین پررنگ در صحیفه، «ترس از تضییع حقوق مردم» است. امام سجاد ۷ از خدا می‌خواهد که اگر حق کسی را ضایع کرده، خداوند او را در ادای آن موفق کند؛ اگر کسی را رنجانده، راه جبران را بر او بگشاید؛ و اگر در برابر بندگان خدا کوتاهی کرده، او را به توبه و اصلاح توفیق دهد. این حساسیت، به خصوص در مورد نزدیکان، معنای بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا معمولاً انسان، در حق نزدیکان خود - از جمله همسر و فرزندان - بیشتر در معرض ظلم‌های روزمره است که آنها را «طبیعی» یا «ناچیز» می‌پندارد.

اگر مرد متدین، این گفتمان را جدی بگیرد، ناگزیر باید در روابط خود با همسر و فرزندان، دائماً این سؤال را از خود پرسد که آیا در تقسیم کار، توجه، احترام، و استفاده از امکانات خانوادگی، حق کسی را نادیده گرفته است؟ و آیا از موقعیت قدرت خود - اقتصادی، اجتماعی و عرفی - برای تحمیل خواسته‌هایش سوءاستفاده کرده است؟

در این سطح، صحیفه به طور مستقیم به مرد پیام می‌دهد که تو نمی‌توانی هم خود را محب اهل بیت: بدانی، و هم در حق نزدیک‌ترین بندگان خدا - یعنی همسر و فرزندان - بی‌مبالا باشی.

### ۳. دعا برای اصلاح خود، نه فقط اصلاح دیگران

در برخی گفتمان‌های دینی، مرد در خانواده، به صورت واعظی ظاهر می‌شود که دائماً در حال «نصیحت» زن و فرزندان است و خود را محور و معیار می‌بیند. در صحیفه، امام سجاد ۷ این مدل را برعکس می‌کند؛ او بیش از آنکه برای «اصلاح دیگران»



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

دعا کند، برای «اصلاح نفس خود» دعا می‌کند؛ طلب توفیق برای حسن خلق، برای پرهیز از خشونت، برای کنترل خشم، برای ترک خودخواهی، برای رعایت انصاف، و برای ترک آزار دیگران، از جمله این موارد است.

این الگو، اگر در خانواده‌ها جدی گرفته شود، عدالت جنسیتی را از سطح نظریه به سطح زیست روزمره می‌کشاند. مردی که هر روز با خود زمزمه می‌کند که «خدایا، من را از ظلم به بندگان حفظ کن؛ و من را به عدالت و رحمت در خانه موفق کن»، کمتر می‌تواند به خود اجازه دهد که با توهین، تحقیر، خشونت کلامی یا فیزیکی، فضای خانه را برای زن و فرزندان جهنم کند.

به این ترتیب، در تحلیل مضمونی، فرازهایی که در آنها، دعاگو - به عنوان فردی با نقش اجتماعی و خانوادگی - بیش از هر چیز، نگران خطاها و ظلم‌های خود در حق دیگران است، تحت مضمون «مسئولیت اخلاقی مرد» قرار گرفته‌اند. این مضمون نشان می‌دهد که در الگوی عدالت جنسیتی صحیفه، اگر چه ممکن است مرد در برخی حوزه‌ها نقش مدیریتی داشته باشد، اما از نظر اخلاقی، در موقعیت «پاسخگو» قرار دارد، نه در موقعیت «سلطه‌گر».

### ۹.۵ الگوی روابط اجتماعی عادلانه و محترمانه

این محور، از خانواده فراتر می‌رود و به سطح جامعه می‌رسد؛ یعنی روابط اجتماعی عادلانه. صحیفه سجادیه در دعا‌های مربوط به همسایگان، مؤمنان، اهل ثغور، حاکمان و رعیت، تصویری از جامعه مطلوب ارائه می‌دهد؛ جامعه‌ای که در آن، حقوق افراد محترم شمرده می‌شود، ظلم و تبعیض مذموم است و هر کس در هر موقعیتی که هست، باید تقوای اجتماعی داشته باشد. این مضامین، اگر چه به صورت صریح، از زن و مرد نام نمی‌برند، اما بدیهی است که زنان نیز به عنوان بخشی از جامعه، مشمول همین قواعدند. بنابراین، تحلیل این دعاها، پشتوانه اجتماعی الگوی عدالت جنسیتی ما را شکل می‌دهد.

#### ۱. همسایه و شهروند؛ فراتر از جنسیت

در دعای مربوط به همسایگان و دوستان، امام سجاد<sup>۷</sup> از خداوند می‌خواهد که او را در حق همسایگان موفق به احسان، رعایت حقوق، پرهیز از آزار، گذشت از خطا و وفای به عهد کند. [۲] در این دعا، هیچ تمایزی میان «همسایه مرد» و «همسایه زن» وجود ندارد و همسایه بودن، خود به تنهایی منشأ حق و حرمت است.

اگر این منطق را به جامعه امروز سرایت دهیم، چنین به دست می‌آید که زن، به عنوان همسایه، همکار، شهروند و هم‌کلاسی، نه «موضوع سوءاستفاده»، بلکه «موضوع حق و حرمت» است؛ و هر نوع آزار خیابانی، خشونت کلامی، مزاحمت جنسی و...، نقض آشکار همین گفتمان است، حتی اگر مرتکب این عمل، در ظاهر خود را متدین بداند.

صحیفه در اینجا، به طور غیر مستقیم یک اخلاق اجتماعی جنسیت‌گریز ارائه می‌دهد؛ یعنی اصول رفتار عادلانه با «انسان» را بیان می‌کند و این اصول، بی‌هیچ استثنا باید در مورد زنان و مردان اعمال شود.



در دعای مربوط به حاکمان و اهل ثغور، امام سجاد<sup>۷</sup> از خداوند می‌خواهد که حاکمان را به عدالت، رعایت حقوق مردم، ترک ستم، پرهیز از خودکامگی و خدمت به ضعفا موفق کند و اگر از این مسیر منحرف شوند، آنها را اصلاح یا برکنار سازد. [۲] در این دعا، بارها بر این نکته تأکید می‌شود که وظیفه حاکم، «خدمت به بندگان خدا» است، نه «استیلا بر آنان». این تصویر، در سطح عدالت جنسیتی، دو پیام مهم دارد: یکی اینکه ساختارهای قدرت در جامعه - از جمله ساختارهای حقوقی و اجرایی مربوط به زنان - باید تحت نظارت اخلاقی قرار گیرند و اگر قوانین یا رفتارهای حاکمان، زنان را به عنوان شهروندان درجه دوم تلقی کنند، با روح این دعا در تضاد خواهند بود؛ و دیگر آنکه، دفاع از حقوق زنان، جزئی از مأموریت عدالت‌محور حاکمیت است. گفتمان صحیفه، به طور کلی، حاکم را در جایگاه «خادم حقوق مردم» می‌نشانند و «مردم» در اینجا شامل همه اقشار، از جمله زنان است.

به این معنا، عدالت جنسیتی در سطح اجتماعی، یک مطالبه فرعی و حاشیه‌ای نیست؛ بلکه بخشی از «عدالت عمومی» است که صحیفه آن را از حاکمان می‌طلبد.

### ۳. جماعت مؤمنان؛ برادری و خواهری ایمانی

در دعاهای عمومی برای مؤمنان، امام سجاد<sup>۷</sup> مؤمنان را همچون بدنی واحد می‌بیند که رنج یک عضو، رنج همه است و شادی یک عضو، شادی همه. او برای همه مؤمنان - در همه نقاط زمین - دعا می‌کند؛ برای رفع گرفتاری، برای افزایش ایمان، برای اصلاح اخلاق، و برای رهایی از ظلم. [۲]

این دعاهای، یک «تصویر جمعی» از جامعه ایمانی می‌سازند؛ جامعه‌ای که در آن، مؤمنان نسبت به هم بی‌تفاوت نیستند، حقوق یکدیگر را رعایت می‌کنند و در برابر ظلم به هر عضوی حساس هستند. اگر این تصویر را با بحث عدالت جنسیتی پیوند دهیم، به نتایج مهمی می‌رسیم که عبارت است از: جامعه‌ای که در آن، زنان مؤمن در معرض انواع تبعیض، تحقیر یا خشونت هستند، با این تصویر همخوانی ندارد؛ مرد مؤمن نمی‌تواند در برابر ظلمی که به زنان - در خانواده، محیط کار، خیابان و نهادها - روا می‌شود، بی‌تفاوت بماند و صرفاً بر عبادت فردی خود تمرکز کند؛ و زن مؤمن نیز موظف است در دفاع از حقوق خود و سایر زنان، در چارچوب اخلاق اسلامی فعال باشد؛ زیرا عدالت جنسیتی بخشی از عدالت جمعی جامعه ایمانی است.

در تحلیل مضمونی، فرازهای مربوط به حقوق همسایه، مؤمنان، ضعفا و عموم مردم، تحت عنوان «الگوی روابط اجتماعی عادلانه» دسته‌بندی شده‌اند. این مضامین نشان می‌دهد که عدالت جنسیتی، اگر چه در متن صحیفه به طور مستقیم نام‌گذاری نشده، اما به عنوان «نتیجه منطقی تعمیم اصول عدالت به همه اقشار» به طور جدی قابل استنباط است.

### ۹.۶ تربیت اخلاقی و «تقوای رابطه‌ای»؛ بستر درونی عدالت جنسیتی

آخرین مضمون اصلی که به نوعی بستر همه مضامین پیشین است، تربیت اخلاقی و تقوای رابطه‌ای است. بخش عمده‌ای از صحیفه، به اصلاح قلب، تزکیه نفس، کنترل خشم، مهار شهوات، دخواهی، کسب حلم، صبر، تواضع و حسن خلق اختصاص یافته است. [۴۶]



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

دارد. این دعاها، اگر چه در ظاهر به «رابطه انسان با خود و خدا» مربوط هستند، اما در عمق، زیرساخت اخلاقی روابط انسان با دیگران را می‌سازند؛ از جمله رابطه زن و مرد.

### ۱. خشونت‌زدایی از درون؛ پیش شرط عدالت بیرونی

امام سجاد ۷ بارها از خداوند می‌خواهد که ریشه‌های خشونت و بدخلقی؛ همچون تندگی، عصبانیت بیجا، زبان آزاردهنده، دل‌کینه‌ورزی، و نگاه تحقیرآمیز را در وجودش بخشکاند. او در برابر خدا، به ناتوانی خود در مهار این نیروهای ویرانگر اعتراف می‌کند و یاری الهی را طلب می‌نماید. [۲]

این دعاها به ما می‌گویند تا وقتی انسان، در سطح درونی، از خشونت و خودمحوری تهی نشود، صحبت از عدالت، شعار است. در روابط زن و مرد، این امر کاملاً مشهود است؛ چرا که بسیاری از بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌ها در خانواده و جامعه، نه به خاطر «نقص قانون»؛ بلکه به خاطر «فقدان تقوا و اخلاق» رخ می‌دهد.

به این معنا، عدالت جنسیتی قبل از آنکه پروژه‌ای حقوقی یا سیاسی باشد، پروژه‌ای اخلاقی است. مردی که خشم خود را کنترل نمی‌کند، زبانی تند دارد، خود را محور می‌بیند و برای خواسته‌های دیگران - به ویژه اعضای خانواده - ارزشی قائل نیست، حتی اگر در چارچوب قانونی شرع حرکت کند، عملاً عدالت جنسیتی را نقض می‌کند. زن گرفتار حسادت بیمارگونه، دارای زبان تند، یا خودمحوری شدید نیز می‌تواند سهمی در بی‌عدالتی خانوادگی داشته باشد. صحیفه با قرار دادن «تزکیه اخلاقی» در مرکز دعاها، نشان می‌دهد که بدون این بُعد، عدالت جنسیتی پایدار نخواهد بود.

### ۲. تواضع، حلم و حسن خلق؛ ستون‌های روابط عادلانه

در دعای مکارم الاخلاق، امام سجاد ۷ سلسله‌ای از فضایل را طلب می‌کند: تواضع، حلم، حسن خلق، گذشت از خطای دیگران، تحمل آزار، پیش‌قدمی در احسان، و دوری از انتقام‌جویی. این فضایل اگر در روابط زن و مرد در خانواده و جامعه جاری شوند، بسیاری از تنش‌ها و نابرابری‌ها را تعدیل می‌کنند.

برای مثال، در مورد تواضع، اگر مرد در خانواده، متواضع باشد، خود را فراتر از نقد نبیند و رأی زن را جدی بگیرد، بسیاری از تصمیم‌ها شکل عادلانه‌تری پیدا می‌کند؛ یا در مورد حلم، تحمل خطاهای کوچک، پرهیز از واکنش‌های تند و فرصت دادن برای اصلاح، زمینه رشد عادلانه روابط را فراهم می‌کند؛ و یا در مورد حسن خلق، زبان نرم، نگاه محترمانه و رفتار مهربان، عملاً احساس عدالت را در دل زنان و مردان نسبت به یکدیگر تقویت می‌کند.

به این معنا، عدالت جنسیتی بدون «فرهنگ‌سازی اخلاقی»، در حد بخشنامه و قانون باقی می‌ماند. صحیفه نشان می‌دهد که امام معصوم، قبل از آنکه نگران جزئیات حقوقی باشد، نگران شکل‌گیری «نمونه شخصیتی عادل، رحیم و متواضع» است؛ و چنین نمونه‌ای، در هر رابطه‌ای - از جمله رابطه جنسیتی - به سمت عدالت حرکت می‌کند.



یکی از ویژگی‌های مهم گفتمان دعایی امام سجاد ۷، ساختار اعتراف - توبه است. او بارها خطاهای خود را می‌شمارد، از آنها شرم می‌کند و از خداوند طلب آمرزش و اصلاح می‌کند. این ساختار، در سطح عدالت جنسیتی، به این معناست که هیچ کس - زن یا مرد - در برابر خطاهای گذشته‌اش در روابط جنسیتی، بن بست کامل ندارد؛ اگر مردی سال‌ها در حق همسر خود ظلم کرده، تحقیرش کرده، و حقوق عاطفی و انسانی‌اش را نادیده گرفته، می‌تواند - و باید - به این واقعیت اعتراف کند، از خدا و از همسر طلب بخشش نماید و در عمل، مسیر خود را اصلاح کند؛ و اگر زنی در روابط خانوادگی، سهمی در بی عدالتی یا تنش‌ها داشته، می‌تواند با پذیرش سهم خود و طلب اصلاح، در جهت ساختن روابط عادلانه‌تر حرکت کند. به این ترتیب، صحیفه، عدالت جنسیتی را به پروژه‌ای «گشوده» تبدیل می‌کند؛ پروژه‌ای که در هر لحظه، امکان بازگشت، اصلاح و حرکت به سمت وضعیت عادلانه‌تر وجود دارد؛ به شرط آنکه اعتراف، توبه و تغییر واقعی رخ دهد.

#### ۱۰. بحث و تفسیر یافته‌ها: صورت‌بندی الگوی عدالت جنسیتی در گفتمان دعایی امام سجاد ۷

بخش حاضر، حلقه اتصال میان «یافته‌های متنی» و «چارچوب نظری» است. پیش از این، مضامین عدالت، کرامت، خانواده و روابط اجتماعی در ادعیه صحیفه سجادیه توصیف و تحلیل شد. اکنون باید این مضامین را در نسبت با پرسش‌های پژوهش و مبانی نظری عدالت جنسیتی در اندیشه اسلامی قرار دهیم و روشن کنیم که الگوی برآمده از گفتمان دعایی امام سجاد ۷ چه ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و مرزهایی دارد.

##### ۱۰.۱ صورت‌بندی الگوی سه‌سطحی عدالت جنسیتی در صحیفه سجادیه

برآیند تحلیل مضمونی نشان می‌دهد که می‌توان از گفتمان دعایی امام سجاد ۷، یک الگوی سه‌سطحی برای عدالت جنسیتی استخراج کرد. این سه سطح، به ترتیب عبارتند از:

۱. سطح کرامت هستی‌شناختی مشترک زن و مرد؛

۲. سطح ساختار خانواده و تقسیم عادلانه مسئولیت‌ها و حقوق؛

۳. سطح روابط اجتماعی و ساختارهای قدرت و حقوق در جامعه.

این سه سطح، نه به صورت سه لایه کاملاً مجزا؛ بلکه به صورت سه حلقه هم‌پوشان قابل فهم هستند؛ به گونه‌ای که اختلال در هر سطح، به تدریج عدالت در سطوح دیگر را نیز مخدوش می‌کند.

##### سطح نخست: کرامت مشترک به عنوان زیربنای نظری عدالت جنسیتی

در صحیفه سجادیه، انسان - به صورت عام - موجودی است عزیز، محترم، مخاطب خطاب الهی، موضوع محبت و مغفرت خدا، و توانمند برای سیر الی الله. این تصویر، هیچ قید جنسیتی ندارد. هنگامی که امام سجاد ۷ از «عباد»، «مؤمنان»، «مسلمانان» یا «اصحاب طاعت» سخن می‌گوید، زن و مرد را در این عنوان مشترک مستغفراً، م‌کند.



در سطح نظری، این بدان معناست که اولاً، کرامت، نه محصول نقش اجتماعی و نه تابع جنسیت؛ بلکه ریشه در «انسان بودن» و «بندگی خدا» دارد؛ ثانیاً، تفاوت‌های بعدی - در حقوق، تکالیف و نقش‌ها - اگر بخواهد مشروع باشد، باید بر این کرامت استوار باشد، نه ناقض آن؛ و ثالثاً، هر نظام حقوقی و فرهنگی که زن را از این کرامت مشترک خارج کند، در تعارض با منطق صحیفه قرار دارد.

این سطح، دقیقاً همان چیزی است که متفکرانی؛ چون شهید مطهری و علامه جوادی آملی در آثار خود بر اساس قرآن و سنت بر آن تأکید کرده‌اند. هنگامی که گفته می‌شود: «زن و مرد در انسانیت مشترکند و تفاوت‌ها مربوط به نقش‌ها و استعدادهاست، نه ارزش ذاتی»، [۴، ۱۲] صحیفه، این مبنا را نه در قالب بحث نظری؛ بلکه در قالب زبان دعا تثبیت می‌کند، آن هم با یکسان‌گرفتن مخاطب انسانی خدا و فارغ از جنسیت.

بنابراین، سطح نخست الگوی عدالت جنسیتی در صحیفه، سطحی است که در آن، عدالت به معنای «برابری در امکان قرب، در شأن عبودیت و در حق برخورداری از احترام و رحمت الهی» تعریف می‌شود. این سطح، با بسیاری از نظریه‌های سکولار عدالت هم‌پوشانی دارد، ولی تا آنجا که بر برابری شأن انسانی تأکید می‌کنند، اما ریشه این برابری را در «خدا - انسان» می‌بیند، نه صرفاً در «انسان - انسان».

#### سطح دوم: ساختار خانواده؛ عدالت به مثابه مسئولیت متقابل

سطح دوم، جایی است که عدالت از ساحت هستی‌شناختی به عرصه زیست روزمره؛ یعنی سطح خانواده وارد می‌شود. در صحیفه، خانواده واحدی است که در آن رابطه والدین و فرزندان، مبتنی بر محبت، مسئولیت و تربیت است؛ والدین (پدر و مادر) هر دو موضوع حقوق و احترام هستند؛ فرزندان، امانت الهی‌اند و والدین در برابر رشد معنوی و اخلاقی آنان مسئول هستند؛ و روابط خویشاوندی بر اساس صله رحم، حسن معاشرت و رعایت حقوق تعریف می‌شود.

در این سطح، عدالت جنسیتی به این معناست که اولاً، زن و مرد، هر دو «فاعل اخلاقی» در خانواده‌اند، نه اینکه یکی فاعل و دیگری صرفاً مفعول باشد؛ ثانیاً، نقش‌های متفاوت - مانند بارداری، شیردهی و مسئولیت‌های اقتصادی - ممکن است وجود داشته باشد، اما این تفاوت‌ها نباید به نابرابری در کرامت، احترام و حق شنیده شدن منجر شود؛ و ثالثاً، توزیع محبت، توجه، فرصت رشد و امکان تصمیم‌گیری، باید به گونه‌ای باشد که هیچ یک از دو جنس، احساس حاشیه‌نشینی و تحقیر نکند.

تحلیل دعا‌های مربوط به والدین و فرزندان نشان داد که امام سجاد (ع)، رابطه والد - فرزند را به عنوان رابطه «قدرت یک‌سویه» توصیف نمی‌کند؛ بلکه آن را رابطه «مسئولیت دوطرفه» می‌بیند؛ یعنی والدین مسئول تربیت هستند و فرزندان مسئول احترام و دعا. این منطق، اگر به رابطه زن و مرد نیز تعمیم داده شود، نتیجه‌اش تصویر خانواده‌ای است که در آن، هر دو جنس در برابر خدا مسئول هستند؛ در برابر یکدیگر پاسخگو می‌باشند؛ و در قبال فرزندان، شریک در مسئولیت.

در چنین خانواده‌ای، سرپرستی - اگر هم برای مرد فرض شود - معنای «پاسخگویی بیشتر» دارد، نه «حق سلطه». این همان چیزی است که در برخی آثار فقهی - اخلاقی به آن اشاره شده، اما در عمل، گاه به «برتری ارزشی و عملی بی چون و چرا» فروکاسته شده



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

است. صحیفه با زبان دعا دوباره یادآوری می‌کند که سرپرست، بیش از همه باید از ظلم بترسد و از خدا برای انجام صحیح وظایفش کمک بخواهد، نه اینکه سرپرستی را بهانه‌ای برای تحمیل اراده خود بر دیگران کند.

### سطح سوم: روابط اجتماعی؛ عدالت به مثابه ساختار و فضای عمومی

سطح سوم، عدالت را در میدان جامعه و ساختارهای قدرت دنبال می‌کند. دعاهاى مربوط به همسایگان، مؤمنان، حاکمان، مزدداران و عموم مردم، نشان می‌دهد که امام سجاد ۷ جامعه مطلوب را جامعه‌ای می‌داند که در آن اولاً، حقوق همسایه - هر که باشد - محترم است؛ ثانیاً، حاکم، خادم مردم است، نه حاکم بر آنان به معنای سلطه؛ ثالثاً، ظلم، استضعاف، استعلاء و تحقیر، در هر سطحی ممنوع است؛ و رابعاً، ضعیفان و به حاشیه رانده‌شدگان، موضوع دعا و حمایتند.

از منظر عدالت جنسیتی، این بدان معناست که زن، به عنوان شهروند، همسایه، مؤمن، و عضو جامعه، مشمول همان قواعد عدالت اجتماعی است؛ آزار خیابانی، تبعیض شغلی، محرومیت از فرصت‌های آموزشی و مشارکت اجتماعی، نه صرفاً مسئله‌ای اجتماعی؛ بلکه مصداق بی‌اعتنایی به روح دعاهاى صحیفه است و حاکمی که سیاست‌ها یا رویه‌هایش به تبعیض سیستماتیک علیه زنان بیانجامد، از نگاه گفتمان صحیفه، در معرض نقد الهی است؛ زیرا وظیفه‌اش پاسداری از حقوق همه بندگان خداست.

بدین ترتیب، الگوی عدالت جنسیتی صحیفه، فقط به سطح خانواده محدود نمی‌شود؛ بلکه تا سطح ساختارهای اجتماعی و سیاسی امتداد دارد. این الگو، عدالت جنسیتی را در دل عدالت اجتماعی حل می‌کند و نشان می‌دهد که نمی‌توان جامعه‌ای به طور کلی عادل داشت، اما نسبت به تبعیض‌های جنسیتی در آن جامعه بی‌تفاوت بود.

### ۱۰.۲ نسبت الگوی صحیفه با ادبیات اسلامی عدالت جنسیتی

اکنون می‌توان الگوی سه‌سطحی برآمده از صحیفه را با ادبیات اسلامی معاصر درباره عدالت جنسیتی و حقوق زن مقایسه کرد. در آثار متفکرانی مانند شهید مطهری و علامه جوادی آملی، چند نکته کلیدی مکرر دیده می‌شود:

۱. تأکید بر کرامت مشترک زن و مرد؛
۲. نفی برتری ذاتی مرد بر زن؛
۳. پذیرش تفاوت در برخی نقش‌ها و احکام؛
۴. تأکید بر اینکه برخی تفاوت‌ها، نه نشانه تبعیض، که نشانه تناسب با ویژگی‌های جسمی و روانی است. [۴، ۱۲]

الگوی صحیفه، در سطح مبانی، با این ادبیات همسو است؛ اما چند امتیاز و تفاوت مهم دارد:

#### ۱. زبان دعا، نه زبان جدل فقهی یا کلامی

صحیفه، به جای اینکه وارد جدل‌های نظری و دفاعی شود، با زبان دعا، تصویری مثبت و ایجابی از انسان، خانواده و جامعه عادل ارائه می‌دهد. این زبان، برای شکل‌دهی به «ذهن و دل» مخاطب مؤمن، بسیار مؤثرتر از استدلال صرف است؛ زیرا



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

مخاطب، خود را در جایگاه دعاگو می‌بیند و احساس می‌کند که این عدالت، مطالبه خودش از خداست، نه صرفاً وظیفه‌ای تحمیلی از بیرون.

## ۲. تأکید پررنگ‌تر بر بُعد اخلاقی و درونی عدالت

بخش مهمی از ادبیات اسلامی عدالت جنسیتی، در سطح حقوقی و فقهی متوقف می‌شود؛ در حالی که صحیفه نشان می‌دهد که حتی با بهترین نظام حقوقی، اگر اخلاق و تقوای رابطه‌ای شکل نگیرد، عدالت محقق نمی‌شود. این یادآوری، خلأ مهمی را در بحث‌های امروز پر می‌کند؛ زیرا آنچه غالباً در خانواده‌ها و جامعه به صورت بی‌عدالتی جنسیتی تجربه می‌شود، بیشتر محصول خشونت، خودخواهی و فقدان حسن خلق است، تا صرفاً نتیجه ساختار حقوقی.

## ۳. گسترش افق عدالت جنسیتی به سطح امت و حاکمیت

در حالی که بسیاری از آثار اسلامی معاصر، عدالت جنسیتی را عمدتاً در سطح «خانواده» و «احکام فقهی» بحث می‌کنند، صحیفه افق را به سطح «حاکم و رعیت»، «حقوق مردم»، «ضعیفان» و «ساختارهای قدرت» می‌برد. این امر به ما یادآوری می‌کند که عدالت جنسیتی اگر در سطح سیاست‌گذاری و ساختارهای کلان نادیده گرفته شود، در سطح خانواده نیز به سختی محقق خواهد شد.

به این معنا، الگوی صحیفه را می‌توان مکمل و تعمیق‌کننده ادبیات اسلامی موجود دانست. این الگو، همان مبانی کرامت و تفاوت نقش‌ها را می‌پذیرد، اما با افزودن لایه‌های اخلاقی، عرفانی و گفتمانی، از ماندن عدالت در قالب بحث‌های صرفاً حقوقی جلوگیری می‌کند.

## ۳.۱۰. تمایز الگوی صحیفه با دو قطب افراطی در عدالت جنسیتی

در ادبیات معاصر، دو قطب افراطی در بحث عدالت جنسیتی قابل تشخیص است:

۱. برابری‌گرایی مکانیکی که خواهان حذف هرگونه تفاوت حقوقی و نقش میان زن و مرد است و گاه تفاوت‌های

تکوینی و روان‌شناختی را نادیده می‌گیرد؛

۲. تفاوت‌گرایی توجیه‌گر تبعیض که هر نوع تفاوت حقوقی و فرهنگی را بدون بازاندیشی و نقد اخلاقی، به «طبیعت» یا

«دین» نسبت می‌دهد و از آن برای تثبیت ساختارهای ناعادلانه استفاده می‌کند.

الگوی عدالت جنسیتی برآمده از صحیفه، در برابر هر دو قطب، موضع انتقادی دارد:

### ۱. نقد برابری‌گرایی مکانیکی

صحیفه از یکسو، بر کرامت مشترک انسانی زن و مرد و نفی مطلق ظلم و تحقیر تأکید می‌کند؛ اما از سوی دیگر، واقعیت خانواده، روابط عاطفی، مسئولیت‌های متفاوت و نیاز به نوعی تقسیم کار را نیز مفروض می‌گیرد. در دعا‌های مربوط به والدین، فرزندان و خانواده، نقش‌ها یکدست و یکسان نیست؛ هر چند در سطح کرامت و حق‌مندی، هم‌وزن هستند.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

به این معنا، صحیفه به ما اجازه نمی‌دهد که عدالت جنسیتی را با کپی برداری ساده از مدل‌های برابری گرایانه‌ای تعریف کنیم که در آن، تفاوت‌ها به کل نادیده گرفته می‌شود. عدالت در این الگو، به معنای «یکسان‌سازی» نیست؛ بلکه به معنای «تناسب حقوق و تکالیف با حقیقت انسان و نقش‌های واقعی او» است.

بنابراین، الگوی صحیفه در برابر برابری گرای مکانیکی، بر چند نکته پای می‌فشارد:

ا. حذف همه تفاوت‌ها، لزوماً عادلانه نیست؛

ب. برخی تفاوت‌ها، اگر بر مبنای مصالح واقعی و کرامت مشترک تنظیم شوند، می‌توانند عادلانه باشند؛

ج. برابری در کرامت، لزوماً به معنای برابری در همه نقش‌ها و وظایف نیست.

## ۲. نقد تفاوت‌گرایی توجیه‌گر تبعیض

در عین حال، صحیفه اجازه نمی‌دهد که هر تفاوت موجود در عرف یا ساختار حقوقی، به صورت خودکار «برچسب عدالت» بگیرد. تأکید مکرر بر نفی ظلم، تحقیر، استضعاف و استعلاء، و حساسیت شدید نسبت به حق الناس، نشان می‌دهد که: اولاً، هیچ کس - از جمله مرد در خانواده یا حاکم در جامعه - مجاز نیست به بهانه تفاوت نقش‌ها، دیگران را تحقیر کند یا حقوق آنان را نادیده بگیرد؛ ثانیاً، هر نوع ساختار یا رویه‌ای که به تحقیر سیستماتیک زنان، حذف آنان از مشارکت اجتماعی، یا محرومیت ناروا از امکانات آموزشی و اقتصادی بینجامد، با روح عدالت خواه صحیفه ناسازگار است؛ و ثالثاً، قوامیت مرد در خانواده، اگر به ابزار برتری طلبی و سلطه تبدیل شود، مصداق روشن ظلم است و امام سجاد ۷ در دعاهاى خود، دقیقاً از همین نوع ظلم‌ها به خدا پناه می‌برد.

بنابراین، الگوی صحیفه، در برابر تفاوت‌گرایی توجیه‌گر تبعیض، بر این نکات تأکید می‌کند:

ا. تفاوت، تا جایی پذیرفتنی است که به تحقیر، استضعاف و نقض کرامت نیانجامد؛

ب. هر تفاوتی باید دائماً در معرض نقد اخلاقی و سنجش با معیارهای عدل الهی قرار گیرد؛

ج. «طبیعت» یا «سنت» به تنهایی، بدون پشتوانه اخلاقی و عقلی، نمی‌تواند توجیه‌گر ساختارهای ناعادلانه باشد.

در یک جمع‌بندی، می‌توان گفت که الگوی عدالت جنسیتی صحیفه، منطقه‌ای میانه و در عین حال فعال را احاطه می‌کند؛ بدین معنا که:

ا. نه به مساوات طلبی سطحی و بی‌اعتنای به واقعیت‌ها تن می‌دهد؛

ب. نه به محافظه‌کاری توجیه‌گر هر وضع موجود تنزل می‌یابد؛

ج. بلکه می‌کوشد در چارچوب کرامت مشترک، نفی ظلم و مسئولیت متقابل، به تعریف «تفاوت‌های عادلانه» برسد.

## ۱۰.۴ پیامدهای نظری الگو برای فهم عدالت جنسیتی

الگوی عدالت جنسیتی برآمده از صحیفه، چند پیامد نظری مهم برای ادبیات موجود در این حوزه دارد:



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۱. جابجایی مرکز ثقل از «حقوق» به «فضیلت» (بدون حذف حقوق): ادبیات امروز عدالت جنسیتی، عمدتاً زبان حقوقی دارد؛ حقوق شهروندی، حقوق خانواده، حقوق برابر در آموزش و اشتغال و... اما الگوی صحیفه، بدون انکار این زبان، مرکز ثقل را به «فضیلت اخلاقی» منتقل می‌کند؛ یعنی عدالت، تواضع، حلم و تقوای رابطه‌ای. این جابجایی، فهم ما را از عدالت جنسیتی عمیق‌تر می‌کند؛ زیرا نشان می‌دهد که بدون تربیت فضیلت، حقوق روی کاغذ باقی می‌ماند.
۲. تلفیق انسان‌شناسی توحیدی با نظریه عدالت: بسیاری از نظریه‌های عدالت، بر انسان‌شناسی سکولار مبتنی هستند؛ یعنی انسان را موجودی خودبنیاد، خودآیین و صرفاً زمینی فرض می‌کنند، اما در الگوی صحیفه، عدالت جنسیتی در متن رابطه انسان و خدا تعریف می‌شود. این امر، دو پیامد دارد: اول اینکه، عدالت جنسیتی، نه صرفاً وظیفه‌ای در برابر جامعه؛ بلکه تکلیفی در برابر خداست و دوم اینکه، هر نوع ظلم جنسیتی، علاوه بر نقض حق انسان، نوعی بی‌ادبی در برابر خدای عادل است.
۳. توسعه افق عدالت جنسیتی به سطح گفتمان و هویت دینی: عدالت جنسیتی در این الگو، فقط مجموعه‌ای از قواعد بیرونی نیست؛ بلکه بخشی از «تصویر خود مؤمن» است. مؤمن مورد نظر صحیفه، انسانی است که نمی‌تواند خود را دیندار بداند، اما نسبت به ظلم و تحقیر - در هر سطحی - بی‌تفاوت باشد. این تصویر، می‌تواند در شکل‌دهی به «هویت اخلاقی» جامعه دینی، نقش مهمی داشته باشد.
۴. حضور پررنگ مفهوم «حق الناس» در عدالت جنسیتی: صحیفه، بارها بر حق الناس تأکید می‌کند و آن را از مهم‌ترین موانع سیر معنوی می‌داند. این تأکید، وقتی به بحث جنسیت سرایت کند، عدالت جنسیتی را از سطح «بحث‌های فرهنگی» به سطح «مسئله جدی معنوی و اخروی» ارتقا می‌دهد. به عبارت دیگر، ظلم به زن - در خانه، محیط کار و جامعه - فقط یک «بی‌اخلاقی اجتماعی» نیست؛ ممکن است مانعی بزرگ در سیر معنوی ظالم باشد.

## ۱۰.۵ پیامدهای عملی الگو در سه حوزه تربیت، فقه اجتماعی و سیاست‌گذاری

الگوی عدالت جنسیتی برآمده از صحیفه، اگر جدی گرفته شود، در سه حوزه مهم می‌تواند پیامدهای عملی داشته باشد:

### ۱. در حوزه تربیت و آموزش دینی

- بازنگری در محتوای آموزشی درباره زن و خانواده: بسیاری از متون آموزشی دینی که برای نوجوانان و جوانان تدوین می‌شود، در موضوع زن و خانواده، بیش از حد به سطح احکام خشک می‌پردازند و از زبان دعایی و اخلاقی صحیفه غافلند. استفاده از فرازهای مرتبط صحیفه - با تفسیر صحیح - می‌تواند تصویر عاطفی‌تر، اخلاقی‌تر و عادلانه‌تری از روابط زن و مرد در ذهن نسل جدید ایجاد کند.
- آموزش «تقوای رابطه‌ای» به عنوان مهارت زندگی: مضامینی؛ مانند کنترل خشم، حسن خلق، تواضع، پرهیز از تحقیر و توجه به حقوق دیگران، اگر به صورت مهارت‌های زندگی در دوره‌های آموزشی پیش از ازدواج و در دوره‌های خانواده‌محور مطرح شوند، می‌توانند به کاهش <sup>۵۳</sup> ای جنسیتی در سطح روابط روزمره کمک کنند.



## صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

- اصلاح زبان منبر و تبلیغ: خطیب و مربی دینی، اگر به زبان صحیفه مسلح باشد، به جای بازتولید کلیشه‌های جنسیتی و تحقیر آمیز، می‌تواند بر کرامت مشترک، مسئولیت متقابل و ضرورت نفی ظلم در خانواده تأکید کند.

### ۲. در حوزه فقه اجتماعی و اجتهاد

- بازخوانی برخی احکام در پرتو روح عدالت صحیفه: هر چند این مقاله وارد جزئیات فقهی نمی‌شود، اما نشان می‌دهد که صحیفه، معیار اخلاقی بلندی برای سنجش رویه‌ها و برداشت‌ها فراهم می‌کند. فقیه در اجتهاد خود، وقتی با نصوص متعدد مواجه است، می‌تواند روح عدالت‌خواه و کرامت‌محور صحیفه را به عنوان یکی از قرائن ارشادی در فهم و ترجیح برداشت‌ها در نظر بگیرد. [۵، ۱۰]
- تأکید بر تفکیک «متن دین» و «عرف‌های تبعیض‌آمیز»: الگوی صحیفه کمک می‌کند تا تفاوت گذاشته شود میان آنچه ریشه در متن دین دارد و آنچه در طول تاریخ، به صورت عرف‌های ناعادلانه به عنوان دین نمود پیدا کرده است. این تفکیک، برای بازنگری در برخی رویه‌های عرفی که به نام دین توجیه می‌شوند، ضروری است.

### ۳. در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی

- طراحی سیاست‌هایی که کرامت و امنیت زنان را در فضای عمومی تضمین کند: اگر حقوق همسایه، مؤمن و شهروند، در نگاه امام سجاد ۷ چنین اهمیت دارد، سیاست‌گذار دینی نمی‌تواند نسبت به آزارهای خیابانی، تبعیض‌های شغلی و ناامنی فضاهای اجتماعی برای زنان بی‌تفاوت باشد. عدالت جنسیتی در این سطح، به معنای ایجاد ساختارهایی است که «تحقیر و آزار» را پرهزینه و «احترام و همکاری» را آسان کند.
- حمایت از خانواده‌های عادل، نه صرفاً از خانواده‌های پایدار: هدف سیاست‌گذاری خانواده، نباید فقط «حفظ ظاهری نهاد خانواده» به هر قیمت باشد؛ بلکه باید ارتقای «عدالت و سلامت درونی خانواده» نیز در دستور کار باشد. خانواده‌ای که در آن زن سال‌ها تحت خشونت و تحقیر است، هر چند ظاهراً «متلاشی نشده»، اما با الگوی عدالت صحیفه سازگار نیست. سیاست‌گذاری، باید مکانیسم‌هایی برای حمایت از عدالت درون‌خانوادگی (از جمله حمایت از زنان و کودکان در معرض خشونت) پیش‌بینی کند.

### ۱۰.۶ ارزیابی انتقادی الگو و ظرفیت‌های توسعه آتی

در پایان بحث، لازم است خود الگوی ارائه‌شده نیز به طور انتقادی دیده شود:

#### ۱. محدودیت‌های الگو

- این الگو بر مبنای یک متن (صحیفه) شکل گرفته است؛ هر چند متن بسیار مهمی است، اما کل سنت اسلامی نیست؛
- الگو، بیش از آنکه جزئیات حقوقی ارائه کند، «افق هنجاری و اخلاقی» را نشان می‌دهد؛



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

- برخی مسائل جدید عدالت جنسیتی (مانند چالش‌های حقوقی در محیط کار مدرن، رسانه و فناوری) در متن صحیفه به طور مستقیم مطرح نیست و نیازمند استنباط و تطبیق است.

### ۲. ظرفیت‌های توسعه

- می‌توان همین روش تحلیل مضمونی را به متون دیگری؛ چون نهج‌البلاغه، صحیفه‌های دیگر منسوب به اهل‌بیت: و مجموعه‌ای از روایات اخلاقی مرتبط با زن و خانواده تعمیم داد و الگوی جامع‌تری ساخت؛
- می‌توان بر اساس الگوی برآمده از صحیفه، ابزارهای سنجش‌گر (پرسش‌نامه و شاخص‌های کیفی) طراحی کرد و فاصله میان «وضع مطلوب صحیفه» و «وضع موجود خانواده‌ها و روابط جنسیتی در جامعه» را در پژوهش‌های میدانی سنجید؛
- می‌توان از این الگو برای نقد سازنده برخی گفتمان‌های دینی رایج استفاده کرد که یا بیش از حد بر تفاوت‌ها تأکید می‌کنند و عدالت را فراموش کرده‌اند، یا بدون توجه به مبانی وحیانی، در برابر الگوهای سکولار عدالت، موضعی منفعلانه اتخاذ کرده‌اند.

### ۳. ضرورت گفتگو و هم‌نشینی الگو با نظریه‌های جهانی عدالت

الگوی عدالت جنسیتی برآمده از صحیفه، ظرفیت ورود به گفتگو با نظریه‌های جهانی عدالت - از رالز تا نظریه‌های فمینیستی - را دارد؛ البته نه از موضع تقلید یا تقابل خام؛ بلکه از موضع گفتگوی انتقادی. این گفتگو، می‌تواند هم به غنای نظریه‌های جهانی کمک کند، هم به پالایش و تکمیل الگوی اسلامی.

### ۱۰.۷ جمع‌بندی

در این بخش نشان داده شد که مضامین استخراج شده از ادعیه صحیفه سجادیه، اگر در پرتو چارچوب نظری عدالت جنسیتی در اندیشه اسلامی خوانده شود، امکان صورت‌بندی یک الگوی سه‌سطحی عدالت جنسیتی را فراهم می‌کند؛ الگویی که:

- در سطح نخست، بر کرامت مشترک انسان و نفی هرگونه تحقیر و استضعاف تأکید دارد؛
- در سطح دوم، خانواده را میدان مسئولیت متقابل، محبت و تقسیم عادلانه نقش‌ها و حقوق می‌بیند؛
- و در سطح سوم، جامعه را ساختاری می‌خواهد که در آن، حاکم و شهروند، و زن و مرد، همگی تحت قاعده عدالت و حق الناس قرار دارند.

این الگو، در عین پابندی به مبانی وحیانی و پذیرش برخی تفاوت‌ها، هم با برابری‌گرایی مکانیکی فاصله دارد، و هم با تفاوت‌گرایی توجیه‌گر تبعیض. نقطه ثقل آن، نه «حقوق بریده از اخلاق»، و نه «اخلاق بریده از ساختار حقوقی»؛ بلکه ترکیب کرامت، عدالت، مسئولیت و تقوای رابطه‌ای است.



### ۱.۱. نتیجه گیری و پیشنهادها

در این بخش، در پی تبیین این مطلب هستیم که تمام این بحث‌های نظری و تحلیلی، نهایتاً به چه تصویر منسجم و قابل دفاعی از «عدالت جنسیتی در گفتمان دعایی امام سجاد (ع)» منتهی می‌شود، این تصویر چه چیز تازه‌ای روی میز می‌گذارد، و از دل آن چه مسیرهایی برای ادامه تحقیق و عمل باز می‌شود؟

#### ۱۱.۱ جمع‌بندی مسیر پژوهش

این پژوهش با یک مسئله روشن آغاز شد: در فضای علمی و دینی معاصر، از «عدالت جنسیتی» بسیار سخن گفته می‌شود، اما بخش عمده ادبیات یا به ترجمه و نقد نظریه‌های غربی محدود مانده، یا در سطح دفاع فقهی - حقوقی از مجموعه‌ای از احکام موجود متوقف شده است؛ در حالی که متون معنوی و دعایی شیعه و به ویژه صحیفه سجادیه، ظرفیت عظیمی برای بازسازی گفتمان عدالت - از جمله عدالت میان زن و مرد - دارند که کمتر به صورت روشمند کاویده شده است.

بر این اساس، مقاله با تکیه بر مبانی انسان‌شناسی و عدالت در اندیشه اسلامی، [۴، ۱۲] مفهومی عملیاتی از «عدالت جنسیتی» صورت‌بندی کرد:

- کرامت مشترک انسانی زن و مرد؛
- نفی هرگونه ظلم، تحقیر و استضعاف مبتنی بر جنسیت؛
- پذیرش تفاوت نقش‌ها تنها در چارچوب تناسب واقعی و بدون نقض کرامت؛
- توزیع متناسب حقوق و مسئولیت‌ها در خانواده و جامعه؛
- پیوند عدالت جنسیتی با تقوا، فضیلت اخلاقی و حق الناس.

سپس، با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمونی، ادعیه مرتبط صحیفه و به ویژه دعا‌های مربوط به والدین، فرزندان، خویشاوندان، همسایگان، مؤمنان و حاکمان، انتخاب شد، فرازهای مرتبط با عدالت، کرامت و روابط انسانی استخراج گردید، و کدگذاری و در قالب مضامین میانی و اصلی سازمان‌دهی شدند. [۹]

نتیجه تحلیل مضمونی، شناسایی شش مضمون محوری بود:

۱. کرامت انسانی مشترک زن و مرد؛
۲. نفی مطلق ظلم، تحقیر و استضعاف؛
۳. ساختار عادلانه و رحمت‌محور خانواده و مسئولیت‌های متقابل؛
۴. مسئولیت اخلاقی مرد و سرپرستی به مثابه خدمت، نه سلطه؛
۵. الگوی روابط اجتماعی عادلانه و محترمانه در سطح جامعه و حاکمیت؛
۶. تربیت اخلاقی و «تقوای رابطه‌ای» به عنوان زیرساخت درونی عدالت.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

پس از آن، توضیح داده شد که این مضامین، اگر در کنار هم و در پرتو چارچوب نظری خوانده شوند، امکان صورت‌بندی یک الگوی سه‌سطحی عدالت جنسیتی را فراهم می‌کنند:

- سطح هستی‌شناختی: کرامت مشترک انسان به عنوان بنده خدا؛
- سطح خانوادگی: خانواده به عنوان میدان مسئولیت متقابل، محبت و تقسیم عادلانه نقش‌ها؛
- سطح اجتماعی - سیاسی: جامعه و حاکمیت به عنوان ساختاری که موظف به رعایت حقوق همه بندگان خدا، از جمله زنان است.

این الگو، از یکسو با مبانی اسلامی عدالت و کرامت همخوان است [۴، ۱۲] و از سوی دیگر، در برابر دو افراط رایج - «برابری گرای مکانیکی» و «تفاوت‌گرایی توجیه‌گر تبعیض» - موضع انتقادی اتخاذ می‌کند.

## ۱۱.۲ ویژگی‌های اصلی الگوی عدالت جنسیتی در صحیفه سجادیه

برای جمع‌بندی، می‌توان ویژگی‌های الگوی برآمده از گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup> را در چند محور خلاصه کرد:

### ۱. عدالت از درون «کرامت» آغاز می‌شود، نه از بیرون «ساختار»

در این الگو، نقطه شروع عدالت جنسیتی، نه صرفاً طراحی قانون یا تقسیم کار؛ بلکه پذیرش کرامت مشترک زن و مرد به عنوان انسان است. تا وقتی در ذهن و ضمیر دینی، زن «انسان درجه دو»، «ضمیمه مرد» یا «ابزار» دیده شود، هر چقدر هم ساختار حقوقی اصلاح شود، بی‌عدالتی بازتولید خواهد شد. صحیفه با زبان دعا، این کرامت مشترک را بارها و بارها تثبیت می‌کند که مخاطب خدا «عبد» است، نه «مرد»؛ «مؤمن» است، نه «جنس غالب».

### ۲. عدالت، فقط «تقسیم حقوق» نیست؛ «سبک اخلاقی زیستن» است

الگوی صحیفه، عدالت جنسیتی را از سطح حقوق خشک به سطح سبک زندگی اخلاقی می‌برد. مضامینی؛ مانند کنترل خشم، تواضع، حسن خلق، گذشت، پرهیز از آزار، رعایت حق الناس و ترس از ظلم نشان می‌دهد که بی‌عدالتی جنسیتی در خانواده و جامعه، قبل از هر چیز، بحران اخلاقی است، نه فقط نقص قانونی. به عبارت دیگر، مردی که هر روز با خود زمزمه دعاهای صحیفه را دارد و از ظلم، تندی، تحقیر و حق‌کشی می‌ترسد، حتی در چارچوب همان احکام موجود، نسبت به کسی که فقط احکام را می‌داند و از روح عدالت غافل است، رابطه عادلانه‌تری با همسر، دختر، مادر و همکار خود خواهد داشت.

### ۳. سرپرستی مرد، به معنای «بار مسئولیت» است، نه «حق سلطه»

در الگوی صحیفه، هر جا سخن از موقعیت‌های قدرت‌مندتر (حاکم، والد و صاحب نفوذ) می‌آید، بلافاصله بار مسئولیت، حق الناس و خطر ظلم برجسته می‌شود. این منطق به طور طبیعی، سرپرستی مرد در خانواده را از یک امتیاز بی‌چون و چرا، به یک تکلیف سنگین در برابر خدا و خانواده تبدیل می‌کند.



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

مرد در این الگو، باید بیش از همه از ظلم بترسد؛ بیش از همه نگران ادای حقوق دیگران باشد؛ و بیش از همه برای اصلاح اخلاق و رفتار خود دعا کند. چنین تصویری، با الگوی مردسالاری سلطه‌گر که گاه به نام دین توجیه می‌شود، فاصله‌ای جدی دارد.

### ۴. عدالت جنسیتی، زیرمجموعه عدالت اجتماعی و سیاسی است

صحیفه، عدالت را تنها در مقیاس خانواده طرح نمی‌کند؛ دعا‌های مربوط به حاکمان، اهل ثغور، حقوق مردم و ضعفا نشان می‌دهد که ساختارهای کلان قدرت و سیاست نیز باید بر مدار عدالت باشند. در چنین چارچوبی، تبعیض ساختاری علیه زنان در قانون، فرهنگ رسمی، رسانه و اقتصاد، چیزی فرعی و حاشیه‌ای نیست؛ بلکه نقض مستقیم روح دعاست. الگوی صحیفه، عدالت جنسیتی را بخشی جدایی‌ناپذیر از عدالت اجتماعی می‌بیند. حاکمی که سیاست‌ها و رویه‌های تبعیض‌آمیز علیه زنان را نادیده می‌گیرد، در برابر خدا مسئول است؛ و جامعه‌ای که امنیت، کرامت و فرصت‌های عادلانه برای زنان فراهم نمی‌کند، با مختصات جامعه مطلوب امام سجاد<sup>۷</sup> بیگانه است.

### ۵. امکان توبه و بازسازی؛ عدالت جنسیتی پروژه‌ای گشوده است

ساختار اعتراف - توبه در صحیفه، به این معناست که هیچ وضعیت ناعادلانه‌ای، «سرنوشت محتوم» تلقی نمی‌شود. مردی که سال‌ها در حق همسر خود ظلم کرده، اگر واقعاً از منظر صحیفه به خود نگاه کند، می‌تواند با اعتراف، طلب بخشش، جبران عملی و تغییر سبک زندگی، به سوی عدالت حرکت کند. زن نیز می‌تواند سهم خود را در بی‌نظمی‌ها و تنش‌ها بازبینی و اصلاح کند. پس عدالت جنسیتی در این الگو، یک وضعیت ثابت نیست؛ بلکه یک مسیر دائمی بازنگری و اصلاح، با تکیه بر توبه، آگاهی و تغییر اخلاقی است.

بر این اساس، می‌توان پرسش محوری مقاله؛ یعنی «الگوی عدالت جنسیتی در گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup> - بر اساس صحیفه سجادیه - چیست؟» را در یک جمله فشرده چنین پاسخ داد:

الگوی عدالت جنسیتی در صحیفه سجادیه، «الگوی کرامت‌محور تفاوت‌پذیر و ظلم‌ستیز» است؛ الگویی که در آن، زن و مرد در کرامت انسانی و امکان قرب الهی هم‌سنگ هستند، تفاوت نقش‌ها تنها در چارچوب مسئولیت متقابل و بدون نقض کرامت پذیرفته می‌شود، خانواده میدان محبت و مسئولیت مشترک است، حاکمیت موظف به پاسداری از حقوق همه بندگان خدا - از جمله زنان - است، و تحقق عدالت جنسیتی بدون تربیت اخلاقی و تقوای رابطه‌ای ممکن نیست.

این الگو، نه با مساوات‌طلبی مکانیکی و بی‌اعتنای به واقعیت‌های تکوینی سازگار است، نه با تفاوت‌گرایی که به نام دین، تبعیض و تحقیر را تثبیت می‌کند؛ بلکه می‌کوشد در افق انسان‌شناسی توحیدی و با اتکا به گفتمان دعایی امام معصوم<sup>۷</sup>، مسیر سومی را بگشاید.



این مقاله، علی‌رغم گستردگی بحث، تنها یکی از گام‌های نخستین در بهره‌گیری از متون دعایی برای بازخوانی عدالت جنسیتی است. بر این اساس، چند پیشنهاد برای ادامه مسیر می‌توان مطرح کرد:

۱. گسترش دامنه متون: تکرار همین نوع تحلیل مضمونی بر متونی؛ مانند نهج‌البلاغه، روایات اخلاقی مرتبط با زن و خانواده، و سایر ادعیه منسوب به اهل‌بیت، می‌تواند به صورت‌بندی یک «الگوی جامع‌تر» عدالت جنسیتی در سنت شیعی کمک کند.

۲. پیوند با پژوهش‌های میدانی: بر اساس شاخص‌های استخراج‌شده از صحیفه (کرامت مشترک، نفی تحقیر، مسئولیت متقابل و تقوای رابطه‌ای)، می‌توان ابزارهای سنجش (پرسش‌نامه، مصاحبه عمیق و مشاهده) طراحی کرد و فاصله میان «وضع مطلوب» در الگوی امام سجاد<sup>۷</sup> و «وضع موجود» در خانواده‌ها و جامعه را اندازه گرفت. چنین پژوهش‌هایی می‌تواند برای سیاست‌گذاری و آموزش دینی، پشتوانه عینی فراهم کند.

۳. کار تطبیقی با نظریه‌های جهانی عدالت جنسیتی: مقایسه انتقادی الگوی صحیفه با نظریه‌های عدالت (همانند رالز)، نظریه‌های فمینیستی لیبرال، رادیکال، تفاوت‌گرا و عدالت مراقبتی، می‌تواند هم نقاط قوت و مرزهای الگوی اسلامی را روشن‌تر کند، و هم به گفتگوی بین‌فرهنگی جدی‌تری در این حوزه منجر شود.

۴. الگو به زبان سیاست و حقوق: بر مبنای این الگو، می‌توان به صورت مشخص‌تر درباره برخی مسائل عینی - مانند قوانین حمایت از زنان در برابر خشونت، سیاست‌های اشتغال و مرخصی، و ساز و کارهای مشارکت اجتماعی زنان - پیشنهادهای سیاستی تدوین کرد. این کار البته نیازمند کار گروهی میان‌رشته‌ای میان فقه، حقوق، جامعه‌شناسی، مطالعات زنان و علوم تربیتی است.

۵. تولید محتوای آموزشی و رسانه‌ای مبتنی بر گفتمان صحیفه: طراحی بسته‌های آموزشی برای مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز مشاوره خانواده بر اساس مضامین صحیفه، و نیز تولید آثار رسانه‌ای (برنامه‌های رادیو و تلویزیونی، پادکست و کلیپ) می‌تواند کمک کند که عدالت جنسیتی، از سطح متن علمی به سطح فرهنگ عمومی منتقل شود؛ آن هم با زبان دعا و معنویت، نه صرفاً با زبان شعار و تقابل.

### ۱۳. سخن پایانی

این پژوهش نشان داد که صحیفه سجادیه - اگر نه با نگاه عاطفی سطحی؛ بلکه با عینک روشمند تحلیل مضمونی و در چارچوب مبانی عدالت اسلامی خوانده شود - توان آن را دارد که نه فقط عبادت فردی و سلوک شخصی؛ بلکه یکی از مناقشه‌برانگیزترین موضوعات عصر ما؛ یعنی «عدالت جنسیتی» را نیز از درون خود بازآفرینی کند.

گفتمان دعایی امام سجاد<sup>۷</sup>، به ما یادآوری می‌کند که عدالت:

• از قلبی آغاز می‌شود که از تحقیر و ظلم می‌ترسد؛



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

- از زبانی که از آزار و توهین پرهیز می کند؛
  - از خانواده‌ای که در آن، محبت و مسئولیت متقابل جایگزین سلطه و ترس شده است؛
  - و از جامعه‌ای که در آن، هیچ انسانی - از جمله هیچ زنی - به خاطر جنسیت خود، موضوع استضعاف و حذف نیست.
- اگر این منطق در ذهن و ضمیر دینی ما جای بگیرد، آنگاه بحث‌های فقهی، حقوقی و سیاسی درباره زن و خانواده نیز در افقی متفاوت صورت بندی خواهد شد؛ افقی که در آن، «عدالت جنسیتی» نه امتیاز اضافه، که یکی از لوازم بدیهی بندگی خدای عادل و پیروی از امام عابد و عدالت خواهی چون امام سجاد<sup>۷</sup> است.

### منابع

۱. قرآن کریم
۲. صحیفه سجادیه
۳. اسماعیلی، آ، قادری ارائی، س. م. ۱۳۹۹. بررسی برابری یا عدالت جنسیتی، از دیدگاه اسلام و سند ۲۰۳۰، فقه، حقوق و علوم جزا. (۱۶): ۲۷-۱۴.
۴. جوادی آملی، ع. ۱۳۸۵. زن در آینه جلال و جمال، قم: نشر اسراء.
۵. رنجبر، و. ۱۴۰۴. عدالت جنسیتی و فقه اسلامی: بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فقهی در حوزه حقوق زنان و ارزیابی چالش‌های معاصر، ششمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، تهران، ایران.
۶. سجادی، س. ا. ۱۳۸۸. شرح و ترجمه صحیفه سجادیه، تهران: انتشارات اسوه.
۷. شجریان، م. ۱۳۹۹. بررسی رویکردهای رایج در مفهوم عدالت جنسیتی، مطالعات اسلامی زنان و خانواده. (۱۲): ۳۱-۵۲.
۸. شجریان، م. ۱۴۰۰. عدالت جنسیتی و گفتمان تغییر در احکام فقهی زنان، مطالعات راهبردی زنان. (۹۱): ۲۳-۷-۲۸.
۹. شیخ‌زاده، م، بنی‌اسد، ر. ۱۴۰۰. تحلیل مضمون: مفاهیم، رویکردها و کاربردها، تهران: انتشارات لوگوس.
۱۰. علاسوند، ف. ۱۳۹۷. عدالت جنسیتی به مثابه یک مفهوم تفسیرپذیر و نامتعین، مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده. (۱): ۵۹-۷۸.
۱۱. فولادوند، م.، ۱۳۷۹. شرح و ترجمه صحیفه سجادیه، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۲. مطهری، م. ۱۳۸۱. نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
۱۳. نظریور، ح. ۱۳۹۴. درآمدی بر روش تحقیق کیفی در علوم انسانی، کنفرانس سالانه رویکردهای نوین پژوهش در علوم انسانی، تهران، ایران.

دکتر محسن دریابیگی<sup>۱</sup>

چکیده:

میل به فراتر رفتن از فضای تردید و اضطراب خواسته درونی انسان مدرنست. مدعیان فراوانی او را از هر سو به خود فرامی خوانند اما بیش از آن که او را از درون به حقیقت واصل کنند صورتی دیگر از سرگرمی که حقیقت دنیاست در برابرش می نهند. حتی اگر با حقیقتی هم مواجه شود دلمشغولی ها و اضافه بار درونی او اجازه نمی دهد تا جایی برای آن در درونش فراهم آورد. سرمایه ای که می تواند درون آدمی را جارو کند و ساعتی او را با حقیقت درونی روبرو سازد قدرت نیایش است. زمانه ای که حتی ادیان و مذاهب مشغول به تاریخ و مناسک بی روح و نزاع های جاهلی شده اند آن چه می تواند تجربه ای فراتر از عادات را فراهم آورد و ما را به شکستن عنصر زمان و مکان و رهایی از تاریکی جان و رفتن به جهان نور را فراهم کند دعاست. نمونه ای از به کارگیری موفق آن را می توان در زمانه امام چهارم شیعیان علی بن الحسین علیهم السلام مشاهده نمود. در این مجال گوشه ای از قدرت نرم این متن مقدس را پس از چهارده قرن ذکر می کنیم. باشد که توجه سیاستگذارانی فرهنگی را ایده بخشد و چراغی در برابرش روشن نماید و ارائه طریق را از اعلام هدایت یافته و به کار بندند.

کلیدواژگان: صحیفه سجادیه، امام سجاد، سلامت قلب، تقرب دینی، قدرت نرم

مقدمه:

دعا و نیایش قبل از آنکه ابزار زندگی باشد ابراز بندگی است و پیش از آنکه خواهش تن را ادا کند حاجت دل را روا می کند، و برتر از آنکه سفره نان را فراخی بخشد، گوهر جان را فربهی می دهد. دعا فقط صحنه خواندن خدا نیست بلکه عرصه شناختن او نیز هست. تنها صحبت کردن نیست گفت و شنود نیز می باشد. علی (ع) در نامه ای به فرزندش می فرماید: یا بنی و اعلم ان الذی بیده خزائن السماوات و الارض قد اذن لك في الدعاء؛ فرزندم بدان خدایی که خزائن آسمان و زمین در دست اوست به تو اجازه داده است که دعا کنی.<sup>۲</sup>

اگر به این نکته توجه کنیم که دعا حکایت از ساحت و مرتبه وجودی است که در دعا کننده است.<sup>۳</sup> برترین دعا خواست ولی خدا است که به بهترین زبان از خداوند درخواست می کند. به تعبیر استاد

<sup>۱</sup> استادیار دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی

<sup>۲</sup> نهج البلاغه، نامه ۳۱

<sup>۳</sup> در تمامی ادیان اسمانی به دعا توجه شده و هیچ يك از این ادیان بی بهره از دعا نیست. می توان گفت که نحوه نیایشها سطح فرهنگ و اقوام و ملل را نشان می دهد. رك

صحیفه سجادیه، مقدمه و ترجمه اسد الله مبشری، نشر نی، سال ۷۰، ص ۲



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

حسن زاده املی: (( ادعیه و اذکاری که از ائمه اطهار صادر شده است بیانگر مقامات و مدارج انسانی است ))<sup>۴</sup> در سایه همین ادعیه است که می توان رفعت یافت و از چنگال هواهای نفسانی رها یابیم. همین نگاه است که امیر مومنان علی (ع) می فرماید: ((سبب النجاه فی المناجاه؛ مناجات نجات بخش است)) اکسیر دعا می تواند آدمی را به ساحل امن رسانیده و از جهنم خیال و غرور رها می سازد.

معارفی که در ادعیه حضرات اهل بیت موجود است در فضایی کلی روایات نیز امثال آن را گاهی نمی توان یافت. این از آن روست که در روایات به مرتبه درایت و قابلیت راویان سخن می گفتند نه هر چه گفتنی بود. اما در ادعیه و مناجات ها با جمال و جلال مطلق و محبوب و معشوق حقیقی به راز و نیاز بودند لذا آنچه در نهانخانه سر و نگارخانه عشق و بیت المعمور ادب داشتند به زبان می اورند و به راز و نیاز می پرداختند و آنچه گفتنی بود می گفتند به بیان لطیف عارف کامل و عالم عامل حاج میزا جواد ملکی تبریزی در کتاب المراقبات فی اعمال السنه در فصل نهم ماه مبارک رمضان می نگارد: باری این دعاهایی که که از آن پاکان معصوم علیهم السلام به ما رسیده است گویا همه پاسخ و پژواکی است از آنچه در قرآن کریم آمده است به دیگر سخن گویا این دعاها "قرآن صاعد" بالا رونده اند در برابر آن قرآن نازل فرود آمده و این قرآنی است که از سوی خدا بر بنده برگزیده اش پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و آن ها قرآنی هستند که از سوی بندگان برگزیده به سوی خدا بالا می روند قرآن مناجات و گفتگوی خدا با بنده برگزیده است و دعا گفت و گو و مناجات بندگان برگزیده با خدا و این را جز اندکی از مردم - آشنایان معرفت شناس - در نمی یابند و نمی پذیرند.<sup>۵</sup>

یکی از زیباترین متون نیایشی در مکتب اهل بیت صحیفه سجادیه است. متنی که علاوه بر ارتباط میان بنده و خالق دائره المعارفی است مشتمل بر اسرار توحیدی، مکارم اخلاقی و دستورات تربیتی این ادعیه علاوه بر اظهار نیاز و عشق به درگاه بی کران حضرت احدیت آگاهی آدمی را عمق بخشیده و عزم وی را برای تحقق خوبیها بر انگیزد.

امام سجاد (۳۷ - ۹۵ هـ ق) در شرایط خاص تاریخی خود که فرهنگ اصیل اسلامی و شعائر دینی در حال افول و سیر قهقراپی بوده با استفاده از استراتژی سلاح دعا امت اسلامی را به صلاح و سعادت معنوی دعوت نموده است. در حقیقت با استفاده از این سلاح معنوی دفاع فرهنگی را در برابر سیطره فرهنگ غیر دینی به کار گرفته است از این رو ادعیه صحیفه منحصر به حالات فردی و معنوی نمی باشد بلکه دعا ها و فقراتی از این کتاب مرتبط با خانواده و اجتماع و مسائل پیرامون انست. ویلیام چیتیک دانشمند آمریکایی معاصر مترجم صحیفه سجادیه به انگلیسی در مقدمه اثر خود می نگارد: امامان اهل بیت برای انتقال معارف به دیگران و تبدیل شدن معارف به دارایی مشترک زبان دعا را بر گزیده اند. بیشتر ادعیه صحیفه اینگونه می باشد. در درون یکی از دعاهای صحیفه نیز این نشانه

فهرست کتابخانه اهدایی سید محمد شکوه به کتابخانه دانشگاه تهران ج اول ذیل شماره ۱۰۹ آورده است که قابل توجه است. در مورد سند صحیفه سجادیه مطالب ایشان خواندنی است.

برای دعا در ادیان و مذاهب دیگر رک. عبدالحسین زرین کوب، در قلمرو وجدان، ص ۵۸.

۴ رساله نور علی نور فصل دوم ص ۳۱؛ وی در جای دیگری می نگارد: هر یک از ادعیه ماثوره، مقاله علمی پیغمبری یا امامی است. رک هزار یک نکته، نکته ۳۳۲.

۵ پژوهشی در معارف امامیه، علیرضا مسجد جامعی، ج دوم، ص ۹۷۸ امام خمینی می فرماید: ائمه طاهرین علیهم السلام بسیاری از مسائل را با لسان ادعیه بیان فرموده اند. لسان ادعیه با لسان های دیگری که آن بزرگواران داشتند و احکام را بیان می نمودند، تفاوت دارد. اکثر مسائل روحانی، مسائل ماورای طبیعت، مسائل دقیق الهی و آنچه را مربوط به معرفه الله است با لسان ادعیه بیان فرموده اند. جهاد اکبر، ص ۶۲.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

را می توان یافت امام در دعای والدین (شماره ۲۴) به گونه ای صحبت می کند که گویی والدینش زنده اند. در حالیکه چنین چیزی ممکن نیست مگر در صورتی که تصور کنیم که ایشان این دعا را پیش از واقعه کربلا نگاشته است.

شهید محمد باقر صدر: صحیفه سجادیه بیانگر یک فعالیت بزرگ اجتماعی می باشد که شرایط اجتماعی و سیاسی امام سجاد (ع) اقتضای آن را داشته است علاوه بر آنکه صحیفه خود میراثی الهی که در باب خود بی نظیر بوده است و تا جهان باقی است منبع عطاء و مشعل هدایت و مدرسه اخلاق و تهذیب نفس خواهد بود و جامعه بشری به این میراث محمدی - علوی سخت نیازمند است و تا فریب های شیطانی و فتنه گری دنیا رو به افزایش است نیاز به آن هر چه بیشتر احساس می شود.<sup>۱</sup>

امام سجاد با بهره گیری از زبان فطری سعی بر ترویج معارف الهی داشته است. بهترین وسیله در فضای انحرافی و اختناق بنی امیه همین زبان فطرت بوده است. مرحوم امام راحل (ره) در کتاب آداب الصلاه می نویسد: و در کلمات ائمه اطهار خصوصاً در صحیفه سجادیه همان صحیفه نورانی که از سماء عرفان عارف بالله و عقل نورانی سید ساجدین نازل شده برای خلاص بندگان خدا از سجن طبیعت و فهماندن ادب عبودیت و قیامت در خدمت ربوبیت این لطیفه الهیه بسیار ذکر شده است<sup>۲</sup> زبان فطرت بودن صحیفه به آن معنا نیست که مضامین صحیفه محدود به حالات فردی می شود اساساً برای وصول به کمال نمی شود میان فرد و اجتماع دیوار کشید اصلاح آدمی همراه با اصلاح اجتماع است. از این رو مضامینی در این کتاب است که وظیفه و نسبت ما را با خانواده آشنایان و اجتماع و ... تبیین می کند تا آنجا که دعای مستقلی در باره همسایگان و دوستانش و در رابطه با مرزبانان در این کتاب آمده است. به وظایف آدمی احکام، اخلاق، اعتقادات، به موقعیت انسان در قبل از دنیا و در دنیا و بعد از آن و مراتب هستی و حالات مختلف آدمی و ... موضوعاتی که تمامی آنها بر زندگی آدمی چه در بعد معرفتی و چه عملی اثر گذار می باشد.

نگاهی به فهرست عناوین ادعیه این امر را به خوبی آشکار می سازد. اما برای اشراف در این رابطه می توان به کتاب شریف الدلیل الی موضوعات الصحیفه السجادیه استاد محمد حسین مظفر و فرهنگ نامه موضوعی صحیفه سجادیه در سه مجلد زیر نظر سید احمد سجادی مراجعه نمود.

شهید محمد باقر صدر در این رابطه می نویسد: صحیفه سجادیه بیانگر یک فعالیت بزرگ اجتماعی می باشد که شرایط اجتماعی و سیاسی امام سجاد (ع) اقتضای آن را داشته است علاوه بر آنکه

۶ فرهنگ صحیفه سجادیه، منصور خاکسار، انتشارات نبوغ، چاپ دوم، زمستان ۷۷

۸ آداب الصلاه ص ۱۲۹؛ امام راحل بنیانگذار انقلاب اسلامی می نویسد: ((صحیفه سجادیه نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگترین مناجات عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات ان است. ان کتابی است الهی که از سرچشمه نور الهی نشأت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم الشان را به اصحاب خلوت گاه الهی می آموزد. کتاب شریفی است که سبک بیان معارف الهیه اصحاب معرفت را چون سبک قرآن کریم بدون تکلف الفاظ در شیوه دعا و مناجات برای تشنگان معارف الهیه بیان می کند. این کتاب مقدس چون قرآن کریم سفره الهی است که در ان همه گونه نعمت موجود است و هر کس به مقدار اشتباهی معنوی خود ان استفاده می کند. این کتاب همچون قرآن الهی ادق معارف غیبی که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لا هوت و مافوق ان حاصل می شود در ذهن من و تو نیاید و دست طلبکاران را از حقایق ان کوتاه است. به شیوه خاص خود قطراتی که از دریای بی کران عرفان خود می چشاند و انان را محو و نابود می کند.

پس عدم گردم عدم چون ارغون / گویم انا الیه راجعون)) صحیفه سجادیه، ترجمه محمدی اشتهاردی، ص ۲۰-۳۱

برای اطلاع بیشتر از نگاه امام راحل به کتاب شریف صحیفه سجادیه ر.ک: ا.ک.ا.، نگاه امام خمینی، احمد عابدی، فصلنامه علوم حدیث ش ۱۴



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

صحیفه خود میراثی الهی که در باب خود پی نظیر بوده است و تا جهان باقی است منبع عطاء و مشعل هدایت و مدرسه اخلاق و تهذیب نفس خواهد بود و جامعه بشری به این میراث محمدی - علوی سخت نیازمند است و تا فریب های شیطانی و فتنه گری دنیا رو به افزایش است نیاز به آن هر چه بیشتر احساس می شود فرهنگ صحیفه سجادیه ، منصور خاکسار ، انتشارات نبوغ ، چاپ دوم ، زمستان ۷۷

به تعبیر آیت الله سبحانی صحیفه یک مدرسه الهی است که همه نوع آموزشهای اخلاقی و اجتماعی و سیاسی در آن هست و به یک معنا مکتب نمونه تربیت است که سید ساجدین با الهام الهی آن را پی ریزی کرده است.<sup>۹</sup> و<sup>۱۰</sup> همین زبان به آن جا انجامید که مورخین ذکر کرده اند که در سفر حج هزار قاری حضرتش را همراهی می کردند.<sup>۱۱</sup>

## صحیفه کتابی فرا آئینی

صحیفه سجادیه یکی از منابعی است که می توان در جهت اتحاد میان مسلمین مؤثر افتد. محبت اهل بیت محوری ترین موضوع برای وحدت بخشی میان مسلمین است.<sup>۱۲</sup> امری که عالمان شیعی نیز به آن توجه داشته اند و در متون عالمان سنی نیز می توان در دوره های مختلف استقبال از این شیوه را مشاهده کرد.

از ویژگیهای این صحیفه کریمه آن است که به هنگام زمزمه نیایش های نورانی آن دیری نمی پاید که خواننده علم آشنا با هر کیش و آیینی خود را در میانه ی دریایی وسیع ، ژرف و پر گهر از معارف الهی و علوم ربانی مناسب با موضوع قرار می دهد.

همین دریافت از زبان مومنان به دیگر مذاهب اسلامی گفته شده است . دکتر علی سامی النشار گوید: تنها فرزندی که از حسین ماند علی بن الحسین بود. او برای شیعیان بلکه برای همه مسلمانان سنتی دیگر پی ریزی کرد.

سبط بن جوزی اهل سنت در خصائص الائمه می گوید :

۹ فرهنگ صحیفه سجادیه ، منصور خاکسار ، انتشارات نبوغ ، چاپ دوم ، زمستان ۷۷  
 ۱۰ برخی با توجه به مطالبی که در سند صحیفه سجادیه آمده مبنی بر اینکه زید به پسرش یحیی سفارش کرده که مواظب باش به غیر اهلش ندهی ؛ استفاده کرده اند این کتاب صرفاً یک کتاب دعائی نیست بلکه یک مرآه سیاسی است . رک پیام حوزه پیش شماره پاییز ۷۲ ، ص ۱۵۷-۱۷۷ مقاله کتابی ناشناخته بررسی تازه پیرامون صحیفه سجادیه ؛ به نظر می رسد همنطور که دکتر علی نقی منزوی در فهرست کتابخانه دانشگاه تهران ج اول ذیل شماره ۱۰۹ این کتاب را سر الهی برشمرده است . حضرات اهل بیت نمی خواسته اند معارف اعتقادی و خاص شیعه در شرایط تقیه منتشر گردد . ضمناً آنکه در زبان اهل بیت سیاست از معارف و توحید بر کنار نیست . سیاستی که مورد توجه اهل بیت است صرفاً امری است در راستای اشاعه معارف الهی از اینرو صحیح نیست که به ترویج معارف الهی به عنوان ابزاری برای رسیدن به امری دیگر توجه نمود .

۱۱ سید حسن امین ، الامام زین العابدین ، مجموعه الایعاد الانسانیه و الحضاریه فی الصحیفه السجادیه ، ص ۲۱۵ .  
 ۱۲ اخیراً بزرگداشتی بین المللی حول صحیفه سجادیه انجام گرفته است و افرادی از فرق مختلف اسلامی در آن حضور یافته و در باب اهمیت و منزلت صحیفه سجادیه و امام سجاد مطالبی را ارائه کرده اند . رک فصلنامه علوم حدیث ش ۱۴ ص ۲۵۴ - ۲۵۵ همچنین رک ایعاد الانسانیه و الحضاریه فی الصحیفه السجادیه ، ریزنی فرهنگی جمهوری اسلامی در مشق .  
 خصوصاً آنکه این ارتباط امری نو نیست بلکه علمای اهل سنت در قرون گذشته نیز در منزلت و حتی ترویج این کتاب شریف سهم داشته اند . رک فصلنامه سفینه ش ۷ مقاله عالمان



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

اگر علی بن ابی طالب نمی بود، معارف مسلمانان کامل نمی شد و ژرفای توحید را در نمی یافتند زیرا پیامبر گرامی اسلام، جز برای بیان اصول و مبانی اعتقادی و احکام عملی فرصتی نیافت. از این رو، مسلمانان در تبیین معارف توحیدی ریز خوار سفره دانش امیر المؤمنان و شاگردان اویند.

و نیز گفته است که:

اگر علی زین العابدین و صحیفه سجادیه او نبود مسلمانان شیوه سخن گفتن و رویارویی با خداوند و رازگویی با پروردگار خویش و عرض حاجت به بارگاه ربوبی را نمی دانستند و او بود که شیوه گفت و گو با آفریدگار بزرگ و شکوه بردن در سختی ها و گرفتاریها به پیشگاه او به ما آدمیان آموخت. بنا بر این، این دو بزرگوار، که خدای از او خشنود باد - نسبت به مسلمانان تا روز رستاخیز حق آموختن و آگاهانند را دارند<sup>۱۳</sup>

مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی از این تجربه خود اینگونه یاد کرده است: در سال ۱۳۵۳ نسخه ای از صحیفه شریفه را برای مطالعه علامه معاصر شیخ جوهری صاحب تفسیر طنطاوی معروف (مفتی اسکندریه) فرستادم. آن بزرگوار در یافت کتاب را اعلام کرد و در برابر آن هدیه از من تشکر کرد و درباره آن مدحی سرشار و ثنایی بسیار نوشت. تا آنجا که گفت این از بدبختی است که ما تا کنون از این گرانبهای جاوید از میراث های نبوت و اهل بیت دست نیافته بودیم و من هر چه در آن می نگرم آن را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق می یابم. سپس علامه جوهری طنطاوی از من سوال کرد. که آیا تا کنون کسی از علمای اسلامی شرحی بر آن نوشته است؟ من در پاسخ آن شارحینی را که می شناختم نام بردم و کتاب ریاض السالکین تالیف سید علی خان را به ایشان تقدیم کردم. معظم له در جواب نوشت که من مصمم و آماده ام که بر این صحیفه گرامی شرحی بنویسم<sup>۱۴</sup>

مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: مرحوم زمخشری معروف به صاحب تفسیر کشف - در بخشی از کتاب ربیع الابرار ملتقطاتی از ادعیه معارف علما و زهاد و صحابه را آورده است. من آنها را نگاه کرده ام بعد با ادعیه که از امام سجاد و امیر المومنین یا امام حسین (ع) مأثور است مقایسه کردم دیدم که اینها اصلاً قابل مقایسه با آن ادعیه نیست.<sup>۱۵</sup> در دیدار با قاریان مصری در جای دیگری می فرماید: دعاهای خیلی خوبی از طریق شیعه و از اهل بیت روایت شده که واقعا عالیه المضامین است و خیلی فوق العاده می باشد. من واقعا به این دعاهایی که در صحاح و در کتب مختلف روایت شده نگاه کرده ام هیچ وقت به این علو مضمون در هیچ جا ندیم مثل همین مناجات شعبانیه که الان در این ایام مستحب است<sup>۱۶</sup> حضرت آیت الله سید محمد باقر ابطی در این رابطه جریان شیعه شدن یکی از اساتید دانشگاه عربستان را به خاطر ارتباط با صحیفه سجادیه نقل می کند. این استاد به برکت

۱۳ اسرار خاموشان، محمد تقی خلجی، ج ۱، ص ۱۲۷، به نقل از الاجازه الکبیره، ص ۴۵۴

۱۴ مقدمه ترجمه صحیفه سجادیه صدر الدین بلاغی، ص ۳۰

آیت الله محمد علی گرامی می گوید: هنگامی که با مرحوم طالقانی در اطاق زندان او بودیم اظهار تاسف برخی از علمای مصر و اردن از محرومیت کتابهای خودشان را

(همانند صحیفه) نقل می نمود فرهنگ صحیفه سجادیه، منصور خاکسار، انتشارات نبوغ چاپ دوم زمستان ۷۷

۱۵ (۷۰/۱۱/۳)

۱۶ مطالب ارائه شده در جلسه تودیع با شیخ غلوش و شیخ محمد بسیونی ۲/۱۱ ۶۵



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

مشاهده حالت مرحوم شیخ مجتبی قزوینی در حالت مطالعه کتاب شریف صحیفه سجادیه با این کتاب آشنا و از این طریق با معارف اهل بیت مرتبط و سپس شیعه شده است<sup>۱۷</sup>

اصولا برخی از ادعیه صحیفه سجادیه نزد اهل سنت ثابت است. مانند دعای والدین و دعای تمام قرآن، برخی از این ادعیه در کتاب ینابع الموده قندوزی آمده است همچنین بنا بر نقل محدث قمی ابن حمدون ندیم در تذکره خود برخی از ادعیه صحیفه سجادیه را آورده است. همچنین شیخ عبدالرحمن مرشدی در کتاب برآه الاستهلال دعای رؤیت هلال صحیفه را ذکر می کند. <sup>۱۸</sup> دعای ختم قرآن نیز با نظارت و اشراف مخلوف مفتی سابق مصر به طبع رسید. <sup>۱۹</sup> شریف لیث که خود از علمای اهل سنت است در این رابطه می نویسد: من برخی از شیوخ را دیده ام که صحیفه سجادیه را تلقی به قبول کرده اند بویژه دو سید آل اپی علوی که در حجاز ملاقات کردم. متقدم و متأخر بر این ها می توان افرادی چون استاد حبیب محمد شاطری و احمد حداد و غیر این افراد از کسانی که با آن بوده ام را را کنم. همچنین شیوخ مصری ما مثل عبد الحلیم محمود و علامه متولی شهرآوی و شیخ عبدالحمید کشک را می توان بر شمرد.<sup>۲۰</sup>

البته برخی از اهل سنت به دلیل آنکه امام سجاد مدعی مقام امامت خود شده و علم آینده را برای امام بر شمرده و در جایی به بنی امیه طعنه زده شده. سعی بر عدم پذیرش صحیفه دارند. ابن تیمیه از این سو می نویسد: ادعیه المأثوره فی صحیفه علی بن الحسین اکثرها کذب علی بن الحسین.، اکثر دعا هائی که منتسب به علی بن الحسین (ع) است دروغ است و آنها را براو دروغ بسته اند. <sup>۲۱</sup>

همچنین این کتاب می تواند وحدت بخش میان فرق تشیع نیز باشد. علامه مرعشی در این زمینه می نویسد: در تواتر صحیفه نزد فرق شیعه امامیه و زیدیه و اسماعیلیه شبهه ای نیست و ایشان بر این کتاب شریف شرح ها و حاشیه ها دارند که من خود از سید محمد گجراتی هندی از علمای بهره ای اسماعیلی در کربلائی معلی به سال ۱۳۶۰ ه. ق شنیدم که پیشوایان ایشان شروحي بر صحیفه نوشته اند و آن شروح از کتب درسی ایشان است. حتی علامه عالی مقام سیف الدین طاهر پیشوای فعلی فرقه بهره ای اسماعیلی که در "سورت" مسکن دارد صحیفه شریفه را تدریس می کند. <sup>۲۲</sup>

در میان زیدیه نیز تدریس این کتاب مرسوم است. علامه سید محمد حسین حسینی جلالی با اسناد خود نقل می کند که متوکل علی الله امام یمن در سال ۱۳۳۱ ه. ق صحیفه سجادیه را تدریس می کرده است. <sup>۲۳</sup> مرحوم شهید مطهری به خوبی این نکته را دریافته بود در سلسله درس تفسیر قرآن خود این چنین می گوید: مکرر این را پیشنهاد کرده ام که یکی از کارهای بسیار خوب - اگر اهل خیری پیدا بشوند- این است که صحیفه سجادیه را به خوبی چاپ کنند و در ابتدایش یک صفحه اضافه کنند و در آن یک متن اهدا بنویسند و فقط جای مشخصات را خالی بگذارند، به این صورت که مثلا "این کتاب

۱۷. ر.ک گزارش از مصاحبه با آیت الله سید محمد باقر موحد ابطحي، مجله سفینه ش ۷، ص ۱۴۴

۱۸. سفینه البحار، ماده صدحف

۱۹. بنا بر نقل شریف لیث سایت [www.gharib.net](http://www.gharib.net)

۲۰. همان جا

۲۱. منهاج السنه ۳۶۰/۶

۲۲. ص ۳۰ مقدمه ترجمه صحیفه سجادیه صدر الدین بلاغی

۲۳. الصحیفه السجادیه، نشر دلیل ما، ص ۱۱ برای اطلاع از منابعی آثار زیدیه، ۱۰۱-۱۰۲ صحیفه سجادیه ر.ک فصلنامه سفینه، ش ۸، ص ۱۶۲-۱۶۳ مقاله سیر نگارش ها در حوزه صحیفه پژوهش و بایسته های آن. ۶۶



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

از طرف برادر شما .... اهل کشور... که در سال ... به مکه آمده اید، اهداء مي شود" آن وقت هر ياراني که به مکه مي رود با خودش ده بيست تا از اين کتابها ببرد و به افراي که از اطراف آمده اند هديه کند. اين کتاب دعاي محض است و يك کلمه از آن کلماتي که موجب بهانه سعودي ها بشود در آن وجود ندارد. اول کتاب بنويسند که اينها دعاهايي است متعلق به علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب، فرزند رسول خدا که در سال ۹۵ هجري قمری متولد شد و در سال ۹۵ هجري قمری از دنيا رفت و امام چهارم شيعيان است. به نظر من اين بهترين شيوه تبليغ است... خلاصه براي شيعه يکي از بهترين تبليغها پخش صحيفه سجاديه در ميان مسلمين دنياست که اصلاً از چنين کتابي خبر ندارند. چهل پنجاه سال پيش که طنطاوي زنده بود نسخه اي از همين صحيفه سجاديه برایش فرستاده بودند، تعجب کرده بود و بعد در نامه اي به يکي از آقاين نوشته بود: سزاوار است که اين کتاب را زيور آل محمد بناميم ۲۴

فرا مذهبي بودن اين اثر بلکه فرا ديني اثر برپايه آن است که دعا و مناجات زبان مشترك تماي انسانهاست. ما مي توانيم براي ترويج معارف ديني والهي خویش در ميان ديگر اديان از ان بهره مند جوييم. اگر اين حوزه از معارف ديني را بتوان به دنياي امروز معرفي کنيم تصور ديگري از اين دين الهي را مي توان در اذهان جهانيان که در اثر تبليغات منفي ايجاد شده جاگزين کرد.

علامه طباطبائي: روزي به هانري کربن گفتم: اگر در اين مقدس اسلام انسان حاجتمند حالي پيدا کند طبق همان حال و حاجت خداوند را مي خواند چون خدا اسماي حسنايي دارد چون غفور، رحيم، رزاق، منتقم و... آدمي طبق خواست و حاجت خود هر يك از اين اسماء را مناسب ديد خدا را به ان اسم و صفت ياد مي کند مثلاً اگر بخواهد خدا او را بيامرز و از گناهش در گذرد بايد از اسم غفور و غفار الذنب استفاده کند. اما دد دين مسيح خدا اسمائ حسني ندارد فقط لفظ خدا، اله، اب براي اوست. بنابر اين اگر شما حالي پيدا کرديد و خواستيد خدا را بخوانيد و مناجات کنيد او را با اسماء و صفاتش ياد کنيد و با اسم خاص از او حاجت خود را بطلبيد چه خواهيد کرد؟ کربن در پاسخ گفت: من در مناجات هاي خود صحيفه مهدويه و کراً صحيفه سجاديه را مي خواند و گريه مي کرد. ۲۵

ويليام چيتيك قائل است که تمدن اسلامي دو جنبه دارد. جنبه بيروني و جنبه دروني بيشر افراي که با دين اسلام مواجه شده اند جنبه بيروني که فارغ از جهات عشق و حرارت است را ملاحظه کرده اند اما اگر به رويه ديگر اين تمدن که مملو از عشق و محبت است توجه نماييم تصور ديگري از اين تمدن را در مي يابند وي در اين رابطه مي نويسد: تمدن اسلامي به طور کلي بسيار شبیه به يك شهر مسلمان نشين قديمي است. ديوارهاي بيروني حکايت از گرفتگي و کسالت و غم بار بودن مي کنند. ورود به دنيا پشت اين ديوار نيز آسان نيست. اما اگر شخصي بتواند با اهالي اين شهر صميمي شود. به او حياط ها و باغ هاي دل انگيز و زيباي نشان داده خواهد شد که مملو از گل هاي خوشبو، درختان ميوه و فواره هاي جوشان هستند انهايي که در رابطه با تاريخ اسلام، وقايع سياسي و بنيادگرايها آن مطلب مي نويسند تنها با ديوارهاي آن سروکار دارند. زيرا راهي به درون باغ هاي پشت ديوار ندارند. قديمي ترين، اصيل ترين و صعب الوصول ترين باغ هاي اين شهر ورود به قلب هاي بزرگترين نمايندگان اين

۲۴ آشنائي باقرآن، ج ۱۲، ص ۱۶۵-۱۶۶

۲۵ مهر تابان، علامه سيد محمد حسين حسيني تهراني، صص ۴۶-۴۹ براي اسلام، صص ۶۷-۶۸، رابطه با تأثير صحيفه بر غربيان ر.ک نگرشي کوتاه به عملکرد ۲۲ ساله مرکز نشر معارف اسلامي در جهان چاپ اول مرداد ماه ۱۳۷۷، ناشر: مرکز نشر، ۶۷



# صحیفه سجادیہ امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

تمدن است. اینجاست که دعاهای رسیده از دوران اولیه اسلام تصویر کاملاً جدیدی را از روح زنده و پویای اسلام نشان می‌دهد. و چرا که این دعاها دسترسی مستقیم به انواع رفتارها و ویژگیهای بشری را که پیش نیاز شکوفایی کامل آرمان اسلامی هستند فراهم می‌کنند.<sup>۲۶</sup>

به عقیده ویلیام چیتیک صحیفه سجادیه یکی از این باغ‌های پرگل است که پشت دیوارهای تمدن اسلامی پنهان مانده است و می‌توان برای ترویج جنبه‌های دیگری از تمدن اسلامی از آن استفاده نمود.<sup>۲۷</sup>

کوفسکی دانشمند مسیحی لهستانی می‌نویسد: در حال حاضر مشغول مطالعه ترجمه انگلیسی صحیفه سجادیه هستم. عمیقاً تحت تاثیر اندیشه‌های امام مسلمانان امام سجاد (ع) قرار گرفته‌ام که افکار بلند و متعالی او در صفحات سجادیه تبلور یافته است. مطالعه این اثر گرانبها و دقت در مضامین و معارف سرشار این کتاب به رشدت روح را تحت تاثیر قرار می‌دهد و مجذوب خود ساخته است و خدایی به من بخشیده است.<sup>۲۸</sup>

آن ماری شیمل در یکی از مصاحبه‌هایش اشاره به ادعیه اسلامی کرده و می‌گوید: من خود همواره دعاها احادیث و اخبار اسلامی را از اصل عربی آن می‌خوانم و به ترجمه‌ای مراجعه نمی‌کنم. من بخشی کوچک از کتاب مبارک صحیفه سجادیه را به آلمانی ترجمه و منتشر کردم. قریب هفت سال پیش - که مادرم در بیمارستان بستری بود و من به او سر می‌زدم در آن زمان من - مشغول ترجمه دعای رویت هلال ماه رمضان و وداع با آن بودم. مادرم که به خواب می‌رفت. در گوشه‌ای از اتاق به کار پاک‌نویس کردن ترجمه‌ها مشغول می‌شدم. اتاق مادرم دو تختی بود. در تخت دیگر خانم کاتولیکی مومن و راسخ العقیده و حتی متعصب خوابیده بود. وقتی فهمید که من دعاهای اسلامی را ترجمه می‌کنم دلگیر شد و به من گفت: مگر در مسیحیت و در کتب مقدس خودمان کمبودی داریم تو به ادعیه اسلامی روی آوردی؟ وقتی کتابم چاپ شد یک نسخه برای او فرستادم. یک ماه بعد او به من تلفن زد و گفت: صمیمانه از هدیه این کتاب متشکرم. زیرا هر روز به جای دعا آنرا می‌خوانم.

خانم فریده مهدوی دامغانی مترجم کتاب صحیفه سجادیه به فرانسو ماجرایی را در این رابطه نقل می‌کند که در این جا از باب تاکید مطالب بالا ذکر می‌شود و می‌نویسد:

به خاطر دارم که سال گذشته پس از آن که زیارت حج مشرف شدم ناگزیر بودم بی‌درنگ پس از مراجعتم به ایران به کشور ایتالیا عزیمت کنم. تا چهار سخنرانی در آن جا ایراد کنم. در یکی از این جلسات نماینده امور فرهنگی و هنری پاپ جدید، و از کارگزاران بسیار نزدیک به شخص ایشان (به گونه‌ای که به فرمایش خود ایشان، پاپ بند یک شانزدهم را حداقل روزی یک بار ملاقات می‌کردند) برای حضور در برنامه من و نیز حضور در برنامه‌ای که مربوط به چهلمین سالگرد نصب صلیبی از طلا، بر فراز مزار دانتی از سوی پاپ پل ششم بود، از رم به شهر راونا آمدند، و یک روز در آنجا ماندند و میهمان صومعه برادران فرقه فرانسیسکن شدند که حافظان رسمی آن رامگاه دانتی در آن شهر هستند. شب، پس از صرف شامی غیررسمی و بسیار دوستانه با ایشان و تنی چند از کارگزاران

۲۶ نگرش صحیح صحیفه سجادیه نوشته ویلیام چیتیک، ترجمه حسن پور قاسمیان سفینه، ش ۶  
۲۷ می‌توان مواردی از این تاثیر پذیری را مشاهده کرد: اندره



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

سیاسی، فرهنگی و دینی شهر، (من به همراه همسر و سه فرزندم حضور داشتم) ایشان تقاضا کردند که یکی از ما، کتابی به ایشان امانت دهیم تا ایشان پیش از خوابیدن آن را مطالعه کنند. من پی درنگ فرصت را غنیمت شمردم، و پیشنهاد کردم که ایشان کتاب صحیفه مبارکه سجادیه این جانب را که بنده چندین نسخه ای از آن را به دفتر امور فرهنگی شهر راونا و نیز انجمن دانته (یعنی همان برادران راهب فرانکسیسکن که یکی از تخصصی ترین و بهترین کتاب خانه های ایتالیا در مورد آثار دانته به تمام زبانهای دنیا را در اختیار دارند) تقدیم کرده بودم را مطالعه فرمایند. سپس پی درنگ به همراه شوهرم و رئیس انجمن فرهنگی شهر راونا، دکتر والتر دلامنیکا، شبانه به دفتر فرهنگی شهر رفتیم، کلیدهای ساختمان را گشودیم، و یک جلد از صحیفه سجادیه ها را از درون قفسه ای برداشتیم و به آن روحانی محترم تقدیم کردیم. ایشان از من سوال کردند که کدامین یک از نیایش های اسلامی را تلاوت کنند؟ بیه ایشان گفتم که نیایش نخست، سوم و نهم (یعنی به ترتیب، نیایش در جهت ستایش و تسبیح خداوند متعال، نیایش تبرک جستن از حاملات عرش الهی و نیایش در جهت طلب مغفرت) را مطالعه کنند و نظرشان را روز بعد به من اعلام فرمایند.

صبح روز بعد، با ملاقات ایشان، دریافتیم که (صحیفه سجادیه) تاثیر همیشگی و مطلوب خود را به روح و جان ایشان نیز بر جای نهاده است. ایشان سراپا شور و هیجانی روحانی و معنوی، فرمودند که شب گذشته، نه تنها به مطالعه چندین نیایش دیگر نیز پرداختند، بلکه بامداد همان روز، یعنی پس از نماز صبحگاهی آنان که ساعت ۵ بامداد است، دیگر بار به مطالعه سایر نیایشها پرداخته بودند. و لذتی عمیق از مطالعه ان اثر برده بودند. لازم به گفتن است که ایشان طبیعتاً به زبان فرانسوی و انگلیسی نیز آشنایی کامل داشتند و لذا ترجمه فرانسوی را به راحتی مطالعه کرده بودند. ایشان با حالتی سراپا افسوس، کتاب را به رئیس فرهنگی شهر راونا باز گرداندند، اما من که نیک می دانستم ایشان دوست داشتند کتاب را نزد خود نگاه دارند. از ایشان در خواست کردم که آن را به رسم یادگار از اینجانب بپذیرند. زیرا می دانستم که رئیس فرهنگی شهر راونا چند نسخه دیگر از صحیفه را در قفسه هایشان داشتند. این موجب شد که تا ایشان بسیار خوشنود گردند و گفتند که شاید در آینده نزدیک فرصتی پیش بیاید تا ما بتوانیم صفحاتی از صحیفه سجادیه را در واتیکان، برای شنودگان، قرائت کنیم. . .

آن روز به لطف و عنایت کلام و فرمایشات والا و متعالی حضرت امام سجاد (ع) و به لطف و عنایت حضرت زهرا (ع)، با نهایت دوستی و رفاقت ف با ان نماینده محترم و گرامی پاپ وداع کردیم، در حالی که می دانستیم که دیگر بار، فرصتی در پیش رویمان قرار خواهد گرفت تا این دوستی دو جانبه میان اسلام و مسیحیت را گسترش دهیم. ۲۹

راز انقلاب درونی با صحیفه

نگاهی به عناوین گوناگون صحیفه حاکی از آن است که دایره موضوعات متنوعی به شرح زیر را دربرمی گیرد:



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

- دعای یکم- دعای حمد و سپاس خدای تعالی
- دعای دوم- دعای درود بر پیامبر (ص)
- دعای سوم- دعای درود بر حاملان عرش و فرشتگان مقرب
- دعای چهارم- دعای درود بر پیروان پیامبران و تصدیق کنندگان ایشان
- دعای پنجم- دعا درباره خود و دوستانش
- دعای ششم- دعا هنگام صبح و شام
- دعای هفتم- دعا در پیش آمدهای ناخوشایند و هنگام غم و اندوه
- دعای هشتم- دعای پناه بردن به خدا از سختی ها و امور ناپسند اخلاقی و کردارهای نکوهیده
- دعای نهم- دعای اشتیاق به درخواست آمرزش
- دعای دهم- دعای التجاء و پناه بردن به خدای تعالی
- دعای یازدهم- دعا در طلب عاقبت به خیری
- دعای دوازدهم- دعای اعتراف به گناه و درخواست توبه
- دعای سیزدهم- دعا در طلب حاجت ها از خدای تعالی
- دعای چهاردهم- دعا هنگام مورد ستم واقع شدن
- دعای پانزدهم- دعای هنگام بیماری یا وقتی که غم و اندوه به او روی می آورد
- دعای شانزدهم- دعای طلب آمرزش گناهان
- دعای هفدهم- دعای پناه بردن از دشمنی و مکر شیطان به خدا
- دعای هجدهم- دعا به هنگام گذر از خطر یا آنگاه که نیازش برآورده می شد
- دعای نوزدهم- دعا به هنگام درخواست باران پس از قحطی و خشک سالی
- دعای بیستم- دعای درخواست توفیق برای کرامت های اخلاقی
- دعای بیست و یکم- دعا هنگام اندوه برای رویدادی و نگرانی برای خطاها
- دعای بیست و دوم- دعا هنگام سختی، مشقت و دشواری کارها
- دعای بیست و سوم- دعا هنگام عافیت و درخواست شکر آن از خدا
- دعای بیست و چهارم- دعا درباره پدر و مادر خود علیهما السلام
- دعای بیست و پنجم- دعا درباره فرزندان علیهم السلام
- دعای بیست و ششم- دعا درباره همسایگان و دوستانش هنگام یاد کردن از آنها
- دعای بیست و هفتم- دعا درباره مرزداران
- دعای بیست و هشتم- دعای پناه بردن به خدا



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

- دعای بیست و نهم- دعا هنگام تنگ شدن روزی
- دعای سی ام- دعای کمک خواستن از خدا برای ادای قرض
- دعای سی و یکم- دعا در ذکر توبه و طلب توفیق آن از خدای تعالی
- دعای سی و دوم- دعا درباره خود در مقام اعتراف به گناه پس از نماز شب
- دعای سی و سوم- دعا در استخاره و طلب خیر
- دعای سی و چهارم- دعا هنگام گرفتاری
- دعای سی و پنجم- دعا در مقام خشنودی هنگام نگرستن به دنیاداران
- دعای سی و ششم- دعا هنگام دیدن ابر و برق و شنیدن صدای رعد
- دعای سی و هفتم- دعا هنگام اعتراف به ناتوانی از شکر گزاری
- دعای سی و هشتم- دعای عذرخواهی از دادخواهی های مردم
- دعای سی و نهم- دعای طب عفو و بخشش
- دعای چهلم- دعا هنگام یاد کردن از مرگ
- دعای چهل و یکم- دعای درخواست خطاپوشی از خداوند
- دعای چهل و دوم- دعا هنگام ختم قرآن
- دعای چهل و سوم- دعا هنگام نگاه کردن به هلال ماه نو
- دعای چهل و چهارم- دعا هنگامی که ماه رمضان فرا می رسد
- دعای چهل و پنجم- دعای وداع در شب آخر رمضان
- دعای چهل و ششم- دعای روز عید فطر و جمعه
- دعای چهل و هفتم- دعای روز عرفة
- دعای چهل و هشتم- دعای روز عید قربان و جمعه
- دعای چهل و نهم- دعای دور کردن نیرنگ دشمنان و بازگرداندن غلبه آنان
- دعای پنجاهم- دعای خوف (ترس) از خدای تعالی
- دعای پنجاه و یکم- دعا در تضرع و زاری و خضوع و فروتنی
- دعای پنجاه و دوم- دعای اصرار به درخواست از خدای تعالی
- دعای پنجاه و سوم- دعای اظهار ذلت و خواری به درگاه خداوند
- دعای پنجاه و چهارم- دعای درخواست رفع اندوه از خدای تعالی

این عناوین همانطور که مشاهده میشود غالباً به حالت های انسانی و وضعیت های عمومی او در زندگی بازمی گردد. امام تصویب از وضعیت فرد ارائه می دهد که برپایه نیاز و فقر و درماندگی است



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

دستاویز او در این بیچارگی اسمی از اسمای حق تعالی است. در سایه این ارتباط بطور ناهشیار انقطاعی برای داعی ایجاد می شود که او را با قدرت و علم لایتناهی گره می زند و دریچه به بی نهایت در برابر او می گشاید. این گشودگی برای انسانی که خود را در یک بن بست می بیند بهترین هدیه ایست که می تواند برای او به ارمغان آورد. او جهان و هستی را در برابر خود نمی بیند بلکه همه را مطیع صاحب و رب خود می داند که با اراده حق تعالی می تواند شکلی دیگر یابد. اراده آدمی در شعاع این اراده نامتناهی قدرتی یافته که می تواند بر موانع درونی و بیرونی فایق آید.

نکته اساسی این است که این رهایی در فضای قلب شکل می گیرد که هر انسانی واجد این سرّ سویداست. سرّی که اگر چه مورد غفلت قرار گیرد اما هیاهویی در درون آدمی دارد که با پاسخ یابی متوجه امر متعالی می گردد. محور همه این تغییرات در فضای قلب داعی شکل می گیرد. برای نمونه می توان تاثیر اسمی خدا بر قلب دعا کننده در دعای چهل و ششم تجربه کرد: ای آن که کسی را می پذیری که سرزمین ها او را نمی پذیرند ۳۰. و کسی را که با تو گستاخی می ورزد با دست رد نمی رانی ۳۱. و ای آن که رو بر تافته از درگاهت را به خویش فرا می خوانی ۳۲. جام های درخواست از فیض تو سرشار می شوند ۳۳

این مطلب با صراحت و وضوح بیشتری در دعای پنجم بیان شده است: واجعل سلامه قلوبنا فی ذکر عظمتک؛ سلامت و عافیت دل‌های ما را یاد عظمت و بزرگیت قرار ده. سلامت قلب و نجات از شرک و شك مرهون همین توجه است. توجه ای که سلامت همه اعضای ما را به ارمغان آورده ۳۴ سرمایه معنوی ما را شکل می دهد ۳۵

در دعای بیست و دوم نیز کلید همه فتوحات را در قلب بنده ای می داند که رغبت به آخرت یابد و زهد به دنیا ورزد. تا صدق این امر در قلب دیده نشود ۳۶ راه روشن نمی گردد و از ظلمات رهایی نمی یابد. این حالت رضا و اطمینان نفس را به ارمغان آورده و آدمی را از همه قیودات مانند حسادت ۳۷ ایمن می دارد. و به جایی می رساند که در خواندن خداوند در رخاء و شدت مخلصانه می خواند. ۳۸

در دعای ۳۶ رفع مشکلات روزی مادی را هم بیماری دل می داند. در این دعا یکی از آفات روزی کم را وسوسه های قلبی دانسته است. زیرا از نگاه حضرت خداوند بین بندگانش روزی عادلانه تقسیم کرده است. (دعای ۳۵)

<sup>۳۰</sup> یا من یقبل من لا تقبله البلاد

<sup>۳۱</sup> یا من لا یجبه بالرد اهل الداله علیه

<sup>۳۲</sup> یا من یدعوا الی نفسه من ادبر عنه

<sup>۳۳</sup> و امتلات بفیض جودک اوعیه الطلبات

<sup>۳۴</sup> زیرا قلب بر پایه روایات امام اعضاء آدمی است. و در همین دعا در ادامه آمده است: و فراغ ابداننا فی شکر نعمتک

<sup>۳۵</sup> یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب السلیم.

<sup>۳۶</sup> حتی اعرف صدق ذلك من قلبی

<sup>۳۷</sup> و ارزقنی سلامه الصدر من الحسد

<sup>۳۸</sup> و اجعلنی ممن یدعوك مخلصا فی الرخاء دعائ المخلصین اله ۷۲ ، الدعای



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

در دعای سی و پنجم حضرت پس از تمسک به علم بی نهایت الهی و توجه به جهل آدمی دست نیاز به سوی حضرت دراز کرده و از خداوند می خواهد که خیر را به قلب او الهام نماید. خیر در این دعا آن است که به رضایت ابدی حق و تسلیم کامل آدمی در برابر حق منجر گردید.

نتیجه:

صحیفه سجادیه میراثی الهی است که از ملکوت وجود امام سجاد(ع) در یکی از تاریک ترین ایام تاریخ اسلام جاری شده است. متنی که می تواند سرودی انسانی برای همه فرهنگ ها و انیسی برای مردم آخرالزمان باشد

خواننده این متن با هر آیین و مذهبی و تربیت شده در هر زمینه فرهنگی می تواند با آن همساز شده و به وسیله آن از درون خود حرکتی به سوی عالم بالا احساس می کند. گرمای متن دعاها حجاب های ملک را از برابر دیدگان خواننده دریده و اسباب آشنایی وی را با ملکوت فراهم می آورد. متنی که در عین ستایش خداوند راه طوف عالم قدس را گشوده و موانع زاییده نفس و شیطان را به او گوشزد می کند. متنی که همچون قرآن رشد را به ارمغان می آورد و صرفاً به انتقال داده های بی روح اکتفا نمی کند.

بقای این متن مقدس در عالم اسلام و انس مذاهب اسلامی و ادیان غیر اسلامی حاکی از ظرفیت بالای این متن برای رشد انسانی دارد. رشدی که با اتصال به روح ملکوتی معصوم می تواند زمینه هدایت به امر را از سوی امام فراهم آورد. راز این اتصال سلامت قلبیست که در سایه یاد عظمت حق تعالی فراهم می آید. سلامتی که دل را از تاریکی ها به عالم نور وصل نموده و سلامت را در جمیع مراتب و ابعاد وجودی او ساری می گرداند.

منابع:

- ابن تیمیه ، منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه و القدریه ، تحقیق: محمد رشاد سالم، جامعه الامام محمد بن سعود، ۱۴۰۶ق.
- امام خمینی، آداب الصلاه، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش.
- امین، سید حسن ، الامام زین العابدین، مجموعه الابعاد الانسانیه و الحضاریه فی الصحیفه السجادیه، ص ۲۱۵.
- بلاغی ، صدرالدین ، مقدمه ترجمه صحیفه سجادیه ، ۱۳۷۰
- پژوهشی در معارف امامیه ، علیرضا مسجد جامعی ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰
- حسن زاده آملی ، حسن ، رساله نور علی نور، انتشارات تشیع ، ۱۳۷۱ش.
- حسن زاده آملی ، حسن ، هزار یک نکته، بوستان کتاب ، ش ۱۳۹۳
- حسینی تهرانی ، علامه سید محمد حسین ، مهر تابان ، ۱۳۹۶ش.
- خاکسار ، منصور ، فرهنگ صحیفه سجادیه ، انتشارات نبوغ ، ۱۳۷۷ش.
- خلجی ، محمد تقی ، اسرار خاموشان ، پرتو خورشید، ۱۳۸۳ش.
- زرین کوب ، عبدالحسین ، در قلمرو وجدان ، امیرکبیر
- سایت [www.gharib.net](http://www.gharib.net)
- سایت مقام معظم رهبری



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

شریف رضی، نهج البلاغه، منشورات دارالهجره، قم  
صحیفه سجادیه، مقدمه و ترجمه اسد الله مبشری، نشر نی، سال ۷۰  
عابدی، احمد، کتابهای حدیثی از نگاه امام خمینی، احمد عابدی، فصلنامه علوم حدیث ش ۱۴  
فصلنامه سفینه ش ۶ و ۷ و ۸ و ۹  
قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ماده ص ۷۰ ف، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.  
مطهری، مرتضی، آشنایی باقرآن، ج ۱۲، نشر صدرا، ۱۳۸۷  
نگرشی کوتاه به عملکرد ۲۲ ساله مرکز نشر معارف اسلامی در جهان چاپ اول مرداد ماه ۱۳۷۷،  
ناشر؛ مرکز نشر معارف اسلامی.



## مضامین قرآنی در صحیفه سجادیه

محمد کاظم تقوی

### چکیده

صحیفه سجادیه که ادعیه انشاء شده توسط حضرت علی بن الحسین زین العابدین و سید الساجدین (علیه صلوات المصلین) می‌باشد، به «أخت القرآن» نامیده و خوانده می‌شود، چنانکه «نهج البلاغه» به «أخ القرآن» نامیده شده است. همان‌گونه که به هدایت و دلالت حدیث شریف نبوی ثقلین؛ قرآن و عترت متقاریان و متلازمان جدائی ناپذیر می‌باشند چه در دنیا و چه در آخرت؛ تا اینکه از کوثر زلال نبوی سیراب شوند؛ ارواح مقدسه و انوار هدایتگرانه ائمه هدی علیهم‌السلام در زندگی دنیوی نیز فکر و قلب منور به نور قرآن دارند که یکی از جلوه‌های پر فروغ آن در دعاهای سازنده صحیفه سجادیه روشنایی بخش جان‌های مشتاق و روح‌های سالک می‌باشد و می‌شود گفت این دعاهای ناب مسحون به حقایق قرآنی و آیات کلام الهی می‌باشد. در ۲۹ دعا از دعاهای زبور آل محمد علیهم‌السلام مضامین قرآنی اشراپ شده است و در این مقاله به همین مضامین قرآنی ادعیه صحیفه سجادیه پرداخته شده است.

**کلید واژه‌ها:** امام سجاد علیه‌السلام، صحیفه سجادیه، ادعیه، مضامین قرآنی.



# صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

## مقدمه

صحیفه سجادیه که به انجیل اهل بیت و زبور آل محمد علیهم السلام ملقب و مشهور است، نمایاننده هدایت و تربیت امام علی بن الحسین زین العابدین و سید الساجدین علیهم السلام است که علی‌رغم جوّ خفقان و سرکوب از سوی ستمکاران و جنایت‌پیشگان انحرافات و حشمتناکی که در اندیشه دینی و تربیت اسلامی مسلمانان ایجاد گردید؛ آن حضرت بر اساس رسالت الهی خود، از طریق دعا و با ظرافت روان‌شناسانه به بیان معارف اصیل الهی و تربیت اسلامی اقدام کرد. همان کار بزرگی که زمینه انقلاب بزرگ و گسترده علمی باقر العلوم علیهم السلام و صادق آل محمد علیهم السلام را فراهم کرد و اسلام را از نابودی نجات داد.

از جمله زیبایی‌های کتاب شریف صحیفه سجادیه و شیوه امام سجاد علیهم السلام در این مجموعه دعاها، دمیدن حقایق قرآنی در جای جای این دعاها شریف است که خود تجسم و تفسیر قرابت و قرین بودن «قرآن و عترت» است. آنچه تقدیم خواننده گرامی می‌گردد «مضامین قرآنی در صحیفه سجادیه» است که به ترتیب دعاها آورده شده است.

## دعای اول

در این دعا که حمد و ثنای خداوند متعال است، حضرت در موارد زیادی از بندهای دعا مضامین قرآنی را متعرض گردیده است:

۱. حضرت سجاد علیهم السلام در بند ۴، پس از آن‌که در بند قبلی می‌گوید:

«خداوند به قدرت و توانایی خود آفریدگان را آفرید و آنان را به اراده و خواست خویش به وجود آورد بی‌آنکه از روی مثال و نمونه‌ای» باشد می‌گوید: «سپس آنان را در راه اراده و خواست خویشتن روان گردانید و در راه محبت و دوستی خود برانگیخت» که این تعبیر به آیه ۴۴ سوره اسراء اشاره دارد که حق تعالی فرموده: «موجودی نیست جز آن‌که ذکرش تسبیح و ستایش خدا است ولی شما تسبیح آنان را در نمی‌یابید».

۲. در بند ۵ می‌خوانیم: «و از رزقی که عطا فرموده هر جا نداری را روزی معلومی قرار داده است. به هر کس از آنان فراخی و فراوانی، داده کاهنده‌ای نمی‌کاهد و هر که را کاسته افزاینده‌ای نمی‌افزاید». در آیه ۳۲ سوره زخرف می‌گوید: «ما روزی ایشان را در زندگی دنیا بینشان تقسیم و پخش نموده‌ایم».

۳. در بند ۶ که مدت عمر و اجل هر انسانی را بیان می‌فرماید، فلسفه حیات پس از مرگ را، کیفر و پاداش صالحان و طالحان بیان می‌کند و این را از آیه ۳۱ سوره نجم استفاده می‌کند «تا کسانی را که با کردارشان بد کرده و آنان را که با رفتار شایسته نیکویی نموده‌اند جزا دهد».

۴. در بند ۸ حمد الهی به جا آورده می‌شود که معرفت حمد را به انسان بچشاند، که اگر این رزق معنوی به آنها ارزانی نمی‌شد از انواع نعمات الهی استفاده می‌کردند: «س و شکر پروردگار؛ در بند ۹ و به دنبال بند قبل



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

می‌فرماید اگر خداوند نعمت معرفت حمد الهی را به آنان نمی‌داد، از حدود انسانی خارج می‌شدند و به حدّ حیوانی تنزل می‌کردند و همان می‌شدند که در آیه ۴۴ سوره فرقان بیان شده است: «آنان (ناسپاسان) جز مانند چارپایان نیستند بلکه گمراه‌ترند». چرا که چارپایان هیچ یک از قوای طبیعی را تعطیلی و بیکار ننموده بلکه هر یک را برای آنچه آفریده شده، به کار می‌اندازند، پس اگر گمراه باشند در طلب کمال، کوتاهی ننموده‌اند. به خلاف انسان که اگر قوه عقلیه را که به معرفت حق راهنما است و امتیاز او از چارپایان به همین قوه است، تعطیل نموده از کار بیندازد، از چارپایان گمراه‌تر و سزاوار کیفر است.

۵. در بند ۱۲ به دنبال دو بند قبل که متضمن حمد بر شناخت خدا، شکر خدا، نعمت توحید و دوری از الحاد و شک در وجود پروردگار است، خدا را حمد می‌کند به «سپاسی که تاریکی‌های برزخ را بر ما روشن سازد»، و این مفاد آیه ۱۲ سوره حدید است «- یادآور - روزی را که مردان و زنان اهل نفاق و دورویی به اهل ایمان گویند مشتایید تا از نور شما روشنایی گیریم، به ایشان گویند واپس بگردید - به دنیا باز گردید - و نور طلبید». و در ادامه همین بند آنجا که حضرت می‌گوید: - حمدی - که راه رستخیز را برای ما آسان نماید و منازل و جاهای ما را در جایگاه گواهان (فرشتگان و پیغمبران و ائمه اطهار  $\text{علیهم‌السلام}$ ) که روز قیامت بر مردم گواهی می‌دهند) آبرومند گرداند، روزی که «هر کس به سزای آنچه کرده می‌رسد و به ایشان ستم نمی‌شود» و این همان مفاد آیه ۲۲ سوره جاثیه است.

۶. در بند ۱۳ با اقتباس از آیه ۱۸ تا ۲۰ سوره مطففین می‌خوانیم: «سپاس که از ما به اعلیٰ علّین بالا رود، در نامه نوشته شده‌ای که مقربین آن را مشاهده نموده نگهداری می‌نمایند». (یا روز قیامت به آنچه در آن است گواهی می‌دهند)

۷. در بند ۱۴ در توصیف حمد، با اقتباس از آیه ۱۰۶ سوره آل عمران می‌خوانیم: «سپاس که چشم‌های ما به آن روشن گردد، آن هنگام که چهره‌ها سیاه شود». در آیه ۱۰۶ سوره آل عمران آمده: «روزی که چهره‌های مؤمنین سفید، و روهای کافرین و منافقین سیاه گردد».

۸. در بند ۱۵ حضرت از حمدی سخن می‌گوید که حمد کننده به سبب آن از آتش دردناک خدا رسته، به جوار رحمتش رهسپار می‌شود. در آیه ۶ سوره همزه آتش جهنم «نار الله» نامیده شده است «آتش برافروخته شده خدا» که برای شدت و سختی آن است که کسی نتواند آن را خاموش کرده یا از آن رهایی یابد.

۹. در بند ۱۷ در مقام سپاس الهی به نعمتی اشاره و خدا را بر آن سپاس می‌گوید: «و سپاس خدای را که نیکویی‌های آفرینش را برای ما برگزید و روزی‌های پاکیزه - حلال و روا - را برای ما روان - فراوان - گردانید». و این به آیه ۶۴ سوره غافر اشاره دارد که خداوند فرموده: «خدا شما را آفرید و آفرینش شما را نیکو گردانید». و بخشی از آیه ۱۵۷ سوره اعراف که در توصیف شریعت پیامبر خاتم  $\text{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}$  و نشانه‌های او می‌فرماید: «(پیامبری) که پاکیزه‌ها (ی مادی و معنوی) را بر آنها حلال می‌کند  $\text{ص}$  یدیه‌ها (ی مادی و معنوی) را بر آنها حرام می‌کند».



# صحیفه سجاده امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۱۰. در بند ۱۸ نعمت توانایی انسان در استفاده از نعمات فراوان آسمانی و زمینی را متذکر می‌شود: «و با تسلط و توانایی ما را بر همه آفریدگان برتری داد و از این رو، به قدرت و توانایی الهی، همه آفریده‌ها فرمانبر ما شده و به نیرو و زورش، به اطاعت ما درمی‌آیند». و این همان مضمونی است که در آیه ۲۰ سوره لقمان آمده است: «تحقیقاً خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است را رام شما گردانیده».

۱۱. در بند ۲۰ نعمت غذاهای پاکیزه و بی‌نیاز کردن انسان و توانا نمودن او آمده که اشاره دارد به آیه ۱۵۷ سوره اعراف که گذشت و نیز آیه ۸۸ سوره مائده: «و از آنچه خدا روزی شما کرده از حلال و پاکیزه بخورید». و اشاره به مفاد آیه ۴۸ از سوره نجم که می‌فرماید: «(و خدا) اوست آن‌که (بندگانش را) بی‌نیاز کند و سرمایه بخشد».

۱۲. در بند ۲۳ از دعای اول در ارتباط با بند ۲۲ به کیفیت توبه در آیین حضرت ختمی مرتبت □ اشاره دارد و خدای توبه‌پذیر را بر دلالت بندگانش به باب نجات «توبه» سپاس می‌گوید و آن را از فضل و احسان الهی می‌نامد و در بند ۲۳ می‌گوید: (اما) روش خداوند در توبه برای پیشینیان (بنی اسرائیل) چنین نبوده؛ و این اشاره ۵۴ سوره بقره است که خداوند به پیامبر رحمت حضرت محمد □ یادآور می‌شود که: «یاد کنید هنگامی را که موسی به قوم خود - آنان که گوساله پرستیدند - گفت ای قوم شما بر اثر این‌که گوساله را خدایتان گرفتید، به خود ستم روا داشتید، اکنون به سوی آفریننده خویش بازگردید و خود - یکدیگر - را بکشید که این کشتن نزد آفریننده شما برایتان - از زندگی دنیا - بهتر است، پس خدا توبه شما را - پیش از آن‌که همگی کشته شوید - پذیرفت زیرا او بسیار توبه‌پذیر و بسیار مهربان است». حضرت سجاد □ در ادامه این بند می‌افزاید: و (خداوند) آنچه به آن توانایی نداریم، از ما برداشته و به ما جز به آنچه طاقت داریم تکلیف نفرموده و جز کار آسان از ما نخواست و برای هیچ یک از ما برهان و بهانه‌ای باقی نگذاشته. در این فراز اشاره به این حقیقت قرآنی دارد که در بخشی از آیه ۲۸۶ سوره بقره آمده است: «خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند» و آیه ۷ سوره طلاق: «هرگز خداوند کسی را جز به کاری که توانش را داده مکلف نمی‌کند» چنان‌که به آیه ۷۸ سوره حج نیز اشاره دارد که می‌فرماید: «و خدا بر شما در دین تنگی و رنج قرار نداده است».

## دعای دوم

دعای دوم صحیفه سجاده در درود بر رسول خدا محمد مصطفی □ است؛ و اما مواردی که حضرت به مضامین قرآنی تصریح یا تلمیح و اشاره دارند:

۱. در بند آغازین و اول این دعا خداوند را بدین خاطر که بر ما امت اسلام «منت» نهاد و محمد □ را به پیامبری برای ما مبعوث کرد سپاس می‌گوید و این خود اشاره به آیه ۱۶۴ سوره آل عمران است که می‌فرماید: «خدا بر اهل ایمان منت نهاد که فرستاده‌ای از خودشان در میان آنها ب‌انگخت که بر آنان آیات او را بخواند و آنها را پاک گرداند



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

- و کتاب و حکمت - احکام و حقایق - را بیاموزد، هر چند پیش از آن در گمراهی آشکار بودند».
۲. در بند ۲ به ویژگی خاصی از امت اسلامی تصریح می‌شود که ریشه در قرآن دارد؛ «وما را بر کفار و منافقین گواه گردانید» که اشاره است به آیه ۱۴۳ سوره بقره؛ «و همچنین شما مسلمانان را امت وسط قرار دادیم تا بر مردم - منکرین پیامبران - گواه باشید و رسول بر شما گواه باشد».
۳. در بند ۳ که برخی از اهم اوصاف پیامبر اکرم ﷺ ذکر شده به ویژگی «پیشوای رحمت و مهربانی» تصریح شده که وامدار آیه ۱۰۷ سوره انبیا است: «وما تو را نفرستادیم جز آن‌که برای جهانیان رحمت باشی».
۴. در بند ۲۱ درخواست درود بر فرشتگانی شده که پاسبانند که هرگاه به ایشان گفته شود «او را بگیرید و در غل - زنجیری که در گردن یا دست قرار می‌دهند - کشید و به دوزخ اندازید، به شتاب به او رو آورند و مهلتش نمی‌دهند» و این نیز صریح آیه ۳۰ و ۳۱ سوره حاقه است.
۵. در بند ۲۴ حضرت از خداوند می‌خواهد «پس بر ایشان درود فرست در روزی - قیامت - که هر کس می‌آید و با او راننده و گواهی - از فرشتگان - است». این معنا مفاد آیه ۲۱ سوره ق است که می‌فرماید: «و هر کس - در قیامت - می‌آید و با او دو فرشته است، یکی - او را به معاد و بازگشت - می‌راند و یکی - به عمل او - گواه است».

## دعای چهارم

دعای چهارم صحیفه سجادیه در درود بر پیروان پیامبران الهی و ایمان آورندگان به آنها می‌باشد که تنها در یک مورد از آن به مضامین قرآنی اشاره دارد و آن بند ۹ است که از خداوند می‌خواهد: «بار خدایا بهترین پاداش خود را به تابعین و پیروان ایشان - پیروان صحابه پیغمبر از مهاجر و انصار - که نیکو کردارند برسان». که این تعبیر اشاره دارد به آیه ۱۰۰ سوره توبه که می‌گوید:

«و پیشی گیرندگان پیشینیان - در ایمان - از مهاجرین - که از مکه به مدینه آمدند - و انصار - که به پیامبر گرویدند و یاریش نمودند - و آنان که به نیکی - به ایمان و طاعت - ایشان را پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود شد - طاعتشان را پذیرفت - و اینان هم از خدا خشنود گردیدند - و به پاداش خود رسیدند -».

در ادامه همین بند ۹ حضرت آنان را این گونه معرفی می‌کند به این‌که: «آنان که می‌گویند پروردگارا ما و برادران - ایمانی - ما را که به ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز» و این اشاره به آیه ۱۰ سوره حشر است که از قول تابعین و پیروان مهاجر و انصار نقل می‌کند: «و کسانی - از مؤمنان - که پس از آنها - مهاجر و انصار - آمدند می‌گویند پروردگارا بر ما و آن برادران ما که در ایمان از ما پیشی گرفتند ببخشای و در دل‌های ما کینه و خیانتی به کسانی که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا بی‌تردید تو بسیار رؤوف و مهربانی».



# صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

## دعای ششم

دعای ششم صحیفه سجادیه، دعای حضرت سجاد<sup>ؑ</sup> به هنگام صبح و شام است، که مضامین قرآنی در بعضی از بندهای آن آمیخته شده است.

۱. در بند ۵ می‌خوانیم: «و شب را برای ایشان آفرید تا از جنبش‌های رنج‌آور و دشواری‌های خسته کننده - روز - بیارامند، و آن را - برای بندگان - چون لباس و جامه گردانید تا در آن آرام گرفته بخوابند که آن برایشان آسایش و توانایی است و تا به سبب آن خوشی و خوشگذرانی یابند». و این معنا اشاره دارد به آیه ۴۷ سوره فرقان که می‌فرماید: «و اوست خدایی که شب را برای شما لباس گردانید».

۲. در بند ۷ می‌خوانیم: «به همه اینها حال ایشان را اصلاح و سازگار می‌نماید، و اخبار آنان - اعمال و کردارشان که از خوبی و بدی آنها خبر می‌دهد - را می‌آزماید و می‌نگرد که اینان در اوقات طاعت - واجب یا مستحب - و در جاهای واجبات و موارد احکامش، چگونه‌اند - با آنان مانند کسی که دیگری را می‌آزماید رفتار می‌نماید (تا کسانی که با کردارشان بد کرده و آنان که با رفتار شایسته نیکویی نموده‌اند، جزا دهد)». این جملات آخر اقتباس از نص آیه ۳۱ سوره نجم است.

## دعای هفتم

دعای هفتم صحیفه سجادیه دعایی است که حضرت سید السجادین<sup>ؑ</sup> هر گاه کار دشوار دل‌آزاری بر وی رو می‌آورد، به درگاه الهی می‌خواند.

۱. در بند ۳ می‌خوانیم: «پس آن اشیاء به اراده تو بی‌گفتنت فرمان بردار، و به خواست تو بی‌نهی و باز داشتنت باز داشته‌اند». و این اشاره دارد به آیه ۴۰ سوره نحل آنجا که می‌فرماید: «جز این نیست که گفتار ما به چیزی هنگامی که اراده نمایم به این که به آن بگوییم موجود باش - بی‌گفتن و بی‌درنگ - موجود می‌شود».

۲. در بند ۷ حضرت به درگاه الهی عرضه می‌دارد: «پس برای آنچه به من رسانده‌ای برگرداننده و برای آنچه متوجه ساخته‌ای دفع کننده و برای آنچه بسته‌ای گشاینده و برای آنچه گشوده‌ای بستنده و برای آنچه دشوار کرده‌ای آسان کننده و برای آن که خوار کرده‌ای یاری دهنده‌ای نمی‌باشد». که اشاره دارد به مضمون دو آیه از قرآن آیه ۱۰۷ سوره یونس «و اگر خدا ضرر و زیانی به تو رساند جز او کسی نتواند آن را دفع کند و اگر خیر و نیکی برای تو خواهد فضل و احسان او را، جلوگیری نیست». و آیه ۱۰۶ سوره آل عمران «اگر شما را خدا یاری کند کسی بر شما غلبه و تسلط نیابد و اگر خوارتان گرداند کیست که بعد از او - بتواند - شما را یاری کند؟!».



### دعای هشتم

دعای هشتم صحیفه سجادیه دعای حضرت سجاد<sup>ؑ</sup> در پناه بردن به خدا در سختی‌ها است.

۱. در بند ۲ از اموری به خدا پناه می‌برد که یکی از آنها خواب غفلت است که مضمونی قرآنی است، چرا که خداوند رسول اکرم<sup>ؐ</sup> را از آن در آیه ۲۰۵ سوره اعراف بر حذر می‌دارد: «و از کسانی که بی‌خبرند مباش».
۲. در بند ۴ از اموری به خدا پناه می‌برد که یکی از آنها در علم - اصول و فروع دیسن - از روی نادانی سخن گفتن است و این اشاره به مضمون آیه ۳۶ سوره اسراء است که می‌فرماید: «دنبال آنچه به آن علم نداری مرو که گوش و چشم و دل، همه پرسیده می‌شوند».

### دعای نهم

دعای نهم صحیفه سجادیه در اشتیاق به درخواست آمرزش است که در بند ۵ آن، نحوه آفرینش و کیفیت وجودی انسان را متذکر می‌شود که به مضمون آیاتی از قرآن اشاره دارد: «بار خدایا تو ما را از ناتوانی آفریدی و بر سستی بنا نهادی و از آب اندک و بی‌ارزش آغازمان نمودی؛ پس ما را جز به توانایی تو جنبش و جز به یاری تو توانایی نیست». که اشاره به آیات ۷ و ۸ سوره سجده دارد: «و آفرینش انسان را از گل آغاز نمود، پس فرزندان او را از خلاصه از آب اندک بی‌ارزش - نطفه - بیافرید».

### دعای دهم

دعای دهم صحیفه سجادیه در پناه بردن به خدای تعالی می‌باشد که در بند ۴ آن حضرت به درگاه الهی عرض می‌کند: «پس در این هنگام (بدبختی و نومیدی) از جانب تو به که رو آوریم و از درگاه تو به کجا رویم (جز تو کسی و جز درگاهت پناهی نداریم) منزّه و پاکی تو (از آنچه شایسته تو نیست) ما بیچارگانیم که اجابت - دعا - شان را واجب گردانیده‌ای و ما رنج دیدگانیم که رفع گرفتاریشان را وعده داده‌ای» این تعبیر پایانی اشاره به آیه ۶۲ سوره نمل دارد که می‌فرماید: «یا کسی که دعای مضطر و درمانده را به اجابت می‌رساند و غم و رنج را برطرف می‌سازد».

### دعای سیزدهم

دعای سیزدهم صحیفه سجادیه در موضوع درخواست حاجت‌ها از خدای تعالی است که در بند ۱۱ و ۱۲ آن، حضرت سجاد<sup>ؑ</sup> خطاب به ذات باری عرضه می‌دارد: «- خدایا - خود را به بی‌نیازی از آفریدگانت ستوده‌ای و تو به بی‌نیازی از آنها شایسته‌ای؛ و آنان را به احتیاج و تنگدستی نسبت داده‌ای و ایشان هم احتیاج به تو را سزاوارند». و



این حقیقت ربوبیت و عبودیت و بی‌نیازی ذاتی از یک سو و نیازمندی ذاتی از سوی دیگر، همان حقیقتی است که در آیه ۱۵ سوره فاطر آمده است: «ای مردم شما نیازمندان به خدایید و - تنها - خداست که بی‌نیاز و ستوده شده است».

### دعای بیستم

دعای بیستم صحیفه سجادیه، دعای معروف «مکارم الاخلاق» است که در بردارنده مضمون قرآنی هم می‌باشد.  
 ۱. در بند ۱۰ پس از درخواست درود بر پیامبر و آل پیامبر از درگاه الهی، مکارم اخلاقی می‌شود که یکی از آنها «کظم غیظ» و فرو نشانیدن خشم است؛ یعنی آشکار نکردن آن به گفتار یا کردار که این مضمون در آیه ۱۴۳ آل عمران آمده است. آنجا که پرهیزکاران توصیف می‌شوند به این که: « - پرهیزکاران آنانند که - سخت‌ترین خشم را فرو نشانده از - بدی - مردم درگذرند».

### دعای بیست و چهارم

دعای بیست و چهارم صحیفه سجادیه، دعا برای پدر و مادر خود است که در بند ۳ آن می‌خوانیم: «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و دانستن آنچه درباره ایشان بر من واجب است به من الهام نما و در دلم انداز و آموختن همه آن واجبات را بی‌کم و کاست برایم فراهم آور، سپس مرا به آنچه که به من الهام می‌نمایی وادار، و برای انجام در آنچه به دانستن آن بینایم میسازی توفیقم ده، تا به جا آوردن چیزی از آنچه مرا به آن دانا گردانیده‌ای از من فوت نگردد، و اندامم از خدمت در آنچه به من الهام نموده‌ای سنگین نشود». این درخواست از درگاه الهی ناظر به آیاتی است که خداوند در قرآن کریم انسان را در رعایت ادب و احترام و احسان به والدین موظف ساخته است. یعنی آیه ۱۵ سوره احقاف، آیات ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء و آیه ۲۸ سوره نوح و آیه ۱۵۱ سوره انعام و آیه ۳۶ سوره نساء، و آیه ۱۸۰ سوره بقره و آیه ۲۳ سوره اسراء و آیه ۸۳ سوره بقره و آیه ۱۵ سوره لقمان. مثلاً در آیه ۲۳ سوره اسراء می‌فرماید: «و پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها نزد تو به سن پیری رسد، کمترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو».

حضرت زین العابدین علیه السلام از خداوند درخواست می‌کند که او را به عمل به آنچه در آیات مذکور آمده است، موفق سازد.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

## دعای بیست و پنجم

دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه دعا در حق فرزندان است که در بند ۹ آن از خداوند درخواست می‌کند: «بار خدایا همه درخواست‌هایم را عطا کن و حاجت‌هایم را برآور و مرا از برآوردن - درخواست‌هایم - باز مدار که خود آن را برایم ضامن شده‌ای - بسر خویشتن لازم گردانیده‌ای - و دعایم را از - درگاه - خود منع مفرما که تو خود مرا به آن امر فرمودی». که اشاره به آیه ۶۰ سوره غافر است که می‌خوانیم: «پروردگار شما فرمود بخوانید مرا ناخواسته شما را برآورم، آنان که از عبادت و پرستش من - مرا خواندن - سرکشی کنند، به زودی با ذلت و خواری در دوزخ درآیند».

## دعای بیست و نهم

دعای بیست و نهم صحیفه سجادیه دعای هنگام تنگی رزق و روزی است که در بند ۴ آن به خداوند عرض می‌کند: «خدایا - گفته‌ای و گفتار تو حق و درست و راست‌ترین گفته‌ها است - که دروغ در آن راه ندارد - و قسم یاد کرده‌ای و قسم تو - از هر قسمی - راست‌تر وفاکننده‌تر است؛ که فرموده‌ای - اسباب - روزی شما و آنچه به وعده داده می‌شود - بهشت، دوزخ، پاداش و کیفر - در آسمان است». و این همان آیه ۲۲ سوره ذاریات است. چنان‌که در بند ۵ این دعا خطاب به حق تعالی عرض می‌کند: «آنگاه فرموده‌ای پس به پروردگار آسمان و زمین سوگند که هر آینه آن حق و درست است مانند آن که شما سخن می‌گویید» یعنی چنان‌که شک ندارید در این که سخن می‌گویید، باید شک نداشته باشید در این که روزی شما در آسمان است. و این مانند تعبیر مردم به یکدیگر است که می‌گویند: «این مطلب حق و درست است چنان‌که می‌بینی و می‌شنوی». مضمونی که در این بند آمده نص آیه ۲۳ سوره ذاریات است.

## دعای سی و یکم

دعای سی و یکم در موضوع «توبه» است که در آن به بعضی از مضامین قرآنی اشاره شده است:

۱. در بند ۱۱ به درگاه ربوبی عرض می‌کند: «بار خدایا اینک منم که به درگاه تو آمده‌ام در حالی که فرمانبرم فرمان تو را در دعایی که به آن امر فرموده‌ای، و وفای به وعده ات را در اجابتی که به آن وعده داده‌ای را خواهانم؛ آنجا که می‌فرمایی - مرا بخوانید برای شما روا می‌سازم -» و این جمله پایانی نص آیه ۶۰ سوره غافر است.
۲. در بند ۱۵ عرض می‌کند: «و تو ای خدای من در کتاب محکم و استوار خود - قرآن - فرموده‌ای که تو توبه و بازگشت را از بندگان می‌پذیری و از گناهان در می‌گذری و آنان که پیوسته توبه می‌کنند را دوست می‌داری، پس چنان‌که وعده فرموده‌ای توبه مرا بپذیر، و چنان‌که ضمانت نموده‌ای از گناهانم درگذر و چنان‌که شرط کرده‌ای



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

محبت و دوستی خود را برای من لازم گردان». در این درخواست اشاره به مضمون دو آیه از قرآن اشاره شده است: آیه ۲۵ سوره شوری: «و او است خدایی که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از گناهان در می‌گذرد و می‌داند آنچه را که به جا می‌آورد» و آیه ۲۲۲ سوره بقره که می‌فرماید: «تحقیقاً خداوند آنان را که پیوسته توبه می‌کنند و پاکیزگان را دوست می‌دارد».

## دعای سی و دوم

دعای سی و دوم صحیفه سجادیه دعای حضرت سجادؑ پس از به جا آوردن نماز شب است که در مضامین قرآنی اشراپ شده است.

۱. در بند ۱۲ می‌خوانیم: «- خدایا - و بر من غلبه نموده و دست یافته دشمن تو - شیطان - که برای گمراه شدنم از تو مهلت خواسته و تو او را مهلت دادی، و برای گمراه کردنم از تو تا روز جزا - قیامت - مهلت طلبیده و تو مهلتش دادی». که اشاره به مفاد آیه ۱۴ سوره اعراف است که می‌گوید: «شیطان گفت مرا تا روزی که مردگان برانگیخته شوند مهلت ده، خداوند فرمود تو از مهلت داده شدگانی».

۲. در بند ۱۳ در ادامه بند پیش به خداوند عرض می‌کند: «پس در حالی که از گناهان خُرد و کوچک هلاک کننده و از کارهای - گناهان - بزرگ تباه سازنده به سوی تو می‌گریختم - و از گناهان دوری می‌گزیدم - مرا به زمین زد تا چون به نافرمانی تو نزدیک - گنهکار - شدم و به بدی کردارم خشم - و دوری از رحمت - تو را سزاوار گشتم، عنان حيله و فریب خود را از من برتاخت و با سخن کفر با من رو به رو شد و از من بیزارى جست و پشت به من کرده برفت و مرا در بیابان گمراهی برای خشم تو تنها گذاشت و به درگاه انتقام و کیفر تو رانده شده - از رحمتت - درآورد». و این اشاره به آیه ۱۶ سوره حشر است که می‌گوید: «به یاد آر آنگاه که شیطان به انسان گفت کافر شو، پس چون - به خدای تعالی - کافر گشت گوید من از تو بیزارم».

۳. در بند ۲۳ به خداوند عرض می‌کند: «بار خدایا و تو مرا آبی پست و خوار از صلبی که استخوان‌هایش در هم رفته راه‌هایش تنگ است، به رَحْمِ تنگ که آن را به پرده‌ها پوشانده‌ای، پایین آوردی؛ در حالی که مرا از حالی به حال دیگر می‌گرداندی تا این که به شکل کامل رساندی و اندام را در من ثابت و پابرجا گردانیدی، چنان که در کتاب خود وصف فرمودی: (نخست) منی، پس از آن خون بسته شده و آنگاه پاره گوشتی سپس استخوان آفریدی بعد از آن استخوان‌ها را به گوشت پوشانیدی، سپس مرا چنان که خواستی آفریده دیگری بیافریدی». صدر این بند به آیه ۷ سوره مؤمنون اشاره دارد که می‌فرماید: «آن خدایی که هر چه را آفرید، بیاراسته و نیکو گردانیده و آفرینش انسان - حضرت آدم - را از گل آغاز نمود» و در آیه ۸ ادامه می‌دهد که «آنگاه فرزندان او را از خلاصه آب پست و خوار - نطفه - بیافرید».



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

چنان که آخر بند به ۱۲، ۱۳ و ۱۴ سوره مؤمنون اشاره دارد که می‌فرماید: «تحقیقاً انسان - حضرت آدم □ - را از گل پاکیزه، آفریدیم، آنگاه فرزندان او را مَنی و در جای استوار قرار دادیم سپس مَنی را پاره خون بسته شده پس از آن خون بسته شده را پاره گوشتی آفریدیم، بعد از آن پاره گوشت را استخوان آفریدیم، پس از آن استخوان را به گوشت پوشانیدیم و آنگاه او را آفرینش دیگری آفریدیم - جانش دادیم - پس منزّه و پاک - از نقایص - است خدایی که نیکوترین نگارندگان است».

۴. در بخشی از بند ۲۸ از خداوند درخواست می‌کند که «و آنچه از تن و عمرم به کار رفته در راه طاعت و فرمان‌برداریت قرار دهی» که این از باب تبدیل سیئات و بدی‌ها به حسنات است که در آیه ۷۰ سوره فرقان آمده که می‌فرماید: «جز کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته به‌جا آورند، پس خداوند بدی‌های آنها را به نیکی‌ها تبدیل گرداند، که خدا آمرزنده مهربان است».

## دعای سی و چهارم

دعای سی و چهارم دعای حضرت سید الساجدین □ است، هنگامی که گرفتار می‌شد و در این دعا، یک مورد مضمون قرآنی به چشم می‌خورد که بند ۵ است. حضرت در این بند عرض می‌کند: «و بار خدایا درود فرست بر برگزیده ات از خلق خود محمد □ و اهل بیت او که از آفریدگانت برگزیده و پاکانند؛ و چنان‌که در قرآن امر فرموده‌ای ما را در برابر آنان شنوندگان - سخنانشان - و فرمان‌برداران - دستوراتشان - گردان». که اشاره به آیه ۵۹ سوره نساء است که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول و فرمانداران و اولی الامر را اطاعت کنید».

## دعای سی و پنجم

دعای سی و پنجم، دعای حضرت در موضوع رضا و خشنودی به آنچه داشت می‌باشد که یک مورد مضمون قرآنی را در آن می‌یابیم و آن در بند ۱ است که حضرت می‌گوید: «سپاس خدا راست برای رضا و خشنودی به قضا و قدر خدا - در آنچه خواسته - گواهی میدهم که خدا معیشت‌ها و چیزهایی که زندگی بندگانش به آنها وابسته است را به عدل و درستی - بی‌افراط و تفریط - قسمت نموده - هر که را به فراخور او روزی داده - و با همه آفریدگانش با فضل و احسان - بر ایشان رفتار نموده» که اشاره به آیه ۳۲ سوره شوری دارد که خداوند می‌فرماید: «ما معیشت ایشان را در زندگانی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم».



### دعای سی و هشتم

دعای سی و هشتم صحیفه سجادیه در عذرخواهی از دادخواهی‌های مردم است که در بند ۳ حضرت به درگاه الهی عرض می‌کند: «پس محمد و آل او درود فرست و پشیمانیم را از لغزش‌هایی که به آن گرفتار شدم و قصدم را به جا نیاوردن گناهانی که به من رو می‌آورد توبه ای قرار ده که برای من موجب دوستی تو شود، ای دوستدار توبه‌کنندگان» که اشاره به آیه ۲۲۲ سوره آل عمران است که می‌فرماید: «همانا خدا آنان را که - از گناهان - پیوسته توبه می‌کنند و آنان را که - از نجات و پلیدی - پاک و پاکیزه‌اند دوست می‌دارد».

### دعای سی و نهم

دعای سی و نهم صحیفه سجادیه درخواست عفو و رحمت از درگاه الهی است که در بند ۱۳ اشاره به مضمونی قرآنی دارد. در این بند حضرت عرض می‌کند: «و اما تو - ای خدای من - شایسته‌ای که صدیقین و بسیار راستگویان - پیامبران - به رحمت - تو مغرور نشده فریب نمی‌خورند، زیرا تو پروردگار بزرگی می‌باشی که کسی را از فضل و احسان خود باز نمی‌دارد و همه این حق خویش را از کسی نمی‌گیری». که این اشاره به آیه ۹۹ سوره اعراف است که می‌فرماید: «از مکر و عذاب خدا ایمن نیستند مگر گروهی که زیان کاران‌اند». و آیه ۸۷ سوره یوسف که می‌فرماید: «تحقیقاً جز کسانی که کافرنند از رحمت خدا نومید نمی‌شوند».

### دعای چهلم

دعای چهلم صحیفه سجادیه، دعای حضرت سجاد (ع) است هنگامی که خبر مرگ کسی به او می‌رسید. در بند ۵ این دعا از حق تعالی درخواست می‌شود: «- خدایا - ما را بمیران هدایت شدگان - به راه حق - که گمراهان نباشیم، فرمانبران - احکام و دستورهایت - که کراهت نداشته باشیم، توبه‌کنندگان که گناه نکنیم و اصرار و ایستادگی - بر آن - نوزیم، ای ضامن پاداش نیکوکاران و ای اصلاح کننده کردار تبهکاران». که اشاره به دو آیه قرآن دارد، آیه ۱۲۰ سوره توبه که می‌فرماید: «تحقیقاً خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌گرداند». و آیه ۸۱ سوره یونس که می‌فرماید: «تحقیقاً خدا کردار تباهکاران را اصلاح نمی‌کند».

### دعای چهل و دوم

دعای چهل و دوم صحیفه سجادیه، دعای علی بن الحسین (ع) به هنگام ختم قرآن است که در مواردی در بردارنده مضامین قرآنی است:

۱. در بند ۱ عرض می‌کند: «بار خدایا تو مرا بر ختم - خواندن از آغاز تا انجام - کتاب خود یاری نمودی - و



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

توفیق دادی - همان کتابی که آن را نور و روشنایی فرستادی و بر هر کتابی که - به پیامبران گذشته - نازل کردی - گواه گردانیدی و بر هر حدیث و سخنی که فرموده‌ای برتری داده‌ای». که به سه آیه از قرآن اشاره دارد: آیه ۱۷۴ سوره نساء «و به سوی شما نوری آشکار و تابان - قرآن - فرستادیم». و آیه ۴۸ سوره مائده «ما بر تو کتاب - قرآن شریف - را به حق و راستی فرستادیم که کتاب‌هایی را که در برابر آن است تصدیق نموده و بر - راستی و درستی - آنها گواه است». و آیه ۲۳ سوره زمر که می‌فرماید: «خدا نیکوترین حدیث و سخن را فرستاد که آن کتابی است که - آیاتش در کمال فصاحت و اعجاز - شبیه و مانند یکدیگر است».

۲. در بخشی از بند ۱۰ می‌خوانیم: «... و برای تأمل و اندیشه در عبرت گرفتن - از گرفتاران به اعمال و کردار خویش - که غفلت و فراموشی ما آن را در هم پیچیده گشاینده گردان تا فهم و دانستن شگفتی‌ها - علوم و مواظ و حکم - و مثل‌ها و داستان‌های منع کننده - از گناهان - آن را، که کوه‌های استوار با سختی آنها، از زیر بار رفتن آن ناتوانند، به دل‌های ما برسانی». که اشاره به آیه ۲۱ سوره حشر دارد: «اگر این قرآن را بر کوهی می‌فرستادیم می‌دیدید که کوه - با بزرگی و سختی - از ترس خدا فروتن و شکافته و از هم ریخته می‌گشت و این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم، شاید که تفکر و اندیشه نمایند».

۳. در بند ۱۳ عرضه می‌دارد: «بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و به وسیله قرآن هنگام مرگ، اندوه جان کندن و سختی ناله کردن و پی در پی بودن ناله‌های وقت جان کندن را بر ما آسان فرما، آنگاه که جان‌ها به چنبرهای گردن رسد و گفته شود کیست افسونگر؟! و فرشته مرگ برای گرفتن آن جان‌ها از پرده‌های پنهانی‌ها - ی از عقل و علم بشر - آشکار گردد و آنها را به تیرهای ترس فراق و جدایی، از کمان مرگ‌ها بزند و برای آن جان‌ها جامی را که زهرآلود است چشیدن از آن از زهر مرگ آمیخته سازد و کوچ کردن و روان شدن ما به سوی آخرت نزدیک شود و اعمال و کردارها - مانند - گردن‌بندها در گردن‌ها گردد و تا وعده‌گاه روز به هم رسیدن، گورها آرامگاه باشد».

در این بند به دو آیه اشاره شده است آیه ۲۶ و ۲۷ سوره قیامت: «چنین نیست - که دنیا خواهان دل بر دنیا توانند نهاد و از آخرت غفلت نمایند - چون جانشان به چنبر گردن رسد و گفته شود، کیست افسونگر؟! (که به دعا یا طبابت بهبودش دهند) و آیه ۱۳ سوره اسراء «و هر انسانی را - هر که باشد - در گردن او واجب و لازم گردانیدیم (که عملش با اوست و مانند گردن‌بند، هرگز از او جدا نمی‌شود).

۴. در بند ۱۶ می‌خوانیم: «و روهای ما را سفید - و شادمان - گردان روزی که روهای ستمگران سیاه شود - و افسرده گردد - و روز افسوس و پشیمانی - گمراهان - و برای ما در دل‌های اهل ایمان، محبت و دوستی قرار ده و زندگی را بر ما سخت و دشوار مگردان». که در این بند به آیاتی از قرآن اشاره دارد: آیه ۱۰۶ سوره آل عمران «در روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه می‌گردد. اما آنها که چهره‌هایشان سیاه شده - به آنها گفته می‌شود - آیا پس از ایمانتان کفر ورزیدید؟ پس بچشید این عذاب» ۸۷ ' آن که کفر می‌ورزیدید». و آیه ۳۹ سوره مریم که



می فرماید: «ایشان را از روز پشیمانی - روز قیامت - بترسان». و آیه ۹۶ سوره مریم که می فرماید: «تحقیقاً آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، به زودی خداوند بخشاینده برای ایشان - در دل‌های مؤمنین - محبت و دوستی قرار می دهد».

### دعای چهل و سوم

دعای چهل و سوم، دعای حضرت سجاد<sup>علیه السلام</sup> است هنگامی که به ماه نو می نگرست، و در آن به یک مضمون قرآنی برخورد می کنیم و آن در بند ۱ دعا می باشد که می خوانیم: «ای ماه، ای آفریده شده فرمانبردار، ای همیشه در رفتار شتاب کننده، ای آمد و شد کننده در منزل‌ها و جاهایی که قرار داده شده، ای تصرف کننده در فلک و چرخ که جای تدبیر و نظم - امور - است. که به آیه ۳۹ سوره یس اشاره دارد: «و گردش ماه را در منزل‌هایی قرار دادیم تا این که مانند شاخه خرما خشک شده کج گشته دیرینه - زرد و لاغر به منزل اول - باز گردد».

(توضیح این که ماه در بیست و هشت شبانه روز به دور فلک می گردد و سایر کواکب که تندروترین آنها زهره و عطارد و خورشید است نزدیک به یک سال می گردند)

### دعای چهل و چهارم

دعای چهل و چهارم دعای امام زین العابدین<sup>علیه السلام</sup> به هنگام رسیدن ماه مبارک رمضان است که مضامینی قرآنی در آن اشرا ب شده است:

۱. در بند ۳ می خوانیم: «و سپاس خدایی را سزااست که ماه رمضان، ماه صیام و روزه و ماه اسلام و ماه پاکیزگی و ماه تصفیه و پاک کردن و ماه قیام و ایستادن را یکی از آن راه‌های احسان قرار داد، آن چنان ماهی که قرآن در آن فرو فرستاده شد و نشانه‌های آشکار رهبری». که اشاره دارد به آیه ۱۸۳ سوره بقره: «ای اهل ایمان روزه بر شما واجب شد، چنان که بر آنان که پیش از شما بودند واجب گردید». و آیه ۱۸۵ همان سوره که می فرماید: «ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن فرو فرستاده شده که راهنمای مردم و دلایلی روشن از هدایت و جدایی (بین حق و باطل) است».

۲. در بند ۱۸ حضرت از خداوند مسألت می کند: «بار خدایا و ما را در باقی ماه‌ها و روزها تا زمانی که زنده داری همچنین - مانند حال ما در ماه رمضان - قرار ده، و ما را از بندگان شایسته‌ات بگردان که آنان بهشت را به میراث می برند در حالی که در آن جاوید هستند، و آنان که آنچه - از صدقات - را می دهند در حالی می دهند که دل‌هایشان از - اندیشه - بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است و از آنان که در نیکی‌ها می شتابند و ایشان برای آن نیکی‌ها - بر دیگران - پیشی گیرنده‌اند». که اشاره دارد به آیه ۱۱ سوره مؤمنون: «آنان که بهشت را به



## صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

میراث می‌برند در حالی که در آن جاوید هستند» و آیه ۶۰ و ۶۱ سوره مؤمنون: «آنان که آنچه - از صدقات - را می‌دهند در حالی می‌دهند که دل‌هایشان از - اندیشه - بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است و از آنان که در نیکی‌ها می‌شتابند و ایشان برای آن نیکی‌ها - بر دیگران - پیشی گیرنده‌اند».

## دعای چهل و پنجم

دعای چهل و پنجم صحیفه سجادیه، دعای وداع ماه مبارک رمضان است با مضامینی قرآنی.

۱. در بند ۳ می‌خوانیم و ای آن‌که جزای - کردار - بنده خود را یکسان و برابر نمی‌دهد (بلکه اگر نیک باشد چند برابر می‌دهد و اگر بد باشد می‌آمرزد) که اشاره به آیه ۱۶۰ سوره انعام است: «هر که کار نیکو به جا آورد، او را ده برابر خواهد بود». و آیه ۶ سوره رعد که می‌فرماید: «و پروردگار تو برای مردم بر ظلم و ستمی که می‌کنند دارای مغفرت و آمرزش است».

۲. در بند ۴ می‌خوانیم: «نعمت و بخشش تو در آغاز است (در برابر اعمال عباد نیست که مستحق و سزاوار آن باشند، بلکه بی‌سابقه استحقاق است) و عفو و گذشتت - از گناهان - عدل و داد است. (چرا که ظلم از خدای تعالی محال است) و این اشاره به آیه ۴۹ از سوره کهف است «و پروردگار تو کسی راستم نخواهد کرد».

۳. در بند ۹ می‌خوانیم: «و کسی که معصیت و نافرمانی تو کرده با او به حلم و بردباری - و شتاب نکردن در کیفر او - رفتار نموده‌ای، و کسی را که - بر اثر گناه - به خود ستم نموده، مهلت داده‌ای، تو ایشان را به مدارای خود مهلت می‌دهی تا هنگام رجوع و بازگشتن و در مؤاخذه و کیفر ایشان شتاب نمی‌کنی تا هنگام توبه برای این‌که هلاک شوند ایشان به خلاف رضای تو هلاک نشود، و بدبختشان به وسیله نعمت تو بدبخت نگردد - و مستوجب عذاب نشود - مگر پس از بسیاری عذر داشتن و پس از پی در پی حجت و برهان بر او، که از روی کرم و بخششی است از عفو و گذشتت تو ای بخشنده بزرگوار، و سودی است از مهربانی تو ای بردبار». که در بخشی از آن اشاره به آیه ۱۶۵ نساء دارد: «پیامبران را فرستادیم که - نیکان - را مژده دهند و - بدکاران - را بترسانند، تا پس از فرستادن پیامبران مردم را بر خدا حجت و برهانی نباشد، و خدا توانای درستکار است».

۴. در بند ۱۰ خطاب به پروردگار مهربان عرض می‌کند: «خدایا - تویی آن‌که برای بندگانت دری به سوی عفو و گشوده‌ای و آن را توبه و بازگشت نامیده‌ای و بر آن در از وحی و پیام خود راهنمایی قرار داده‌ای تا از آن گمراه نشوند پس تو خود - که نامت جاوید است - فرموده‌ای (در آیه ۸ سوره تحریم): «به سوی خدا توبه کنید، توبه خالص و پاکیزه. امیدوار باشید که پروردگارتان گناهانتان را از شما ببوشاند - و بیامزد - و شما را به بهشت‌ها و باغ‌هایی که جوی‌ها از زیر - درختان - آن روان است درآورد».

۵. بند ۱۱ ادامه همان آیه ۸ سوره تحریم است با اضافه‌ای، از حضرت که چنین است: « - و آن - روزی که خدا



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

پیامبر و آنان را که به او ایمان آورده‌اند خوار نمی‌گردانند. نور ایشان پیش روی آنها و از سمت راستشان می‌رود، می‌گویند: پروردگارا! نور ما را کامل گردان - و از آنچه باعث کامل نشدن نور ما است در گذر و عفو کن - زیرا تو بر هر چیز توانایی». پس بعد از گشودن در و به پا داشتن راهنما عذر و بهانه کسی که از آمدن به آن منزل و جایگاه (بهشت و نعمت‌های آن) غافل و بی‌خبر باشد چیست؟!

۶. در بند ۱۲ می‌خوانیم: «و تویی آن‌که در داد و ستد با بندگان و پیشنهاد کالا در بهای آن بر خود افزوده‌ای - و بیش از آن‌که سزاوارند می‌دهی - می‌خواهی در تجارت کردنشان با تو سود برند، و در کوچ کردن به سوی تو و افزونی یافتن از جانب تو رستگار شوند، پس - از این رو - تو خود که نامت با برکت و احسان است و - از مانند بودن به آفریده‌شدگان - برتر و منزّه و پاکی فرموده‌ای - در آیه ۱۰۶ سوره انعام - «هر که کار نیکو به جا آورد، مزد او ده برابر خواهد بود، و هر که کار بد کند جز مانند کار بدش کیفر داده نمی‌شود».

۷. در بند ۱۳ می‌خوانیم: «و فرموده‌ای - آیه ۲۶۱ سوره بقره - «داستان کسانی که دارایی‌هایشان را در راه خدا صرف می‌نمایند مانند داستان دانه‌ایست که هفت خوشه رویانیده که در هر خوشه صد دانه باشد - (یک دانه هفتصد دانه گردد) و خدا برای هر که بخواهد چندین برابر - از این مقدار - می‌گرداند» و فرموده‌ای - آیه ۲۴۵ سوره بقره - «کیست آن‌که به - بندگان درمانده - خدا وام نیکو دهد که خدا آن را برایش چندین برابر گرداند». و نظایر و مانده‌های آنها - آیاتی که - از افزایش‌های حسنات و نیکویی‌ها که در قرآن فرستاده‌ای. مانند آیه ۸۹ سوره نمل که می‌فرماید: «هر که - روز رستاخیز - با حسنه و نیکویی آید، پس پاداش بهتر از آن برای او است».

۸. در بند ۱۴ با گنجانیدن آیاتی در دعا می‌خوانیم: «و تویی آن‌که به سخن خود از - عالم - غیب و نهان خویش و به ترغیب و خواهان نمودن خود که بهره آنان را در بر دارد هدایت و راهنمایی‌شان نمودی، بر چیزی که اگر آن را از آنها می‌پوشاندی چشم‌هایشان آن را در نمی‌یافت و گوش‌هایشان آن را حفظ نکرده فرا نمی‌گرفت و اندیشه‌هایشان به آن نمی‌رسید؛ پس فرمودی - آیه ۱۵۲ سوره بقره - : «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاس گزارید و ناسپاسی ننمایید». و فرمودی - آیه ۷ سوره ابراهیم - «هر آینه اگر (مرا آینه اگر مرا بر نعمتی که به شما داده‌ام)، سپاس گزارید، شما را فزونی دهم و اگر ناسپاسی کنید همانا کیفر من سخت است». (و شما را به کیفر سخت خواهم رسانید)

۹. در بند ۱۰ و در ادامه با نص قرآنی ادامه می‌دهند - آیه ۶۰ سوره غافر - «مرا بخوانید تا - دعا و درخواست را - برای شما روا سازم، کسانی که از عبادت و بندگی - دعا و خواندن من کبر و سرکشی می‌نمایند، زود است که با ذلت و خواری به دوزخ درآیند». حضرت در ادامه به خداوند عرض می‌کند: «پس دعا - و درخواست از - خود را عبادت و بندگی و به جا نیاوردن آن را سرکشی نامیده و بر ترک و به جا نیاوردن آن به آمدن در دوزخ با ذلت و خواری تهدید نموده و ترسانده‌ای».



# صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۱۰. در بند ۵۴ درخواست می‌کند: «بار خدایا - و ما را نزد خویش از توبه‌کنندگانی قرار ده که محبت و دوستیت برای آنها واجب و لازم نموده‌ای؛ که اشاره به آیه ۲۲۲ سوره بقره است آنجا که می‌فرماید: «تحقیقاً خدا توبه‌کنندگان را دوست دارد». و از ایشان بازگشت به طاعت و فرمانبری‌ات را پذیرفته‌ای ای عادل‌ترین عدالت‌دارندگان». که اشاره به آیه ۱۰۴ سوره توبه است، آنجا که می‌فرماید: «تحقیقاً خداست که تو به بندگانش را می‌پذیرد».

## دعای چهل و ششم

دعای چهل و ششم صحیفه سجادیه، دعای روز فطر و جمعه است که در آن نیز مانند بسیاری از دعاها صحیفه سجادیه حضرت زین العابدین و امام العارفین  $\square$  به مضامینی قرآنی برخورد می‌کنیم که ذیلاً ذکر می‌گردند:

۱. در بند ۱۰ می‌خوانیم: «و ای آن‌که نعمت و بخشش را تغییر نمی‌دهد و به کیفر رساندن شتاب نمی‌کند» که به آیه ۱۱ سوره رعد اشاره دارد که حق تعالی می‌فرماید: «تحقیقاً خدا نعمت قوم و گروهی را دگرگون نمی‌سازد تا این که آنان آنچه را در خود دارند تغییر دهند. - از ایمان و کفر و اطاعت و فسق و معصیت -».

۲. در بند ۱۵ به درگاه الهی عرض می‌شود: «بار خدایا - امیدواران از تو محروم نمی‌مانند درخواست‌کنندگان عطا و بخشش تو نمیدانند و آمرزش خواهان به عذاب و کیفرت بدبخت نمی‌شوند». که اشاره به آیه ۳۳ سوره انفال است که می‌فرماید: «و خدا ایشان را عذاب نخواهد کرد، در حالی که تو در میان ایشان باشی، و هم آنان را به کیفر نمی‌رساند در حالی که استغفار نموده آمرزش می‌طلبند».

۳. در بند ۱۸ می‌خوانیم: «خدایا - همه ایشان - نیک‌بختان و بدبختان - به حکم تو می‌رسند و گفتار و کردارشان به فرمان تو باز می‌گردد ایشان حجت و دلیل تو را - در انتقام بر آنها - سست نساخته و از جهت شتاب نکردن در - باره بازخواست از - اینان دلیل آشکار تو - درباره عذاب آنان - باطل و نادرست نشده». که در این بند به آیه ۶۰ سوره انعام اشاره دارد: «پس بازگشت شما - بعد از مرگ - به سوی او است، سپس - در روز قیامت - شما را به آنچه به جا می‌آوردید آگاه می‌سازد».

## دعای چهل و هفتم

دعای چهل و هفتم دعای امام زین العابدین  $\square$  در روز عرفه است با مضامینی قرآنی که ذیلاً ذکر می‌گردد:

۱. در بند ۲ حضرت عرض می‌کند: «بار خدایا سپاس تنها برای تو استای پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین، ای دارای بی‌نیازی و احسان کامل، ای مالک و دارنده دارندگان و ای خدا و پرستیده شده هر پرستیده‌ای و ای آفریننده هر آفریده‌ای و ای میراث برنده هر چیز؛ چیزی مانند او نیست و علم چیزی از او پنهان نمی‌باشد و او به هر چیز



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

احاطه دارد و او بر هر چیز نگهبان است». در این بند به چند آیه قرآن از آیات توحیدی اشاره دارد: آیه ۱۱ سوره شوری «چیزی مانند او نیست» و آیه ۶۱ سوره یونس «به اندازه ذره‌ای در زمین و آسمان از پروردگارت پنهان نیست و کوچک‌تر از ذره و بزرگ‌تر از آن در کتاب آشکار نوشته شده». و آیه ۵۴ سوره فصلت «تحقیقاً او به - اطراف - هر چیز احاطه دارد». و آیه ۵۲ سوره احزاب «و او بر هر چیز نگهبان است».

۲. در بند ۱۵ که مضمون توحیدی دارد، به خداوند عرض می‌شود: «خدایا - تویی آنچه اراده کرده و خواسته‌ای، اراده ات - بی‌درنگ - واجب و لازم گشته، و - درباره آفرینش هر چیز - آنچه حکم کرده‌ای حکم تو - از روی - عدل و - درباره بندگانت - آنچه فرمان داده‌ای فرمانست - از روی - انصاف و دادگری بوده». که در آن به آیه ۸۲ سوره یس اشاره دارد: «کار او چنین است که چون - آفریدن - چیزی را اراده کند که بگوید باش، پس - بی‌درنگ - می‌باشد».

۳. در بند ۱۷ می‌خوانیم: «خدایا - تویی آن‌که هر چیزی را یکایک شمرده‌ای و برای هر چیز غایت و پایانی قرار داده‌ای و هر چیز را به مقدار معلوم - بر وفق حکمت - ایجاد نموده‌ای». که به چند آیه از قرآن اشاره دارد: آیه ۲۶ و ۲۷ سوره الرحمن: «هر که بر روی زمین است فانی و نابود شود، و ذات پروردگار تو که دارای عظمت و احسان است باقی می‌ماند». و آیه ۸۸ سوره قصص: «هر چیز تباه و نیست گردد جز ذات او».

۴. در بند ۲۷ می‌خوانیم: « - خدایا تو - منزّه و پاکی؛ با هیچ یک از حواس - ظاهری و باطنی - درک نمی‌گردد و با دست مالیدن و اتصال شناخته نمی‌شوی و کسی نمی‌تواند با تو مکر نماید، و با تو نزاع و دشمنی کند و بر تو غلبه نموده چیره گردد، و با تو جدال و زد و خورد نماید و با تو خدعه کرده و فریب دهد». که در آن به آیه ۷ سوره مجادله اشاره دارد: «سه کس را رازی نباشد جز آن‌که خدا چهارم آنها است و نه پنج کس را جز آن‌که خدا ششم آنها است و نه کمتر از آن و نه بیشتر جز آن‌که هر کجا باشند خدا با آنها است».

۵. در بند ۳۰ می‌خوانیم: «خدایا تو - منزّه و پاکی! مشیت و خواست تو را بازگرداننده‌ای نیست و کلمات تو را تغییر دهنده‌ای نمی‌باشد». که این جمله دوم به آیه ۱۱۵ سوره انعام اشاره دارد که می‌فرماید: «سخن پروردگار تو از وی راستی و دادگری به حدّ کمال رسید تغییر دهنده‌ای برای کلمات و احکام او نخواهد بود».

۶. در بند ۵۶ از محضر الهی درخواست می‌کند: «ای پروردگار درود فرست بر پاکیزه‌تران خویشان آن بزرگوار - حضرت فاطمه  $\square$  و ائمه اثنی عشر  $\text{علیهم‌السلام}$  - که آنان را برای امر و فرمان خود - راهنمایی مردم به راه نیک‌بختی - برگزیدی، و خزانه‌داران علمت و نگه‌داران دینت و جانشینان خود در زمینت، و حجت‌های خویش بر بندگانت قرار دادی و آنها را به خواست خود از پلیدی و ناپاکی پاک ساختی، و ایشان را دست‌آویز به سوی خود و راه به بهشت خویش گردانیدی». که اولاً: به آیه شریفه ۳۳ سوره احزاب معروف به آیه تطهیر اشاره دارد: «جز این نیست که خدا می‌خواهد رجس و پلیدی را از شما خانواده نبوت  $\text{علیهم‌السلام}$  - از هر عیب و نقصی - پاک و پاکیزه گرداند». و



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

ثانیاً: آیه ۳۵ مائده: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خداوند پروا کنید و - برای تقرب - به سوی او - از مقربان درگاهش و از عمل‌های صالح - وسیله بجوئید و در راه او جهاد کنید، شاید رستگار گردید.»

۷. در بند ۵۹ از خداوند درخواست می‌شود: «ای پروردگار بر ایشان - پیامبر و آل پیامبر - درود فرست هم‌وزن عرش خود و آنچه زیر عرش است (همه عالم) و مقدار آنچه آسمان‌هایت و آنچه در بالای آنها است را پر گرداند و مقدار شماره زمین‌هایت و آنچه در زیر آنها و میان آنها است، درودی که ایشان را به کمال قرب به تو رساند و برای تو و ایشان خشنودی، و همیشه به مانده‌های آن درودها پیوسته باشد». که اشاره به آیه ۱۲ سوره طلاق دارد: «خدا کسی است که هفت آسمان را خلق نمود و مانند آن هفت زمین را آفرید.»

۸. در بند ۹۰ از خداوند می‌خواهد که «به وسیله مهلت دادن خود به من تدریجاً و کم کم سزاوار عقابم مفرما، مانند اندک اندک سزاوار کیفر شدن کسی که مرا از خیر و نیکی آنچه نزد اوست بازداشته و بی‌بهره گردانیده و حال آن‌که در رسیدن نعمت او به من شریک تو نبوده». که اشاره به آیات ۱۸۲ و ۱۸۳ سوره اعراف دارد که می‌فرماید: «آنان که آیات و نشانه‌های - توحید و یگانگی - ما را دروغ پندارند، به زودی آنها را تدریجاً و کم کم عقاب نماییم از آنجایی که ندانند (هر چه گناه کنند ما نعمت بر ایشان بیافزاییم و آنها هم بر معصیت می‌افزایند، پس از این رو سزاوار عقاب سخت می‌گردند) و ایشان را - چند روزی - مهلت می‌دهیم - تا آنچه خواهند به‌جا آورند - همانا مکر ما سخت و دشوار است.»

۹. در بند ۱۱۶ می‌خوانیم که حضرت سجاد<sup>ع</sup> از محض ربوبی می‌خواهد: «و هنگام نیازمندی‌ام به سوی تو، خوارم مساز و به وسیله آنچه در درگاهت نیکویی کرده‌ام، هلاکم مکن و دست رد بر پیشانی‌ام مزن به آنچه به وسیله آن دست رد بر پیشانی ستیزه‌کنندگان با خود زده‌ای، زیرا من فرمان برنده توام می‌دانم که حجت و دلیل تو را است و تو به فضل و بخشش سزاوارتر و به احسان و نیکی کردن سود رساننده‌تر و شایسته‌ای که از - کیفر - تو بترسند و سزاوری - گناهان را - بیامرزی و به عفو نمودن شایسته‌تری که عقاب نمایی و به پوشاندن - گناه - نزدیک‌تری که آشکار سازی.»

در جمله‌های آغازین این بنده گویا به آیات ۱۰۳ و ۱۰۶ سوره کهف اشاره دارد که می‌فرماید: «- ای پیامبر ما به مردم - بگو آیا شما را به زیان‌کارترین آگاه سازم؟ آنان کسانی‌اند که سعی و کوششان در زندگانی دنیا - بر اثر کردارهای نیکونما - تباه گشته و می‌پندارند که کار نیکو می‌کنند.»

۱۰. در بند ۱۲۱ می‌گوید: «و اوایل نعمت‌هایت (نعمت‌های دنیوی) را با اواخر آنها (اخروی) و سودهای دیرینه‌ات را با تازه‌های آنها، برای من توأم و جفت گردان و چندان مرا مهلت ده و عمرم را طولانی و دراز که با آن دلم سخت شود و بر من مصیبت و سختی مفرست که بر اثر آن نیکویی و خوشی و بزرگی‌ام برود و مرا به پستی‌ای که بر اثر آن منزلت و گرمی داشتتم - در نظر م - ۹۳ ک و خوار گردد، و عیب و زشتی‌ای که به جهت آن



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

مقام و ارزش من دانسته نشود گرفتار مساز». که مضمون دو آیه در آن اشراب شده است: آیه ۷۵ سوره مریم: «ای پیامبر به آنان که به مال و دارایی و جاه و جلال می‌بالند و خدا را نافرمانی می‌کنند - بگو کسانی که در راه ضلالت و گمراهی‌اند، خدای مهربان آنان را مهلت و طول عمر می‌دهد تا هنگامی که آنچه را بیم داده می‌شوند ببینند، و آن یا عذاب و گرفتاری - در دنیا - یا فرا رسیدن - سختی - در روز قیامت است». و آیه ۱۶ سوره حدید که می‌فرماید: «پس اهل کتاب، عمرشان (در غفلت و بی‌خبری و آرزوی دراز) به طول انجامید و - به سبب آن - دل‌هایشان سخت گردید».

۱۱. در بند ۱۲۴ از خداوند می‌خواهد: «و مرا تا مدت و پاره‌ای از زمان (هنگام مرگ) در طغیان و سرکشی‌ام (در معاصی) سرگردان و در گرداب نادانی‌ام غافل و بی‌خبر و مگذار، و مرا پند برای کسی که پند پذیرد، و عبرت برای کسی که عبرت گیرد، و سبب گمراهی برای کسی که - به من - نظر افکند قرار مده، و با من مکر مکن در میان کسانی که با آنها مکر می‌کنی و دیگری را به جای من مگزین (که از او راضی باشی و مرا از درگاهت برانی) و نامم را تغییر مده و تنم را (در دنیا به مرض و در آخرت به کیفر) تبدیل مفرما و مرا مضحکه و سبب خنده آفریدگانت و مسخره خود و جزو پیرو خشنودی‌ات و جز به کیفر رساندن (دشمنانت) برای تو خدمت‌گزار مگردان». در جمله‌های آغازین به آیه ۱۸۶ سوره اعراف اشاره دارد که می‌فرماید: «کسانی را که خدا گمراه سازد - رحمت خود را از آنها باز دارد - راهنمایی برای ایشان نیست و آنان را در سرکشی و اگذارد تا حیران و سرگردان شوند». و آیه ۵۴ سوره احزاب که می‌گوید: «پس - ای رسول ما - ایشان را در گرداب نادانی‌شان و اگذار تا هنگام مرگ».

## دعای چهل و هشتم

دعای چهل و هشتم صحیفه سجادیه به مناسبت روز عید قربان و روز جمعه است که در بند ۱۰ آن اشاره به مضمون قرآنی شده است آنجا که حضرت سجاد<sup>ع</sup> روز عید قربان و روز جمعه را جلوه‌ای از امامت و هدایت برگزیدگان الهی - انبیا و اوصیای آنها می‌داند که به دست غاصبین و از روی ستم ستانده شده است و لذا در بند ۱۰ از خدا می‌خواهد: «بار خدایا دشمنان ایشان را از پیشینیان و آیندگان و هر که به اعمال و کردار آنان راضی و خشنود می‌شود و دوستان و پیروانشان لعنت کن (و از رحمت خود نومید و عذاب و کیفر فرما)». که اشاره به آیه ۱۵۹ سوره بقره می‌تواند باشد: «آنها را - که حق پنهان گردانند - خدا و لعنت‌کنندگان - از انس و جن و فرشتگان - لعنت می‌کنند».



# صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

## دعای پنجاهم

دعای پنجاهم صحیفه سجادیه در ترس از خدای تعالی است که در بند ۲ آن مضمونی قرآنی دیده می‌شود: «بار خدایا من در کتاب تو - قرآن - که فرو فرستادی، و بندگانت را به آن مژده دادی یافتم که فرموده‌ای - آیه ۵۳ سوره زمر (ای بندگان من که بر خویشتن خود (با گناه کردن) اسراف کرده و از حد تجاوز نموده‌اند و رحمت و بخشش خدا نوید نشوید که خدا همه گناهان را (به شرط توبه) می‌آمرزد.) و پیش از این از من سر زده آنچه - از گناهان که تو دانسته‌ای و آنچه تو، به (زشتی و کيفر) آن از من دانتری، پس وای به رسوایی من از آنچه نامه (ثبت اعمال به امر و فرمان) تو درباره من شمرده (نوشته) است». که نص آیه در میان جملات این بند به وضوح آمده است.

## دعای پنجاه و دوم

دعای پنجاه و دوم در اصرار به درخواست از خدای تعالی است و در بردارنده مضامینی قرآنی که ذیلاً ذکر می‌شود:

۱. در بند ۱ امام سجاده  $\square$  به درگاه ربوبی عرض می‌کند: «ای خدایی که چیزی در زمین و آسمان بر او پوشیده نمی‌باشد. و چگونه بر تو پنهان باشد - ای خدای من - آنچه تو خود آن را آفریده‌ای و چگونه ندانی و احاطه نداشته باشی، آنچه را تو خود محکم و استوار انجام داده‌ای، یا چگونه از تو پنهان شود آنچه تو آن را تدبیر می‌نمایی، یا چگونه می‌تواند از تو بگریزد کسی که جز به وسیله روزی تو حیات و زندگی برای او نیست، یا چگونه از تو رهایی یابد کسی که جز در مملکت تو راهی برای او نمی‌باشد؟!» که در همان آغاز اشاره به آیه ۵ سوره آل عمران دارد که می‌فرماید: «تحقیقاً چیزی در زمین و آسمان بر خدا پنهان نیست».

۲. در بند ۲ خداوند را تقدیس می‌کند و می‌گوید: «- خدایا - منزّه و پاکی ترسنده‌ترین آفریده‌شدگانت مر تو را داناترین آنها به تو است و افتاده‌ترین آنان در درگاهت، عمل‌کننده‌ترین ایشان است به فرمان تو، و خوارترین آنها نزد تو کسی است که تو او را روزی می‌دهی و او جز تو را می‌پرستد». در این بند هم به آیاتی اشاره شده است: آیه ۲۸ سوره فاطر «جز این نیست که از خدا می‌ترسند علما و دانشمندان از بندگان او». و آیه ۵۶ سوره ذاریات «پریان و آدمیان را نیافریدم، جز برای این که - خدای یکتای خود را - بپرستند». و آیه ۷۷ سوره فرقان: «ای پیامبر به بندگان من - بگو اگر عبادت و پرستش شما نبود پروردگار من به شما چه اعتنایی داشت؟» که دو آیه اخیر به جمله آخر بند ۲ مربوط میشود و مفاد آن جمله ناظر به این آیات است.

۳. در بند ۵ به درگاه ربوبی عرض می‌کند «- خدایا - منزّه و پاکی! مرگ را بر همه آفریدگانت؛ آن‌که تو را یگانه دانست و آن‌که به تو کافر شد مقدر کرده‌ای و همه (تلخی) مرگ را چشنده هستند و یکسره به سوی تو بازگردند؛ پس تو جاوید و برتری، جز تو خدایی نیست، یگانه» ۹۵ ، تو شریکی نمی‌باشد». که اشاره به آیه ۵۷ سوره



عنكبوت دارد: «هر کسی مرگ را چشیده است و پس از مرگ به سوی ما باز می‌گردد».

### دعای پنجاه و چهارم

دعای پنجاه و چهارم صحیفه سجادیه که آخرین دعای این گنجینه حقایق و معارف است در موضوع درخواست دور گردانیدن اندوه‌ها می‌باشد که آمیختگی و هم‌آغوش بودن آن با قرآن کریم برجسته و محسوس است، به این صورت که اولاً: در بند ۲ آن دستور به قرائت آیه الکرسی و سوره‌های فلق، ناس و توحید شده است و ثانیاً: در بند ۳ مفاد آیاتی قرآنی اشراب شده است. در این بند از خداوند درخواست می‌کند: «بار خدایا من از تو درخواست می‌نمایم درخواست کسی که نیازمندی‌اش سخت و توانایی‌اش سست و گناهانش بسیار است، درخواست کسی که برای نیازمندی‌اش فریادرسی، و برای ناتوانی‌اش توانایی دهنده‌ای، و برای گناهانش آمرزنده‌ای جز تو نمی‌یابد؛ ای دارای عظمت و بزرگی و احسان و نیکی از تو درخواست می‌کنم (توفیق) عمل و کرداری را که به سبب آن دوست داری (و مشمول رحمت می‌گردانی) هر که را که آن را انجام دهد، و یقین و باوری که به وسیله آن سود - پاداش - می‌دهی کسی را که در جریان امر - اراده و خواست - تو حقیقت یقین را به دست آورد». که اشاره به دو آیه ۱۳ و ۱۴ سوره نمل دارد که می‌فرماید: «چون آیات و نشانه‌های هویدای - قدرت و توانایی - ما نزد فرعونیان آمد - حضرت موسی □ آنها را به ایشان نشان داد - گفتند این جادویی است آشکار، و با این که پیش خود آن آیات را یقین و باور داشتند - که از جانب خداست - از روی ظلم و ستم - به خویش - و سرکشی، آنها را انکار و تکذیب نمودند». این آیه گرچه ارتباط مستقیمی به مفاد بند ۳ ندارد ولی یقین مطلوبی که حضرت درخواست می‌کند نافی یقین مطرح شده در این آیات است یعنی آنها هم به زعم خود یقین داشتند ولی یقینی که سودی برای آنها نداشت.

### جمع بندی

آنچه تقدیم خوانندگان گرامی و عاشقان معارف نورانی و عالی اهل بیت آل گردید، سیری شتابان و گذرا در پنجاه و چهار دعای «اخذ القرآن» و «زبور آل محمد» «صحیفه کامله سجادیه» می‌باشد که سعی شده مضامین قرآنی این کتاب دعا و شفا و گنجینه معارف و حقایق، فهرست گردد. نتیجه این سیر این شد که از میان پنجاه و چهار دعا در این کتاب شریف؛ در سی و یک دعای آن حضرت به مضامین قرآنی نظر دارند، که در دعای اول این مجموعه دوازده مضمون قرآنی آمده و در دعای چهل و هفتم یازده مضمون قرآنی و در دعای چهل و پنجم ده مورد و در بقیه دعاها از یک مورد در هر دعا تا پنج مورد هم وجود دارد.

این نکته نیز لازم به یادآوری است که این مضامین قرآنی بعضاً نص آیه یا آیاتی از قرآن کریم است که در



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

بخشی از بندهای دعاهای صحیفه سجادیه آمده و یا تقریباً تمام بند دعا آیه یا آیات قرآنی است. در بعضی موارد هم کلمات یا واژگانی از آیات قرآنی در دعاهای صحیفه سجادیه آمده است و در مواردی هم گرچه نص آیه و یا کلمه‌ای از قرآن در دعا نیامده ولی معنا و مفاد قرآنی در دعاها آمده است که در این گزارش از «مضامین قرآنی در صحیفه سجادیه» نظر به وجود مضامین قرآنی در این قالب‌ها و اشکال متنوع بوده است. خدا کند جان‌ها و جوامع ما از انوار قرآن کریم (قرآن نازل) گنجینه دعاهای محمد □ و آل محمد ﷺ که قرآن صاعد می‌خوانندش، بهره برده راه هدایت و نیل به سعادت را بیابد و به سرمنزل مقصود - لقاء پروردگار و نیل به کمال حقیقی - برسد.

## منابع



## تحلیل گفتمان معنای زندگی در دعای مکارم الاخلاق صحیفه سجادیه از تجربه دعا تا خودآگاهی مؤمنانه

قاسم محسنی مری<sup>۱</sup>

بهزاد مریدی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر معنای زندگی در گفتمان دعای مکارم الاخلاق از صحیفه سجادیه را بررسی کرده و تلاش نمود سازوکارهای زبانی و معنایی شکل دهنده تجربه دینی و خودآگاهی مؤمنانه را آشکار نماید. متن دعا با روش تحلیل گفتمان کیفی و رویکرد معناشناختی - تفسیری مورد مطالعه قرار گرفت. در این تحلیل، زبان دعا به مثابه کنش گفتاری دیده شد که در آن معنا از طریق تعامل میان عبد و معبود ساخته شد و لایه‌های اخلاقی، معنوی و وجودی را در نظامی درونی به هم پیوند داد. یافته‌ها نشان می‌دهد که گفتمان مکارم الاخلاق معنای زندگی را در ساحت درونی انسان و در مسیر عبودیت و تخلق به صفات الهی بازتولید کرده است. واژگان دعا، از سطح درخواست به سطح تحول درونی و بازشناسی خویشتن حرکت کرده و معناپذیری مبتنی بر سلوک و آگاهی را شکل داده است. این مطالعه نشان داد زندگی زمانی معنا یافت که انسان از تجربه دعا به درک حضور و مسئولیت وجودی خود رسید؛ حضوری که با اخلاق، دعا و خودآگاهی مؤمنانه پیوند یافته بود و چارچوبی پایدار برای معناجویی در سنت اسلامی فراهم می‌کرد. این پژوهش زمینه تحلیل عمیق‌تر متون دینی را در نسبت با تجربه وجودی انسان فراهم ساخت و گفتمان دعا را به عنوان بستر تولید معنا بازنمایی کرد.

**کلیدواژگان:** تحلیل گفتمان، دعای مکارم الاخلاق، صحیفه سجادیه، خودآگاهی مؤمنانه، معنای زندگی

<sup>۱</sup> - دانش آموخته پسادکتری، الهیات، علوم قرآن و حدیث، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران. goshadandish@gmail.com

<sup>۲</sup> - استادیار گروه زبان شناسی و زبان های خارجی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. behzadmoridi@pnu.ac.ir



## ۱. بیان مسأله

معنای زندگی همواره یکی از مهم‌ترین پرسش‌های فلسفی و دینی انسان بوده است. در دوران مدرن، انسان با تغییرات سریع فرهنگی، اجتماعی و فناوری مواجه شد که ارزش‌ها و اهداف سنتی را تضعیف کرد و تجربه روزمره را به گونه‌ای پیچیده و گاه متناقض ساخت. پدید آمدن «بحران معنا» در جوامع غربی به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر ناشی از عوامل معرفتی و غیرمعرفتی بود. در سطح معرفتی، تردید یا انکار اعتبار تاریخی و تفسیر متون مقدس مسیحی و یهودی و نیز پیشرفت علم تجربی، گرایش‌های افراطی عقل‌گرایانه در مدرنیته و سپس شکاکیت پست‌مدرن نسبت به عقل، نقش مهمی ایفا کردند. در سطح غیرمعرفتی نیز سوءرفتار رهبران و نهادهای دینی، از جمله خشونت‌ورزی نسبت به متفکران، همکاری با حاکمان مستبد و فسادهای اخلاقی و مالی، همراه با پیشرفت‌های علمی و صنعتی که زندگی مرفه و مصرف‌گرا را به ارمغان آورد، از عوامل کلیدی به شمار می‌آیند (بیات، ۱۳۹۰، ۳۰-۳۸). بر این اساس انبوه انتخاب‌ها، اطلاعات و فرصت‌ها در گستره زیست نوین باعث انسان با سردرگمی و نیاز به یافتن مسیرهای معنادار روبه‌رو شود (فرانکل، ۱۳۹۳، ۱۳۸-۱۴۲). این وضعیت بحران معنا، انسان را به جستجوی مفهومی پایدار و جهت‌دهنده برای زندگی سوق داد و تجربه زیست انسانی را در مسیر پرسش از خود و جهان فعال کرد (استیس، ۱۳۹۵، ۲۴-۲۶). نیاز به معنا در زندگی، به‌طور نامحسوس، در تجربه‌های فردی، رفتارها و انتخاب‌های انسانی ظاهر شد و انگیزه جستجو برای پاسخ‌های اخلاقی و روحانی را تقویت کرد. در این شرایط، سنت‌های دینی ظرفیت‌هایی فراهم کردند که تجربه انسانی را به چارچوبی اخلاقی و وجودی متصل می‌کرد. در سنت اسلامی، صحیفه سجادیه، به ویژه دعای مکارم‌الاخلاق، نمونه‌ای شاخص از گفتمانی است که زندگی انسان را در نسبت با عبودیت، تزکیه و تخلق به صفات الهی معنا می‌بخشد. این دعا علاوه بر آن که وسیله‌ای برای درخواست و نیایش است، زمینه شکل‌دهی خودآگاهی، بازشناسی ارزش‌ها و جهت‌دهی اخلاقی انسان را فراهم می‌کند. مطالعه این دعا نشان می‌دهد که معنای زندگی در سنت دینی به‌صورت مفهومی انتزاعی نیست، بلکه در تعامل انسان با خدا، اخلاق و سلوک عملی بازتولید می‌شود و هر عنصر زبان دعا نقشی در تقویت آگاهی و تجربه اخلاقی ایفا می‌کند. تحلیل معنای زندگی در دعای مکارم‌الاخلاق نشان می‌دهد که این دعا عملکردی چندلایه دارد: بازنمایی تجربه انسانی از رنج، امید و تعلقات، فعال‌سازی فرآیند تحول درونی و بازشناسی خویشتن و ایجاد چارچوبی برای پیوند میان اخلاق، سلوک و آگاهی. زبان دعا، با ساختارهای زبانی پیچیده و استعاره‌های اخلاقی، زندگی انسان را از سطح درخواست‌های روزمره به سطح خودآگاهی و معناپذیری وجودی ارتقا می‌دهد و تجربه انسان را در نسبت با ارزش‌ها و عبادت شکل می‌بخشد. یا توجه به این گفته‌ها، پرسش اصلی پژوهش صورت‌بندی می‌گردد: چگونه گفتمان دعای مکارم‌الاخلاق معنای زندگی را بازتولید و تجربه انسانی را به خودآگاهی مؤمنانه پیوند می‌دهد؟

<sup>۲</sup> - The Meaning of life / از جهت کشفی (عینی) یا جعلی (انسانی بودن) آن میان دانشوران اختلاف است (علی زمانی، ۱۳۸۶، ۸۴-۸۵).



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

پرسش فرعی: الف- مولفه‌های زبانی و معنایی گفتمان چگونه ساخت معنای زندگی را شکل داده‌اند؟  
ب- فرآیند تبدیل درخواست و نیایش به تجربه خودآگاهی مؤمنانه در این دعا چگونه بازنمایی شده است؟  
این پژوهش با استفاده از تحلیل گفتمان کیفی و رویکرد معناشناختی - تفسیری، مولفه‌های کلیدی گفتمان دعا را بررسی کرده است؛ مولفه‌هایی مانند ساخت‌های درخواست، واژگان اخلاقی، نظام‌های تقابل معنایی و ارتباط میان عبادت و خودآگاهی. تحلیل نشان داد که گفتمان دعای مکارم‌الاخلاق معنای زندگی را در ساحت درونی انسان بازسازی کرده و مسیر عبودیت و تخلی به صفات الهی را به تجربه‌ای قابل فهم و زیستنی تبدیل کرده است. براین اساس پاسخ به این پرسش‌ها چارچوب تحلیلی مقاله را مشخص کرده و امکان واکاوی سازوکارهای تولید معنا در سنت دینی و گفتمان دعا را فراهم می‌آورد. این مطالعه نشان می‌دهد که دعا نه تنها وسیله نیایش، بلکه زمینه‌ای برای شکل‌دهی تجربه معنایی، اخلاقی و وجودی انسان فراهم می‌کند و ظرفیت متون دینی برای پاسخگویی به مسائل وجودی و بازتولید معنا در زندگی انسان را بازنمایی می‌کند.

### ۲- پیشینه پژوهش

چنانچه آمد معنای زندگی از مهمترین پرسش‌های فلسفی و دینی است (Heidegger, 1962, p236-237). درباره معنای زندگی نوشته‌های متعددی در نشریه‌های فارسی با سویه‌های مختلف به ویژه فلسفی به گونه تک‌نگاری‌ها در گستره مروری بر اندیشه فیلسوف ویژه انجام شد. مقاله «نسبت دین با معنای زندگی و آلام وجودی از نگاه ویلیام جیمز» از معالی و دیگران (۱۳۹۸) نگاه جیمز، درباره گوهر دین که همان تجربه‌هایی شخصی از سنخ احساسات هستند و آموزه‌ها و شعائر دینی به عنوان روینای دین و ارتباط افراد با امر الوهی که باعث امنیت خاطر و کاهش اضطراب مرگ و معناداری زندگی می‌شود را بررسی کرد. مقاله «نقد و بررسی نسبت جاودانگی و معنای زندگی از نظر برنارد ویلیامز» از محمدرضایی و دیگران (۱۳۹۹)، به نفی ناسازگاری جاودانگی و معنای زندگی از سوی برنرد ویلیامز پرداخت. مقاله آیت‌اللهی (۱۴۰۱) «تبیین دیدگاه‌های عمده درباره معنای زندگی از نظر تدئوس متز و ارزیابی آنها و ارائه نظریه‌ای جدید درباره زندگی معنادار»، دیدگاه‌های متفاوت همانند خدا محوری، روح محوری، طبیعت‌گرایی، ذهن‌گرایی و عینی‌گرایی و گونه استدلال و نقد به آنها از سوی رقیبان را بررسی کرده و نقاط قوت و ضعف هر یک را نشان داد. وی در ادامه ویژگی‌هایی نظریه فراگیر در خصوص معنای زندگی بازنمایی کرد. مقاله «مدل مفهومی معنای زندگی براساس آیات قرآن کریم» از حسینی و دیگران (۱۴۰۲) به بررسی گزاره‌های قرآنی با هفت مولفه‌های خدا به عنوان مبدأ و مقصد هستی، هدفمندی خلقت، مسیر زندگی یگانه، ناپایداری زندگی دنیا، آسیب‌پذیری زندگی دنیا، گریز ناپذیری مرگ و زندگی جاودانه آخرت به عنوان عناصر معنابخش زندگی پرداخت. حسینی شاهرودی و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی رابطه خدا و آفرینش و معنای زندگی با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی» به رابطه خداوند و آفرینش با معنای زندگی پرداختند. مقاله «تحلیل مبانی قرآنی فضائل و رذائل اخلاق اجتماعی در دعای مکارم اخلاق صحیفه»



ازاحمدی بیغش (۱۴۰۱) با الگوی بینامتنی در بهره‌مندی از متن وحیانی به عنوان مستندات مکارم اخلاق صحیفه در تبیین فضایل و رذایل اخلاقی به عنوان الگوی زیست اجتماعی آرام پرداخت.

### ۳- مبانی و مفاهیم نظری

#### ۳-۱- تبار معنای زندگی در دو افق سنت و جهان مدرن

مبانی نظری، باورهای بنیادینی هستند که چارچوب تصدیقی و شالوده مسائل یک حوزه علمی را شکل می‌دهند و نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به پژوهش و شیوه تحلیل دارند (سبزواری، ۱/ ۸۷-۸۸). براین اساس در بررسی مفهوم معنای زندگی، در گستره متفاوت فلسفی، اخلاقی و دینی لازم است به دو افق متفاوت اندیشه -مدرن و سنتی- توجه شود. در جهان مدرن، انسان در جایگاه منبع معنا قرار گرفت و هر گونه غایت متعالی به سود تجربه زیسته و خودبنیاد کنار رفت. این جابه‌جایی موجب شد که معنا از ساحت الهی جدا و به قلمرو فردی و روانی منتقل شود. پیامد چنین نگرشی، پیدایش احساسی از تهی‌بودگی درونی و بی‌جهتی در زندگی بود؛ زیرا انسان مدرن دیگر تکیه گاهی بیرون از خود برای تفسیر هستی نمی‌یافت. در سنت دینی، معنا در پیوند با حقیقتی ورای فرد و در نسبت با غایت الهی تعریف می‌شد. در این دستگاه فکری، زندگی با حرکت به سوی کمال و رضای الهی معنا می‌یافت. واژگان قرآنی مانند فلاح، سعادت و نجات بیانگر همین نگاه‌اند؛ زیرا در آن‌ها غایت زندگی در پیوند با پروردگار و تهذیب نفس قرار دارد. بر این اساس، معنا حاصل اراده انسان نیست بلکه نتیجه کشف نسبت او با حقیقت متعالی است. در چنین چارچوبی، دعا و عمل اخلاقی ابزارهایی برای بازگشودن این نسبت‌اند و انسان از طریق آن‌ها جایگاه خود را در هستی بازمی‌شناسد. صحیفه سجادیه، به‌ویژه در دعای مکارم‌الاخلاق، جلوه‌گاه روشن این معناست. در این دعا، امام سجاد(ع) مسیر زندگی را با زبان دعا به ساحت اخلاقی و تربیتی پیوند داد. معنای زندگی در این نگاه، از دل تزکیه، شکیبایی، خیرخواهی و گذشت شکل می‌گیرد. انسان در گفت‌وگو با خدا، به بازسازی درونی خویش می‌پردازد و رنج‌های روزمره را در پرتو غایت الهی تفسیر می‌کند. بدین ترتیب، دعا به کنشی زبانی و وجودی تبدیل می‌شود که از دل آن، پیوند میان اخلاق، ایمان و معنا احیا می‌گردد. دعای مکارم‌الاخلاق از این منظر، راهی برای بازسازی معنا در جهانی است که جهت و تکیه‌گاه خود را گم کرده و در جست‌وجوی معنای دوباره زندگی است.

#### ۳-۲- مفهوم معنا در معنای زندگی

معناداری زندگی نوعی زیستن مبتنی بر آگاهی، اراده و توان انجام کنش‌های بر اساس مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌ها درباره انسان، جهان و فلسفه هستی است (ملکیان، ۱۳۸۵، ۳۵؛ نیلسون، ۱۳۹۰، ۸۵-۸۶). در این نگاه معنای زندگی همبسته به هستی‌شناسی، خداشناسی، انسان‌شناسی ویژه است و این که آدمی در کدام گفتمان اعم از دینی یا غیر دینی قرار دارد تعیین‌کننده معنای زندگی است.



در گفتمان غیر دینی برخی رویکردها بر جستجوی لذت<sup>۴</sup>، اتکاء به علم<sup>۵</sup>، پیوند با طبیعت<sup>۶</sup>، تأکید بر انسان<sup>۷</sup> و دنبال کردن منفعت<sup>۸</sup> متمرکز شده‌اند. این نگره گاهی با بینش الحادی یا ردپای اندکی از باور به خدا و اخلاق تلفیق می‌شود (نصری، ۱۳۸۶، ۳۵۳-۳۵۵). به هر روی در تحلیل معنای زندگی، نمی‌توان به یک بعد محدود همانند حالات روانشناختی مانند امید، آرامش، شادی یا رضایت درونی پرداخت و سایر جنبه‌ها را نادیده گرفت، بلکه باید جنبه‌های منطقی، عقلی، روانشناختی و وجودی آن در نظر گرفته شود (هیگ، ۱۳۸۶، ۸۸-۹۷؛ مک کواری، ۱۳۷۶، ۱۷۹-۱۸۰). همچنین لازم است مؤلفه‌های اصلی و بنیادین زندگی معنادار از پیامدها و آثار آن تمیز داده شوند؛ برای مثال، هدفمندی از مؤلفه‌های اساسی و رضایت درونی از پیامدهای زندگی معنادار محسوب می‌شود. در این جهت معنای زندگی را می‌توان غایت و مقصودی دانست که به جریان زیستن جهت و ارزش می‌بخشد و آن را از صرف تکرار و زیست طبیعی فراتر می‌برد. از آنجا که معنای زندگی به مثابه «هدف زندگی» فهمیده می‌شود (Edwards, 1967, p 412)، باید توجه داشت که خود زندگی، به عنوان جریان فعالیت‌ها و رویدادهای انسانی، ذاتاً دارای غایت نیست (استیس، والتر تی، ۱۳۸۲، ۱۱۴-۱۱۳). این انسان است که در فرآیند زیستن و تجربه زندگی، می‌تواند مقصد یا اهدافی برای خویش برگزیده و بر اساس آن‌ها، به زندگی خود معنا بدهد (ملکیان، ۱۳۸۵، ۲۱۱-۲۱۰). در ادامه برخی دیدگاه‌ها، هدف زندگی را به خالق نسبت داده‌اند. از این منظر، پرسش بنیادین معنای زندگی این است که «خداوند انسان را برای چه مقصودی آفریده است». در چنین نگرشی، زندگی زمانی معنادار خواهد بود که انسان رابطه‌ای صحیح با خدا برقرار کند و با تحقق اراده و غایت الهی، هماهنگی با مقصد آفرینش حاصل شود. بر این اساس، نگاه دینی به معنا غایت‌محور است و تأکید دارد که غایت نهایی انسان باید با غایت خداوند هماهنگ باشد تا تجربه زندگی ارزشمند و معنادار شوند (علی زمانی، ۱۳۸۶، ۶۸). در این نگاه معنای زندگی همان ارزش<sup>۹</sup> زیستن است (بیات، ۱۳۹۰، ۵۷-۵۸). در ادامه، معنای زندگی در معنای کارکرد<sup>۱۱</sup> (نقش و فایده) زندگی است (استیس، ۱۳۸۲، ۱۱۳؛ بیات، ۱۳۹۰، ۵۶-۵۷).

### ۳-۳- مفهوم تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان روشی پژوهشی است که امکان کشف لایه‌های پنهان معنا در متون و منابع تاریخی را فراهم می‌آورد. این متون به‌عنوان واقعیت‌های مستقل و ثابت در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه به‌مثابه برساخته‌هایی معنادار در بسترهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بررسی می‌شوند (بشیر، ۱۳۹۵، ۱۶۱-۱۶۲). گفتمان به سامانه‌ای از نشانه‌های زبانی تعریف می‌شود که ضمن تولید

4 - Hedonism

5 - Scientism

6 - Naturalism

7 - Humanism

8 - Utilitarianism

9 - Aim

10 - Value

11 - function



معنا، در تعامل مستقیم با ساختارهای اجتماعی و نیروهای حاکم قرار دارد و بر کنشگران اجتماعی تأثیر می‌گذارد و از نیروهای گفتمانی موجود اثر می‌پذیرد (Jaworski & Coupland, 1999, p. 3-4). پژوهش‌های گفتمان‌محور بر این اصل استوار است که روایت‌های تاریخی، به‌مثابه پدیده‌های زبانی، حامل بارهای ایدئولوژیک زمان تولید خود هستند. این روایت‌ها بازتاب جهان‌بینی، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی راویان محسوب می‌شوند و حتی در سطح ناخودآگاه، تحت تأثیر چارچوب‌های فکری و اجتماعی دوره خود به سامان‌دهی معنا و هدایت کنش‌های انسانی می‌پردازند (فاضلی، ۱۳۸۳، ۸۲-۸۵). ارزش‌ها و باورهای اجتماعی به‌عنوان محصول فرایندهای گفتمانی شکل می‌گیرند و معنای زندگی انسان و جایگاه او در جهان از طریق این نظام‌های معنادار بازتولید می‌شود. تحلیل گفتمان، به‌ویژه در حوزه‌های دینی، اخلاقی و فرهنگی، چارچوبی ساختاری و روش‌شناختی ارائه می‌دهد که سامانه‌های معنایی و روابط آن‌ها با تجربه و شناخت انسان را شفاف می‌کند. گفتمان‌ها به‌عنوان شبکه‌های دانش‌ساز، محدوده‌های ممکن سخن گفتن درباره پدیده‌ها را مشخص کرده و شیوه‌های معتبر بازنمایی واقعیت اجتماعی را سامان می‌دهند (صالحی زاده، ۱۳۹۰، ۱۱۹-۱۲۲). این شبکه‌ها، شامل مجموعه‌ای از رابطه‌های قدرت و دانش است که در هر دوره تاریخی شکل گرفته و چگونگی درک انسان از جهان و موقعیت خود در آن را تعیین می‌کند. در حوزه «معنای زندگی»، تحلیل گفتمان امکان می‌دهد نظام‌های اخلاقی، معرفتی و معنوی موجود در متون دینی، مانند دعای مکارم‌الاخلاق، به‌عنوان سازوکارهای تعیین‌کننده مسیر تحقق زندگی معنادار بررسی شوند. هر فراز دعا، با ارائه گزاره‌ها و درخواست‌های اخلاقی، بازتاب‌دهنده جهان‌بینی حاکم و ارتباط انسان با خدا، خویش و جامعه است. مطالعه این فرازها نشان می‌دهد که معنای زندگی از طریق تعامل میان فرد و نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی شکل می‌گیرد و فرآیندی فعال و پویا در پیوند با ارزش‌ها و آموزه‌های دینی تجربه می‌شود (مکارمیک، ۱۳۸۳، ۱۶۰-۱۶۲). تحلیل گفتمان چنین متونی، راهبردی برای درک چگونگی بازتولید معنا در زندگی انسان فراهم می‌کند و روشن می‌سازد که تحقق معنای زندگی محدود به تجربه فردی نیست، بلکه در ارتباط با نظام‌های اجتماعی، اخلاقی و معرفتی معنا پیدا می‌کند. این رویکرد امکان‌شناسایی ساختارهای ارزش‌محور و الگوهای رفتاری را فراهم می‌آورد که مسیر زندگی انسان را با اهداف اخلاقی و معنوی هم‌راستا می‌سازد.

### ۳-۴ - گفتمان الهی معنا و نظم غایت مدار آفرینش

در تلقی الهی از معنای زندگی، ارزش و جهت وجود انسان در پیوندی بنیادین با اراده و مقصود الهی تعریف می‌شود. در این چشم‌انداز، معنا هنگامی تحقق می‌یابد که حیات انسانی در مسیر طرحی الهی قرار گیرد و کنش‌های او با غایت از پیش تعیین شده آفرینش هماهنگ گردد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ۱۸۷-۱۸۸). چنین نگرشی بر این پیش‌فرض استوار است که خداوند برای هستی مقصدی معین ساخته و هر زندگی زمانی واجد معناست که با آن مقصد پیوند یابد. بنابراین بی‌توجهی به این طرح و غایت، به گسست وجودی و بی‌معنایی حیات می‌انجامد (طباطبایی، ۱۳۹۱، ۱۴/۲۶۰-۲۶۱). در این چارچوب، معنا امری درون‌زای فرد نیست، بلکه حاصل نسبت او با اراده خداوند و مشارکتش در تحقق خواست او در عالم است. چنین نگرشی معنا را امری وابسته



## صحیفه سجاریه امام سجاده (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

به رابطه آگاهانه انسان و خدا می‌داند؛ رابطه‌ای که در آن وجود انسانی در امتداد اراده الهی معنا می‌یابد (Williams, 2020: 21-22). در این گفتمان، خدامحوری به‌مثابه افقی هستی‌شناختی عمل می‌کند که همه مقاصد و ارزش‌های انسانی را در چارچوب طرح غایت‌مدار آفرینش سامان می‌دهد. فیلسوفان دین بر این باورند که عمیق‌ترین نیازهای وجودی انسان در پیوند با خداوند پاسخ می‌یابد، زیرا نظام معنابخشی مستقل از رضایت الهی توان تأمین خواست‌های اصیل انسان را ندارد؛ (Cottingham, 2016, p127). براین اساس گفتمان دینی با هسته مرکزی توحید و معاد، معنای زندگی در گستره هدف زندگی، را معین می‌سازد به دلیل تلازم هدف و ارزش، به دلیل این که خدا هدف هستی است امور مرتبط با خداوند (عبودیت، تقرب، اعمال عبادی و مانند آن) هم ارزش تلقی می‌گردد. این معناشناسی در دعای مکارم‌الاخلاق امام سجاده (ع) تبلور یافته است؛ آن‌جا که غایت زندگی در «رضای تو هدف من است و یاد تو آرام جان من» بیان می‌شود (صحیفه سجادیه، دعای بیستم). گفتمان دعا، معنای زندگی را در تعالی اراده‌ی انسان به سوی رضایت الهی بازمی‌نماید و وجود انسانی را در نسبت با غایت آفرینش معنا می‌بخشد. از این رهگذر، دعای مکارم‌الاخلاق تجسم زبانی و عرفانی از نظمی است که معنا و ارزش زندگی را در پیوند با رضای خداوند آشکار می‌سازد.

دیدگاهی که خداوند را محور معنا می‌داند، زندگی انسان را امتدادی از غایت آفرینش تلقی می‌کند و معنا را در هماهنگی با اراده الهی می‌جوید. در این نگرش، انسان زمانی به معنا دست می‌یابد که مسیر زیستن او با هدف الهی هم‌راستا باشد. با این حال، چنین برداشتی هنگامی موجه است که پیوند میان انسان و خالق به‌صورت درونی و وجودی فهم شود. معنا امری جدا از انسان نیست بلکه تجربه‌ای است که در بستر آگاهی و کنش او پدید می‌آید. هدف آفرینش اگر به‌درستی در جان انسان بازتاب یابد، می‌تواند معنا را از سطح مفهومی به سطح زیسته و دینی ارتقا دهد<sup>۱۲</sup>. در پرتو دعای مکارم‌الاخلاق، این معنا از صورت انتزاعی به تجربه درونی تبدیل می‌شود. امام سجاده (ع) در فرازی از این دعا «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنِّيِّ وَالنَّظَنِّيِّ وَالْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَدْبِيرًا عَلَيَّ عَدُوِّكَ، خَدَايَا، هَرَّ آرْزُو وَكَمَانٍ وَحَسَدِي كَيْفَ شِيطَانٍ فِي دَلِّهِ مِنَ الْفِكْرِ، وَأَنْ رَأَى بِذِكْرِ عَظَمَتِكَ وَتَفَكُّرٍ فِي قُدْرَتِكَ وَتَدْبِيرٍ بِرُضَاكَ بِضَدِّ دُشْمَانِكَ بِدَلِّهِ نَمَا.» و «وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّادَةِ، وَمِنْ أَدَلَّةِ الرَّشَادِ، وَمِنْ صَالِحِ الْعِبَادِ، وَ مِنْ أَهْلِ دَرَسْتِي وَاسْتِقَامَتِي، وَرَاهِنَمَايَانِ بِخَيْرٍ، وَبِنَدَاكَ شَائِسْتَهَاتِ قَرَارِ دَه.» مسیر معناداری را در پیوند میان بندگی، تعالی اخلاقی و رضایت الهی ترسیم می‌کند. انسان در چنین چشم‌اندازی درمی‌یابد که هر لحظه از زندگی زیر نظر لطف و علم خداوند جریان دارد و هر کنش او در مسیر کمال الهی معنا پیدا می‌کند. در نتیجه، معنای نه در هدفی بیرونی بلکه در پیوند زنده و آگاهانه انسان با خالق آشکار می‌شود؛ پیوندی که بنیاد آرامش، اعتماد و جهت‌مندی حیات است و به زندگی او نظم و غایت می‌بخشد.

<sup>۱۲</sup> - وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات، ۵۶).



## ۴- زمینه ها و چارچوب گفتمانی دعای مکارم الاخلاق

دعای مکارم الاخلاق یکی از مهم ترین ادعیه موجود در صحیفه سجادیه است؛ مجموعه ای که پنجاه و چهار دعا از امام سجاد (ع) را در بر می گیرد و به سده نخست هجری قمری تعلق دارد. این دعا بیست و نهمین نیایش صحیفه در سی فراز به شمار می آید و در کنار دیگر ادعیه این کتاب، بخشی از گفتمان تربیتی و الهیاتی امام سجاد (ع) را شکل می دهد. صحیفه سجادیه با چندین سلسله سند معتبر به امام سجاد (ع) منتهی می شود. در منابع روایی گزارش شده است نسخه ای از این مجموعه نزد زید بن علی، فرزند امام سجاد (ع)، وجود داشته و از طریق نسل او به فرزندان حسن مثنی منتقل شده است؛ افزون بر این، نسخه دیگری نیز نزد امام باقر (ع) حفظ شده است (منذر، ۱۳۸۵، ۶/ ۲۸۴-۲۸۵). شیخ آقابزرگ تهرانی با استناد به سلسله روایانی که اجازه نقل این ادعیه را در تمام طبقات رجال اخذ کرده اند، سند صحیفه را از متواترات اصحاب دانسته و بر استحکام روایی آن تأکید کرده است (آقابزرگ تهرانی، بی تا، ۱۹/ ۱۵). اعتبار روایی صحیفه، زمینه مهمی برای تحلیل گفتمانی آن فراهم کرده است؛ زیرا پیوند میان زبان دعا و شرایط اجتماعی دوران امام سجاد (ع) امکان فهم دقیق تری از کارکرد معنایی و تربیتی این نیایش ها ایجاد می کند. دعای مکارم الاخلاق در شرایط اجتماعی بسیار دشواری صادر شده است. جامعه اسلامی پس از واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) وارد مرحله ای از اختناق عمومی و فشار سیاسی شد. واقعه حرّ و سرکوب حرکت های آزادی خواهانه، فضای عمومی را دستخوش اضطراب، ناامنی و بی ثباتی کرد. چنین وضعیتی سبب شد بسیاری از مردم احساس ناتوانی و بی پناهی داشته باشند و از نظر فکری دچار پریشانی شوند. افزون بر این شرایط، بی توجهی به تعلیمات دینی در دو دهه پایانی حکومت اموی، سبب افول سطح معرفت دینی در جامعه شد. گزارش های تاریخی از ضعف ایمان عمومی و فرسایش ارزش های اخلاقی حکایت دارند (خامنه ای، ۱۳۹۴، ۲۰۴-۲۱۶). در چنین بستری امام سجاد (ع) راهبردی را برگزید که با مقتضیات زمان سازگار بود. ایشان فعالیت تربیتی و الهیاتی خود را در قالب دعا و مناجات سامان داد؛ قالبی که امکان انتقال مفاهیم اعتقادی و اخلاقی را بدون اصطکاک مستقیم با ساختار قدرت ایجاد می کرد. از این منظر دعا تنها ابزار نیایش به شمار نمی آید، بلکه کارکرد گفتمانی پیدا می کند و به رسانه ای برای بازسازی هویت دینی و اخلاقی جامعه تبدیل می شود. در دعای مکارم الاخلاق، امام سجاد (ع) منظومه ای از ارزش ها، فضایل و سازوکارهای تربیتی را با زبانی نمادین، عاطفی و الهیاتی بیان کرده است. این زبان، امکان شکل گیری نوعی خود آگاهی مؤمنانه را فراهم می کرد؛ خود آگاهی ای که انسان را به بازسازی درونی، اصلاح رابطه با خدا و سامان دهی روابط اجتماعی دعوت می کرد (ممدوحی کرمانشاهی، ۱۳۸۸، ۲/ ۲۰۶-۲۰۷). دعای مکارم الاخلاق با تکیه بر مفاهیمی مانند توحید، توکل، صبر، گذشت، خیرخواهی و تهذیب نفس، تصویری از انسانی ارائه می کند که در مواجهه با بحران های اجتماعی و اخلاقی به جای انفعال، مسیر بازسازی معنوی را انتخاب می کند. چنین رویکردی نشان می دهد امام سجاد (ع) از طریق زبان دعا به احیای معنویت، اخلاق و هویت دینی جامعه اسلامی کمک کرد و در دل شرایط سخت آن دوران، امکان پیدایش گفتمانی تازه را فراهم آورد که معنای زندگی را در پیوند با عبودیت و اخلاق الهی بازسازی می کرد.



## ۴-۱- مؤلفه های زبانی و معنایی در ساخت معنای زندگی

معنای زندگی در پیوند با خود زندگی و حقیقت انسان شکل می گیرد؛ زیرا انسان و زندگی دو قطب یک رابطه وجودی هستند و هر تبیین از زندگی بر شناخت انسان، توانایی ها و نیازهای او استوار است. از این منظر، معنای زندگی بخشی از مطالعه درباره انسان و موقعیت او در عالم به شمار می آید. قرآن کریم به عنوان بنیان معرفت دینی، طرحی منسجم برای فهم این معنا ارائه می دهد و مسیر دستیابی به حیات معنادار را بر اساس حقیقت انسانی ترسیم می کند. در آیه ای که مسلمانان را به پذیرش دعوت پیامبر فرا می خواند، روشن می شود که تعلق به هدایت الهی سرچشمه حیاتی تازه و معنا آفرین است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، ندای پیامبر را اجابت کنید که شما را به حقیقتی دعوت می کند که با پذیرش آن حیات می یابید» (انفال، ۳۴). در گفتن صحیفه سجادیه، به ویژه در دعای مکارم الاخلاق، معنای زندگی با محوریت ایمان، هدایت و تخلق به ارزش های الهی صورت بندی می شود. امام سجاد علیه السلام در آغاز دعای مکارم الاخلاق عرضه می دارد: «خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ایمانم را به کامل ترین ایمان رسان...» (دعای ۲۰، فراز ۱). این بیان نشان می دهد که امام، تحقق حقیقت انسانی را وابسته به پرورش ایمانی می داند که زندگی را سامان می دهد و جهت آن را تعیین می کند. در فرازی دیگر، در تفسیر مسیر هدایت الهی، می فرماید: «هدایت تو روشن و هموار است، منزل هدایت و تو زنده و آقا و بی نیازی» (صحیفه کامل، دعای ۴۷، فراز ۲۸). این سخن جهان بینی امام (ع) را آشکار می کند؛ جهان هستی ساختاری معنادار دارد و انسان با پیروی از هدایت الهی موقعیت خود را در این ساختار می یابد. با این نگاه، معنای زندگی در گفتن امام (ع) مفهومی انتزاعی یا ذهنی به شمار نمی آید، بلکه فرآیندی وجودی و اخلاقی است که در پیوند با ایمان، شناخت جایگاه انسان در جهان و التزام به ارزش های الهی شکل می گیرد. امام با زبان دعا، تجربه انسانی از رنج، امید، مسئولیت و نیاز به هدایت را در قالبی معنایی و اخلاقی بازآفرینی می کند و الگویی ارائه می دهد که زندگی را در نسبت با غایت الهی قابل فهم می سازد. بر اساس این نگرش، معنای زندگی هنگامی تحقق می یابد که انسان رابطه خود با خدا، جهان و خویشان را بر اساس هدایت، تزکیه و تخلق به فضایل تنظیم کند. پژوهش های معاصر نیز این گفتن را دریچه ای برای فهم جایگاه معنای زندگی در سنت اسلامی دانسته اند (اسکوئیان، ۱۳۹۴: ۱۲).

دعای مکارم الاخلاق یکی از برجسته ترین متون اخلاقی صحیفه سجادیه است و ساختاری گفتنمانی دارد که معنای زندگی را در پیوند با ایمان، اخلاق، خودآگاهی و ارتباط انسان با خدا بازآفرینی می کند. امام سجاد علیه السلام در آغاز دعا با عبارت «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَلِّغْ يَأِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ» (دعای ۲۰، فراز ۱) به درگاه الهی عرضه می دارد که ایمان او به مرتبه کمال برسد. این درخواست، معنای زندگی را در مسیر «شدن» و رشد وجودی قرار می دهد. ترجمه فراز چنین است: «خدایا بر محمد و آل او درود فرست و ایمان مرا به کامل ترین ایمان رسان». این فراز، انسان را موجودی در حال حرکت معرفی می کند که معنا را در فرایند تکامل اخلاقی و ایمانی تجربه می کند. گفتن دعا جایگاه انسان را به صورت موجودی قابل تحول نشان می دهد و معنای زندگی را در پیوند با اصلاح درون و صیانت از انگیزه های الهی تفسیر می کند. در ادامه دعا آمده است: «وَأَجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ» (دعای ۲۰، فراز ۱)؛ «یقین مرا برترین یقین قرار ده». این فراز بیان می کند که تجربه معنای زندگی بدون



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

ثبات درونی و شناخت روشن از حقیقت هستی شکل نمی‌گیرد. امام (ع) یقین را شرط شکل‌گیری تصمیم‌های اخلاقی، آرامش وجودی و جهت‌گیری معنادار زندگی می‌داند. در فراز دیگری آمده است: «وَأَنْتَ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النِّيَّاتِ» (دعای ۲۰، فراز ۱)؛ «نیت مرا به بهترین نیت‌ها برسان.» این بخش از دعا نشان می‌دهد که معنای زندگی بر بنیاد نیت‌های پاک و انگیزه‌های اصلاح‌گرانه استوار است. گفتمان دعا انسان را به بازنگری در نیت‌ها دعوت می‌کند تا رفتار او در مسیر رشد اخلاقی قرار گیرد. در ادامه دعا، امام (ع) ابعاد اجتماعی و رابطه‌مند زندگی را توضیح می‌دهد. فراز «وَسَدِّدُ لِسَانِي فِي الصِّدْقِ وَالْحِلْمِ» (دعای ۲۰، فراز ۹) با ترجمه «زبان مرا در مسیر راستگویی و بردباری استوار کن» نشان می‌دهد که معنای زندگی تنها تجربه فردی نیست و در تعامل با دیگران تحقق می‌یابد. در این نگاه، انسان با شیوه سخن گفتن، شیوه پاسخ دادن و سطح بردباری خود معنا را در مناسبات اجتماعی خلق می‌کند. همچنین در فراز «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحُلِّ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا يَكْرَهُهُ خَاصَّتِي» آمده است: «خدایا میان من و آنچه شخصیت مرا تباه می‌کند جدایی بیفکن.» این فراز نشان می‌دهد که زندگی معنادار در گرو پالایش ساختار شخصیت، ترک رذایل و حفظ اصالت انسانی است. ساختار گفتمانی دعای مکارم‌الاخلاق با توصیف رابطه انسان با خدا، دیگران و خویشتن، معنای زندگی را به فرایندی اخلاقی، پویا و مبتنی بر هدایت الهی تبدیل می‌کند و افق حیات انسانی را با کمال، ایمان، نیت الهی و تعامل اخلاقی پیوند می‌دهد.

## ۴-۲- جهان‌بینی و افق معرفتی گفتمان دعای مکارم‌الاخلاق

گفتمان دعای مکارم‌الاخلاق، فراتر از درخواست‌های فردی، بیانگر نوعی جهان‌بینی دینی است که بر پایه آموزه‌های اعتقادی شکل گرفته و نگرش انسان به هستی، خود و دیگران را بازنمایی می‌کند. مبانی خواسته‌های دعا نشان می‌دهد که امام سجاد علیه‌السلام انسان را موجودی هدفمند می‌بیند که زندگی او دارای جهت و غایت الهی است. به عنوان نمونه در فرازی آمده است: «وَاسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ»؛ «ای خدا! روزهای عمرم را در راهی صرف کن که مرا برای آن آفریده‌ای» (دعای ۲۰، فراز ۵). این فراز تصریح دارد که انسان بیهوده آفریده نشده و همه لحظات زندگی باید در مسیر تحقق هدف الهی به کار گرفته شود. از دیگر مؤلفه‌های جهان‌بینی، رعایت قناعت، پرهیز از حسد و پرهیز از غرور در عبادت است. فراز «وَلَا تُفْتِنِّي بِالنَّظَرِ»؛ «مرا به نگاه حسرت‌آمیز به مال و مقام دیگران گرفتار مکن» (دعای ۲۰، فراز ۶) انسان را به بازشناسی جایگاه خود و توجه به عدل الهی فرا می‌خواند. همچنین فراز «وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ»؛ «عبادت مرا با خودپسندی و غرور تباه مکن» (دعای ۲۰، فراز ۷) بر ضرورت خلوص در رابطه با خدا و توازن اخلاقی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که زندگی معنادار تنها در مسیر فروتنی و هدایت الهی تحقق می‌یابد. یکی دیگر از ابعاد جهان‌بینی در دعا، تأکید بر ارتقای زندگی انسان در مسیر صفات کمالی و رشد اخلاقی است. فراز «وَعَمَّرِنِي مَا كَانَ عُمُرِي بِذَلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ»؛ «عمرم را به گونه‌ای قرار ده که در بندگی و اطاعت تو خوار و پست نشود» (دعای ۲۰، فراز ۸) به صراحت بیان می‌کند که هدف غایی زندگی، همسویی با اراده الهی و تحقق فضایل اخلاقی است. این دعا با ساختاری گفتمانی، انسان را موجودی فعال، مسؤول و در حال حرکت معرفی می‌کند.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

که زندگی او در پیوند با ایمان، اخلاق و خودآگاهی شکل می‌گیرد. دعا نشان می‌دهد که جهان، پرمعنا و هدفمند است، رفتار انسان باید در مسیر هدایت الهی قرار گیرد، و معنای زندگی در فرایند رشد اخلاقی، پرهیزکاری، و تحقق فضایل انسانی تبلور می‌یابد. در این افق معرفتی، هر فراز از دعا، ابزار بازشناسی انسان، پالایش نفس و ارتقای ارتباط با خدا و جامعه است، و بدین سان دعای مکارم‌الاخلاق نقشی کارآمد در بازتولید معنای زندگی به عنوان یک فرآیند اخلاقی و وجودی ایفا می‌کند.

## ۴-۳- مؤلفه های زبانی و معنایی در گستره فردی و نسبت آن با جهان‌بینی گفتمان دعای

### مکارم‌الاخلاق

گفتمان دعای مکارم‌الاخلاق در صحیفه سجادیه معنای زندگی فردی را در پیوند با ایمان، اخلاق، خودآگاهی و رابطه انسان با خدا بررسی می‌کند و آن را در چارچوب یک هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی الهیاتی قرار می‌دهد. در این دعا، انسان موجودی هدفمند معرفی شده است که زندگی او تصادفی نیست و معنای واقعی در مسیر رشد اخلاقی و تعالی روحانی محقق می‌شود. عبارت آغازین «وَبَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ»؛ «ای خدا! ایمان مرا به کامل‌ترین ایمان برسان» (دعای ۲۰، بند ۲) بیانگر آن است که بنیان زندگی معنادار بر تقویت ایمان و پیوند مستحکم با خداوند استوار است. از منظر مولفه‌های زبانی و معنایی، استفاده از فعل درخواست «بلغ» و صفت «کامل‌ترین» نشان می‌دهد که تحقق معنا در زندگی نیازمند پیوند فعال و مستمر انسان با خداست. زبان دعا مسیر رشد وجودی انسان را بازنمایی می‌کند و معنا در زندگی فردی را به صورت فرآیندی پویا نشان می‌دهد. گزاره «وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ»؛ «مرا به بهترین اعمال راهنمایی کن» (دعای ۲۰، بند ۳) اهمیت پیوند میان معرفت و عمل را نشان می‌دهد. ساختار دستوری و ترکیب واژگان «عمل» و «بهترین اعمال» فرآیند تحقق معنای زندگی را در سطح عملی بازنمایی می‌کند و نحوه تحقق اخلاق را در زندگی فردی شکل می‌دهد. در عبارت «وَأَنْتَ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النِّيَّاتِ»؛ «نیت مرا به بهترین نیت‌ها برسان» (دعای ۲۰، بند ۴) توجه به انگیزه‌ها و قصد درونی برجسته شده است. واژگان «نیت» و «بهترین» در سطح معنایی بر پالایش انگیزه‌ها تأکید دارند و زبان دعا انسان را به بازنگری در قصد و جهت‌گیری‌های اخلاقی فرا می‌خواند. ابعاد مادی و اقتصادی زندگی نیز در گفتمان دعا از طریق زبان معنا می‌یابند. عباراتی مانند «وَأَوْسَعُ عَلَيَّ فِي رِزْقِكَ»؛ «رزق مرا در گستره عطای تو وسعت ده» (دعای ۲۰، بند ۵) و «وَمَتَّعْنِي بِالْإِقْتِصَادِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّدَادِ»؛ «مرا با میانه‌روی و در مسیر درست قرار ده و جزو اهل صواب قرار ده» (دعای ۲۰، بند ۸) به کارگیری واژگان «وسعت»، «میانه‌روی» و «صواب» را نشان می‌دهند و بیانگر این است که زندگی معنادار در مسیر اخلاق و مدیریت منابع تحقق می‌یابد. زبان این گزاره‌ها معنای فردی زندگی و شیوه استفاده از مواهب الهی را در چارچوب اخلاقی بازنمایی می‌کند. توجه به پایان عمر و حضور مداوم در یاد خدا در عباراتی مانند «اللَّهُمَّ أَخْتِمْ بَعْفُوكَ أَجَلِي»؛ «ای خدا! پایان عمرم را با عفویت رقم بزن» (دعای ۲۰، بند ۹) و «وَنَبِّهْنِي لِذِكْرِكَ فِي أَوْقَاتِ الْعُقَلَّةِ»؛ «مرا در اوقات غفلت به یاد خودت آگاه کن» (دعای ۲۰، بند ۱۰) بازتاب یافته است. استفاده از افعال التماس و گزاره‌های زمانی، رابطه انسان با خدا و زمان را ساختارمند کرده و حضور معنوی و آگاهی مستمر را بازنمایی می‌کند. عبارت «وَقِنِّي



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ؛ «مرا به رحمت خود از عذاب آتش محفوظ بدار» (دعای ۲۰، بند ۱۱) نیز با انتخاب واژه «رحمت» و تأکید بر حفاظت الهی، شرط بقای معنوی انسان و تحقق زندگی معنادار را در سطح زبانی بازنمایی می‌کند. در مجموع، گفتمان دعای مکارم الاخلاق معنای زندگی فردی را فرآیندی می‌داند که از طریق ایمان، اخلاق، نیت الهی، عمل درست، مدیریت منابع و حضور مستمر در یاد خدا تحقق می‌یابد. ترکیب واژگان، ساختار دستوری دعا و تأکید معنایی بر اصول اخلاقی و ایمانی، نحوه شکل دهی و بازنمایی معنای زندگی در سطح زبانی را تثبیت می‌کند. این نگاه جهان‌بینانه و معرفت‌شناسانه، افق وجودی انسان را گسترده می‌کند و نشان می‌دهد که زندگی فردی در پیوند با جهان و خدای متعال، مسیر رشد اخلاقی و تعالی معنوی را طی می‌کند.

## ۴-۴ - مؤلفه‌های زبانی و معنایی در گستره اجتماعی و نسبت آن با جهان‌بینی گفتمان دعای مکارم الاخلاق

گفتمان دعای مکارم الاخلاق در صحیفه سجادیه زندگی اجتماعی انسان را به عنوان بخش حیاتی تحقق معنای زندگی بازنمایی می‌کند. این دعا نشان می‌دهد انسان موجودی رابطه‌مند است و کیفیت تعامل او با دیگران نقش مستقیم در شکل دهی تجربه معنادار زندگی دارد. رشد اخلاقی و اجتماعی انسان در این گفتمان وابسته به اصلاح رفتارها، کنترل انگیزه‌ها و هدایت روابط اجتماعی است. در درخواست «وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبُعْیِ الْمَوَدَّةَ»؛ «حسد دیگران را به مودت و محبت تبدیل کن» (دعای ۲۰، فراز ۷) انرژی‌های منفی به رفتارهای مثبت تبدیل می‌شود و مقابله با خصومت و حسادت مسیر رشد اخلاقی و معنوی را هموار می‌سازد. عنصر زبانی در واژه «تبدیل کن» به عنوان فعل هدایت‌کننده و تحقق‌بخش معنا، بازتاب‌دهنده تغییر کیفی رفتار و تجربه اجتماعی انسانی است. بازسازی روابط انسانی و ارتقای همدلی، تجربه زندگی معنادار را گسترش می‌دهد و از تنش‌های اجتماعی دور می‌کند. در جمله «وَتَرَكُ التَّعْيِيرِ»؛ «عیب‌جویی از دیگران را ترک کن» (دعای ۲۰، فراز ۱۰)، اخلاق اجتماعی به مثابه زمینه شکل‌گیری زندگی معنادار مورد توجه قرار گرفته است. فعل «ترک کن» نشان‌دهنده اراده فرد برای کنترل رفتار و گفتار است و ساخت معنایی آن بر توانمندسازی انسان در مدیریت تعاملات اجتماعی تأکید دارد. در بخش «وَلَا أَطْغِينَا وَمِنْ عِنْدِكَ وَجُدِي»؛ «مرا از تجاوز و قدرت‌طلبی بازدار و وجود درست عطا کن» (دعای ۲۰، فراز ۱۴)، نفی برتری‌جویی و تجاوز به حقوق دیگران نمایان است. رعایت عدالت و احترام به حقوق دیگران و پذیرش مسئولیت اجتماعی، زندگی جمعی را بر پایه انصاف و اخلاق مستحکم می‌کند. واژه «بازدار» نقش زبانی بازدارنده و هدایتی دارد و محدودیت اخلاقی برای رفتار فردی و اجتماعی را نشان می‌دهد. حسن معاشرت اجتماعی و رفتار کرامت‌آفرین در روابط با دیگران، پس از ادای فرایض دینی، بالاترین ابزار تقرب به خداوند متعال محسوب می‌شود. در درخواست «وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شْتَمٍ عَرَضٍ...» (دعای ۲۰، فراز ۱۱)، زبان انسان به عنوان ابزار هدایت، اصلاح و ایجاد همدلی مشخص شده است. کنترل گفتار و رعایت ادب، تجربه اجتماعی انسان را با ارزش‌ها و هنجارهای الهی همسو می‌کند و معنای زندگی را به تعامل اخلاقی و روابط



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

درست اجتماعی پیوند می‌دهد. مسئولیت‌پذیری و مدیریت درست در جمله «و سَمِنِي حُسْنَ الْوَلَايَةِ»؛ «مرا در مدیریت درست و مسئولیت‌پذیری استوار کن» (دعای ۲۰، فراز ۱۸) مورد تأکید است. پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، هدایت و اصلاح جامعه، نقش انسان در تحقق عدالت و نظم اخلاقی را نمایان می‌سازد و زندگی اجتماعی معنادار شکل می‌گیرد. در بخش «و اَبْدَلْنِي مِنْ بَغْضَةِ اَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةِ»؛ «خشم و دشمنی دیگران را به محبت و دوستی تبدیل کن» (دعای ۲۰، فراز ۲۱) همدلی، مدارا و تبدیل منفی‌ها به رفتارهای مثبت برجسته می‌شود. فعل «تبدیل کن» نقش فعال‌کننده و تغییرگر دارد و فرایند اصلاح اجتماعی و ارتقای کیفیت تعاملات انسانی را نشان می‌دهد. در جمله «وَمِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ» (دعای مکارم‌الاخلاق، فراز ۵) بر اهمیت بازسازی روابط آسیب‌دیده تأکید شده و انسان به رفتار کریمانه با کسانی که روابطش با آنان دچار تنش شده، فراخوانده می‌شود. درخواست تبدیل کینه، حسد، بدگمانی و دشمنی به محبت، مودت، اعتماد و دوستی، مسیر انسانی و اخلاقی زندگی اجتماعی را مشخص می‌کند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَبْدَلْنِي مِنْ بَغْضَةِ اَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةِ، وَ مِنْ حَسَدِ اَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَ مِنْ ظَنَّةِ اَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَّةَ، وَ مِنْ عَدَاوَةِ الْاَدْنِيِّينَ الْوَلَايَةَ، وَ مِنْ عُقُوقِ ذَوِي الْاَرْحَامِ الْمَبْرَّةَ، وَ مِنْ خَذَلَانِ الْاَقْرَبِيِّينَ النَّصْرَةَ، وَ مِنْ حُبِّ الْمُدَارِينِ تَصْحِيحَ الْمَقَّةِ، وَ مِنْ رَدِّ الْمَلَابِسِينَ كَرَمِ الْعِشْرَةِ، وَ مِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْاَمْنَةِ»؛ بار خدایا بر محمد و آلش درود فرست، و شدت کینه را به محبت، حسد را به مودت، بدگمانی را به اطمینان، دشمنی نزدیکان را به دوستی، گسستن خویشاوندان را به خوش رفتاری، روگردانی نزدیکان را به یاری، دوستی ظاهرسازان را به دوستی حقیقی، خوارانگاشتن مصاحبان را به حسن رفتار و تلخی ترس از ظالمان را به شیرینی ایمنی مبدل ساز. این متن نشان می‌دهد معنای زندگی اجتماعی با کیفیت روابط انسانی و رعایت کرامت دیگران گره خورده است. تعامل اخلاقی، احترام به شأن انسانی و تبدیل آسیب‌های اجتماعی به فرصت‌های محبت و همکاری، بستر رشد معنوی و انسجام جمعی را فراهم می‌آورد. حسن معاشرت اجتماعی، عنصر کلیدی گفتمان اخلاقی و معرفتی دعای مکارم‌الاخلاق است و افق زندگی انسان را در پیوند با عدالت، مودت، اعتماد و اخلاق الهی شکل می‌دهد. دعای مکارم‌الاخلاق به کرامت انسانی و جلوگیری از ظلم و زیان نیز توجه دارد. در جملات «وَ اَكْفِنِي مَثُوْنَةَ مَعْرَةَ الْعِبَادِ» و «وَ اَجْعَلْنِي يَدَا عَلِيٍّ مِنْ ظَلْمِنِي وَ لِسَانًا عَلِيٍّ مَنْ عَانَدْنِي» (دعای ۲۰، فرازهای ۶-۱۱)، زندگی معنادار اجتماعی مستلزم دفاع از حقوق دیگران، برخورد اخلاقی با مظالم و ایجاد عدالت است. افعال «اکفنی» و «اجعلنی» ساختار التزام‌دهنده و مسئولانه دارند و تجربه معنای زندگی را به کنش اخلاقی و اجتماعی پیوند می‌دهند. در درخواست «انطقنی بالهدی»؛ زبانم را در مسیر هدایت مردم قرار ده» (دعای ۲۰، فراز ۳۳) تجربه زندگی اجتماعی در قالب هدایت و خدمت به دیگران توضیح داده شده است. زندگی انسانی زمانی معنادار می‌شود که تعامل‌ها، سخن و رفتار فرد به رشد اخلاقی خود و جامعه بیانجامد.

در مجموع، گفتمان دعای مکارم‌الاخلاق معنای زندگی اجتماعی را به فرایندی رابطه‌مند، اخلاقی و مسئولانه تبدیل می‌کند. رعایت اخلاق، هدایت دیگران، بازسازی روابط، مقابله با خصومت و رشد اجتماعی محورهای اصلی این تجربه معنادار هستند. این نگرش افق معرفتی و جهان‌بینی انسان را روشن می‌کند و تحقق معنای زندگی را با رشد اخلاقی، عدالت اجتماعی و



هماهنگی با ارزش‌های الهی پیوند می‌دهد. عناصر زبانی مانند افعال هدایت‌کننده، تبدیل‌کننده و التزام‌دهنده، واژه‌های کیفیت‌بخش و ساخت‌های تقاضا و التزام، نقش محوری در ایجاد و تثبیت معنا در زندگی اجتماعی دارند.

### ۵- سازوکارهای گفتمانی تبدیل دعا به تجربه خودآگاهی

گفتمان دعای مکارم‌الاخلاق در صحیفه سجادیه فرایندی فراهم می‌آورد که دعا به تجربه‌ای زنده و آگاهانه از خود تبدیل شود. جمله «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» «بار خدایا، درود بفرست بر محمد و خاندانش»، پایه‌ای برای بازشناسی فرد در نسبت با ارزش‌های اخلاقی و مرجع الهی ایجاد می‌کند و زمینه‌ای برای تمرکز بر جهت‌گیری‌های اخلاقی فراهم می‌سازد. این بازشناسی، فرد را قادر می‌سازد جایگاه خود را در گستره معنوی و اجتماعی بسنجد و نسبت به انگیزه‌ها و رفتارهای خود آگاهی پیدا کند. درخواست «وَأَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ أَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ» «و بدل بفرمای کینه‌توزی دشمنان مرا به محبت»، سازوکاری برای تبدیل انرژی‌های منفی به رفتارهای مثبت و همدلانه معرفی می‌کند و فرد را به بازنگری در واکنش‌ها و انگیزه‌های درونی سوق می‌دهد. گزاره‌های «وَمِنْ حَسَدِ أَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ» و «مِنْ ظَنِّهِ أَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَةَ وَمِنْ عَدَاوَةِ الْأَدْنَيْنِ الْوَلَايَةَ» (دعای ۲۰، بند ۵) مسیر پالایش درونی و تنظیم پاسخ‌های عاطفی را روشن می‌کنند و بازتاب اخلاقی دیگران را در ذهن فرد به عاملی برای رشد خودآگاهی تبدیل می‌کنند. زبان دعا، بستری برای تمرین مستمر خودبازشناسی و خودکنترلی فراهم می‌کند؛ با تمرکز بر این عبارات، فرد رفتارهای منفی را شناسایی و آنها را به تعاملات مثبت و سازنده تبدیل می‌سازد. همچنین، این فرایند، ادراک فرد از نقش خود در نظام اجتماعی و اخلاقی را شفاف می‌کند و تجربه زندگی معنادار را در سطح خودآگاهی تثبیت می‌سازد. به این ترتیب، گفتمان دعای مکارم‌الاخلاق تجربه خودآگاهی را به شکلی عملی و رابطه‌مند هدایت می‌کند و امکان بازخوانی انگیزه‌ها، رفتار و تعامل با دیگران را در چارچوب ارزش‌های الهی فراهم می‌آورد.

### ۵-۱- سازوکار گفتمانی تحول درونی و تجربه زیسته مؤمن

گفتمان دعای مکارم‌الاخلاق با گزاره «وَحَلَّنِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ وَالْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ فِي بَسَطِ الْعَدْلِ؛ ای خداوند، مرا سیمای صالحان ده و جامه پرهیزگاران: در گسترده عدل» (دعای ۲۰، بند ۶)، سازوکار سوژگی و تجربه درونی مؤمن را شکل می‌دهد. این عبارت، فرد را به بازشناسی خود در نسبت با ارزش‌های اخلاقی و عدالت اجتماعی دعوت می‌کند و مسیر رشد درونی را با پیوند به الگوی صالحان و پرهیزگاران معین می‌سازد. زبان دعا، فرد را به تجربه زیسته‌ای از ارزش‌های الهی می‌رساند که در آن، عدالت، پرهیزکاری و اخلاق به عینیت زندگی روزمره وارد می‌شوند. عبارات «وَكُظْمِ الْغَيْظِ وَإِطْفَاءِ النَّائِرَةِ وَضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ؛ و فرو خوردن خشم و خاموش کردن آتش دشمنی و به هم پیوستن تفرقه‌جویان و آشتی دادن خصمان» (دعای ۲۰، بند ۶)، ابزارهایی عملی برای خودکنترلی، مدیریت عواطف و بازسازی روابط اجتماعی معرفی می‌کنند. این گزاره‌ها تجربه مؤمن را به یک فرایند فعال و تعامل‌محور تبدیل می‌کنند که در آن سوژگی فرد با تنظیم هیجانات، بازسازی



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

تعاملات و اصلاح منازعات پیوند می‌یابد. در ادامه، «وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ وَ سِتْرِ الْعَائِبَةِ وَ لِينِ الْعَرِيكَةِ؛ و فاش کردن نیکی و پوشیدن عیب‌ها و نرم‌خویی» (دعای ۲۰، بند ۶)، سازوکارهای فرهنگی و زبانی برای تقویت همدلی و نیک‌خواهی را نشان می‌دهد. فرد با تمرین این دستورها، تجربه زیسته خود را با چارچوب اخلاقی و الهی تنظیم می‌کند و تحول درونی او همسو با ارزش‌های الهی شکل می‌گیرد.

به این ترتیب، نیایش در گفتمان دعای مکارم‌الاخلاق، ساختار سوژگی فرد را سامان می‌دهد و از طریق زبان و تکرار گفتمانی، تجربه زیسته مؤمن را به مدلی عملی و اخلاقی پیوند می‌دهد. این مدل، فرآیند تحول درونی را با تمرین مستمر نیک‌خواهی، عدالت، کنترل هیجانات و بازسازی روابط انسانی ممکن می‌سازد و معنای زندگی را در حوزه فردی و اجتماعی تثبیت می‌کند.

### نتایج پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس تحلیل گفتمان دعای مکارم‌الاخلاق در صحیفه سجاده‌یه نشان داد که این دعا نقش مهمی در بازنمایی معنای زندگی و فرآیند تحول درونی مؤمن دارد. دعا با زبان نیایشی و گزاره‌های اخلاقی خود، مسیر زندگی فردی و اجتماعی انسان را به تصویر می‌کشد و امکان تجربه زیسته اخلاقی، بازشناسی خود و هدایت رفتارها را فراهم می‌آورد. هر بند دعا، ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان را با ارزش‌های الهی پیوند می‌دهد و سوژگی مؤمن را در تعامل با خدا و جامعه سامان می‌بخشد. در گستره فردی، زندگی معنادار بر تقویت ایمان، پالایش نیت‌ها، تحقق اعمال اخلاقی و مدیریت منابع مادی استوار است. زبان دعا به عنوان ابزار گفتمانی، پیام اخلاقی و معرفتی را منتقل می‌کند و سوژگی مؤمن را به بازشناسی خود، هدایت انگیزه‌ها و جهت‌دهی رفتارها در مسیر الهی وامی‌دارد. جهان‌بینی الهیاتی دعا، انسان را موجودی هدفمند معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که معنا در زندگی نتیجه پیوند میان معرفت، اخلاق و حضور مستمر در رابطه با خداوند است. در گستره اجتماعی، دعا کیفیت تعامل انسان با دیگران را به عنوان بستر تحقق زندگی معنادار مشخص می‌کند. بازسازی روابط آسیب‌دیده، تبدیل خصومت و حسادت به محبت، رعایت کرامت دیگران، هدایت و خدمت به جامعه، توسعه همدلی و مدارا، محورهای اصلی تجربه اجتماعی معنادار هستند. زبان دعا در این حوزه نقش ابزار هدایت و تنظیم روابط اجتماعی را ایفا می‌کند و با تأکید بر گفتار، رفتار و اخلاق، تجربه زیسته مؤمن را با ارزش‌ها و هنجارهای الهی هماهنگ می‌سازد. گفتمان دعای مکارم‌الاخلاق نشان می‌دهد که معنای زندگی فرآیندی رابطه‌مند، اخلاقی و گفتمانی است. زندگی فردی و اجتماعی از طریق ایمان، اخلاق، هدایت زبان و رفتار و مدیریت تعاملات اجتماعی تحقق می‌یابد. زبان دعا و جهان‌بینی الهیاتی آن، ابزارهای اصلی بازسازی سوژگی، تجربه زیسته اخلاقی و تحقق معنا در زندگی هستند و مسیر زندگی انسان را با ارزش‌های الهی، عدالت اجتماعی و تعالی معنوی هماهنگ می‌کند.



کتاب شناسی

- آقابزرگ تهرانی (بی تا)، محمدحسن؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- آیت اللهی، حمیدرضا (۱۴۰۱)، «تبیین دیدگاه های عمده درباره معنای زندگی از نظر تدئوس متر و ارزیابی آنها و ارائه نظریه ای جدید درباره زندگی معنادار»، جستارهای فلسفه دین، سال ۱۱، ش ۱، ۳۳-۱.
- احمدی بیغش، خدیجه (۱۴۰۱)، «تحلیل مبانی قرآنی فضائل و رذائل اخلاق اجتماعی در دعای مکارم اخلاق صحیفه»، قرآن و علوم اجتماعی، ش ۷، ۱۰۲-۱۲۳.
- استیس، والتر ترنس (۱۳۹۵)، دین و نگرش نوین، تهران، حکمت.
- استیس، والتر ترنس (۱۳۸۲)، در بی معنایی معنا هست، مترجم اعظم پویا، نقد و نظر، ش ۲۹-۳۰، سال ۸، ۱۰۸-۱۲۳.
- بشیر، حسن (۱۳۹۵)، کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بیات، محمد رضا، (۱۳۹۰)، دین و معنای زندگی در فلسفه تحلیلی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- حسینی، محمدحسن؛ شجاعی، محمد صادق؛ رحیمی، عبدالله (۱۴۰۲)، «مدل مفهومی معنای زندگی براساس آیات قرآن کریم»، اخلاق و حیانی، دوره ۱۳، ش ۱، ۵-۳۵.
- حسینی شاهرودی، مرتضی؛ نجفی، مسلم؛ مرتضوی، سید محمد؛ جهانگیری، مسعود (۱۳۹۳)، «بررسی رابطه خدا و آفرینش و معنای زندگی با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی»، اندیشه دینی، دوره ۱۴، ش ۵۲، ۴۹-۷۲.
- خامنه ای، علی (۱۳۹۴)، انسان ۲۵۰ ساله، تنظیم مرکز صهبا، چاپ پنجاه و دوم، قم، ایمان جهادی.
- سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۶۹)، شرح منظومه، با شرح: حسن حسن زاده آملی، تهران، نشر ناب.
- صالحی زاده، عبدالهادی، (۱۳۹۰)، درآمدی بر تحلیل گفتمان میشل فوکو؛ روشهای تحقیق کیفی، ش ۳، صص ۱۱۳-۱۴۱.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۳)، طریق عرفان یا رساله الولایه، ترجمه صادق حسن زاده، کتابسرای اشراق- بکاء.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۱)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- علی بن الحسین (۱۳۷۶)، صحیفه سجادیه، قم، الهادی.
- علی زمانی، امیر عباس، (۱۳۸۶)، معنای معنای زندگی، پژوهشنامه فلسفه دین، ش ۹، ۵۹-۹۰.
- فاضلی، محمد، (۱۳۸۳)، گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی، پژوهشنامه علوم اجتماعی و انسانی مازندران، ش ۱۴، صص ۸۱-۱۰۶.
- فرانکل، ویکتور (۱۳۹۳)، خدا در ناخودآگاه، ترجمه ابراهیم یزدی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- لطفی حقیقت، امیر، شرفی جم، محمدرضا، شایسته فرد، زهرا (۱۳۹۸)، «معنای زندگی در صحیفه سجادیه»، دومین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، اجتماعی و سبک زندگی.
- محمدرضایی، محمد؛ سیده زینب، مهران پور (۱۳۹۹)، «نقد و بررسی نسبت جاودانگی و معنای زندگی از نظر برنارد ویلیامز»، جستارهای فلسفه دین، دوره ۹، ش ۱، ۹۵-۱۲۰.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

معالی، مهدی؛ عدل آبادی، علی اکبر (۱۳۹۸)، نسبت دین با معنای زندگی و آلام وجودی از نگاه ویلیام جیمیز، فلسفه دین، ش ۴، ۶۱۳-۶۳۰.

ملکیان، مصطفی، (۱۳۸۵)، مهر ماندگار، تهران، نشر نگاه معاصر.

مکاریک، ایرناریما (۱۳۸۳)، دانشنامه نظریه های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، چاپ دوم، تهران، آگاه.

مک کواری، جان (۱۳۷۶)، مارتین هایدگر، ترجمه محمد سعید حنائی کاشانی، تهران، نشر گروس.

ممدوحی کرمانشاهی (۱۳۸۸)، حسن، شهود و شناخت، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، مقدمه آیت الله جوادی آملی، قم، بوستان کتاب.

نصری، عبدالله، (۱۳۸۶)، فلسفه آفرینش، چاپ دوم، قم، دفتر نشر معارف.

نیلسون، کی (۱۳۹۰)، فلسفه زبانی و معنای زندگی، ترجمه محمد آزاده، تهران، نگاه معاصر.

هیگ، جان (۱۳۸۶)، «معنای دینی زندگی»، در معنای زندگی، ترجمه اعظم پویازاده، تهران، نشر ادیان.

Cottingham, J. (2005), *The Spiritual Dimension: Religion, Philosophy, and Human Value*, Cambridge: Cambridge University Press.

Edwards. Poul. (1967). "Meaning and Value of Life". *the encyclopedia of philosophy*. ed: poul Edwards.

Heidegger, Martin (1962), *Being and Time*, tr. J. Macquarrie and E.S. Robinson. S.C.M, London; Harper, New York.

Williams, C. (2020), *Religion and the Meaning of Life: An Existential Approach*, Cambridge: Cambridge University Press.



## اخلاق دعا در صحیفه سجادیه و قرآن در مناجات التائبین

سلمان نیکبخت

دانش آموخته دکتری فقه و حقوق دانشگاه قم

[salmannikbakht67@gmail.com](mailto:salmannikbakht67@gmail.com)

مرضیه ولی زاده

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان

[m.valizade.9895@gmail.com](mailto:m.valizade.9895@gmail.com)

### چکیده

دعا زمانی می‌تواند ابزار بازسازی و ترمیم روان باشد که با اخلاق و آداب درست همراه شود؛ یعنی بنده با فروتنی، اعتراف به کاستی‌ها، امید به رحمت الهی، ندامت از خطاها و پناه بردن واقعی به خدا وارد گفت‌وگو با پروردگار شود در این صورت است که مورد مقبول الهی واقع می‌شود. این اخلاق دعا بر مناجات‌های خمس عشر امام سجاد علیه‌السلام نیز حاکم است. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین اخلاق قرآنی در مناجات التائبین، به بررسی بینامتنیت مناجات با قرآن می‌پردازد. این بررسی با تکیه بر کارکرد بینامتنیت انجام می‌شود و بر نحوه اخلاق دعا در قالب رجوع به قرآن متمرکز است. از دستاوردهای معناکوی مناجات این است که اخلاق دعا بر مجموعه‌ای از مضامین بنیادین استوار است از جمله اعتراف به خطا و ذلت ناشی از گناه، مرگ و احیای قلب با توبه، پناه‌جویی از خدا در اوج ناتوانی، امید به مغفرت و لطف الهی، ندامت حقیقی و اعتراف به گناه، گشودگی در توبه به‌عنوان لطف الهی، فقر وجودی انسان در برابر غنای خداوند، طلب رحمت و رأفت الهی، و حرکت میان خوف و رجاء.

کلمات کلیدی: دعا، اخلاق، قرآن، صحیفه سجادیه، مناجات التائبین.



## ۱. مقدمه

دعا زمانی که با آداب و اخلاقی مانند فروتنی، اعتراف به خطا، امید به رحمت الهی و پناه بردن صادقانه به خدا همراه گردد مقبول الهی می‌شود. این اصول اخلاقی در مناجات‌های خمس عشر امام سجاد علیه‌السلام، خصوصاً مناجات التائبین، وجود دارد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، بینامتنیت این مناجات با آیات قرآن را بررسی می‌کند.

مسئله اصلی پژوهش، این است که چگونه اخلاق دعا در صحیفه سجادیه و قرآن چگونه است. این جستار، با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تحلیل بینامتنیت قرآنی به دنبال یافتن پاسخ برای پرسش‌های زیر است:

۱- در مناجات التائبین چه مفاهیمی در قالب بینامتنیت قرآنی به مخاطب منتقل می‌شود؟

۲- کارکرد معیارهای بینامتنیت از نظر اخلاق دعا چگونه ارزیابی می‌شود؟

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

بینامتنیت مناجات التائبین با قرآن تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است اما موضوعاتی نزدیک به موضوع ما وجود دارد که عبارت‌اند از:

مقاله «نمادهای اخلاقی در مناجات خمس عشر امام سجاد علیه‌السلام» از مرادی، محمد و مهرعلیان گورتانی، هاجر، که در «دومین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و علوم اسلامی» ارائه شده، با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با اتکا بر منابع کتابخانه‌ای، به واکاوی لایه‌های معرفتی و اخلاقی نهفته در این مجموعه مناجات می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که، ساختار مفهومی این مناجات‌ها گویای آن است که ادعیه امام سجاد علیه‌السلام مانند نظامی تربیتی عمل کرده و فضیلت‌های بنیادین را در قالب بیان‌های دعا محور، تبیین و برجسته‌سازی می‌نماید؛ امری که در نهایت، مسیر نیل به سعادت فردی و بهبود اخلاق اجتماعی را روشن می‌سازد.

مقاله «تبیین مقاصد تربیت اخلاقی در مناجات خمس عشر» نوشته پرویزی، وحید (زمستان ۱۴۰۱)، پژوهش‌های مدیریت در جهان اسلام) با اتخاذ رویکردی توصیفی - تحلیلی و با تمرکز بر آموزه‌های مندرج در مجموعه مناجات‌های خمس عشر امام سجاد علیه‌السلام، به واکاوی اهداف تربیت اخلاقی در این متون دعا محور می‌پردازد. بر اساس نتایج مقاله، مناجات خمس عشر مانند دستگاهی تربیتی اخلاقی عمل می‌کند که با تنظیم هماهنگ این سه سطح، مسیر تعالی معنوی و اخلاقی انسان را به‌نحو منسجم و کارآمد ترسیم می‌سازد.

مقاله «بررسی مبانی قرآنی شکواییه در نهج‌البلاغه و مناجات خمس عشر» از جاویدپور، فاطمه (بهار ۱۴۰۳)، پژوهش‌های نهج‌البلاغه) با رویکردی تحلیلی، به واکاوی جلوه‌های شکواییه در دو منبع برجسته حدیثی - دعایی شیعه پرداخته و تلاش می‌کند میزان اتکای این شکواییه‌ها بر آموزه‌ها و الگوهای بیانی قرآن را روشن سازد. نتایج مقاله نشان می‌دهد که ساختار و محتوای این شکواییه‌ها با تضمین‌ها، تلمیحات و همسانی‌های مفهومی با آیات قرآن شکل گرفته و در حقیقت، ترجمان و تفسیری زبانی از پیام وحی‌اند. در نتیجه، شکواییه‌های این دو منبع نه تنها بازتابی از رنج‌های انسان در مسیر تکامل‌اند، بلکه شیوه‌ای قرآنی برای اصلاح نفس و صیانت از پیوند انسان با خداوند را بازنمایی می‌کنند.

## ۲. مبانی نظری

## ۱-۲. بینامتنیت

زبان‌شناسی متن از دو بخش زبان‌شناسی و متن تشکیل شده است. برای درک مفهوم متن، ابتدا باید تعریفی جامع از متن و مفهوم آن ارائه داد. بوگرلند و درس‌ساز متن را به عنوان یک فرایند ارتباطی تعریف می‌کنند که برای برقراری ارتباط با جهان



بیرون، نیازمند ایجاد ارتباط درونی از طریق هفت معیار متنیت است. این هفت معیار عبارت‌اند از: پیوستگی، انسجام، مقبولیت، هدفمندی، اطلاع‌رسانی، موقعیت و بینامتنیت. (دی بوگراند و درس‌لر، ۱۹۸۱: ۳) این هفت معیار، ساختار و محتوای متن را شکل می‌دهند و به آن انسجام و متنیت می‌بخشند. هر یک از این معیارها نقش کلیدی در ایجاد متنی منسجم و قابل فهم ایفا می‌کنند و به متن توانایی ارتباط مؤثر با مخاطب را می‌دهند. (دهقان ضاد و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۱)

در ارتباط ویژگی درون‌متنی یا بینامتنیت<sup>۱</sup> رولان بارت در مقاله «مرگ مؤلف» می‌نویسد: یک متن، رشته‌ای از کلمات که ارائه‌دهنده یک معنای واحد باشد، نیست بلکه فضایی چندبعدی است که در آن نوشته‌های متنوعی، بدون آنکه هیچ یک اصیل باشند، درهم آمیخته‌اند. متن بافته‌ای از نقل قول‌های برگرفته از مراکز بی‌شمار فرهنگ است (Barthes, 1977: 11). مفهوم بینامتنیت بیانگر این است که هر متن در ارتباط با متون دیگر شکل می‌گیرد و وجود می‌یابد. این شاخص به عناصری اشاره دارد که موجب پیوند متن با اطلاعات پیشین یا متون قبلی می‌شود؛ یعنی زمانی که فهم متن به آگاهی‌های قبلی مخاطب یا تجارب متنی او وابسته است. (چندلر، ۱۳۹۰: ۲۸۷). بینامتنیت در دو صورت است بینامتنیت مستقیم که به صورت مستقیم لفظ و معنای متن قبل را در متن جدید ذکر کرده است و به صورت تلمیحی نیز است که اشاره‌ای به متن سابق دارد.

### ۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

این دعا نشان دهنده نحوه دعا است و مضامینی که هر دعا می‌تواند دربرداشته باشد همانطور که این دعا در بردارد عبارت‌اند از: توبه، اعتراف، فقر وجودی انسان، بازگشت، امید، حلم الهی، رحمت، ندامت، خوف و رجاء.

۱. مضمون اولی که هر دعا لازم است داشته باشد اعتراف به خواری و ذلت در اثر ارتکاب به گناه است. این مورد در متن دعا به این صورت است:

«أَلْبَسْتَنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِي... وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جِنَايَتِي»

در قرآن نیز به این مورد اشاره شده است و گناه را عامل ظلمت، قساوت و ذلت می‌داند مانند آیات زیر:  
 «بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (مطففین: ۱۴)، «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوءَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ» (روم: ۱۰)، «وَمَنْ يَهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ» (حج: ۱۸)

۲. مضمون دوم در اخلاق دعا می‌تواند مرگ قلب و احیای آن با توبه باشد که در دعای صحیفه سجادیه به صورت زیر بیان شده است:

«أَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جِنَايَتِي، فَأَحْيِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ»

اما قرآن در ارتباط با این مفهوم، احیای قلب را به زنده‌شدن با توبه و تقوا می‌داند، در ادامه به آیاتی که به این مورد می‌پردازند اشاره می‌شود:

«اعلموا أن الله يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (حَلِيد: ۱۷)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا» (تحریم: ۸)، «قل يا عبادي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (زمر: ۵۳)

۳. مورد سوم که در اخلاق دعا لازم است وجود داشته باشد اعتراف به ناتوانی و پناه‌بردن فقط به خداوند است:

«فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ؟ وَإِنْ رَدَدْتَنِي فَعَمَّنْ أَعُوذُ؟»

قرآن نیز بارها تأکید می‌کند که ملجأ فقط خداوند است، از جمله:

«فَقَرِّوْا إِلَى اللَّهِ» (ذاریات: ۵۰)، «لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ» (جن: ۲۲)، «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا» (یونس: ۱۲)، «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» (شوری: ۵۳)

۴. مورد بعد امید به مغفرت و جبران از جانب خداوند است که در متن دعا به این شکل بیان شده است:

<sup>1</sup>. Intertextuality



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

«یا غافر الذنب الكبير... یا جابر العظم الكسير... و تستر علی فاضحات السرائر...»

این موضوع با آیات قرآنی بینامتنیت دارد و قرآن سرشار از وعده آمزش و پوشانندگی است همچنین در دعا، صفات «غافر»، «جابر»، «ساتر» تکرار می‌شود؛ این موارد در قرآن نیز لفظاً وجود دارند، از جمله: «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً» (زمر: ۵۳)، «وَيَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ» (رعد: ۳۹)، «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ» (نساء: ۲۸)، «غافر الذنب و قابل التوب» (غافر: ۳)

۵. مورد پنجم ندامت و استغفار به‌عنوان توبه حقیقی است که در متن دعا به شکل زیر مورد استفاده قرار گرفته است: «ان كان الندم على الذنب توبةً فإني و عزتك من النادمين»

قرآن ندامت قلبی و بازگشت را اصل برای توبه می‌داند و در آیاتی به این اخلاق دعا اشاره می‌کند: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا» (فرقان: ۷۰)، «رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا...» (اعراف: ۲۳)، «وَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ» (توبه: ۱۰۲)

۶. از اخلاق‌های دیگر دعا می‌توان به بیان گشودگی در توبه توسط بنده اشاره کرد زیرا توسط این مفهوم زودتر به اجابت نزدیک می‌شود، متن دعا عبارت است از:

«أنت الذي فتحت لعبادك باباً إلى عفوك سمّيته التوبة...»

در قرآن، توبه امر الهی و خواسته خداوند است، در دعا نیز همین لطف خداوند برجسته شده است. آیات قرآنی در ارتباط با این اخلاق دعا عبارتند از:

«والله يريد أن يتوب عليكم» (نساء: ۲۷)، «توبوا إلى الله توبةً نصحاً» (تحریم: ۸)

۷. مفهوم بعد که از اخلاق دعا محسوب می‌شود اشاره به فقر وجودی انسان و غنای خداوند است تا ازین طریق باعث جلب عطوفت و رحمت خداوند شود. متن آن در دعا به شکل زیر است:

«ما أجد لذنوبي سواك غافراً...»

این متن با آیات زیر در ارتباط است:

«يا أيها الناس أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغني الحميد» (فاطر: ۱۵)، «قُلْ مَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً؟» (فتح: ۱۱)

۸. مورد بعدی از اخلاق دعا، درخواست رحمت، رأفت و لطف خداوند از طریق این متن «ظَلَّلَ عَلَى ذُنُوبِي غَمَامَ رَحْمَتِكَ... أُرْسِلَ عَلَيَّ عَيُوبِي سَحَابَ رَأْفَتِكَ» است و بینامتنیت با آیات قرآن دارد به فراگیری رحمت الهی اشاره دارد:

«وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف: ۱۵۶)

۹. مورد بعد از اخلاق دعا، امید و بیم (رجاء و خوف) است که تمام ادعیه‌های امام سجاد علیه السلام میان خوف و رجاء حرکت می‌کنند و بینامتنیت قرآنی با آیات زیر دارند:

«يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا» (سجده: ۱۶)، «إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ» (يوسف: ۸۷)

### ۳. نتیجه‌گیری

مقایسه دعا با آیات قرآن نشان می‌دهد که اخلاق دعا بر مجموعه‌ای از مضامین بنیادین استوار است، از جمله اعتراف به خطا و ذلت ناشی از گناه «أَلْبَسْتَنِي الْخَطَايَا ثُوبَ مَذَلَّتِي... و أمات قلبی عظیم جنایتی»، قرآن: «بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» و مرگ و احیای قلب با توبه «أمات قلبی عظیم جنایتی، فأحیه بتوبه منك»، قرآن: «اعلموا أن الله يحيي الأرض بعد موتها»، همچنین پناه‌جویی از خدا در اوج ناتوانی «فإن طردتنی من بابك فبمن ألوذ؟»، قرآن: «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ» و امید به مغفرت و لطف الهی «یا غافر الذنب الكبير... و استر علی فاضحات السرائر»، قرآن: «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً»، همچنین ندامت و



بازگشت واقعی، پذیرش توبه به‌عنوان لطف خدا، آگاهی از فقر وجودی انسان در برابر غنای خداوند، طلب رحمت و رأفت الهی، و تعادل میان خوف و رجاء، از دیگر عناصر اصلی اخلاق دعا هستند.

## مراجع

قرآن کریم

صحیفه سجادیه

چندلر، دنیل (۱۳۹۰). مبانی نشانه‌شناسی. مترجم: مهدی پارسا. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.

دهقان ضاد، رسول؛ ولی زاده، مرضیه و نیکبخت، سلمان. (۱۴۰۳). از احتجاج تا اقتناع؛ تحلیل نظام مجاب‌سازی

Barthes, R. (1977). *Death of the Author*, from *Image, Music, Text*. translated by Stephen Heath. London: Fontana.

Beaugrande, Robert-Alain de, and Dressler, Wolfgang U. (1981). *Introduction to Text Linguistics*. Translated by unknown. London: Longman



## ابعاد اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه: تحلیل محتوایی و کارکردهای آن در جامعه

### معاصر

یاسر شکری پور

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

Y.shokripour@pnu.ac.ir

### چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل ابعاد اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه انجام شد و بر پایه روش تحلیل محتوای کیفی، دعاهای منتخب امام سجاد(ع) بررسی شد. داده‌های استخراج شده نشان داد که مضمون‌های اخلاق اجتماعی در پنج محور اصلی سازمان یافته بود: عدالت‌محوری و رعایت حقوق عمومی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اخلاق ارتباطی و تنظیم مناسبات انسانی، کنترل خشم و مدیریت تعارض، و مواسات و یاری‌رسانی به نیازمندان. تحلیل انجام شده آشکار کرد که هر یک از این محورها ساختاری منسجم برای سامان‌دهی روابط فردی و جمعی ارائه کرده بود. یافته‌ها نشان داد که عدالت‌ورزی و رعایت حقوق مردم، بنیان تنظیم رفتار اجتماعی تلقی شده بود؛ مسئولیت‌پذیری، پیوندهای اجتماعی را تقویت کرده بود؛ و آموزه‌های ارتباطی، چارچوبی برای کاهش تنش‌های گفتاری و رفتاری فراهم کرده بود. همچنین نتیجه پژوهش نشان داد که این مضامین قابلیت به‌کارگیری در ارتقای اخلاق اداری، کاهش تعارضات اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی، اصلاح رفتارهای رسانه‌ای و حمایت از تربیت اخلاقی نسل جوان را داشته است. برآیند تحقیق نشان داد که صحیفه سجادیه‌الگویی کاربردی برای تقویت نظم اخلاقی و بازسازی روابط اجتماعی فراهم کرده است.

**کلمات کلیدی:** صحیفه سجادیه، اخلاق اجتماعی، عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سرمایه اجتماعی.



## ۱. مقدمه

اخلاق اجتماعی یکی از بنیادی‌ترین عناصر شکل‌دهنده نظم و پایداری جامعه است و مطالعه منابع دینی از این منظر می‌تواند تصویری روشن از مبانی رفتار جمعی در سنت اسلامی ارائه دهد. یکی از متونی که ظرفیت تبیین این مبانی را دارد، صحیفه سجادیه است؛ اثری که در قالب دعا تنظیم شده، اما ساختار محتوایی آن فراتر از معنویت فردی عمل می‌کند و شامل آموزه‌هایی درباره عدالت، مسئولیت‌پذیری، ارتباط انسانی، کنترل هیجان‌ها و همبستگی اجتماعی است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که این آموزه‌ها چگونه در دعاهای امام سجاد(ع) صورت‌بندی شده‌اند و چه ساختاری برای تنظیم روابط اجتماعی پیشنهاد کرده‌اند.

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی درباره جنبه‌های معنوی، عرفانی و اخلاق فردی صحیفه انجام شده است؛ اما مطالعات متمرکز بر اخلاق اجتماعی آن، پراکنده و اغلب موضوع‌محور بوده و کمتر به تحلیل منسجم مضامین اجتماعی در قالب یک نظام اخلاقی پرداخته‌اند. همین وضعیت، ضرورت بررسی دوباره این متن را از منظر اخلاق اجتماعی برجسته می‌کند.

رهیافت این پژوهش بر تحلیل محتوای کیفی دعاهای مرتبط با روابط انسانی استوار است. در این چارچوب، مضامین اخلاق اجتماعی استخراج و دسته‌بندی شده و سپس ظرفیت کاربرد آنها در مسائل معاصر ارزیابی شده است. هدف این رویکرد آن است که نشان دهد چگونه می‌توان مفاهیم اخلاقی مطرح‌شده در صحیفه سجادیه را به‌عنوان الگویی قابل فهم و قابل اجرا برای ارتقای رفتار اجتماعی و تقویت نظم اخلاقی در جامعه امروز به کار گرفت.

## ۲. جایگاه اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه یکی از مهم‌ترین منابع اخلاق اجتماعی در سنت اسلامی است و در دوره‌ای نگاشته شده که جامعه اسلامی پس از واقعه کربلا دچار فروپاشی اخلاقی، ضعف انسجام اجتماعی و تنش‌های شدید سیاسی شده بود. دعاهای امام سجاد(ع) در این مجموعه، برخلاف تصور رایج، تنها نیایش‌های فردی نیستند، بلکه نوعی بازسازی نظام اخلاق اجتماعی و ارائه الگویی برای تنظیم رابطه انسان با جامعه به شمار می‌آیند. در این متن، مفاهیمی همچون عدالت، مسئولیت‌پذیری، همدلی، کنترل خشم و رعایت حقوق دیگران بخشی از ساختار اخلاقی جامعه اسلامی معرفی شده‌اند و بازخوانی آنها در جامعه کنونی ظرفیت چشمگیری برای تقویت سرمایه اجتماعی و اخلاق عمومی دارد.

امام سجاد(ع) در بسیاری از دعاها، به‌ویژه در دعاهای ۲۰، ۲۴، ۲۷ و ۴۷، بر ضرورت ایجاد ساختارهای اخلاقی پایدار تأکید می‌کند. این دعاها نشان می‌دهد که آسیب‌های اجتماعی دوران امام، همچون بی‌عدالتی، سوءاستفاده از قدرت، فروپاشی اعتماد عمومی و خشونت گفتاری، مشابه چالش‌هایی است که جوامع امروز نیز با آن مواجه‌اند. بنابراین صحیفه سجادیه علاوه بر پیام معنوی، نقشه‌ای اجتماعی برای بازسازی روابط انسانی و تثبیت اخلاق جمعی ارائه می‌کند.

## ۳. عدالت‌محوری و مسئولیت اجتماعی در نگاه امام سجاد(ع)



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

عدالت‌محوری از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی در صحیفه است. امام سجاد(ع) در دعای ۴۷، هنگام دعا برای زمامداران، عدالت را معیار مشروعیت قدرت معرفی می‌کند و از حاکمان می‌خواهد «حق مظلوم را از ظالم ستانند» و از خودکامگی و تبعیض دوری گزینند (موسوی همدانی، ۱۴۱۶ق: ۲۶۹). این نگاه، عدالت را نه صرفاً فضیلتی فردی، بلکه بنیان نظم اجتماعی می‌داند. در دعای ۲۴ نیز امام بر رعایت حقوق همسایگان تأکید می‌کند و نشان می‌دهد عدالت در کوچک‌ترین حلقه‌های اجتماعی نیز باید رعایت شود (همان: ۱۴۸).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز لایه مهمی از اخلاق اجتماعی در صحیفه است. در دعای بیستم، امام از خداوند می‌خواهد انسان را نسبت به نیازهای دیگران حساس و از بی‌تفاوتی در برابر مشکلات اجتماعی دور نگه دارد (موسوی تبریزی، ۱۳۸۲: ۹۷). این دعا مسئولیت اجتماعی را وظیفه‌ای انسانی و دینی می‌داند و بر نقش فرد در رفع آسیب‌های اجتماعی تأکید می‌کند.

در سطح حکمرانی نیز، امام سجاد(ع) در دعای ۲۷ از خداوند می‌خواهد کارگزاران را از خیانت و ستم بازدارد، زیرا رفتار ناعادلانه آنان می‌تواند به فروپاشی اعتماد عمومی بینجامد (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ۱۵۴). این نگاه تأکید می‌کند مسئولیت اجتماعی تنها وظیفه افراد نیست، بلکه شامل وظایف ساختاری نهادهای حکومتی نیز می‌شود.

## ۴. اخلاق ارتباطی، کنترل خشم و مدیریت تعارضات

یکی از نوآورانه‌ترین ساحت‌های اخلاقی صحیفه سجادیه، توجه به اخلاق ارتباطی است. امام سجاد(ع) در دعای بیستم، زبان را ابزار سامان‌دهی روابط اجتماعی می‌داند و از خداوند می‌خواهد که زبان انسان را از دروغ، تهمت و سخن تخریب‌گر حفظ کند و آن را مایه اصلاح قرار دهد (موسوی تبریزی، ۱۳۸۲: ۱۰۵). این نگاه زبان را کلید شکل‌گیری اعتماد اجتماعی معرفی می‌کند و سخن گفتن را عملی اخلاقی می‌داند.

در دعای ۲۴، امام بر احترام متقابل در روابط اجتماعی تأکید می‌کند و می‌فرماید بی‌اعتنایی به حقوق دیگران موجب فروپاشی انسجام اجتماعی می‌شود (محدث قمی، ۱۳۷۵: ۲۲۳). این مفاهیم با نظریه‌های معاصر درباره سرمایه اجتماعی و ارتباطات اخلاقی همخوانی دارد.

کنترل خشم نیز در صحیفه جایگاهی اساسی دارد. در دعای مکارم‌الاخلاق، امام طلب می‌کند که خداوند «عقده غضب» را از او بگشاید و او را به حلم، بردباری و کظم‌غیظ بیاراید (موسوی تبریزی، ۱۳۸۲: ۱۱۲). این نگاه نشان می‌دهد که کنترل خشم نه فقط فضیلتی فردی، بلکه شرط حفظ سلام اجتماعی است.

در دعای ۲۷ نیز امام بر ضرورت پرهیز نهادهای قدرت از خشونت ناحق تأکید می‌کند (محدث قمی، ۱۳۷۵: ۲۳۰). این مبانی، الگوی جامعی برای مدیریت تعارضات اجتماعی و کاهش خشونت ساختاری ارائه می‌دهد که در جامعه امروز - به‌ویژه در فضای دیجیتال - کاربرد گسترده دارد.

## ۵. مواسات، همدلی و کارکردهای معاصر آموزه‌های صحیفه

۱۲۲



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

مواست، همدلی و کمک به نیازمندان در صحیفه جایگاهی محوری دارد. در دعای مکارم الاخلاق، امام سجاد(ع) یاری رساندن به نیازمندان را نشانه انسان اخلاقی معرفی می‌کند (موسوی تبریزی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). این نگاه نیازمند را عضوی از پیکره اجتماعی می‌داند و رفع نیاز او را بخشی از سلامت اجتماعی معرفی می‌کند.

در دعای ۲۴ نیز امام بر توجه به رنج دیگران تأکید می‌کند و بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات مردم را عامل فروپاشی همبستگی می‌داند (محدث قمی، ۱۳۷۵: ۲۳۱). این آموزه‌ها با نظریات مدرن درباره عدالت اجتماعی، تاب‌آوری اجتماعی و شبکه‌های حمایت اجتماعی همپوشی دارد.

در جامعه معاصر، این آموزه‌ها کاربردهای فراوانی دارند:

## ۱-۵. در اخلاق اداری

امام سجاد(ع) امانت‌داری، عدالت‌ورزی و پاسخگویی را ویژگی‌های اصلی کارگزاری می‌داند. در دعای ۲۰، خیانت در مسئولیت به شدت نکوهش شده است (فیض الاسلام، ۱۳۹۷: ۱۴۵). عدالت‌ورزی نیز در دعاهای مربوط به کارگزاران برجسته شده و می‌تواند مبنای اخلاق اداری در عصر کنونی باشد (فیض الاسلام، ۱۳۹۷: ۱۷۹).

## ۲-۵. در کاهش خشونت اجتماعی

کنترل خشم، مدارا و گفت‌وگو در آموزه‌های صحیفه نقش برجسته‌ای دارند و می‌توانند چارچوبی برای کاهش خشونت رفتاری و گفتاری در جامعه معاصر فراهم کنند. به‌ویژه تأکید بر گفت‌وگوی رحمانی در دعاهای اخلاقی، می‌تواند الگوی مناسبی برای رفتار در شبکه‌های اجتماعی باشد.

## ۳-۵. تقویت اعتماد عمومی

در دعاهای متعدد، امام بر پرهیز از سوءظن، صداقت در روابط و رعایت حقوق متقابل تأکید می‌کند؛ عناصری که در نظریه سرمایه اجتماعی به‌عنوان عوامل اصلی اعتماد عمومی شناخته می‌شوند (قمی، ۱۳۸۴: ۱۸۹؛ جعفریان، ۱۳۹۰: ۳۰۷).

## ۴-۵. تربیت نسل جوان

دعاهای صحیفه با تأکید بر خودسازی، تنظیم هیجانات و پرورش کرامت انسانی، مبنای مهمی برای تربیت نسل جوان محسوب می‌شوند. در دعای ۲۰، امام بر مهار شهوت و غضب تأکید می‌کند (امام سجاد، ۱۴۲۱ق: ۱۲۷) که با مباحث روان‌شناسی تربیتی امروز هماهنگ است.

این آموزه‌ها به جوانان کمک می‌کند تا مهارت‌های ارتباطی سالم، تاب‌آوری اجتماعی و هویت اخلاقی کسب کنند.



تحلیل انجام‌شده بر اساس محتوای صحیفه سجادیه نشان داد که این متن گران‌سنگ فراتر از یک مجموعه دعا، نظامی منسجم از اخلاق اجتماعی و تربیتی را ارائه می‌دهد که می‌تواند به‌عنوان الگویی قابل‌کاربرد در جامعه معاصر مورد بهره‌برداری قرار گیرد. اصول بنیادینی همچون عدالت‌محوری، رعایت حقوق مردم، خودکنترلی، مسئولیت‌پذیری، همدلی، مدارا، اعتدال رفتاری و مشارکت اجتماعی، در ساختاری منظم بیان شده و هر یک توانسته‌اند زمینه‌ای برای بازسازی روابط انسانی و تقویت انسجام اجتماعی فراهم کنند. یافته‌ها نشان داد که ساختار اخلاقی صحیفه، اخلاق را نه یک امر فردی بلکه فرآیندی اجتماعی می‌داند که بر پیوندهای انسانی، مدیریت تعارضات و افزایش سرمایه اخلاقی و اجتماعی تأثیر مستقیم دارد.

در ارزیابی کارکردهای معاصر این نظام اخلاقی، روشن شد که توصیه‌های صحیفه قابلیت انطباق با چالش‌های امروز جامعه را دارد. در فضایی که بی‌اعتمادی، خشونت کلامی، گسست نسلی، ضعف اخلاق اداری و فرسایش سرمایه اجتماعی از معضلات جدی به‌شمار می‌آید، آموزه‌های امام سجاد(ع) می‌تواند چارچوبی علمی و قابل اجرا برای بازسازی فرهنگ عمومی فراهم سازد. تأکید بر کنترل هیجان‌ها، رعایت ادب گفتاری، پرهیز از ظلم و خودبزرگ‌بینی، دقت در حقوق دیگران، اصلاح نیت‌ها، و یاری‌رسانی به نیازمندان، شبکه‌ای از رفتارهای اجتماعی را سامان می‌دهد که با معیارهای اخلاق حرفه‌ای، شهروندی مسئولانه و همزیستی مسالمت‌آمیز انطباق دارد.

یافته‌های این پژوهش به‌روشنی نشان داد که صحیفه سجادیه علاوه بر ارزش معنوی، ظرفیت نظری و کاربردی مهمی برای شکل‌دهی به الگوهای تربیتی و اجتماعی دارد. این متن با ارائه راهبردهای رفتاری مبتنی بر کرامت انسان، از سویی به اصلاح فرد کمک می‌کند و از سوی دیگر ساختاری برای اصلاح جامعه پیشنهاد می‌دهد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بازخوانی و به‌کارگیری نظام اخلاقی صحیفه سجادیه قادر است بسیاری از مشکلات فرهنگی و اجتماعی امروز را کاهش دهد و موجب تقویت سرمایه اخلاقی، ارتقای کارآمدی ارتباطی، افزایش اعتماد عمومی و استحکام تعاملات اجتماعی شود. از این منظر، صحیفه نه فقط میراثی تاریخی، بلکه منبعی زنده و کارآمد برای پاسخ‌گویی به نیازهای اخلاقی جامعه معاصر است.

#### منابع

- ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۲۵ق، إقبال‌الأعمال، قم، مکتبه بصیرتی.  
 پورجوادی، نصرالله، ۱۳۸۷، شرح و تحلیل دعاهای صحیفه سجادیه، تهران، نشر هرمس.  
 جعفریان، رسول، ۱۳۹۰، تاریخ اسلام و روابط قدرت، تهران، نشر علم.  
 طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.  
 فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۰۶ق، الصحیفه‌السجادیه، قم، دفتر نشر اسلامی.  
 فیض‌الاسلام، سید علی‌نقی، ۱۳۹۷، ترجمه و تحقیق صحیفه سجادیه، تهران، انتشارات علمیه.  
 کمره‌ای، محمدباقر، ۱۳۸۴، ترجمه و تعلیقات بر صحیفه سجادیه، تهران، کتابخانه اسلامی.  
 محدث قمی، عباس، ۱۳۷۵، مفاتیح الجنان، قم، دارالکتب الاسلامیه.  
 موسوی تبریزی، سید محمد، ۱۳۸۲، شرح دعای مکارم الاخلاق، تهران، مرکز مطالعات اسلامی.  
 موسوی همدانی، سید محمدباقر، ۱۴۱۶ق، ترجمه و شرح صحیفه سجادیه، قم، نشر اسلامی.



کاربست راهبرد «افزایش» در ترجمه متون دینی؛ واکاوی ترجمه حسین انصاریان از

صحیفه سجادیه در چارچوب نظریه گارسس

یوسف متقیان نیا

دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

joseph.mitaghi@gmail.com

مینا حسونی نژاد

دانش آموخته مترجمی زبان عربی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

minahasoni6@gmail.com

#### چکیده

صحیفه سجادیه، به عنوان گنجینه‌ای جامع از معارف الهی و اثری ادبی بی‌همتا، نیازمند ترجمه‌ای دقیق و تحلیل شده است. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه کارمن گارسس و با کاربرد روش توصیفی تحلیلی، به بررسی روشمند راهبرد «افزایش» در ترجمه حسین انصاریان می‌پردازد. هدف، ارزیابی کیفیت این ترجمه و ارائه معیاری عینی برای سنجش وفاداری در ترجمه متون دینی است. راهبرد افزایش در ترجمه انصاریان آثار دوسویه‌ای بر جای گذاشته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از یک سو، با عینی‌سازی مفاهیم، تقویت تصاویر ادبی و شفاف‌سازی معانی ضمنی، به خلق ترجمه‌ای پویا، جذاب و احساس‌برانگیز انجامیده که در انتقال روح دعا و ایجاد ارتباط عاطفی با مخاطب فارسی‌زبان موفق عمل کرده است. از سوی دیگر، در مواجهه با ساختارهای دشوار یا به دلیل زیاده‌روی در تفسیر، در مواردی به تخریب ایجاز، ساختار موزون و حتی تحریف ظریف معنایی منجر شده و از دقت زبانی و وفاداری ساختاری کاسته است.

**کلمات کلیدی:** صحیفه سجادیه، نظریه‌های ترجمه، گارسس، راهبرد افزایش، انصاریان.



## ۱. مقدمه

صحیفه سجادیه، که به «زبور آل محمد(ص)» و «انجیل اهل بیت(ع)» نیز شهرت دارد، فراتر از یک کتاب ادعیه، دائره‌المعارف جامعی از علوم الهی، اخلاق، عرفان، فلسفه زندگی و حقوق اجتماعی است. این ویژگی‌ها باعث شده تا بسیاری از ادباء و علمای بلاغت، لقب «أخت القرآن» (خواهر قرآن) را بر آن نهاده و آن را هم‌تراز با فصاحت و عمق معنایی کلام وحی بدانند (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا: ۱۸-۱۵). یکی از ترجمه‌های فارسی متعلق به حسین انصاریان است که با توجه به جایگاه متن مبدأ و پیچیدگی‌های ذاتی ترجمه‌ی متون دینی، نیازمند بررسی نظام‌مند و روش‌مندی بر پایه‌ی چارچوب‌های نوین ترجمه‌شناسی است. بر این اساس، پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه‌ی کارمن گارسس و به روش توصیفی - تحلیلی، درصدد است تا دو راهبرد کلیدی «افزایش» را در ترجمه انصاریان از صحیفه سجادیه واکاوی نماید. اهمیت و ضرورت این مطالعه، افزون بر حساسیت زبانی و معنایی متن مقدس صحیفه، از کاربست یک چارچوب نظری ساختاریافته و روش‌مند در نقد و ارزیابی ترجمه متون دینی نشئت می‌گیرد که می‌تواند معیارهای عینی‌تری برای سنجش کیفیت و وفاداری در این گونه ترجمه‌ها ارائه دهد. از این رو پرسش اصلی پژوهش حاضر بدین صورت است:

راهبرد افزایش چه تاثیری بر ترجمه انصاریان گذاشته است؟

## ۲. کارمن گارسس و نظریه چهار سطحی ترجمه

نظریه کارمن والر گارسس، که در سال ۱۹۹۴ میلادی ارائه شد، از جمله چهارچوب‌های جامع و نظام‌مند در ارزیابی ترجمه به شمار می‌رود. این نظریه با تلفیق و توسعه‌ی دیدگاه‌های برجسته‌ای چون یوجین نایدا و پیتر نیومارک، رویکردی کاربردی و تحلیل‌محور برای نقد ترجمه پیشنهاد می‌کند (متقیان نیا و همکاران، ۲۰۲۵: ۵). محور بنیادین این الگو، تحقق «برابری» میان متن مبدأ و متن مقصد است، به این معنا که مترجم موظف است تا حد امکان هم‌ارزی و وفاداری را نسبت به متن اصلی حفظ کند (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۷: ۱۲۵). برای تحقق این هدف، گارسس مدل تحلیلی خود را در چهار سطح متمایز و سلسله‌مراتبی طراحی کرده است: ۱- سطح واژگانی-معنایی: بررسی انتخاب واژگان و دلالت‌های معنایی. ۲- سطح نحوی-ساختاری: تحلیل ساختار جمله و روابط دستوری. ۳- سطح گفتمانی-کارکردی: توجه به انسجام متن، کارکردهای ارتباطی و بافت کلان. ۴- سطح سبکی-عملی: بررسی ویژگی‌های سبکی و بازتاب بافت موقعیتی و فرهنگی (رشیدی و فرزانه، ۱۳۸۹: ۴۳). گارسس برای هر یک از این سطوح، راهبردها و معیارهای تحلیلی مشخصی ارائه می‌دهد که امکان ارزیابی عینی، ساختاریافته و گام‌به‌گام کیفیت ترجمه را فراهم می‌سازد. این رویکرد چهارسطحی، آن را به ابزاری مؤثر برای پژوهش‌های دقیق ترجمه‌شناسی تبدیل کرده است. گارسس در سطح معنایی-واژگانی به بررسی انتقال معانی واژگان و اصطلاحات می‌پردازد؛ یعنی چگونگی ترجمه دقیق معادل‌های معنایی کلمات و عباراتی که ممکن است نیازمند بسط، تقییر، یا تغییر معنایی جزئی باشند تا مفهوم درست منتقل شود. راهبرد افزایش از مهمترین تکنیک‌های این سطح هستند. در ادامه با تعریف و شرح این راهبرد به واکاوی آن‌ها در ترجمه انصاریان پرداخته خواهد شد:

## ۲-۱. کاربست و واکاوی راهبرد افزایش

افزایش یا بسط (Expansion) به معنای افزودن یک یا چند کلمه به متن ترجمه است که به دلیل ضرورت‌های ساختاری زبان مقصد یا برای روشن‌تر شدن مفهوم انجام می‌شود (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۲). در برخی موارد، مترجم ممکن است معنایی را که در زبان مبدأ به صورت ضمنی آمده است، به شکل صریح‌تر بیان کند تا فهم مخاطب زبان مقصد تسهیل شود. این فرآیند که به آن تصریح گفته می‌شود، یکی از روش‌های هماهنگی در ترجمه است و زمانی رخ می‌دهد که اطلاعات موجود در متن اصلی با وضوح و آشکارسازی بیشتری به ترجمه منتقل می‌شود. بسط معمولاً زمانی به کار گرفته می‌شود که نیاز باشد مفاهیم پیچیده یا ارجاعات فرهنگی که ممکن است برای خواننده متن مقصد نامفهوم باشند، با توضیح یا اضافه کردن کلمات لازم روشن گردد (خزاعی فر،



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۱۳۹۱ش: ۴۹). چنین روشی به رفع دشواری‌های زبانی و فرهنگی در ترجمه کمک کرده و تضمین می‌کند که معنای دقیق متن اصلی به‌طور کامل و دقیق به مخاطب منتقل شود.

نمونه ۱: و خَلَّتِي لَا يَسْدُهَا إِلَّا طَوْلُكَ. ترجمه: و درگاه فقر و نداریم را جز عطایت نمی‌بندد (انصاریان، ۱۳۸۹ش: ۴۰۰). در این نمونه، مترجم در مواجهه با واژه «خَلَّة» به معنای «سوراخ، نیازمندی و بینوایی» (بستانی، ۱۳۷۵ش: ۳۷۱) رویکردی تفسیری-توسعه‌ای در پیش گرفته است. وی به جای برگردان تحت‌اللفظی آن به «نیازمندی‌ام» یا «فقر من»، با ساخت ترکیب «درگاه فقر و نداری»، عملاً از راهبرد «افزایش توصیفی» بهره برده است. واژه «خَلَّة» در این فراز از دعا، در کنار فعل «يَسْدُهَا» (آن را می‌بندد) قرار گرفته و یک استعاره ملموس می‌سازد، فقر همچون روزنه یا درگاهی است که باید بسته شود. انصاریان با تشخیص این رابطه استعاری، ترجمه را در سطح تصویر ادبی ارائه می‌دهد. بنابراین، «درگاه» به عنوان قرینه «بستن» انتخاب شده تا انسجام تصویری جمله در فارسی حفظ شود. همچنین افزودن دو مترادف «فقر و نداری» برای یک واژه عربی («خَلَّة»)، نوعی تأکید و توضیح است. این کار ضمن پرهیز از ابهام برای خواننده فارسی‌زبان، بر شدت و گستره معنای «نیازمندی» در پیشگاه الهی تأکید می‌ورزد و مفهوم را برای مخاطب ملموس‌تر می‌سازد. از منظر نظریه گارسس، این اقدام را می‌توان در سطح سبکی-عملی توجیه کرد، جایی که مترجم برای حفظ «کارکرد» عاطفی و ادبی متن در زبان مقصد، در «سبک» بیان دست به گسترشی هدفمند می‌زند. این انتخاب، نشان‌دهنده درک مترجم از لایه‌های پنهان معنا و تلاش برای انتقال همه‌جانبه پیام است. زیرا هر متنی دو لایه معنایی دارد: معنای واژگانی یا قاموسی که در ظاهر نمایان می‌گردد و معنای اضافی که به لایه‌های زیرین معنا اشاره دراد (الخولی، ۲۰۰۱م: ۷۶ به نقل از متقیان نیا و نویدی، ۱۴۰۳ش: ۱۲۱).

نمونه ۲: الَّذِينَ صَفِيَتْ لَهُمُ الْمَشَارِبُ، وَبَلَّغْتَهُمُ الرَّغَائِبَ. ترجمه: همان بندگان پاک که آب از سرچشمه صفای توحید نوشاندی و به آرزویشان رساندی (انصاریان، ۱۳۸۹ش: ۳۹۱).

مترجم در برابر عبارت کنایی «الَّذِينَ صَفِيَتْ لَهُمُ الْمَشَارِبُ»، از راهبرد افزایش تفسیری-تبیینی بهره برده است. این افزایش در دو محور اصلی صورت گرفته است: نخست، افزودن ترکیب وصفی «بندگان پاک» برای مشخص‌سازی مرجع ضمیر «الَّذِينَ» و برجسته‌سازی ویژگی معنوی آنان؛ و دوم، تبدیل عبارت «المشارب» (آبشخورها) به «سرچشمه صفای توحید» که انتقال از استعاره ملموس به مفهوم انتزاعی-عرفانی است. از منظر نظریه گارسس، این افزایش را می‌توان در سطح گفتمانی-کارکردی توجیه کرد. کارکرد اصلی این فراز، بیان فضل الهی در هدایت و تربیت اولیای خاص خویش است. ترجمه انصاریان با شفاف‌سازی و عینی‌سازی این مفاهیم، کارکرد ستایش‌آمیز و معرفت‌افزای متن مبدأ را برای مخاطب فارسی‌زبانی که ممکن است با ظرافت‌های استعاری زبان عربی آشنایی کمتری داشته باشد، به‌طور کامل محقق می‌سازد و بدین ترتیب برابری کارکردی را برقرار می‌کند. از سوی دیگر این افزایش، منجر به تقویت سبک ادبی و خطابی ترجمه شده است. ترکیب «بندگان پاک» در تقابل با «آرزویشان»، نوعی موازنه ادبی ایجاد کرده و لحن جمله را از یک گزاره ساده به بیانی حماسی-عرفانی ارتقا می‌دهد. همچنین، با انتخاب فعل «نوشاندی» و عبارت «سرچشمه صفای توحید»، انسجام تصویر استعاری حفظ شده و حتی غنای زیبایی‌شناختی آن افزایش یافته است. این رویکرد مترجم را نگاهی به خواننده دانست که متن را رهگذر خوانش مترجم دریافت می‌کند. البته باید یادآور شد که چنین افزایشی مورد بحث و بررسی بوده و برخی از آن به ناوفاداری و عدم پایبندی به متن یاد می‌کنند (متقیان و همکاران، ۲۰۲۴م: ۹۴).

نمونه ۳: أَتَيْتَكَ طَامِعاً فِي إِحْسَانِكَ، رَاغِباً فِي امْتِنَانِكَ، مُسْتَسْقِياً وَأَيْلَ طَوْلِكَ، مُسْتَمْطِراً غَمَامَ فَضْلِكَ. ترجمه: آمده‌ام به درگاهت درحالی که به احسان تو چشم طمع و به نعمت‌هایت دیده‌ی رغبت دارم، تشنه‌ی باران احسانت و ابر عنایتت (انصاریان، ۱۳۸۹ش: ۳۸۳).

در این فراز بلاغی، مترجم با رویکردی مبتنی بر بسط معنایی راهبرد افزایش را به کار گرفته است تا هم عمق عاطفه موجود در متن اصلی را منتقل کند و هم آن را در قالبی فاخر و متناسب با ذائقه ادبی فارسی روان‌سازی نماید. افزودن واژه «درگاه» به



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

فعل «أَتَيْتَكَ» (آمدم به سوی تو)، تصویر مکانی و عینی به این حرکت معنوی می‌بخشد. این افزایش، مفهوم «تقرب» را که در بافت عرفانی دعا نهفته است، ملموس‌تر کرده و فضای «حضور در پیشگاه» را برای خواننده فارسی‌زبان ایجاد می‌کند. همچنین مترجم به جای ترجمه تحت‌اللفظی دو صفت «طامعاً» و «راغباً» («طمع‌کار» و «مشتاق»)، با ساخت ترکیبات «چشم طمع» و «دیدۀ رغبت»، حالت نفسانی را به ابزار ادراک تبدیل کرده است. علاوه بر این عبارت اصلی با دو تصویر مستقل «طلبیدن سیلاب بخشش» («مُسْتَسْقِيًا») و «طلبیدن ابر فضل» («مُسْتَمْطِرًا») عمل می‌کند. انصاریان این دو را در یک تصویر منسجم و فشرده «تشنه باران احسانت و ابر عنایتت» ادغام کرده است. این کار ضمن حفظ استعاره‌ی محوری «آب» به عنوان نماد رحمت، با حذف فعل‌های عاطفی و ایجاد ترکیب اضافی روان‌تر، انسجام و ایجاز فارسی را افزایش داده است. همچنین مترجم با تغییر ساختار نحوی (تبدیل صفت به ترکیب اضافی یا حال جمله)، متن را با الگوهای بیانی رایج و ادبی فارسی هماهنگ ساخته است. این رویکرد اگرچه ممکن است از نظر برابری ساختاری دقیق با متن مبدأ فاصله بگیرد، اما در عوض، برابری در تأثیر بلاغی، عاطفی و زیبایی‌شناختی را محقق ساخته و ترجمه‌ای پویا و مبتنی بر «معنای مورد قصد» ارائه داده است.

نمونه ۴: رَبِّ أَفْحَمْتَنِي ذَنْبِي، وَ انْقَطَعَتْ مَقَالَتِي، فَلَا حُجَّةَ لِي. ترجمه: پروردگارا! گناهم مرا از گفتار باز داشته و رشته سخنم به خاطر شدت شرمندگی از هم گسیخته، بهانه و عذری و دلیل و برهانی برایم نیست (انصاریان، ۱۳۸۹ش: ۳۶۱).

در این فراز، مترجم با استفاده از راهبردهای توسعه معنایی، در پی عینی‌سازی و تشدید تأثیر عاطفی مفهوم اصلی برآمده است. با این حال، این رویکرد، مواجهه با نقدهای احتمالی در حوزه وفاداری ساختاری و ایجاز را در پی دارد. برگردان «أَفْحَمْتَنِي ذَنْبِي» به «گناهم مرا از گفتار باز داشته»، انتقال نسبتاً دقیقی از مفهوم «خاموش کردن با دلیل قاطع» (فحامت) است زیرا فعل «أَفْحَمْتَنِي» از مصدر «إِفْحَام» گرفته شده است، و معنای «خاموشی و سکوت در برابر پاسخ و خاموش کردن با دلیل» (موسی و صعیدی، ۱۳۶۹ش، ج ۱: ۲۴۶) است. اما نقطه اوج افزایش در بسط «انْقَطَعَتْ مَقَالَتِي» به «رشته سخنم به خاطر شدت شرمندگی از هم گسیخته» رخ می‌دهد. تبدیل مفهوم انتزاعی «قطع شدن سخن/کلام» به تصویر ملموس «گسیختن رشته سخن». این استعاره ضمن تقویت جنبه ادبی، بر شکنندگی و از دست رفتن انسجم فکری گوینده تأکید می‌ورزد. البته افزودن عبارت «به خاطر شدت شرمندگی»، تبیین علتی است که در متن مبدأ به صورت تلویحی و درونی در مفهوم «فحامت» و «انقطاع» نهفته است. این افزایش، تفسیر شخصی مترجم از علت سکوت را آشکار می‌سازد و لایه روان‌شناختی به ترجمه می‌افزاید و در بسیاری از ترجمه‌های دینی قابل مشاهده است (متقیان نیا و عموری، ۲۰۲۵م: ۱۱۱). همچنین ترجمه واژه منحصر به فرد «حُجَّةً» به چهار ترکیب «بهانه و عذر و دلیل و برهان»، نمونه‌ای بارز از افزایش تفسیری با هدف پوشش تمامی دلالت‌های معنایی است. مترجم می‌کوشد همه جوانب معنایی «حجت» (از توجیه ضعیف «بهانه» تا استدلال محکم «برهان») را پوشش دهد تا هیچ کدام از جنبه‌های عجز و درماندگی بیان شده در دعا، از قلم نیفتد. مترجم با این افزایش‌ها، در صدد جبران فاصله زبانی-فرهنگی و شفاف‌سازی همان مفاهیم تلویحی برای مخاطب فارسی‌زبان است که ممکن است این افزایش معنایی را در واژگان فشرده عربی در نیابد.

نمونه ۵: وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا، الْجَسِيمُ أَمَلًا. ترجمه: از نظر عمل بنده‌ای ناتوانم، معلم در کمیت اندک و در کیفیت دارای عیب و نقص و از جهت آرزو، دارای آرزوی بزرگ و فراوانم (انصاریان، ۱۳۸۹ش: ۱۹۷).

این نمونه، برجسته‌ترین مثال از چالش ترجمه ساختارهای دستوری خاص زبان عربی (در اینجا تمییز) به فارسی است. انصاریان با مواجهه با عبارت موجز و متوازن بالا، به جای یافتن معادلی فشرده و ادبی، رویکردی تحلیلی-توصیفی در پیش گرفته که منجر به خروج از قالب اصلی و ایجاد متنی طولانی و فاقد ایجاز شده است. واژگان «عَمَلًا» و «أَمَلًا» در اینجا نقش تمییز دارند. انصاریان برای حل این چالش، دو صفت فشرده («ضعیف» و «جسیم») به جملات کامل تبدیل شده‌اند: «ناتوانم... معلم در کمیت اندک و در کیفیت دارای عیب و نقص» و «دارای آرزوی بزرگ و فراوانم». همچنین برای واژه «ضعیف»، نه تنها معنای اصلی («ناتوان») آورده شده، بلکه به صورت تحلیلی به دو جنبه کمی («اندک») و کیفی («دارای عیب و نقص») تقسیم شده



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

است. این، تفسیر شخصی و گسترده‌ای از «ضعف عمل» است. با این رویکرد ساختار موزون و متقارن عربی (صفت + تمییز، صفت + تمییز) که بر تضاد تأکیدی بین «عمل» و «آرزو» می‌گذارد، کاملاً از بین رفته و به نثری تحلیلی و توصیفی تبدیل شده است. بلاغت ناشی از ایجاز و تقابل قربانی شفافیت تفسیری شده است.

نمونه ۶: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سِتْرِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَ مَعَاذِكَ بَعْدَ حُبِّكَ، فَكَلَّمْنَا قَدْ افْتَرَفَ الْعَائِبَةُ فَلَمْ تَشْهَرَهُ، وَ ارْتَكَبَ الْفَاحِشَةَ فَلَمْ تَفْضَحْهُ، وَ تَسْتَرَّ بِالْمَسَاوِي فَلَمْ تَدَلِّ عَلَيْهِ. ترجمه: خدایا! تو را سپاس بر پرده‌پوشی‌ات بعد از آگاهی‌ات و بر قدرتت پس از دانستنت. همه ما مرتکب گناهان و معاصی شدیم و تو احدی از ما را بین مردم به گناه مشهور نکردی؛ و به کارهای زشت و ناپسند آلوده شدیم و تو یک نفر از ما را در برابر بندگانت رسوا نساختی. هر یک از ما خود را به پرده زشتی و گناه پوشاند و تو احدی را بر زشتی‌ها و گناهانش راهنمایی نکردی (انصاریان، ۱۳۸۹: ش: ۲۱۱).

در این فراز که ستایش الهی بر پرده‌پوشی بی‌بدیل را موضوع قرار داده، مترجم با اتکای افراطی به راهبرد مترادف‌ها، به اصل ایجاز و زیبایی متن آسیب جدی وارد ساخته است. تبدیل مفاهیم کلیدی «العائبة»، «الفاحشه» و «المساوی» به جفت‌واژه‌های «گناهان و معاصی»، «کارهای زشت و ناپسند» و «زشتی و گناه»، نه تنها هیچ ارزش افزوده‌ای در انتقال معنا ایجاد نکرده، بلکه با ایجاد حشو و اطناب، ساختار موزون و فشرده عبارات عربی را مخدوش کرده است. بنابراین از منظر مدل گارسس، این ترجمه در سطح واژگانی-معنایی با انتخاب مترادف‌های تکراری، دقت و تمایز معنایی واژگان اصلی از بین رفته است. پس این نمونه، مصداقی بارز از شکست راهبرد افزایش است که به جای تسهیل درک، منجر به تحریف معنای محوری و تخریب ساختار ادبی متن شده است. از سوی دیگر با گسترده‌گویی در عبارتهای «فلم تشهره» یعنی آن را بی‌آبرو نساختی و «فلم تفضحه» یعنی رسوا نساختی، و «فلم تدل علیه» بر او رهنمون نکردی، آن مخفی بودن متن که با ویژگی‌های خداوند هم‌راستا بوده را نادیده گرفته است و توضیح و تفسیر را بسیار آورده است.

نمونه ۷: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْسِرْ شَهْوَتِي عَنْ كُلِّ مَحْرَمٍ، وَ ارْزُ حِرْصِي عَنْ كُلِّ مَأْتَمٍ. ترجمه: خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و بنای شهوتم را از هر حرامی در هم شکن و خواسته و طمع شدیدم را از هر معصیتی دور دار (انصاریان، ۱۳۸۹: ش: ۲۲۶).

مترجم در مواجهه با فراز «اكْسِرْ شَهْوَتِي»، با افزودن واژه «بنا» و ساخت ترکیب «بنای شهوت»، راهبرد افزایش در پیش گرفته است. این افزایش مختصر، یک انتقال کیفی ایجاد می‌کند و مفهوم روان‌شناختی و انتزاعی «شهوت» را به تصویری ملموس و استعاری از یک ساختار محکم و قابل تخریب تبدیل می‌نماید. از منظر نظریه گارسس، این اقدام در سطح سبکی-عملی قابل توجیه است. کارکرد این فراز، بیان عجز و دعا برای ریشه‌کن کردن خصلتی ویرانگر با زبانی ادبی و مؤثر است. ترجمه انصاریان با تولید این تصویر، همان کارکرد تأثیرگذاری و بیان عاجزانه را در زبان مقصد محقق می‌سازد و در واقع به برابری در تأثیر بلاغی دست می‌یابد.

نمونه ۸: مَنَّكَ ابْتِدَاءً، وَ عَفْوُكَ تَفَضُّلاً، وَ عَفْوَبُتُكَ عَدْلًا، وَ قَضَاؤُكَ خَيْرَةً. ترجمه: نعمتت ابتداست، دست کسی در ساخت و پرداختش دخالت ندارد و گذشتت احسان و مجازات عدالت و فرمانت اختیاری است (انصاریان، ۱۳۸۹: ش: ۲۲۶).

مترجم با مواجهه با صفت «ابْتِدَاءً» برای «مِنَّةً» (نعمت)، که به معنای «آغازین، بی‌پیشینه و بدون علت سابق از سوی ما» است، در پی تبیین این مفهوم برآمده است. افزوده «دست کسی در ساخت و پرداختش دخالت ندارد»، تلاشی است برای بیان این که این نعمت، محض و خالص از جانب خداست و نه پاداش عملی از سوی بنده. این تفسیر، در راستای رد مفهوم «استحقاق» و تأکید بر «تَفَضُّلٌ محض» الهی است. از سوی دیگر این فراز از چهار جمله کوتاه، موزون و متقارن تشکیل شده که هر یک صفتی از صفات الهی را با قاطعیتی ستایش‌آمیز بیان می‌کند. افزودن یک جمله توضیحی طولانی فقط به یکی از اجزا، این تقارن، ایجاز و ضرباهنگ ادبی را به شدت مخدوش می‌سازد و ترجمه را از حالت یک گزاره حکمی فشرده به یک عبارت ناهمگون تبدیل



می‌کند. بنابراین این افزایش، مصداقی از تفسیر اضافی و غیرضروری است که نه تنها کارکرد مثبتی ندارد، بلکه به انسجام سبکی و دقت مفهومی متن آسیب می‌زند.

### ۳. نتیجه‌گیری

واکاوی نمونه‌های بالا این نتایج را در پی داشت: در موارد (مانند نمونه‌های ۱، ۲، ۳ و ۹)، راهبرد افزایش به مترجم امکان داد تا مفاهیم انتزاعی، استعاره‌های فشرده و بار عاطفی مستتر در متن اصلی را به شیوه‌ای ملموس، عینی و گاه حتی پرمایه‌تر در زبان فارسی بازآفرینی کند. این گسترش هدفمند (مانند ساخت ترکیب «درگاه فقر و نداری»، تبدیل «مشارب» به «سرچشمه صفای توحید»، یا ابداع استعاره «بنای شهوت») نه تنها از ایجاد ابهام جلوگیری کرد، بلکه با حفظ یا تقویت کارکرد ستایش‌گرانه، تضرع‌آمیز و عرفانی متن، به تحقق «برابری در تأثیر» و وفاداری پویا در سطح گفتمانی-کارکردی و سبکی منجر شد. در این نمونه‌ها، افزایش عاملی برای خلق متنی روان، اثرگذار و هم‌آهنگ با ادبیات فارسی بود.

اما در موارد (نمونه‌های ۷ و ۱۰)، کاربست افراطی این راهبرد، تأثیری معکوس داشت. افزایش‌های تحلیلی طولانی (مانند شرح «تمییز» در نمونه ۷)، تکثیر مترادف‌های حشوآمیز (نمونه ۸) و افزوده‌های تفسیری غیرضروری (نمونه ۱۰) موجب تخریب ایجاز بی‌نظیر، موازنه ادبی و ضرباهنگ متن اصلی شد. این موارد نشان می‌دهد که افزایش، هنگامی که از درک ظرافت‌های نحوی و معناشناسی متن مبدأ فاصله بگیرد یا اعتماد به درک خواننده را نادیده انگارد، می‌تواند به اطناب، سنگینی و انحراف از پیام اصلی بینجامد.

### مراجع

- [۱]- آقابزرگ تهرانی، محمدحسن. (بی‌تا)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: اضاوا.
- [۲]- بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵ش). فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، تهران: اسلامی.
- [۳]- خزاعی فر، علی (۱۳۹۱). ترجمه متون ادبی، تهران: انتشارات سمت.
- [۴]- الخولی، محمد علی (۲۰۰۱م). علم الدلالة، ط ۱، عمان: دار الفلاح للنشر والتوزيع.
- [۵]- رشیدی، ناصر و شهین، فرزانه (۱۳۸۹). ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا اثر مارک تواین بر اساس الگوی گارسس، دوفصلنامه زبان پژوهی، س ۲، ش ۳، صص ۵۸ - ۱۰۸.
- [6]- Garcés, C. V. (1994). A Methodological Proposal for the Assessment of Translated Literary Works. Babel. No. 40. Pp 77-101.
- [۷]- متقیان نیا، یوسف و همکاران (۲۰۲۵). دراسة الترجمة العربية لرواية «گاوخونی» لجعفر مدرس صادقی؛ وفق نظرية کارمن غارسس (المستوى الدلالي والمعجمي أنموذجاً)، مجلة علوم اللغة العربية (فصلية محكمة)، مقالات آماده انتشار.
- [۸]- متقیان نیا، یوسف و نویدی، عبدالوحید (۲۰۲۴). التکافؤ المعجمي في الترجمة العربية لديوان عبد القادر الجیلانی بناءً علی نظرية منی بیکر (ترجمة منال الیمنی عبد العزیز أنموذجاً). دراسات فی اللغة العربية وأدابها، ۱۵(۳۹)، ۱۰۹-۱۴۱.
- [۹]- متقیان نیا، یوسف و همکاران (۲۰۲۴م). التکافؤ اللغوي في ترجمة رواية «مدیر مدرسه» لـ "جلال آل أحمد" (بناءً علی نظرية التکافؤ الوظيفي لـ منی بیکر، ابن المقفع فی القص والقصيد) مجلة علوم اللغة العربية وأدابها سابقاً، ۲۰(۱)، ۱۰۳-۱۰۹.
- [۱۰]- متقیان نیا، یوسف و عموری، نعیم (۲۰۲۵م). الترجمات الفارسية للقرآن الکریم واشکالیة التفريق الدلالي فی ترجمة الألفاظ المتقاربة المعنی؛ ترجمتی الهی قمشهای ومکارم شیرازی أنموذجاً، مجلة علوم اللغة العربية (فصلية محكمة)، ۲(۶)، ۹۱-۱۱۳.
- [۱۱]- موسی، حسین یوسف و صعیدی، عبد الفتاح (۱۳۶۹ش). الإفصاح فی فقه اللغة، ۲ ج، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- [۱۲]- نیازی، شهریار و قاسمی‌اصل، زینب (۱۳۹۷). الگوهای ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی)، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران



## تحلیل اخلاق حرفه ای در صحیفه سجادیه با تاکید بر آراء تفسیری علامه طباطبایی

### نجمه نبوتی

گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه پیام نور، ص.پ ۴۶۹۷-۱۹۳۹۵، تهران، ایران

Email: najme.nabovati@pnu.ac.ir

### چکیده

این مقاله به بررسی مبانی اخلاق حرفه ای در منظومه فکری علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره) با تاکید بر آموزه های صحیفه سجادیه می پردازد. صحیفه سجادیه که به انجیل اهل بیت و زبور آل محمد شهرت دارد، حاوی مضامین عمیق اخلاقی و عرفانی است که میتواند چارچوبی جامع برای اخلاق حرفه ای در جامعه اسلامی ارائه دهد. دیدگاه علامه طباطبایی ره به عنوان مفسر برجسته قرآن و اندیشمندی که تفسیر المیزان را تالیف نموده، به تبیین این مبانی کمک شایانی می کند. در این مقاله، با روش تحلیلی، توصیفی و با بررسی منابع معتبر، اصول اخلاق حرفه ای از منظر صحیفه سجادیه و تحلیل علامه طباطبایی بیان و تبیین شده است. که راهکارهای اخلاق حرفه ای در محیط کار ارائه میدهد، که میتواند موثر در رشد ارتقاء سلامت جامعه گردد.

**کلمات کلیدی:** اخلاق حرفه ای، امانت داری، عدالت، صداقت، توحید



## ۱. مقدمه

اخلاق حرفه ای به عنوان مجموعه ای از ارزش ها، هنجارها و استانداردهای رفتاری در حیطه فعالیت های، شغلی و حرفه ای، جایگاه ویژه‌ای در اندیشه اسلامی دارد. در جامعه معاصر که تخصص گرایی و تقسیم کار گسترده شده، ضرورت باز خوانی متون دینی برای استخراج اصول اخلاق حرفه ای بیش از پیش احساس میشود. صحیفه سجادیه، به عنوان یکی از منابع غنی معارف شیعی، با زبان دعا و مناجات، مفاهیم عمیق اخلاقی را بیان می کند که قابلیت تطبیق بر حوزه های مختلف زندگی حرفه ای را دارد. [۱] علامه طباطبایی ره نیز در آثار خود، به ویژه در تفسیر المیزان به تبیین رابطه انسان با خدا، خود و جامعه، پرداخته که میتواند زیر ساخت نظری محکمی برای اخلاق حرفه ای فراهم آورد. [۲]

## ۲. مبانی فلسفی اخلاق از دیدگاه علامه طباطبایی

انسان شناسی فلسفی از نظر علامه طباطبایی، (حقیقت انسان) فراتر از بعد مادی است و دارای ابعاد روحانی و معنوی می باشد. ایشان در المیزان می فرماید: انسان موجودی است دارای فطرتی الهی که او را به سوی کمال حقیقی سوق می دهد. (طباطبایی المیزان، جلد ۴، ص ۱۲۳) این نگاه، مبنای مسئولیت پذیری اخلاقی در حرفه را تشکیل میدهد. [۳]

## ۲-۱. رابطه اخلاق و توحید

در منظومه فکری علامه، اخلاق در ریشه توحید دارد. همان گونه که در صحیفه سجادیه نیز برای این موضوع تاکید شده. و در قرآن کریم نیز هدف از آفرینش، عبادت دانسته شده است. {سوره زاریات آیه ۵۶} اخلاق حرفه ای زمانی معنای حقیقی می یابد که فرد در همه عرصه های زندگی، از جمله فعالیت حرفه ای، خود را در محضر خدا ببیند. دعای هفتم صحیفه سجادیه که با (الهی هب لی کمال الانقطاع الیک) آغاز می شود. بیانگر همین ارتباط عمیق میان زندگی فردی و حرفه ای با خداست. (صحیفه سجادیه، دعای ۷) [۲]

و نیز در دعای ۲۳ صحیفه میفرمایید: خدایا علم تو بر اعمال پنهان ما مشرف است و راز پنهان ما در پیش دانش تو مکشوف، هیچ چیز کوچک از تو پوشیده نیست و اسرار ناپیدا از تو مخفی نمی ماند. مصباح یزدی نیز در تبیین این رابطه، اخلاق الهی را مبتنی بر شناخت خدا و قیامت می داند (مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۴۵). همسو با این دیدگاه، آیت الله جوادی آملی با محور قرار دادن فطرت، اخلاق را بازگشت به همان سرنوشت توحیدی انسان می داند که غفلت از آن باعث انحراف در همه شئون زندگی، از جمله حرفه شغلی میشود. (جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، ص ۸۷) [۴]

هدفمندی آفرینش و کار حرفه ای: علامه طباطبایی بر هدف مندی آفرینش تاکید دارد و معتقد است انسان نیز باید در همه فعالیت های خود، از جمله کار حرفه ای، هدف الهی را دنبال کند. این دیدگاه با مضامین صحیفه سجادیه که بر عبودیت و بندگی در همه شئون زندگی تاکید می کند، هم سو است. (اصول و روش رئالیسم)

## ۳. اصول اخلاق حرفه ای در صحیفه سجادیه با تحلیل علامه طباطبایی

امانت داری: از کلیدی ترین اصول اخلاق حرفه ای است که در صحیفه سجادیه بر آن تاکید شده است. در دعای بیستم، امام سجاد ع می فرماید: (واجعلنی من اللذین..... یودون الاملنه) این اصل، بازتاب امر الهی در قرآن است: {ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها} (خدا به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بازگردانید) (نساء ۵۸)



راغب اصفهانی در تعریف "امانت" آن را هر چیزی می داند که انسان موظف به حفظ و بازگرداندن آن به صاحبش است. (مفردات الفاظ قرآن، ص ۸۹) علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، امانت را نه تنها در اموال بلکه در تخصص و مسئولیت های شغلی نیز تعمیم میدهد. (طباطبایی، المیزان، جلد ۴، ص ۲۵۶) [۲] و [۷]

**رعایت عدالت وانصاف:** عدالت محوری ترین اصل در نظام اخلاقی اسلام است که قرآن بر اقامه آن حتی در برابر دشمنان تاکید می کند. (سوره مائده، آیه ۸). در صحیفه سجادیه، دعاهای متعددی به اهمیت عدالت اشاره دارد. علامه طباطبایی عدالت در کار حرفه ای را به معنای رعایت حقوق همه ذی نفعان شامل کارفرما، همکاران، مشتریان و جامعه می داند. ایشان در المیزان تصریح میکند: (عدالت اجتماعی زمانی محقق می شود که هر فرد در جایگاه حرفه ای خود، به وظایفش عمل کند.) (طباطبایی، المیزان، جلد ۱۲، ص ۱۸۹) این نگاه جامع به عدالت، در روایات گسترده ای که علامه مجلسی بابی را به نام "عدل" اختصاص داده است. در حدیثی از امام علی ع نقل است که میفرمایند: عدالت مردم را گرد هم می آورد و ستم آنان را پراکنده می کند. و حدیث دیگر از امام صادق ع می فرمایند: عدالت شیرین تر از عسل، نرم تر از کره و خشبو تر از مشک است. (بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۵۸) [۸]

مصباح یزدی نیز عدالت را فضیلتی می داند که زیر بنای سایر فضایل اجتماعی است. (مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۱۲۳) [۵]

**مسئولیت پذیری اجتماعی:** صحیفه سجادیه سرشار از مفاهیم مسئولیت پذیری در قبال جامعه است. علامه طباطبایی ره این مسئولیت را در حوزه حرفه ای، به معنای تلاش برای تولید کالا و خدمات مفید برای جامعه و پرهیز از هر گونه آسیب به منافع عمومی تفسیر می کند. (المیزان، ج ۵، ص ۳۰۲) [۲]

**صداقت و راستگویی:** صداقت در گفتار و عمل از مضامین پرتکرار صحیفه سجادیه است. (دعای ۲۰) علامه طباطبایی ره صدقت حرفه ای را شامل شفافیت، پرهیز از فریب رعایت حق مشتری می داند. به باور ایشان رابطه و اخلاق حرفه ای بر اساس صداقت و اعتماد متقابل استوار باشد. (المیزان، ج ۶، ص ۷۸) [۲]

**رعایت کرامت انسانی:** در صحیفه سجادیه بر کرامت ذاتی انسان تاکید شده است. (صحیفه سجادیه دعای ۲۴). این کرامت، ریشه در آیاتی دارد که نکریم آدمی را به صراحت بیان میکند (ولقد کرمنا بنی آدم) (به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم) (اسراء ۷۰) علامه طباطبایی این اصل را در محیط کار به معنای پرهیز از تحقیر، تبعیض و بهره کشی از نیروی کار تفسیر می کند. ایشان بر رعایت حقوق کارگران و کارمندان تاکید ویژه دارد. (المیزان، ج ۱۷، ص ۱۲۵)

#### ۴. تطبیق اصول صحیفه سجادیه بر محیط های حرفه ای معاصر

**در مدیریت سازمانی:** مفاهیم مطرح شده در صحیفه سجادیه مانند مشورت (دعای ۲۷)، رعایت حقوق زیر دستان (دعای ۲۵) و تصمیم گیری عادلانه، می توان مبنای مدیریت اسلامی در سازمان ها قرار گیرد. علامه طباطبایی نیز بر مشورت در امور و رعایت انصاف در مدیریت تاکید دارد.

**در روابط کاری:** تاکید صحیفه سجادیه بر حسن خلق (دعای ۲۰)، گذشت (دعای ۳۹) و همکاری (دعای ۴۶) می تواند الگوی مناسبی برای روابط کاری سالم در محیط های حرفه ای باشد. علامه طباطبایی این اصول را تضمین کننده سلامت روانی محیط کار و افزایش بهره وری می داند.

**در مسئولیت اجتماعی سازمان ها:** براساس آموزه های صحیفه سجادیه و تفسیر المیزان علامه طباطبایی ره، سازمان ها علاوه بر مسئولیت های اقتصادی، مسئولیت اجتماعی و اخلاقی و زیست محیطی نیز دارند. این دیدگاه با مفهوم مدرن مسئولیت اجتماعی سازمان، هم سو است.



چالش های اجرایی و راهکارها: چالش: فقدان الگوی عملی: نبود الگوهای عملی و عینی مبتنی بر معارف اسلامی در محیط های کاری

تعارض منافع: تعارض بین منافع مادی و اصول اخلاقی

فقدان نظام نظارتی: ضعف در ساختارهای نظارتی برای اجرای اخلاق حرفه ای

راهکارهای پیشنهادی:

۱- توسعه برنامه های آموزشی اخلاق حرفه ای مبتنی بر متون دینی

۲- الگوسازی: معرفی الگوهای عملی از سیره ائمه و بزرگان دین

۳- نهاد سازی: ایجاد نهاد های نظارتی برای پیاده سازی اخلاق حرفه ای

برای تحقق اصول اخلاقی در محیط های کاری معاصر، نیاز به الگوهای عملی است. شهید مطهری با تبیین رابطه دین و علوم انسانی، بر این نکته تاکید دارد که (اسلام برای تمام شئون زندگی انسان، از جمله اقتصاد و مدیریت، برنامه و اصول اخلاقی دارد) (آشنایی با علوم اسلامی، ص ۲۱۰) [۶] این بیان پشتوانه نظری بستر را برای طراحی نظام های اخلاق حرفه ای مبتنی بر معارف اسلامی فراهم می آورد.

##### ۵. نتیجه گیری

صحیفه سجادیه به عنوان گنجینه ای از معارف ناب اسلامی، دارای ظرفیت بالایی برای استخراج اصول اخلاقی حرفه ای است. فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه صحیفه سجادیه با محوریت (عبادت در تمام شئون زندگی) و خوانش توحیدی علامه طباطبایی ره، می تواند مبانی مستحکمی برای اخلاق حرفه ای فراهم آورد. یافته ها نشان داد مفاهیم بنادینی چون امانت داری، عدالت، صداقت و رعایت کرامت انسانی، ریشه در نگاه کلی نگر، به انسان و هدف غایی آفرینش دارد. این پژوهش با اثبات این ارتباط، پلی بین متون دینی کهن و یکی از مسائل محوری جهان مدرن، یعنی اخلاق در محیط کار، ایجاد می کند. در مقاله حاضر با ریشه یابی اصول اخلاقی در مفاهیمی چون فطرت و توحید، به غنای بحث های نظری اخلاق کاربردی در جامعه میپردازد. اصول استخراج شده، قابلیت تبدیل به محتوای درسی برای تربیت مدیران، کارکنان و دانشجویان را دارد. تا اخلاق را به مثابه مسیر تکامل حرفه ای بیاموزند. که ترویج و اجرای اخلاق حرفه ای در سطح سازمان و جامعه، به تقویت اعتماد، همدلی، انسجام و مسئولیت پذیری اجتماعی، که از بنیان های توسعه پایدار هستند. منجر خواهد شد. در این مقاله با تحقق اهدافش و تایید فرضیه محوری، گامی در جهت نظریه پردازی اخلاق حرفه ای با هویت اسلامی برداشته و الگویی کاربردی ارائه می دهد که هم پشتوانه نظری عمیقی دارد که از کلام معصوم صادر شده است. و هم قابلیت تبدیل به برنامه های اجرایی و اثر گذار در سطح جامعه دارد. برای تحقق این اصول، نیاز به آموزش، الگو سازی و نهاد سازی در سطح جامعه است.

##### مراجع

- [۱]- صحیفه سجادیه، ۱۳۸۰، ترجمه و شرح فیض الاسلام، انتشارات فقیه.
- [۲]- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲۰، انتشارات جامعه مدرسین علمیه قم.
- [۳]- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۸، اصول و فلسفه روش رئالیسم، انتشارات صدرا.
- [۴]- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، مبادی اخلاق در قرآن، انتشارات صدرا.
- [۵]- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۸، اخلاق در قرآن، جلد ۳، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- [۶]- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، آشنایی با علوم اسلامی، انتشارات صدرا.
- [۷]- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۶۲، المفردات فی معنی الصحاح و المعجم، انتشارات مرتضوی.

اولين همایش ملی



# صحیفہ سجاریہ امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

[۸]- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۳۸۵، جلد ۱۱۰، انتشارات دار الکتب الاسلامیه.



## اخلاق حرفه‌ای امام سجاد(ع) در دعای بیستم صحیفه سجادیه و تطبیق آن با آیات

### اخلاقی قرآن

#### علی دریس

دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی دانشگاه یزد.

Ali.deris1400@gmail.com

#### چکیده

دعای بیستم صحیفه سجادیه، یکی از جامع‌ترین متون اسلامی در ترسیم منش اخلاقی انسان در مواجهه با مسئولیت‌ها و روابط انسانی است. این دعا ظرفیت آن را دارد که به‌عنوان یک الگوی «اخلاق حرفه‌ای» در حوزه‌های فردی، اجتماعی و کنش‌های مسئولیت‌محور مورد تحلیل قرار گیرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، اصول اخلاق فردی و اجتماعی مندرج در این دعا را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این مبانی، مجموعه‌ای از اصول اخلاق حرفه‌ای را می‌سازند. یافته‌ها نشان می‌دهد که امام سجاد(ع) در دعای بیستم، سه سطح اخلاق فردی (نظیر فروتنی، کنترل خشم، ترک عجب)، اخلاق اجتماعی (نیکی در مقابل بدی، اصلاح ذات‌البین، پرهیز از غیبت)، و اخلاق حرفه‌ای (عدالت‌ورزی، رعایت کرامت دیگران، خدمت بی‌منت، مدیریت تعارض، صداقت در تعامل) را با یک منطق درونی و هماهنگ ارائه می‌کند. همچنین، تمامی این اصول با آیات اخلاقی قرآن سازگار و قابل تطبیق‌اند. مقاله حاضر با ارائه دسته‌بندی جدید سه‌سطحی، نقش دعای ۲۰ را در ارائه «چارچوب بومی اخلاق حرفه‌ای اسلامی» روشن می‌کند.

**کلمات کلیدی:** صحیفه سجادیه، اخلاق حرفه‌ای، امام سجاد(ع)، قرآن، دعای بیستم.



## ۱. مقدمه

اخلاق حرفه‌ای در دهه‌های اخیر به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های بنیادین کیفیت عملکرد فردی و سازمانی مطرح شده و در حوزه‌هایی چون مدیریت، پزشکی، آموزش، قضاوت و خدمات اجتماعی جایگاه برجسته‌ای یافته است. اما ادبیات موجود اخلاق حرفه‌ای عمدتاً بر مبانی غربی یا نظریه‌های فلسفه اخلاق مدرن استوار است و کمتر تلاشی برای استخراج الگوی اسلامی اخلاق حرفه‌ای از متون اصیل دینی صورت گرفته است. از سوی دیگر، متون دعایی اهل بیت (ع) - به‌ویژه صحیفه سجادیه - ظرفیت شگرفی برای تبیین یک نظام اخلاقی منسجم دارند؛ با این حال پژوهش‌های موجود غالباً به بیان فضائل اخلاقی یا مضامین معنوی پرداخته‌اند و کمتر از زاویه اخلاق حرفه‌ای و سازمانی به این متون نگاه شده است.

دعای بیستم صحیفه سجادیه، یکی از جامع‌ترین متون اخلاقی در میراث اسلامی است که مجموعه‌ای از فضائل فردی، اجتماعی و حرفه‌ای را در قالب دعا و تربیت قلبی-رفتاری ارائه می‌کند. اما تاکنون نظام اخلاقی این دعا در یک چارچوب علمی استخراج نشده و نسبت آن با آموزه‌های اخلاقی قرآن کریم نیز به‌صورت تطبیقی بررسی نشده است.

بنابراین مسئله اصلی این پژوهش آن است که: اصول اخلاق حرفه‌ای در دعای بیستم صحیفه سجادیه چیست و این اصول چگونه می‌توانند با آیات اخلاقی قرآن تبیین یا تقویت شوند؟

هدف آن است که از رهگذر تحلیل محتوای دعای ۲۰ و تطبیق مفهومی آن با قرآن، یک چارچوب سه‌سطحی اخلاق (فردی - اجتماعی - حرفه‌ای) ارائه شود که بتواند مبنایی برای الگوی اخلاق اسلامی در رفتارهای حرفه‌ای و سازمانی باشد. لازم به ذکر است، مطالعات پیشین در قالب تحلیل‌های کلی صحیفه سجادیه و قرآن مانند مقاله‌ی: «بررسی رابطه صحیفه سجادیه و قرآن در صفات اخلاقی» که به کل صحیفه می‌پردازند و فقط اشاره‌ای گذرا به دعای ۲۰ دارند [۱]. برخی از مطالعات نیز متمرکز بر یک دعا می‌باشند. به عنوان مثال مقاله‌ی: «بینامتنیت دعای چهارم صحیفه سجادیه و قرآن» [۲] و مقاله‌ی: «بینامتنیت دعای پنجاهم صحیفه سجادیه و قرآن» [۳] نمونه‌هایی هستند که روش بینامتنیت را بر روی یک دعای خاص (غیر از دعای ۲۰) اجرا کرده‌اند. با جستجوی انجام‌شده، هیچ پژوهش مستقلی که به صورت منسجم و کامل، به تحلیل تطبیقی یا بینامتنیت «دعای بیستم (مکارم الاخلاق)» و قرآن پرداخته باشد، یافت نشد.

## ۲. تحلیل و تبیین اخلاق حرفه‌ای در دعای بیستم صحیفه سجادیه و تطبیق آن با قرآن

دعای بیستم صحیفه سجادیه، با وجود قالب عبادی، حاوی شبکه‌ای از فضایل اخلاقی فردی و اجتماعی است که بنیان‌های رفتار حرفه‌ای را شکل می‌دهد. تطبیق این فرازها با آیات اخلاقی قرآن نشان می‌دهد که امام سجاد (ع) در این دعای الگویی هماهنگ، عمیق و کاربردی برای تربیت انسان مسئول و حرفه‌ای ارائه کرده است. بر همین اساس، تحلیل حاضر در سه سطح اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی و اخلاق حرفه‌ای سامان یافته است.

## ۲-۱. سطح اول: اخلاق فردی (پایه شخصیت حرفه‌ای)

## ۲-۱-۱. فروتنی و پرهیز از کبر

فروتنی، رکن اساسی شخصیت اخلاقی است. فرد فروتن در محیط حرفه‌ای، توان تصمیم‌گیری عاقلانه، همکاری و احترام متقابل را به خوبی نشان می‌دهد و از رفتارهای متکبرانه که منجر به تعارض و شکست اخلاقی می‌شود پرهیز می‌کند.

## فراز دعا و آیه تطبیقی:

- دعای ۲۰: «وَأَعِزَّنِي وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكِبْرِ».
- آیه: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا...» (اسراء/۳۷).



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

این فراز نشان می‌دهد که فروتنی، تمرینی درونی برای مدیریت رفتار و جلوگیری از غرور است. آیه قرآن نیز بر پرهیز از تکبر در تعاملات اجتماعی تأکید دارد. هردو متن، فروتنی را به عنوان فضیلت فردی و اجتماعی می‌ستایند. صاحب تفسیر نمونه در این باره می‌گوید: «جالب توجه اینکه قرآن، تکبر و غرور را که یک خوی خطرناک درونی است مستقیماً مورد بحث قرار نداده بلکه روی پدیده‌های ظاهری آن، حتی ساده‌ترینش، انگشت گذاشته، و از طرز راه رفتن متکبران و مغروران خودخواه و بی مغز سخن گفته است، اشاره به اینکه تکبر و غرور، حتی در سطح ساده‌ترین آثارش، مذموم و ناپسند و شرم‌آور است» [۴].

ترکیب این دو دیدگاه، الگویی برای رشد اخلاق حرفه‌ای فراهم می‌کند؛ فردی که فروتن است، در محیط کاری قابل اعتماد، همکار و راهنمای خوبی خواهد بود و تصمیماتش عادلانه و متوازن خواهد بود.

## ۲-۱-۲. پرهیز از عجب و فساد عبادت

عجب و خودستایی باعث اختلال در وجدان اخلاقی و رفتار حرفه‌ای می‌شود. کنترل این ویژگی به فرد امکان می‌دهد در انجام وظایف، صداقت و تعهد را حفظ کند.

### فراز دعا و آیه تطبیقی:

- دعای ۲۰: «وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ».
- آیه: «فَلَا تَزُكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى» (نجم/۳۲).

این فراز از دعا تأکید دارد که عبادت و عملکرد اخلاقی باید خالص و بدون خودستایی باشد. قرآن نیز بارها بر خلوص نیت و صداقت در رفتار تأکید می‌کند. عبارت «فَلَا تَزُكُّوا أَنْفُسَكُمْ» در آیه ۳۲ سوره نجم بیانگر این است که خودتان را پاک و برتر نشان ندهید؛ یعنی خود را بزرگ ندانید و برای آنچه در شما نیست، خودستایی نکنید [۵]. لذا آیه مذکور نیز صریحاً نهی می‌کند از اینکه انسان خود را برتر ببیند؛ یعنی همان حالت درونی «عجب» که امام سجاد (ع) می‌فرماید عبادت را فاسد می‌کند. خودستایی درونی، باعث نابودی ارزش عبادت و عمل صالح می‌شود.

از این رو، در محیط حرفه‌ای، شخصی که انگیزه اصلی‌اش خدمت و مسئولیت است، بدون خودستایی عمل می‌کند و اعتماد همکاران و ارباب رجوع را جلب می‌کند.

## ۲-۱-۳. کنترل خشم

مدیریت خشم یکی از مهارت‌های کلیدی اخلاق حرفه‌ای است. کنترل خشم باعث حفظ آرامش و کاهش تعارض در محیط کار و جامعه می‌شود.

### فراز دعا و آیه تطبیقی:

- دعای ۲۰: «وَلَا تَزُكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى».
- آیه: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» (آل عمران/۱۳۴).

در فراز مورد بحث از دعای بیستم، امام سجاد (ع) کنترل خشم را فضیلتی درونی معرفی می‌کند و قرآن آن را به عنوان اصل رفتاری و اجتماعی توصیه می‌کند.

در محیط حرفه‌ای نیز، افراد با کنترل خشم می‌توانند تصمیمات منطقی بگیرند و روابط سالم و مستمر بسازند، که این اصل در هر سازمان موفق ضروری است.

## ۲-۱-۴. اخلاق حرفه‌ای در کنترل زبان و گفتار

توجه به یاد خدا، زمینه خودنظارتی و رشد اخلاقی را فراهم می‌کند و باعث تصمیم‌گیری مسئولانه و عادلانه در محیط حرفه‌ای می‌شود.

### فراز دعا و آیه تطبیقی:



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

• **دعای ۲۰:** «وَمَا أُجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اِغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نَطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ...».

• **آیه:** «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق/۱۸) - هر سخنی ثبت می‌شود و انسان در برابر آن مسئول است - و آیه‌ی: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره/۸۳) - گفتار باید نیک و اخلاقی باشد و به کسی آسیب نرساند -

این فراز، مسئولیت‌پذیری زبانی را از سطح فردی فراتر برده و آن را به یک اصل اخلاق حرفه‌ای تبدیل می‌کند؛ زیرا سخن آلوده به غیبت، فحش، تحقیر و اتهام، نه تنها رابطه انسان با خدا را می‌کاهد بلکه سرمایه اجتماعی، اعتماد گروهی، و سلامت محیط همکاری را تخریب می‌کند. پیوند این فراز با آیات قرآن نشان می‌دهد که زبان، ابزاری برای ساختن روابط و تقویت سرمایه اخلاقی جامعه است. امام سجاد(ع) مسیر جایگزین را روشن می‌کند: تبدیل گفتارهای مخرب به گفتارهای سازنده (حمد، شکر، تمجید و اعتراف به نعمت).

## ۲-۱-۵. تلاش و پرهیز از تنبلی

تلاش مستمر و پرهیز از تنبلی پایه‌ای برای مسئولیت‌پذیری و اخلاق حرفه‌ای است.

### فراز دعا و آیه تطبیقی:

- **دعای ۲۰:** «وَلَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَسَلِ».
- **آیه:** «وَوَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ...» (توبه/۱۰۵). خداوند انسان را به عمل، تلاش و مسئولیت‌پذیری دعوت کرده است. همچنین آیه: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱) - تغییر و پیشرفت بدون حرکت و اقدام ممکن نیست -

در منطق امام سجاد(ع)، تنبلی صرفاً یک ضعف فردی نیست، بلکه آسیبی اخلاقی و حرفه‌ای محسوب می‌شود؛ زیرا انسان دچار کسالت، توان انجام مسئولیت‌های اجتماعی، خانوادگی و دینی را از دست می‌دهد و به محیط پیرامون خود نیز ناکارآمدی منتقل می‌کند. قرآن با دعوت به «عمل» و «تغییر فعال»، نشان می‌دهد که تلاش، محور کرامت انسانی است و جامعه نیز بر پایه همین مجاهدت‌های فردی استوار می‌شود.

فراز دعا این حقیقت را تأکید می‌کند که ریشه بسیاری از ضعف‌ها، سستی در اراده است؛ بنابراین درخواست امام، نوعی تربیت روحی برای افزایش بهره‌وری، مسئولیت‌پذیری و پویایی حرفه‌ای محسوب می‌شود. بدین ترتیب، مقابله با تنبلی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای در نگاه امام سجاد(ع)، کاملاً منطبق با آموزه‌های قرآنی است.

## ۲-۱-۶. میانه‌روی در مصرف

مدیریت منابع و میانه‌روی، فضیلتی است که به عدالت و اخلاق حرفه‌ای کمک می‌کند.

### فراز دعا و آیه تطبیقی:

- **دعای ۲۰:** «وَمَتَّعِنِي بِالْاِقْتِصَادِ»
  - **آیه:** «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان/۶۷).
- امام سجاد(ع) میانه‌روی را فضیلتی فردی و تربیتی می‌داند و قرآن آن را به عنوان رفتار اجتماعی و اقتصادی توصیه می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه مذکور می‌گوید: «صدر آیه افراط و تفریط را نفی می‌کند و ذیل آیه میانه‌روی را توصیه و تأکید می‌کند» [۶].

با این بیان باید گفت، میانه‌روی باعث صرفه‌جویی، عدالت و رفتار مسئولانه در محیط حرفه‌ای می‌شود.

## ۲-۲. سطح دوم: اخلاق اجتماعی (زیرساخت تعاملات حرفه‌ای)



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

اخلاق حرفه‌ای تنها به صلاحیت‌های فردی محدود نیست و بخش مهمی از آن در بستر تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. فرد هر اندازه از نظر درونی مهذب باشد، بدون رعایت حقوق دیگران، درست‌گویی، خیرخواهی و کنترل زبان در اجتماع، قادر به حفظ اعتبار حرفه‌ای خود نخواهد بود. دعای بیستم صحیفه سجادیه، با ارائه مجموعه‌ای از تعالیم اجتماعی محور، چارچوبی اخلاقی برای سامان‌دهی روابط انسانی فراهم می‌آورد؛ چارچوبی که در هماهنگی کامل با آموزه‌های اخلاقی قرآن است.

## ۲-۲-۱. نیکی در برابر بدی

در محیط حرفه‌ای، فرد گاه با بدرفتاری یا ناسازگاری دیگران مواجه می‌شود. پاسخ مثبت و اخلاقی به این رفتارها، اعتمادسازی و استمرار همکاری را ممکن می‌کند.

### فراز دعا و آیه تطبیقی:

- دعای ۲۰: «أَجْزَىٰ مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ».
- آیه: «دَفْعُ بِلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (فصلت/۳۴).

امام سجاد (ع) توصیه می‌کند که حتی اگر دیگران بی‌مهری کردند، پاسخ اخلاقی و نیکو بدهیم. قرآن نیز این اصل را در تعامل اجتماعی توصیه می‌کند و نشان می‌دهد که پاسخ نیک باعث تبدیل دشمنی به دوستی می‌شود. صاحب تفسیر نور در تفسیر آیه مورد بحث می‌گوید: «این آیه سفارش می‌کند که بدی‌ها را با خوبی پاسخ بده و اهل انتقام نباش؛ همان گونه که در دعای مکارم الاخلاق، امام زین العابدین علیه السلام از خداوند می‌خواهد که به او توفیق دهد که در برابر غیبت مردم از او، نیکی مردم را بگوید و از بدی آنان بگذرد و هر کس با او قطع رابطه کرد با او معاشرت کند» [۷]. در نهایت می‌توان گفت این فضیلت در محیط حرفه‌ای، مدیریت تعارض و افزایش همکاری تیمی را تضمین می‌کند.

## ۲-۲-۲. بخشش و گذشت

بخشش از اشتباهات دیگران، پایه‌ای برای ایجاد محیط سالم و صلح‌آمیز است و رفتار حرفه‌ای را تقویت می‌کند.

### فراز دعا و آیه تطبیقی:

- دعای ۲۰: «أَغْضَىٰ عَنِ السَّيِّئَةِ».
- قرآن: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/۱۳۴).

بخشش باعث کاهش تنش و ایجاد اعتماد در محیط حرفه‌ای می‌شود. امام سجاد (ع) و قرآن هر دو بر این فضیلت تأکید دارند. توانایی گذشت، رکن اخلاق حرفه‌ای در مدیریت روابط انسانی است و باعث تقویت عدالت و مسئولیت‌پذیری می‌شود.

## ۲-۲-۳. ترک غیبت و تقویت حسن ذکر

غیبت و سخن منفی درباره دیگران، محیط حرفه‌ای را تخریب می‌کند و اعتماد همکاران را کاهش می‌دهد.

### فراز دعا و آیه تطبیقی:

- دعای ۲۰: «أَخَالَفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَىٰ حُسْنِ الذِّكْرِ».
- آیه: «وَلَا يَغْتَبُ بَعْضُكُم بَعْضًا» (حجرات/۱۲).

امام سجاد (ع) توصیه می‌کند که از غیبت پرهیز کرده و حسن‌ذکر دیگران را ترویج کنیم. قرآن نیز این فضیلت را قانون اجتماعی می‌داند. لذا حسن‌ذکر باعث ایجاد محیط کاری سالم، افزایش اعتماد و همبستگی تیمی می‌شود.

## ۲-۲-۴. اصلاح ذات‌البین

اصلاح اختلاف‌ها و ایجاد صلح، مهارت کلیدی مدیریت حرفه‌ای و اجتماعی است.

- دعای ۲۰: «ضَمَّ أَهْلَ الْفُرْقَةِ وَإِصْلَاحَ ذَاتِ الْبَيْنِ».
- آیه: «وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (انفال/۱).



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

امام سجاد(ع) و قرآن هر دو بر اصلاح روابط انسانی و پیشگیری از تعارض تأکید دارند. از این حیث توانایی حل اختلافها و ایجاد توافق، پایه رفتار حرفه‌ای و اخلاق اجتماعی است.

## ۲-۲-۵. صلہ رحم و حفظ پیوندهای انسانی

ارتباط مستمر و احترام به پیوندهای خانوادگی و اجتماعی، اعتماد و همکاری حرفه‌ای را تقویت می‌کند.  
فراز دعا و آیه تطبیقی:

- دعای ۲۰: «أَكْفِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ».
- آیه: «وَأَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ» (نساء/۱).

حفظ پیوندها و رعایت حقوق انسانی، زمینه ایجاد محیط حرفه‌ای سالم و اخلاقی را فراهم می‌کند. از این رو، افراد حرفه‌ای با رعایت پیوندهای انسانی، تیم‌های منسجم و روابط پایدار ایجاد می‌کنند.

## ۲-۳. سطح سوم: اخلاق حرفه‌ای (کاربست فردی و اجتماعی در محیط حرفه‌ای)

اخلاق حرفه‌ای نقطه تلاقی فضایل فردی و اجتماعی است؛ جایی که خودسازی شخص و رعایت حقوق دیگران در قالب رفتارهای مسئولانه، منظم و متعهدانه در محیط‌های کاری و علمی متجلی می‌شود. دعای بیستم صحیفه سجادیه با تأکید بر کنترل رفتار، پایبندی به امانت، صداقت، تلاش و مسئولیت‌پذیری، الگوی جامعی برای تبدیل اصول اخلاقی به کنش حرفه‌ای ارائه می‌کند؛ الگویی که در پرتو آیات قرآن، قابل صورت‌بندی و تحلیل نظام‌مند است.

## ۲-۳-۱. خدمت بدون منت

خدمت صادقانه و بدون منت، پایه اخلاق حرفه‌ای و اعتماد در روابط کاری است.

فراز دعا و آیه تطبیقی:

- دعای ۲۰: «أَجْرٌ لِلنَّاسِ عَلَىٰ يَدَيْ الْخَيْرِ وَلَا تَمَحِّقُهُ بِالْمَنِّ».
- آیه: «لَا تُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَدَىٰ» (بقره/۲۶۴).

امام سجاد(ع) و قرآن هر دو بر ارائه خدمت با نیت پاک و بدون انتظار پاداش دنیوی تأکید دارند. چنین رفتاری در محیط حرفه‌ای اعتماد همکاران و مشتریان را جلب می‌کند و تیم را به همبستگی و کارآمدی بیشتر هدایت می‌کند.

## ۲-۳-۲. عدالت و انصاف

عدالت، پایه هر رفتار حرفه‌ای و اخلاقی است و تصمیم‌گیری منصفانه را تضمین می‌کند.

فراز دعا و آیه تطبیقی:

- دعای ۲۰: «حَلَّتْنِي... فِي بَسْطِ الْعَدْلِ».
- آیه: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰).

دعا و قرآن هر دو عدالت را به عنوان اصل اخلاق فردی و اجتماعی و پایه رفتار حرفه‌ای تأکید می‌کنند. عدالت، اعتماد و اطمینان حرفه‌ای را تقویت می‌کند و محیط کاری سالم ایجاد می‌کند.

## ۳. نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی دعای بیستم صحیفه سجادیه و آیات اخلاقی قرآن نشان داد که اخلاق حرفه‌ای امام سجاد(ع) بر پایه یکپارچگی اخلاق فردی و اجتماعی شکل می‌گیرد و شامل مجموعه‌ای از فضایل قابل کاربرد در محیط حرفه‌ای و سازمانی است. یافته‌های مقاله را می‌توان به سه محور اصلی تقسیم کرد:



- اخلاق فردی: فروتنی، پرهیز از کبر و عجب، کنترل خشم، یاد خدا، تلاش مستمر و میلنه روی در مصرف، زمینه ساز ایجاد شخصیت اخلاقی است. این ویژگی ها موجب تصمیم گیری مسئولانه، عملکرد صادقانه و رفتار متعادل در محیط حرفه ای می شوند.
  - اخلاق اجتماعی: گذشت، بخشش، حسن ذکر، اصلاح ذات البین، صلح رحم، ادب و وقار اجتماعی، تعامل انسانی را سامان می دهد و باعث ایجاد اعتماد، همبستگی و همکاری تیمی می شود. این فضایل، پایه رفتار حرفه ای در روابط بین فردی و گروهی هستند.
  - اخلاق حرفه ای کاربردی: خدمت بدون منت، حمایت از مظلوم، نصیحت ناصحانه، عدالت، توکل همراه با خودتکایی و اخلاق فرجام نگر، زمینه های کار حرفه ای مسئولانه، عادلانه و اخلاق محور را فراهم می آورند. تطبیق این فضایل با آیات قرآن نشان می دهد که اصول اخلاق حرفه ای در سنت اسلامی همسو با تعالیم قرآنی است و می تواند به عنوان چارچوب عملی و نظری برای آموزش و اجرای اخلاق حرفه ای در محیط های کاری و آموزشی به کار گرفته شود.
- به طور کلی، دعا و قرآن نه تنها فضایل اخلاقی را تشریح می کنند، بلکه راهنمای کاربردی برای توسعه مهارت های حرفه ای و مدیریت اخلاقی روابط انسانی ارائه می دهند. این یافته ها، اهمیت توجه به اخلاق اسلامی در تربیت حرفه ای، سیاست گذاری سازمانی و توسعه فرهنگ کاری سالم را نشان می دهند و می تواند مسیر پژوهش های بعدی در زمینه اخلاق حرفه ای تطبیقی و کاربردی را هموار کند.

## مراجع

### \*قرآن

### \*صحیفه سجادیه

- [۱]- ایزدی منش، مریم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، بررسی رابطه صحیفه سجادیه و قرآن در صفات اخلاقی، میثاق امین، سال ششم، شماره هجدهم و نوزدهم.
- [۲]- زکی زاده رنانی، علیرضا؛ قربانی، سمیه، شهریور ۱۳۹۸، بینامتنیت دعای چهارم صحیفه سجادیه و قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، ص ۵۱-۸۵.
- [۳]- احسانی، کیوان؛ حزباوی، نوال، زمستان ۱۴۰۱، بینامتنیت دعای پنجاهم صحیفه سجادیه و قرآن، مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، ش ۵۲، ص ۳۳-۴۸.
- [۴]- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش: ج ۱۲، ص ۱۲۲.
- [۵]- طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان، دار المعرفه، ۱۴۰۸ق: ج ۹، ص ۲۷۲.
- [۶]- طباطبایی محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۵۲ش: ج ۱۵، ص ۲۴۰.
- [۷]- قرائتی محسن. تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۸ش: ج ۸، ص ۳۳۹.



تحلیل ادبی-عرفانی مناجات المتوسلین در راستای کاهش اضطراب و کسب آرامش درونی

مریم جلیلیان، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان، آدرس: دانشگاه لرستان، دانشکده ادبیات

فارسی و زبان‌ها. تلفن: ۰۹۱۲۰۸۹۵۷۷۰

[Jalilian.ma@lu.ac.ir](mailto:Jalilian.ma@lu.ac.ir)

### چکیده

مناجات المتوسلین به عنوان یکی از ژرف‌ترین متون نیایشی در صحیفه سجادیه، نمونه‌ای بی‌نظیر از تلفیق عرفان عملی با ادبیات غنی عربی است. این پژوهش با رویکردی ادبی-تحلیلی به بررسی سازوکارهای این مناجات در ایجاد آرامش درونی و کاهش اضطراب می‌پردازد. با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و با تکیه بر مبانی بلاغت و عرفان اسلامی، شبکه‌ای از مفاهیم کلیدی در این مناجات استخراج شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که امام سجاده (ع) با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بی‌نظیر زبان عربی و مفاهیم ناب عرفانی، نظامی معنوی برای مقابله با آشفتگی‌های درونی طراحی کرده‌اند. این مناجات با ایجاد پیوندی ناگسستنی میان مفاهیم توحیدی و دغدغه‌های انسانی، راهکاری جامع برای رسیدن به آرامش پایدار ارائه می‌دهد. زیبایی‌های ادبی این متن، نه به عنوان آرایه‌هایی تزئینی، بلکه به عنوان ابزارهایی کارآمد در خدمت انتقال مفاهیم و ایجاد تأثیرات روان‌شناختی قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: امام سجاده (ع)، صحیفه سجادیه، مناجات المتوسلین، دعا، آرامش.



۱. مقدمه

در دنیای پرتشنج امروز که بشر در پیچ و تاب بحران‌های روحی گرفتار شده، متون دینی کهن می‌توانند چراغ راهی برای یافتن آرامش باشند. مناجات‌المتوسلین، این گنجینه ناب ادبیات اسلامی، گویای گفتگویی عاشقانه میان خالق و مخلوق است. آنچه این مناجات را از دیگر متون ممتاز می‌سازد، هنرمندی امام سجاده (ع) در آمیختن مفاهیم بلند عرفانی با دغدغه‌های ملموس انسانی است.

مناجات‌المتوسلین را می‌توان حلقه اتصال میان عرفان نظری و عرفان عملی دانست. این متن از سویی حاوی عمیق‌ترین مفاهیم عرفانی است و از سوی دیگر، راهکاری عملی برای زندگی روزمره ارائه می‌دهد. در سنت عرفانی اسلامی، مناجات‌نویسی سابقه‌ای دیرینه دارد، اما آنچه مناجات‌المتوسلین را ممتاز می‌کند، تلفیق هنرمندانه مفاهیم ناب عرفانی و دغدغه‌های انسانی است. در مقایسه با دیگر متون مناجات‌نویسی، می‌توان به ویژگی‌های منحصر به فرد مناجات‌المتوسلین اشاره کرد. برخلاف بسیاری از متون عرفانی که گاه به تفصیل و پیچیدگی می‌گیرند، این مناجات با ایجاز و اختصاری پرمعنا، جامعیتی کم‌نظیر دارد. مناجات‌المتوسلین از نظر بلاغت و فصاحت، جایگاه ویژه‌ای دارد که در آن، فصاحت زبان با عمق معنا درهم آمیخته است.

این پژوهش با تکیه بر تحلیل بر پایه مبانی ادبی و عرفانی، بر آن است تا از رهگذر واکاوی این مناجات، چگونگی اثرگذاری آن در ایجاد آرامش درونی را تبیین نماید. این جستار نشان خواهد داد که چگونه زیبایی‌های ادبی و عمق مفاهیم عرفانی در این مناجات، دست به دست هم داده تا سیستمی یکپارچه برای غلبه بر اضطراب‌های درونی پدید آورد.

پژوهش حاضر از دو جهت دارای ضرورت است. نخست، از جنبه علمی که به بررسی عمیق و نظام‌مند یکی از برجسته‌ترین متون ادبیات عرفانی شیعی می‌پردازد. مناجات‌المتوسلین تاکنون عمدتاً از منظر شرعی و عبادی مورد توجه بوده، اما ابعاد ادبی و بلاغی آن کمتر مورد کاوش قرار گرفته است. این پژوهش با تحلیل زیبایی‌شناختی این متن، گامی در جهت احیای میراث مکتوب ادبیات دینی برمی‌دارد.



## صحیفه سجاریه، امام سجاده (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

دومین ضرورت، جنبه کاربردی این تحقیق است. در دنیای امروز که اضطراب و دغدغه‌های روحی به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده، این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از ظرفیت متون کهن دینی برای ایجاد آرامش درونی بهره برد. مناجات‌المتوسلین با ترکیب هنرمندانه عناصر ادبی و مفاهیم عرفانی، الگویی کاربردی برای مواجهه با چالش‌های روانی ارائه می‌دهد.

### سؤالات پژوهشی

۱. چه نسبتی میان ساختار ادبی و مفاهیم عرفانی در مناجات‌المتوسلین وجود دارد و این پیوند چگونه به ایجاد تأثیرات روان‌شناختی در خواننده کمک می‌کند؟
۲. امام سجاده (ع) در این مناجات از چه سازوکارهای زبانی و ادبی برای انتقال مفاهیم عمیق عرفانی به مخاطب عام بهره برده‌اند و این شیوه بیان چه تأثیری در درک و پذیرش معانی دارد؟

### پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در زمینه تعامل دین، ادبیات عرفانی و روانشناسی صورت گرفته است که در اینجا به پژوهش‌هایی پرداخته می‌شود که مستقیماً به تحلیل مضامین روان‌شناختی در متون دینی و ادعیه با رویکردهای روانشناسی مثبت‌گرا توجه داشته‌اند:

۱. تحلیل و بررسی مؤلفه‌های روانشناسی مثبت‌گرای مارتین سلیگمن در ادعیه امام سجاده (ع) حسنی چنار و سرشار، (۱۴۰۴). این پژوهش به تطبیق فضیلت‌های شش‌گانه نظریه سلیگمن با مضامین ادعیه امام سجاده (ع) پرداخته و نشان داده است که مفاهیمی مانند شکرگزاری، ارتباط مثبت با خدا و تمرکز بر جنبه‌های مثبت زندگی در این ادعیه بازتاب قابل توجهی دارند. یافته‌ها حاکی از آن است که ادعیه مذکور علاوه بر کارکرد دینی، از ظرفیت بالایی برای انعکاس مفاهیم روان‌شناختی همسو با روانشناسی مثبت‌گرا برخوردارند.

۲. مؤلفه‌های تربیتی امید در کلام امام حسین و امام سجاده (ع) منطبق با نظریه اسنایدر میرزایی و همکاران.



## صحیفه سجاریه، امام سجاده (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

در این تحقیق، مؤلفه‌های امید از دیدگاه اسنایدر (شامل هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، اراده و عبور از موانع) در سخنان دو امام مورد تحلیل محتوایی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که خداباوری به عنوان محور مشترک، این مؤلفه‌ها را در کلام ایشان معنادار کرده و امید را در چارچوبی الهی و مبتنی بر توکل و صبر تعریف می‌کند. با وجود پژوهش‌های ارزشمند فوق که عمدتاً بر ادعیه و سخنان معصومان با تمرکز بر نظریه‌های روانشناسی مثبت‌گرا متمرکز بوده‌اند، خلأ پژوهشی قابل توجهی در حوزه تحلیل ادبی-عرفانی مناجات‌های خاص با محوریت کاهش اضطراب و کسب آرامش درونی مشاهده می‌شود. به ویژه، پژوهشی که به طور خاص مناجات المتوسلین را از منظر ادبی، عرفانی و روان‌شناختی و با هدف بررسی سازوکارهای زبانی و معنایی آن در جهت کاهش اضطراب بررسی کند، صورت نگرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر در صدد است تا با تمرکز بر این متن مناجات، به تحلیل لایه‌های ادبی، بلاغی و عرفانی آن پردازد و چگونگی ایجاد آرامش روانی از طریق مفاهیم و صور خیال آن را تبیین نماید.

### ۲. تحلیل ساختاری و محتوایی مناجات المتوسلین

#### ۲-۱. ساختار ادبی و بلاغی در مناجات و تأثیر آن بر روان

مناجات المتوسلین از نظر ساختار ادبی، نمونه‌ای کم‌نظیر است که در عین فخامت لغوی، از سلاست و روانی بی‌نظیری برخوردار است. امام سجاده (ع) با بهره‌گیری از صنایع بدیعی چون طباق، جناس و موازنه، متنی خلق کرده‌اند که هم از نظر ادبی متنی فاخر است و هم از نظر معنایی عمیق و اثرگذار.

نثر این مناجات با سجع‌های متوازن و هماهنگ، موسیقی درونی خاصی ایجاد کرده است. این موسیقی کلمات، به خودی خود تأثیری آرامش‌بخش بر خواننده دارد. برای نمونه، در فراز «إلهی أنت ربی وَاَنَا عَبْدُک» (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵)، هماهنگی آوایی و وزنی خاصی مشاهده می‌شود که یادآور نظم پنهان در عالم هستی است. سجع و موازنه از دیگر صنایع بدیعی به کار رفته در این مناجات است. این صنایع، با ایجاد ریتم و آهنگ خاص، تأثیری آرامش‌بخش بر روان خواننده دارند. تحقیقات نشان داده که ریتم‌های منظم و هماهنگ می‌توانند موجب کاهش اضطراب و ایجاد آرامش شوند.



## صحیفه سجاریه، امام سجاده (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

امام سجاده (ع) با بهره‌گیری از این ویژگی زبانی، نه تنها متنی زیبا آفریده‌اند، بلکه ابزاری برای آرامش روانی در اختیار خواننده قرار داده‌اند. هنگامی که خواننده با آهنگی موزون و هماهنگ روبرو می‌شود، ناخودآگاه آرامش می‌یابد و این آرامش، زمینه برای درک عمیق‌تر معانی فراهم می‌کند.

نکته ادبی قابل تأمل در این مناجات، کاربرد هنرمندانه ضمائر خطاب است. امام سجاده (ع) در سراسر مناجات، با به کارگیری ضمیر أنت (تو) که از ضمائر قریب الخطاب است، حس صمیمیت و نزدیکی با معبود را در خواننده ایجاد می‌کنند. این صنعت ادبی-بلاغی، به طور ناخودآگاه احساس تنهایی و وحشت خواننده را کاهش داده و او را در محضر مهربان‌ترین دوست قرار می‌دهد. همچنین، استفاده از اسلوب نداء (خطاب) در ابتدای بسیاری از فرازها، نشان‌دهنده اهمیت این صنعت بلاغی در ایجاد ارتباط عاطفی با مخاطب است. هر یا الله و یا رب نه تنها یک شروع ادبی، بلکه دریچه‌ای به سوی عالم معناست.

### ۲-۲. تصویرسازی ادبی و تأثیرات روان‌شناختی

یکی از وجوه تمایز این مناجات، استفاده هنرمندانه از تصاویر ادبی و استعارات بدیع است. امام سجاده (ع) با خلق تصاویری شاعرانه، مفاهیم انتزاعی عرفانی را در قالب‌های ملموس و قابل درک ارائه می‌دهند. برای نمونه، وقتی می‌فرمایند: بِکَ أَنْسَتْ، در حقیقت رابطه عاشقانه‌ای را ترسیم می‌کنند که در آن، بنده با تمام وجود به معبودش پناه می‌برد.

این تصویرسازی ادبی، تأثیری بر روان خواننده دارد. ذهن انسان در مواجهه با تصاویر ملموس، راحت‌تر می‌تواند با مفاهیم انتزاعی ارتباط برقرار کند. از این رو، امام (ع) با به کارگیری این شیوه، راهی برای درک بهتر مفاهیم عرفانی و رسیدن به آرامش از طریق این درک فراهم می‌کنند.

### تصویر حریم امن

بِحَرَمِ کَرَمِکَ. این تصویرسازی، فضای امن روانی ایجاد می‌کند. انسان نیاز به پناهگاه امن دارد. امام با ترسیم حریم کرم، این نیاز عمیق روانی را پاسخ می‌گویند. ذهن ناخودآگاه، این تصویر را به عنوان فضایی عاری از تهدید دریافت می‌کند که اضطراب وجودی را کاهش می‌دهد.



استعاره مسیر امید

«وَأَجْعَلُهُمَا لِي سَبَبًا إِلَى نَيْلِ غُفْرَانِكَ» (الحر العاملي، ۱۳۷۹، ۴۵). این فراز، با ترسیم یک سیل یا مسیر مشخص به سوی غفران الهی، جهت‌گیری آینده‌نگر و چارچوب امید را در ذهن سالک ایجاد می‌کند. این تصویر ادبی به طور کامل با نظریه امید اسنایدر همسوست که امید را ترکیبی از یافتن راه‌های نیل به هدف و انگیزه و اراده حرکت در آن مسیر می‌داند (snyder, 1994,67).

در این استعاره که طلب «سبیل» به سوی غفران است، فعل امر «اجعل» بیانگر درخواست ایجاد عامل و توانمندی حرکت است که مستقیماً با کاهش احساس ناامیدی و درماندگی مرتبط است. از منظر عرفانی، این درخواست مطابق با مفهوم «وسیله‌جویی» در سلوک است که به عنوان توسل به اسباب معنوی برای تقرب شناخته می‌شود.

استعاره گستره بی‌پایان

إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ. این استعاره، چارچوب شناختی فراوانی را در برابر ذهنیت کمبود ایجاد می‌کند. امام با تصویر سعه عفو، ذهن را به سمت فراوانی بی‌پایان سوق می‌دهند که کاهش‌دهنده اضطراب ناشی از تنگ‌نظری است.

تصویر نور آگاهی

وَأَقْرَرْتَ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ (الحر العاملي، ۱۳۷۹، ۴۵). این تصویر، شفافیت وجودی ایجاد می‌کند. تاریکی نماد ناخودآگاه و نور نماد آگاهی است. امام با تصویر نظر‌إلیک، گذار از تاریکی روانی به نور آگاهی را ترسیم می‌کنند که اساس سلامت روان است. تحلیل تصویر «وَأَقْرَرْتَ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ» در مناجات المتوسلین، نشان‌دهنده کاربرد هنرمندانه‌ای از استعاره نور برای بیان گذار از تاریکی روانی به روشنایی آگاهی است. این فراز با به‌کارگیری فعل «أَقْرَرْتَ» (آرامش بخشیدی/ روشن کردی) و ترکیب «النَّظَرِ إِلَيْكَ»، تصویری پویا از تحول وجودی ترسیم می‌کند.



## صحیفه سجاریه، امام سجاده (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

در این فراز، نظر به ذات حق، نماد هم‌راستایی روان فرد با مرکز وجود خویش است. از نگاه عرفانی، این تصویر بیانگر مقام مشاهده و کشف حجاب‌ها است که در آثار عرفانی به عنوان والاترین مرحله سلوک توصیف شده است (کاشانی، ۱۳۸۰، ۱۸۷).

### استعاره باغ آرامش

أَحَلَّتْهُمْ بِحُبُوحَةِ جَنَّاتِكَ (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵). امام با این تصویر، الگویی از کمال روانی ارائه می‌دهند که در آن تمام تضادهای درونی به وحدت رسیده‌اند. در سنت عرفانی اسلامی، «جنت» نماد وصال، قرب و فضای رحمت بی‌پایان است. در مرصاد العباد بهشت «مظهر تجلی انوار حق» است که سالک پس از مراحل سلوک در آن مستقر می‌شود (نجم‌الدین رازی ۱۳۸۳، ۴۰۱). این استعاره با فعال‌سازی این تصویر در ناخودآگاه، الگویی آرمانی از سلامت روان کامل ارائه می‌دهد که در آن اضطراب، تفرقه درونی و احساس بیگانگی جای خود را به آرامش، انسجام و احساس تعلق می‌دهد.

این تصویرسازی‌ها در مناجات المتوسلین، در حقیقت زبان ناخودآگاه را به کار می‌گیرند. نکته برجسته این است که این تصویرسازی‌ها، مفاهیم انتزاعی عرفانی را به تجربیات حسی ملموس تبدیل می‌کنند. این تبدیل، شرط لازم برای تأثیرگذاری روان‌شناختی است، چرا که ناخودآگاه تنها با زبان نمادها و تصاویر سخن می‌گوید.

### ۲-۳. تحلیل واژگانی و دلالت‌های روان‌شناختی-ادبی

در تحلیل محتوایی این مناجات، می‌توان به وضوح مشاهده کرد که چگونه امام (ع) مفاهیم مرتبط با آرامش‌بخشی را در قالب واژگان مختلف ارائه می‌دهند. این واژگان در ادبیات عرفانی اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و کاربرد آنها در متن مناجات، نشان‌دهنده توجه امام (ع) به جنبه پایدار آرامش روحی است.

### رَأْفَةٌ

لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵). این واژه از ریشه «رأف» به معنای نرم‌دلی و شفقت عمیق است (ابن منظور، ۱۱۲:۹). در روان‌شناسی، رأفۀ نمایانگر نیاز به دلبستگی ایمن است. امام با تأکید



# صحیفه سجاریه امام سجاده (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

بر این صفت الهی، پایه‌ای برای احساس امنیت وجودی بنیان می‌نهند. این فراز با استفاده از اسلوب حصر، بر توسل به رحمت الهی بدون واسطه‌های مادی و توجه به غیر دلالت می‌کند. در روان‌شناسی، این مفهوم با نظریه دلبستگی ایمن مرتبط است که در آن رأفت الهی به عنوان پایه‌ای برای احساس امنیت وجودی عمل می‌کند (Bowby, 1969, 87). بر اساس پژوهش‌هایی که در زمینه روان‌شناسی دین انجام شده، چنین باوری موجب کاهش اضطراب و تقویت تاب‌آوری روانی می‌شود (pargament, 1997, 156).

## رَحْمَةٌ

وَلَا لِي ذَرِيعةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَارِفُ رَحْمَتِكَ (الحر العاملي، ۱۳۷۹، ۴۵). رحمت در ادبیات عرفانی به معنای رسانیدن خیر به نیازمند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۸۲). از دیدگاه روان‌شناختی، تکرار این واژه مکانیسم بازسازی شناختی را فعال می‌کند (Cognitive Therapy and the Emotional Disorders, 1979, 154) و تصویر خدا را از قاضی سختگیر به خالق مهربان تغییر می‌دهد. رحمت الهی به عنوان معدن کرم و لطف بی‌پایان توصیف شده که رساننده خیر به بندگان نیازمند است. این رحمت بدون واسطه‌های دنیوی است.

## عُفْرَان

فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَباً إِلَى نَيْلِ عُفْرَانِكَ (الحر العاملي، ۱۳۷۹، ۴۵). از دیدگاه لغوی، این واژه از ریشه «غفر» (به معنای پوشاندن و مستور نمودن گرفته شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۵:۲۵). در حوزه تفسیر عرفانی، غفران به عنوان «پوشش الهی بر تقصیرات سالک» (انصاریان، ۱۳۸۹، ۴۵-۴۸:۱۲) و «امیدواری به ذات مقدس پروردگار» (امام‌خمینی، ۱۳۸۲، ۱۳۶) تفسیر شده که شرط لازم برای انکسار و تهذیب نفس محسوب می‌شود. در بعد روان‌شناختی، غفران مکانیسم تخلیه هیجانی (کاتارسیس) را فراهم می‌آورد که بر اساس نظریه‌های روان‌کاوی به کاهش احساس گناه و بار تقصیرات کمک می‌کند. همچنین پژوهش‌های معاصر در روان‌شناسی دین نقش مثبت این مفهوم را در سلامت روان و ایجاد تعادل عاطفی تأیید می‌کنند (pargament, 1997, 156). این تحلیل چندبعدی نشان می‌دهد که غفران در منظومه فکری صحیفه سجادیه، همزمان دارای ابعاد عرفانی و روان‌شناختی است.



## رضوان

إِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ (الحر العاملي، ۱۳۷۹، ۴۵). مفهوم «رضوان» در مناجات المتوسلين به عنوان اوج رضا و خشنودی الهی تعبیر می‌شود. این مفهوم با تقویت انگیزش درونی، فرد را به تلاش برای کسب رضایت الهی، و فراتر از پاداش‌های مادی سوق می‌دهد (انصاریان، ۱۳۸۹، ۳:۳۷۰). در متون تفسیری، رضوان به عنوان بالاترین مقام خشنودی الهی توصیف شده که فوز به آن، نشانه تسلیم کامل و سعادت ابدی است (فیض‌اسلام، ۱۳۸۰، ۲: ۱۳-۱۴). از دیدگاه عرفانی، این فراز مکانیسمی برای تحول از انگیزه‌های بیرونی به درونی محسوب می‌شود (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷، ۳:۲۷۹). تمرکز بر رضوان الهی موجب تعادل روانی و ایجاد مقاومت پایدار در برابر وسوسه‌های مادی می‌شود.

## کرم

بِحَرَمِ كَرَمِكَ (الحر العاملي، ۱۳۷۹، ۴۵). کرم به معنای بخشش بی‌منت است (ابن منظور، ۱۲:۵۱۲). این واژه در ساختار شناختی فرد، چارچوب ذهنی فراوانی ایجاد می‌کند و اضطراب ناشی از کمبود را کاهش می‌دهد. توسل به «حَرَمِ كَرَمِ» (پناهگاه بخشش بی‌منت تو)، یک تغییر پارادایم شناختی ایجاد می‌کند. فردی که در چرخه ذهنیت کمبود اسیر است، جهان را مکانی با منابع محدود می‌بیند که همواره در معرض خطر از دست دادن است. اما با تمرکز بر کرم الهی به عنوان یک منبع بی‌پایان، چارچوب ذهنی فراوانی در او تقویت می‌شود. این باور که منبع بخشش و نعمت بی‌کران است، بنیادی‌ترین اضطراب‌های ناشی از کمبود (اضطراب مالی، عاطفی، اجتماعی) را در سطح وجودی فرد کاهش می‌دهد و به جای ترس، آرامش و گشودگی را جایگزین می‌سازد. این مکانیسم در متون عرفانی به عنوان گذار از «فقر و جودی» به «غنی بالله» توصیف شده است (انصاریان، ۱۳۸۹، ۳:۲۱۵).

## جود

مفهوم «جود» در فراز «بِفَنَاءِ جُودِكَ» (الحر العاملي، ۱۳۷۹، ۴۵)، به معنای جاری ساختن خیر با فراوانی است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۰۲). و بخشنده بدون هیچ چشم‌داشتی می‌بخشد و «کردارش بی‌غرض و فعلش بی سبب باشد» (هجویری، بی‌تا، ۱۸۹). از منظر روان‌شناسی مثبت‌نگر، این مفهوم با تقویت خوش‌بینی آموخته‌شده،



فرد را به جهانی سرشار از نعمت متصل می‌کند. (seligman, 1998, 78). توسل به «فنای جود» به عنوان درگاه بخشش بی‌کران، ابزار شناختی قدرتمندی برای بازسازی سبک تبیین رویدادها فراهم می‌نماید. در این چارچوب، فرد به جای تفسیر شکست‌ها به عنوان اموری دائمی و فراگیر، آنها را پدیده‌هایی موقت و محدود می‌پندارد که از طریق منبع بی‌پایان خیر و بخشش قابل جبران هستند (همان، ص ۸۲). این تحول شناختی نه تنها تاب‌آوری فرد را در برابر ناملایمات افزایش می‌دهد، بلکه احساس تعلق به جهانی سخاوتمند و پرمعنا را در او تقویت می‌نماید. چنین بازسازی شناختی، به ویژه در موقعیت‌های دشوار، امکان حفظ امید و ادامه مسیر رشد را برای فرد فراهم می‌سازد.

### طَمَع

مفهوم «طمع» در فراز «وَحَطَّ طَمَعِي بِفَنَاءِ جُودِكَ» (الحر العاملي، ۱۳۷۹، ۴۵)، به معنای انتظار خیر و امیدواری مثبت تفسیر شده است (الزبیدی، ۱۴۱۸، ۳۲۷:۱۱). این نگرش نمایانگر جهت‌گیری آینده‌نگر در روان‌شناسی است که از شاخص‌های سلامت روان محسوب می‌شود (seligman, 1998, 145). این فراز با تبدیل «طمع مرضی» به «توقع متعالی»، یک تحول شناختی ایجاد می‌کند که در چارچوب نظریه امید اسنایدر قابل تحلیل است (snyder, 1994, 67). در این گذار، فرد از تمرکز بر کمبودهای گذشته به سمت آینده‌ای سرشار از جود الهی حرکت می‌کند که موجب تقویت تاب‌آوری می‌شود (masten, 2014, 234). این بازسازی شناختی، مکانیسمی برای مقابله با ناامیدی و ایجاد بهزیستی روان‌شناختی پایدار است.

### أَمَل

مفهوم «أمل» در فراز «فَحَقَّقْ فِیکَ أَمَلِي» به معنای آرزوی پایدار و امیدواری اصیل است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۲۷:۱۱). از منظر روان‌شناختی، این مفهوم با نظریه امید اسنایدر که امید را ترکیبی از «مسیرنگری» (یافتن راه‌های رسیدن به هدف) و «عاملیت» (انگیزه حرکت در این مسیر) می‌داند (snyder, 1994, 67)، همخوانی کامل دارد. ساختار نحوی «فیک» در این فراز، نشان‌دهنده جهت‌گیری مستقیم به ذات الهی است که در روان‌شناسی مثبت‌نگر، با تقویت انگیزش درونی و خلق چارچوب ذهنی فراوانی (seligman, 1998, 189)، مرتبط است. این نگرش، با



## صحیفه سجاریه، امام سجاده (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

تبدیل آرزو به عاملی فعال در مسیر رشد، تاب‌آوری روانی را افزایش می‌دهد (masten, 2014, 234) و فرد را از دام درماندگی می‌رهاند.

### عَفْو

مفهوم «عفو» در فراز «إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِي» (الحر العاملي، ۱۳۷۹، ۴۵)، به معنای گذشت از گناه، نادیده گرفتن خطا و بخشندگی فراتر از انتظار است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵:۷۳). از منظر روان‌شناختی، این مفهوم با فعال‌سازی مکانیسم شفقت به خود به مقابله با خودسرزنشگری می‌پردازد. در این فرآیند، فرد با به کارگیری سه مؤلفه اصلی شفقت به خود و پذیرش خطا (ذهن‌آگاهی)، مهربانی با خویشتن و درک اشتراک انسانی در خطاکاری، از چرخه معیوب شرم و عذاب وجدان رهایی می‌یابد. این رویکرد، که در روان‌شناسی مثبت‌نگر به عنوان عاملی برای افزایش تاب‌آوری و بهبود سلامت روان شناخته می‌شود (neff, 2003, 89)، در این فراز از مناجات به صورت کاربردی ارائه شده است. توسل به «سعه عفو» الهی، نه تنها یک عمل عبادی، بلکه راهکاری روان‌شناختی برای خروج از بحران خودسرزنشگری و بازگشت به تعادل روانی است.

### حَرَمَان

مفهوم «حرمان» در فراز «فَلَا تُؤَلِّنِي الْحَرَمَانَ» (الحر العاملي، ۱۳۷۹، ۴۵)، به معنای محرومیت و انقطاع از فیض الهی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱:۳۶۸). از منظر روان‌شناختی، این مفهوم با نظریه دلبستگی (Bowlby, 1969, 156) مرتبط است که طردشدگی را به عنوان یکی از عمیق‌ترین ترس‌های انسانی معرفی می‌کند. درخواست اجتناب از حرمان، در حقیقت بیانگر نیاز فطری انسان به تعلق‌خواهی و پذیرش است. این عبارت با تأکید بر رابطه مبتنی بر کرم و رأفت الهی، مکانیسم دفاعی در برابر اضطراب طردشدگی ایجاد می‌کند (pargament, 1997, 203). چنین درخواستی نه تنها نشان‌دهنده شناخت صحیح از رابطه انسان با خداست، بلکه راهکاری برای حفظ سلامت روان در برابر آسیب‌های ناشی از احساس محرومیت و طردشدگی ارائه می‌دهد.

این ده واژه در منظومه فکری امام سجاده (ع) شبکه معنایی منسجم و پیچیده‌ای تشکیل می‌دهند که بازتاب‌دهنده سیر تحول روانی از اضطراب وجودی به آرامش نهایی است. این سفر معنوی با رأفت و رحمه آغاز می‌شود که



نمایانگر نیاز اولیه انسان به دل بستگی ایمن است. این دو مفهوم، پایه‌های دل بستگی ایمن با خداوند را بنیان می‌نهند که در روان‌شناسی دین، شرط لازم برای سلامت معنوی محسوب می‌شود. سپس مفاهیم غفران و عفو وارد می‌شوند که نقش پاک‌سازی هیجانی را ایفا می‌کنند. این دو واژه در واقع مکانیسم تخلیه کاتارتیک را فعال می‌سازند و بار سنگین احساس گناه هستی‌شناختی را از دوش فرد برمی‌دارند. این فرآیند معادل رستگاری از کهن‌الگوی سایه است و دستاورد نهایی در قالب رضوان و کرم متجلی می‌شود و فضایی امن برای تحول روانی ایجاد می‌کند که در آن فرد می‌تواند بدون ترس از حرمان به کمال برسد.

## ۲-۴. تحلیل عرفانی و سیر تحول معنوی در مناجات المتوسلین

### ۲-۴-۱. سیر تحول معنوی در مناجات المتوسلین

در مرحله اول سلوک عرفانی با عنوان «اعتراف و انکسار»، سالک با به کارگیری فراز «إِلٰهِ لَيْسَ لِي وَسِيْلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ» (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵)، به شناسایی کامل عجز و نیاز خویش در پیشگاه الهی می‌پردازد. خواجه عبدالله انصاری در منازل السائرین این مرحله را تحت عنوان «يقظه» به عنوان اولین منزل سلوک معرفی می‌کند و می‌نویسد: «اول منزل، يقظت است... و آن مشاهده غفلت است» (انصاری، ۱۳۹۴، ۱۱). این انکسار درونی که با اعتراف به بی‌وسیله‌گی همراه است، اساس همه مراحل بعدی سلوک را تشکیل می‌دهد و شرط لازم برای ورود به حریم قرب الهی محسوب می‌شود.

مرحله دوم توسل و امید (مرحله تربیت) است. وَشَفَاعَةُ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵)، در اینجا سالک از حالت انفعال خارج شده و با تکیه بر وسائل تقرب، حرکت فعالانه به سوی خدا را آغاز می‌کند. این مرحله، نشان‌دهنده تحول نگرش سالک از خوف به امید است. امام خمینی در کتاب آداب الصلاة بر این مفهوم تأکید می‌ورزد: «سالک باید در ابتدای راه، به ارواح مقدسه انبیا و اولیا تمسک جوید... تا از ظلمت نفس رهایی یابد» (خمینی، ۱۳۶۸، ۲۵۰). این توسل، به عنوان پل ارتباطی بین عجز سالک و غنای الهی عمل می‌کند و مطابق با آموزه‌های ابن عربی در فصوص الحکم (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ۸۳)، نشان‌دهنده تجلی اسم «الرحمن» در مسیر سلوک است.



## صحیفه سجاریه، امام سجاده (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

مرحله سوم استقرار و طمع (مرحله تحقق) است. وَحَطَّ طَمَعِي بِنَاءِ جُودِكَ. این عبارت بیانگر استقرار و ثبات سالک در مقام طمع به جود الهی است. این طمع، نه طمع مادی، بلکه اشتیاقی و جودی برای وصول به حق است. در این مرحله، سالک از مقام عبد به مقام محب ارتقا می‌یابد. از این طمع و جودی، در عرفان به شوق تعبیر می‌شود.

مرحله چهارم تجرید و توجه (مرحله تجلی) است. فَحَقَّقْ فَيْكَ أَمَلِي (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵). فیک در این عبارت، کلیدی است. سالک نه به پاداش، نه به بهشت، بلکه تنها به ذات حق نظر دارد. این تجرید کامل از غیر خدا، نشان‌دهنده اوج سیر عرفانی است که در عرفان به توحید افعالی تعبیر می‌شود. توجه به «فیک» (ذات تو)، نماد توحید افعالی است که در آثار عرفانی به تفصیل شرح داده شده است

مرحله پنجم: وصال و لقاء است. بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ يَوْمَ لِقَائِكَ (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵). این فراز، نقطه اوج سیر عرفانی است. النظر إليك بیانگر مقام شهود و لقاء نماد وصال است. در این مرحله، سالک به مقام فنا فی الله و بقا بالله نائل می‌شود که به عنوان غایت مطلوب سالک شناخته می‌شود.

مرحله ششم: خلوت و انس (مرحله استقرار) است. در مرحله خلوت و انس از سلوک عرفانی، سالک با نگرش به فراز «يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ» (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵)، به مقام انس و انفراد نائل می‌گردد. در باب خلوت کشف‌المحجوب این مقام به عنوان «خلوت» توصیف می‌شود: «خلوت آن باشد که خلق را از میان برگیری و حق را حاضر بینی» (هجویری، ۱۳۷۵، ۱۷۸). ابن عربی در فصوص‌الحکم این انس را ناشی از تجلی اسم «الواحد» می‌داند (۱۴۲۲ق، ص ۱۲۴).

مرحله هفتم: عفو و توسل نهایی (مرحله تکمیل). در مرحله هفتم و نهایی سلوک عرفانی، سالک با فراز «إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِي» (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵)، به مقام رضا و تسلیم کامل می‌رسد. این مرحله که اوج سیر مناجات است، نماد گذار از تمام مراحل پیشین و وصول به مقام فنا و بقا است. در مرصاد العباد این مقام به عنوان والاترین مرتبه عرفانی توصیف می‌شود: «رضا، آسایش از تعب انتخاب و آرام گرفتن به حکم تقدیر است» (نجم الدین رازی، ۱۳۸۳، ۳۴۵)



## صحیفه سجاریه، امام سجاده (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

این هفت مرحله، دقیقاً مطابق با منازل السائرین در عرفان اسلامی است. هر مرحله، پلکانی است که سالک را از حیات ناسوتی به حیات لاهوتی رهنمون می‌سازد. زیبایی این سیر در آن است که امام سجاده (ع) نه تنها این مراحل را ترسیم کرده، بلکه با زبان ادبی و عرفانی، راه‌نمای عملی برای پیمودن این مسیر ارائه داده‌اند. این مناجات، یک دستورالعمل عملی سلوک است. این هفت مرحله، یک سیر کامل از «تزکیه» و پاکسازی نفس، آغاز می‌کند، به «تحلیه» و آراستن به فضایل می‌رسد و در نهایت به «تجلی» و نمود یافتن حق در جان سالک ختم می‌شود. این سیر، کاملاً منطبق بر برنامه سلوکی عرفای اسلامی مانند خواجه عبدالله انصاری در «منازل السائرین» و امام خمینی در «آداب الصلاة» است.

### ۲-۴-۲. مفهوم توکل و نقش آن در آرامش روانی

یکی از مفاهیم کلیدی در مناجات المتوسلین، توکل است. این مفهوم که در لغت به معنای واگذاری و اعتماد است، به معنای اظهار عجز در مقابل فردی دیگر است. اما وقتی با «علی الله» بیاید یعنی انسان ضعف و ناتوانی خود را در مقابل امور نشان می‌دهد و بر خدای متعال تکیه می‌کند (ابن منظور، ۱۵:۲۷۳). در متن مناجات لفظ آن ذکر نشده، اما به صورت عملی تجلی یافته است. توکل به عنوان مکانیسم دفاعی سالم در برابر اضطراب عمل می‌کند. امام سجاده (ع) با به کارگیری این مفهوم، راهکاری برای رهایی از اضطراب ناشی از احساس عدم کنترل بر زندگی ارائه می‌دهند.

از دیدگاه ادبی، کاربرد این مفهوم در قالب افعال و عبارات مختلف، نشان‌دهنده اهمیت آن در نظام فکری امام است. هنگامی که انسان به حقیقت توکل دست یابد، از بار سنگین مسئولیت‌های غیرضروری رها شده و به آرامش درونی می‌رسد.

### ۲-۴-۳. مفهوم رضا و جایگاه آن در مناجات

رضا از دیگر مفاهیم محوری در این مناجات است. این مفهوم که در ادبیات عرفانی از آن به رضا بالقضاء تعبیر می‌شود (هجویری، ۱۳۷۵، ۲۳۴)، در متن مناجات به زیبایی هرچه تمامتر بیان شده است. رضا به معنای تسلیم در برابر اراده الهی، عامل مهمی در کاهش اضطراب و رسیدن به آرامش است. رضا به معنای تسلیم کامل در برابر



## صحیفه سجاریه، امام سجاده (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

اراده الهی و پذیرش حکمت نهفته در تقدیر است. رضا «آسایش از تعب انتخاب و آرام گرفتن به حکم تقدیر» تعریف می‌کند (رازی، ۱۳۸۳، ۳۴۵). در مناجات، این مفهوم در طلب «الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ» (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵) متجلی شده که نشان‌دهنده اوج سلوک عرفانی است.

### ۲-۵. شرح و بسط مفهوم آرامش درونی در مناجات المتوسلین

#### ۲-۵-۱. سیر تحول به سوی آرامش درونی در مناجات المتوسلین

مناجات المتوسلین با درکی عمیق از ماهیت اضطراب انسانی، مسیری نظام‌مند برای دستیابی به آرامش درونی ترسیم می‌کند. این مسیر با بازتعریف رابطه انسان با خدا آغاز می‌شود؛ از خدای قاضی سختگیر به مهربانی بی‌پایان. امام سجاده (ع) در فراز «لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ» (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵) با تأکید بر رأفت به جای عدالت، بنیان شناختی جدیدی می‌سازند که در روان‌شناسی امروز از آن به بازسازی شناختی یاد می‌شود (Beck, 1979, 154).

در گام دوم، تخلیه هیجانی از طریق مفاهیمی چون غفران و عفو صورت می‌گیرد. هنگامی که امام می‌فرماید «إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِي» (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵)، در حقیقت مکانیسمی برای رهایی از بار گناه ارائه می‌دهند. این فرآیند که در روان‌شناسی به پاک‌سازی کاتارتیک معروف است، شرط لازم برای رسیدن به آرامش پایدار است (Freud, 1900, p.234).

سومین مرحله، ایجاد امنیت وجودی از طریق توکل است. عبارت «وَحَطَّ طَمَعِي بِنَفَائِ جُودِكَ» (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵) نشان‌دهنده گذار از اضطراب ناشی از عدم قطعیت به آرامش حاصل از اعتماد است. این تحول، در نظریه‌های روان‌شناسی، دلبستگی ایمن نامیده می‌شود که پایه سلامت روان است. جان بالبی در نظریه دلبستگی خود نشان داد که وجود یک پایگاه امن (در اینجا: جود الهی) شرط لازم برای کشف جهان و کاهش اضطراب است (Bowlby, 1969, p.156).

در مرحله چهارم، معنابخشی به رنج از طریق رضوان و کرم صورت می‌گیرد. هنگامی که امام الفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ را طلب می‌کنند، در حقیقت به رنج‌های انسان معنا می‌بخشند. ویکتور فرانکل در کتاب انسان در جستجوی معنا بر



## صحیفه سجاریه، امام سجاده (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

این نکته تأکید می‌کند که یافتن معنا در رنج، قدرتمندترین عامل تاب‌آوری روان‌شناختی است (Frankl, 1946, p.98). طلب «رضوان» الهی، والاترین سطح معناست.

نهایتاً، دستیابی به آرامش فعال در السَّلام و السُّکُون متجلی می‌شود. این آرامش، یک سکون منفعلانه نیست، بلکه حالتی از هوشیاری و مسئولیت‌پذیری است. امام با عبارت وَأَخْتِمُ بِالْخَيْرِ عَمَلِي نشان می‌دهند که آرامش نهایی، در گرو فعالیت و مسئولیت‌پذیری است.

این مفهوم، با نظریه خودتعیین‌گری ارتباط دارد. در این نظریه، مسئولیت‌پذیری فعال و پیگیری اهداف معنادار، شرط اساسی بهزیستی روان‌شناختی است (Ryan & Deci, 2000, 68). این سیر پنج‌گانه، از اضطراب تا آرامش، نه تنها با یافته‌های روان‌شناسی مدرن همخوانی دارد، بلکه با ارائه چارچوبی الهیاتی، آن را تعمیق می‌بخشد. مناجات‌المتوسلین نشان می‌دهد که آرامش واقعی، نه در نفی مشکلات، بلکه در بازتعریف رابطه انسان با خداوند نهفته است.

### ۲-۵-۲. آرامش و بازتعریف رابطه با خداوند

امام سجاده (ع) در فراز «لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ» (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵) بنیادی‌ترین تحول شناختی را پایه‌ریزی می‌کنند. در این نگاه، آرامش نه از طریق انباشت امکانات مادی، بلکه از مسیر بازتعریف رابطه با مبدأ حاصل می‌شود. این همان مکانیسمی است که در روان‌شناسی از آن به بازسازی شناختی یاد می‌شود. هنگامی که انسان، خداوند را نه به عنوان قاضی سختگیر، بلکه به عنوان منبع بی‌پایان رأفت و رحمت بازمی‌شناسد، اساس اضطراب هستی‌شناختی از بین می‌رود.

### ۳-۵-۲. نقش امیدواری در کاهش اضطراب در پرتو مناجات‌المتوسلین

امید از دیدگاه روان‌شناسی مثبت‌نگر، فرآیندی شناختی است که در آن فرد مسیرهای دستیابی به اهداف را تصور کرده و انگیزه لازم برای پیگیری این مسیرها را در خود ایجاد می‌کند. در مناجات‌المتوسلین، این مفهوم به شکلی به دو صورت نمود یافته است. نخست، امید به رحمت بی‌پایان در فراز «وَلَا يَجِدُ الْقَاصِدُونَ أَرْحَمَ مِنْهُ» (الحر العاملی، ۱۳۷۹، ۴۵). این عبارت با تأکید بر بی‌همتایی و فراوانی مطلق رحمت الهی، یک چارچوب شناختی امید



## صحیفه سجاریه امام سجاده (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

ایجاد می‌کند. ذهنیتی که با باور به منبعی بی‌پایان از خیر و رحمت، زمینه‌ساز آرامش عمیق می‌شود. دوم، امید به عفو و بخشش در تصویر هنرمندانه «إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِي» (الحر العاملي، ۱۳۷۹، ۴۵) تبلور یافته است. این استعاره، امید را به فعلیت و کنش تبدیل می‌کند. «دراز کردن دست نماد طلب فعال و «وسعت عفو» نشانگر پاسخی بی‌کران از سوی خداوند است.

### ۳. نتیجه‌گیری

مناجات المتوسلین به عنوان متنی ادبی-عرفانی، گنجینه‌ای است که در آن زیبایی‌های زبانی در خدمت انتقال مفاهیم عمیق عرفانی قرار گرفته است. تحلیل این متن نشان می‌دهد که امام سجاده (ع) با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بی‌نظیر زبانی و با تسلط بر مبانی بلاغت و عرفان اسلامی، متنی خلق کرده‌اند که می‌تواند برای انسان مضطرب امروزی راهگشا باشد.

این مناجات با ایجاد فضایی از انس و الفت با معبود، القای امید از طریق تأکید بر رحمت بی‌پایان الهی، و ارائه تصویری حکیمانه از جهان، سیستمی یکپارچه برای مقابله با اضطراب و رسیدن به آرامش درونی ارائه می‌دهد. زیبایی‌های ادبی این متن، نه به عنوان آرایه‌هایی تزئینی، بلکه به عنوان ابزارهایی کارآمد در خدمت انتقال مفاهیم و ایجاد تأثیرات روان‌شناختی قرار گرفته‌اند. همچنین با تلفیق امید الهی و مکانیزم‌های روان‌شناختی، الگویی جامع برای مقابله با اضطراب ارائه می‌دهد. این الگو نشان می‌دهد که امیدواری می‌تواند به عنوان یک منبع درونی مقاومت در برابر فشارهای روانی عمل کند. مناجات المتوسلین با تأثیر بر نظام باورهای فرد، به ایجاد آرامش درونی کمک می‌کند. هنگامی که فرد به باورهای عمیق دینی دست می‌یابد، دیدگاهش به زندگی و مشکلات آن تغییر می‌کند. این تغییر نگرش، به خودی خود موجب کاهش اضطراب و رسیدن به آرامش می‌شود. این تأثیر از طریق کاربرد واژگانی با بار معنایی مثبت و امیدبخش تقویت می‌شود. همچنین، استفاده از ساختارهای زبانی که بر رابطه مستقیم و بی‌واسطه با خداوند تأکید دارند، به تقویت آرامش کمک می‌کند.

### منابع

ابن منظور، لسان العرب، دار صادر.



انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۹۴). منازل السائرين. قم: آیت اشراق.

انصاریان، حسین، (۱۳۸۹). تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، قم: دار العرفان.

الحر العاملی، محمد بن الحسن. (۱۳۷۹). الصحیفه السجادیه الثانیه. ، تحقیق: فارس حسون کریم. قم : مؤسسۀ المعارف الاسلامیه.

خمینی، روح الله. (۱۳۸۲). شرح جنود عقل و جهل. چاپ هفتم. قم: مؤسسۀ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد(۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دار القلم

الزبیدی، المرتضی (۱۴۱۸ق). تاج العروس من جواهر القاموس. جلد ۱۱. بیروت: دار الفکر.

شجاعی، محمد. شرح صحیفه سجادیه قسمت ۱۰۱، <https://media.montazer.ir/>

کاشانی، عزالدین محمود (۱۳۸۰). مصباح الهدایه. تهران: انتشارات زوار.

هجویری، علی بن عثمان (بی تا). کشف المحجوب. تهران: انتشارات طهوری.

Beck, Aaron T. (1979). Cognitive Therapy and the Emotional Disorders. New York: International Universities Press. p.154.

Bowlby, J.( 1969). Attachment and Loss, Vol. 1: Attachment. New York. Basic Books.

Jung, C. G. (1959). The Archetypes and the Collective Unconscious (Vol. 9, Part 1). Princeton University Press. ISBN: 0-691-01833-2.

Frankl, V. E. (1946). Man's Search for Meaning. Part 1

Freud, S. (1900). The Interpretation of Dreams. Chapter 7: The Psychology of the Dream-Processes.

Masten, A. S. (2014). Ordinary Magic: Resilience in Development. New York: Guilford Press. p.234.

Neff, K. (2003). Self-Compassion: An Alternative Conceptualization of a Healthy Attitude Toward Oneself. p.89-124

Pargament, K. I.(1997). The Psychology of Religion and Coping: Theory, Research, Practice. New York.

اولین همایش ملی



صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the *facilitation of intrinsic motivation*. *American Psychologist*, 55(1), 68–78.

Snyder, C. R. (1994). *The Psychology of Hope: You Can Get There from Here*. New York: Free Press. p.67.



صحیفه سجادیه الهام بخش جبهه مقاومت

سمیه پورحسن

استادیار دانشکده مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

porhasan@pnu.ac.ir

چکیده

یکی از راههای ارتباط با خدا دعا می باشد، و اگر دعا از زبان معصوم باشد اثری صد چندان می نماید. که صحیفه سجادیه اولای آنهاست. هر فراز صحیفه سجادیه، انسان را با حقیقت وجودی خویش روبه رو می سازد و به او می آموزد چگونه با تواضع و معرفت زندگی نماید. خواندن دعاهای کوتاه با نیت عمل، بهترین راه انس با صحیفه سجادیه است. امام سجاد (ع) با جا انداختن فرهنگ دعا، هویتی جدید در شیعه به وجود آوردند تا جایی که هیچ مکتبی در دنیا به اندازه شیعه دعای مأثور از جانب رهبران دینی خود ندارد. صحیفه سجادیه به ما یادآوری می نماید که دعا و عبادت، نه تنها منافاتی با مبارزه ندارد، بلکه باید روحیه مقاومت را در ما تقویت کند. این همان درس بزرگی است که امروزه در مجازات رژیم صهیونی توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مشاهده شد. همان گونه که امام سجاد(ع) در صحیفه به ما آموخت، عبادت بدون مبارزه با ظلم ناقص است. در جنگ اخیر پاسخ ایران به رژیم صهیونیستی، تجلی همین آموزه های صحیفه سجادیه بود که مقاومت در برابر ظالم را یک وظیفه الهی می داند. صحیفه سجادیه به ما می گوید که پیروزی نهایی با مستضعفان است، چرا که امام سجاد(ع) در دعاهای خود همواره از خداوند نصرت مؤمنان را طلب کرده اند. این همان وعده الهی است که در عملیات های " وعده صادق " شاهد تحقق آن شدیم.

کلمات کلیدی: صحیفه سجادیه، دعا، ظلم، مقاومت



## ۱. مقدمه

دعا نقشی اساسی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. از دیدگاه مذهبی، دعا به عنوان یک وسیله ارتباط با خداوند و راهی برای طلب خیر و برکت و رفع مشکلات شناخته می‌شود. بر کسی پوشیده نیست که دعا یکی از ابزارهای مواجهه با مسائل مختلف زندگی است؛ چه آن کس که طالب رشد و پیشرفت معنویت است و چه آن کس که طالب رفع سایر نیازمندی‌های خود باشد. چرا که دعا و نیایش از بهترین ابزارهای ارتباط روح انسان با خداوند متعال است. این عمل به قدری اهمیت دارد که خداوند در آیاتی از قرآن به صورت مستقیم و غیر مستقیم انسان‌ها را دعوت به انجام آن کرده است؛ به عنوان نمونه در بخشی از آیه ۶۰ سوره غافر می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ پروردگار شما می‌گوید بخوانید مرا تا برای شما استجابت کنم». امام سجاد (ع) می‌فرماید: «الدَّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَ مَا لَمْ يَنْزِلْ» یعنی: دعا، بلائی فرود آمده و فرود نیامده را دفع می‌کند. این بدان معناست که دعا مافوق نظام علی و معلولی است که مکاتب بشری معرفی کرده‌اند. در نظام «دعا و استجابت» تقدیر انسان تغییر می‌کند و هندسه‌ای که بشر با ذهن محدود خود ساخته است، متحول می‌شود؛ [۱] در این نظام عطای خداوند حتی گاهی ارتباطی به استعداد گیرنده ندارد؛ چون رحمت خداوند هستی را فراگرفته است «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» [۲] بنابراین دعا، قضای حتمی خداوند را پس می‌زند. پس انسان مؤمن در چنین شرایطی هراس به خود راه نمی‌دهد، چون آموزه‌های ناب به نام «دعا کردن» دارد که با آن ناامیدی و یأس را می‌تواند شکست دهد. براساس آنچه که در دعای افتتاح آمده است دعا کردن موهبتی است که خداوند به هر کسی عنایت نمی‌کند «اللَّهُمَّ أذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَ مَسَأَلَتِكَ» [۳] و هستند بسیاری از افراد که در سختی‌های زندگی، نافرمانی بیشتری می‌کنند و بی‌توجه به ترمیم ارتباطشان با خداوند به رفتار ناشایست خود ادامه می‌دهند؛ در حالی که اگر نیک نگریسته شود، این لطف و فضل بی‌منت‌های خداست که اجازه می‌دهد از او چیزی درخواست شود.

## ۲. دعا از منظر امام سجاد (ع)

امام سجاد (ع) در دعای دوازدهم صحیفه سجادیه دلیل درخواست از خداوند را اینگونه تبیین می‌کند: «اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْبِبُنِي عَنْ مَسَأَلَتِكَ خِلَالَ ثَلَاثٍ، وَ تَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ: يَحْبِبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتَ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَ نَهَى نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَ نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا؛ وَ يَحْدُونِي عَلَيَّ مَسَأَلَتِكَ تَفَضُّلِكَ عَلَيَّ مَنْ أَقْبَلَ بَوَجْهِهِ إِلَيْكَ، وَ وَقَدَ بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ، إِذْ جَمِيعُ إِحْسَانِكَ تَفَضُّلٌ، وَ إِذْ كُلُّ نِعْمِكَ ابْتِدَاءٌ» یعنی: خداوند! سه نکته مرا باز می‌دارد تا از تو درخواست کنم و تنها یک چیز مرا بر آن می‌دارد، آنچه مرا باز می‌دارد: یکی آن است که تو مرا فرمان دادی و من در انجام دادن آن کندی کردم؛ دیگر آن که مرا از کاری نهی فرمودی، اما من به انجام دادن آن شتافتم؛ سوم آن که مرا نعمت ارزانی داشتی، اما من در گزاردن شکر آن، کوتاهی کردم؛ اما آنچه مرا به درخواست کردن از تو می‌کشانند، تفضل تو بر کسی است که به درگاهت روی می‌کند و با خوش گمانی به سوی تو می‌آید که هر احسانی که تو می‌کنی، تفضل است و هر نعمتی که می‌دهی، آغازگرش تو هستی. [۴] امام سجاد (ع) در شرایطی این دعاها را عرضه کردند که جامعه دچار بحران اخلاقی، سیاسی و فرهنگی بود. دعا در نگاه امام، گفت‌وگو با خدا و هم‌زمان فرایند آگاهی و بیداری درونی است.

## ۳. راهبردهای حرکت جهانی اسلام و پدافند غیرعامل در صحیفه سجادیه

دعا در حقیقت، به نمایش گذاشتن فقر انسان در برابر غنای مطلق الهی است و اظهار این مساله اولین نقطه وصل به ذات احدیت است. دعا، نرم افزار عبودیت است که انسان باید توسط آن عبودیت خود را به تجلی برساند. قرآن کریم و روایات متعدد



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

این حقیقت را به زبان های گوناگون بیان کرده اند. در صحیفه سجادیه به این مطلب اشاره شده است کسی که دعا را ترک کند در مقام استکبار قرار می گیرد.

امام سجاد(ع) در این صحیفه مبارکه راهبردهای اسلام برای حرکت جهانی علیه شیاطین انسی و جنی را به بهترین شکل ممکن بیان می دارند و راهبردهای مهم ولایت را در این ادعیه به خوبی بیان می کنند؛ ایشان در دعای ۱۷ صحیفه سجادیه که یک متن گرانسنگ دشمن شناسی است، بحث های فعال راهبردی را مطرح می نمایند که کاربرد بسیاری در حوزه جنگ نرم و پدافند غیر عامل دارد و به طور کلی رمز موفقیت در این حوزه است. در بخشی از این دعا، امام بیان می دارند که «اللَّهُمَّ وَمَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرَّفْنَاهُ وَإِذَا عَرَفْتَنَاهُ فَقِنَاهُ وَبَصِّرْنَا مَا نَكَّيْدُهُ بِهِ وَ أَلْهِمْنَا مَا نُعِدُّهُ لَهُ وَ أَيْقِظْنَا عَنْ سِنَّةِ الْعَقْلَةِ بِالرُّكُونِ إِلَيْهِ، وَأُحْسِنُ بِتَوْفِيقِكَ عَوْنَنَا عَلَيْهِ»؛ شیطان سعی می کند که در باطل تصرف عرضی کرده و او را چهره حق ظاهر کند و این حيله شیطان را به من معرفی کن؛ حضرت بیان می دارد که خدایا ما را از این حيله ها حفظ کن؛ در اوج این فراز بیان می دارند که خدایا بصیرتی به ما بده که ما برای شیطان کید و دام پهن کنیم. [۵]

امام در دعای ۲۵ صحیفه، جایگاه لجستیکی شیطان را در سینه و مجاری دماء مردم ذکر کرده است و با درک این پوشش انسانی که حتی در خواب و رویای انسان نیز تصرفات دارد، از خداوند می خواهند که بصیرتی به ما عطا فرما که بتوانیم شیطان را در دام گرفتار کنیم؛ در اینجا امام، امکان وقوعی این امر را بیان می دارد. [۶]

با وجود شیاطین انسی و جنی که در راس همه این شیاطین، ابلیس است و شیاطین انسی نیز من الطبع شیاطین جنی هستند و ولایت پذیران شیاطین جنی هستند که قرآن نیز بر این مطلب صحه می گذارد؛ حضرت امام سجاد در صحیفه، شاخصه های شیطان و دام گذاری برای شیطان را بیان کرده است، ولی سوال اصلی این است که این بصیرت از چه جنسی است؟ حضرت در یکی از فرازها می فرمایند که «اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ أَعْدَائِهِ، وَاعْزِلْنَا عَنْ عِدَادِ أَوْلِيَائِهِ، لَا نُطِيعُ لَهُ إِذَا اسْتَهْوَانَا، وَ لَا نَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَانَا، نَأْمُرُ بِمَنْوَاتِهِ، مَنْ أَطَاعَ أَمْرَنَا، وَ نَعْظُ عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنْ اتَّبَعَ زَجْرَنَا». یعنی خداوند ما را در نظم و آرایشی قرار بده که در مقابل شیطان قرار بگیریم؛ لذا در اینجا حضرت، یکی از راهکارهای بصیرت را در مقابل شیطان، آرایش منظم گروهی و نظام مند و سیستماتیک عنوان می کنند؛ مرحله بعدی که حضرت بیان می دارند، حمله همه جانبه به شیطان در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی و... است.

## ۴. تاکید بر گریز از ولایت شیطان

یکی از مسلمات مبارزه با شیطان آن است که مردم از ولایت شیطان خارج شده و به ولایت خداوند، پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) که پرچمدار مبارزه با شیطان هستند، وارد شوند؛ خداوند نیز در قرآن مردم را به گریز از ولایت شیطان فرا می خواند و از مردم می خواهد که شیطان را دشمن فرض کرده و علیه او حمله ور شوند؛ خداوند به ما می فرماید که شیطان دشمن شماست؛ یعنی انسان باید این باور را در خود تقویت نماید و خود را به حمله و حضور در فاز تهاجمی علیه شیطان تشویق کند. آرایش منظم و دستور به حمله و بسیج همه مخاطبان برای حمله به شیطان در کلام حضرات معصومین(ع) به ویژه امام سجاد(ع) به عنوان رمز توفیق جهانی در مقابل شیطان بیان شده است؛ در واقع حضرت به دنبال ایجاد نهضت جهانی علیه ابلیس است؛ از آیات [۷] نیز این گونه استفاده می شود که "یا ایها الذین آمنوا لا تتبعوا الخطوات الشیطان و من يتبع الخطوات الشیطان فانه یامر بالفحشاء و المنکر"؛ خطوات شیطان در عرصه های مختلف، مزاحم رشد انسانی است؛ دستور حمله از جانب خداوند داده شده است؛ در ادبیات معیوب سیاسی و فرهنگی موجود مهندسی معکوس شده است و انسان را به اتخاذ ولایت شیطان سوق می دهند، ولی آیات و روایات و ادعیه، راهبردهای اتخاذ عداوت شیطان را به ما نشان داده اند که راهبرد اصلی، بصیرت، آرایش و نظم و همچنین دستور حمله همه جانبه به خطوات شیطان است. نهضت جهانی علیه ابلیس دارای دو



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

وجه ایجابی یعنی ایجاد نهضت جهانی سلامت اجتماعی و جنبه سلبی اش نهضت جهانی علیه خطوات ابلیس است که این دو محور در آیه [۸] "یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم كافة و لاتتبعوا خطوات الشیطان"، ذکر شده است.

## ۵. دعای مکارم الاخلاق؛ درس مقاومت در لباس اخلاق

صحیفه سجادیه، یک کتاب مبارزه در قالب دعاست که به ما می آموزد چگونه در عین عبادت، در برابر ظلم باید ایستاد.. در دعای بیستم صحیفه سجادیه (دعای مکارم الاخلاق) اشاره کرد که ظاهراً درباره اخلاق کریمه است، امام (ع) می فرماید: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ لِي يَدًا عَلَي مَنْ ظَلَمَنِي، وَ لِسَانًا عَلَي مَنْ خَاصَمَنِي، وَ هَبْ لِي مَكْرًا عَلَي مَنْ كَايَدَنِي،** خدایا! بر ضد کسانی که به من ستم کرده اند، به من قدرت ده، و بر کسانی که با من مکر می کنند، چاره اندیشی عطا کن، و بر کسانی که با من دشمنی می ورزند، زبانی قاطع بده. "این نشان می دهد که اخلاق اسلامی، اخلاق مبارزه و مقاومت است سه سلاح مؤمن در مبارزه با دشمنان از منظر امام سجاد (ع) عبارتند از:

**"ید"؛ سلاح نظامی در برابر ظالمان**

درخواست "وَاجْعَلْ لِي يَدًا عَلَي مَنْ ظَلَمَنِي" به معنای قدرت عملی و نظامی در برابر متجاوزان است. این نشان می دهد دفاع مسلحانه در برابر ظلم، بخشی از تعالیم اخلاقی ائمه (ع) است.

**"لساناً"؛ سلاح تبلیغاتی در برابر مخالفان**

"وَ لِسَانًا عَلَي مَنْ خَاصَمَنِي" به معنای توانایی تبلیغی و رسانه ای است. مؤمن باید بتواند در عرصه های فرهنگی و رسانه ای از حریم حق دفاع کند.

**"مکراً"؛ سلاح اطلاعاتی در برابر حیلہ گران**

"وَ هَبْ لِي مَكْرًا عَلَي مَنْ كَايَدَنِي" به معنای هوشمندی اطلاعاتی و توانایی خنثی سازی توطئه هاست. این نوعی از جهاد است که در روایات به "جهاد اکبر" تعبیر شده است.

امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه حتی جزئیات تجهیز رزمندگان را آموزش می دهد: از طلب "سلاح پیروزمند" و "اسب های نیرومند" تا "سازماندهی نیروها".

امروز که اسرائیل مرتکب خطای استراتژیک شده، دعای ۲۷ صحیفه با درخواست هایی مانند **وَ كَثِّرْ عِدَّتَهُمْ** (خدایا نیروهایمان را فراوان کن) و **وَ اشْحَذْ اَسْلِحَتَهُمْ** (و سلاحشان را تیز و برآ کن)، دقیقاً منطبق بر نیازهای میدان نبرد است.

نکته عجیب، پیش بینی امام سجاد (ع) از جنگ جهانی اسلام و کفر در این دعاهاست؛ جایی که حتی برای "تدارکات نظامی" و "تقویت روحیه رزمندگان" دستورالعمل الهی ارائه می دهد [۴]

با توجه به ظرافت های این دعا امام سجاد (ع) در دعایی که سراسر آموزه های اخلاقی است، به ما می آموزد که اخلاق کامل، منافاتی با آمادگی دفاعی در تمام عرصه ها ندارد. این سه سلاح (نظامی، تبلیغاتی و اطلاعاتی) باید هم زمان تقویت شوند.

با اشاره به آیه **وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ** می توان نتیجه گیری کرد: این فراز از دعای مکارم الاخلاق، تفسیر عملی آیه قرآن است که بر آمادگی همه جانبه در برابر دشمنان تأکید دارد. اخلاق اسلامی، اخلاقی انفعالی نیست، بلکه در عین رعایت اصول اخلاقی، بر ضرورت هوشیاری و قدرت دفاعی تأکید می کند [۵]

## ۶. جهاد و مبارزه؛ رکن اساسی اخلاق کامل در مکتب اهل بیت (ع)

امام سجاد (ع) در فراز پایانی دعای اول صحیفه سجادیه می فرماید: **حَمْدًا فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ اَعْدَائِهِ** ستایشی که به وسیله آن، با شمشیر دشمنانش در جرگه شهیدان قرار گیریم. حمد و سپاسی را از خدا طلب می کند که "شهادت آور" باشد؛



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

یعنی حمدی که مؤمن را برای رویارویی مسلحانه با دشمنان آماده کند. این نشان می‌دهد حتی در عمیق‌ترین مناجات‌های عرفانی نیز روحیه جهاد و شهادت طلبی حضور دارد. [۳]  
وجود دعاها برای میدان نبرد در صحیفه سجادیه نشان می‌دهد که اهل بیت (ع) جهاد را یک امر موقت نمی‌دانستند، بلکه آن را به عنوان یک اصل همیشگی در زندگی مؤمنان مطرح می‌کردند. این دعاها به ما می‌آموزد که حتی در حال نیایش نیز باید آماده رویارویی با دشمنان دین بود.

## نتیجه‌گیری

صحیفه سجادیه که به "زبور آل محمد" معروف است، در کنار آموزش‌های عمیق عرفانی و اخلاقی، درس‌های مبارزه و جهاد را نیز در خود جای داده است. این نشان می‌دهد که از دیدگاه اهل بیت (ع)، اخلاق کامل آن است که انسان را هم در میدان عبادت و هم در میدان جنگ پیروز کند.

همان‌گونه که قرآن وعده هدایت را به مجاهدان می‌دهد، دعاها صحیفه سجادیه نیز این حقیقت را تأیید می‌کند که راه سعادت از آمادگی همه‌جانبه برای دفاع از دین می‌گذرد. اخلاق اسلامی هرگز به معنای سکوت در برابر ظلم و تجاوز نیست. برای این که انسان از قدرتها نترسد، باید از خدا بترسد. دلی که از خوف و محبت خدا و توجه به پروردگار پر شد، دیگر از هیچ قدرتی واهمه نخواهد داشت. فایده دعا این است که این عدم خوف و بیم و فریفتگی، از راه انس با خدا و دعا و تضرع و توجه به دست می‌آید. با استناد بر قرمیشات رهبر معظم انقلاب، این دعاها سلاح نامرئی جبهه مقاومت است. قرائت جمعی این مناجات‌ها در مساجد، پشتوانه‌ای است که پیروزی را از آسمان به زمین نبرد می‌آورد.

## منابع

- [۱] شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۶۹
- [۲] سوره الاعراف آیه ۱۵۶
- [۳] (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۸)
- [۴] کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۴۶۷
- [۵] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰
- [۶] بحار الأنوار، جلد ۴۴، صفحه ۳۷۵
- [۷] سوره نور آیه ۲۱
- [۸] سوره بقره آیه ۲۰۸



بازسازی الگوی سه لایه عدالت اجتماعی در اندیشه امام سجاد ۷

بر اساس صحیفه سجادیه

محمد حسین امامی

گروه جامعه‌شناسی - دانشکده علوم اجتماعی - دانشگاه باقر العلوم ۷ - قم  
گروه مطالعات اجتماعی - مؤسسه آموزش عالی امام رضا ۷ - حوزه علمیه قم

[m\\_emami1980@yahoo.com](mailto:m_emami1980@yahoo.com)

چکیده

عدالت اجتماعی از بنیادی‌ترین دغدغه‌های اندیشه اسلامی و شیعی است و این سنت در قرآن کریم، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، به صورت گسترده مطرح شده است. صحیفه سجادیه، که به «زبور آل محمد» شهرت دارد، در سطح ظاهر، متنی دعایی است، اما در عمق خود حامل الهیاتی عدالت‌محور و دارای اخلاق اجتماعی غنی است. پژوهش حاضر به دنبال بازسازی الگوی درون‌متنی عدالت اجتماعی در اندیشه امام سجاد ۷ است. ابتدا با تکیه بر ادبیات نظری، عدالت اجتماعی اسلامی و پیشینه پژوهش درباره صحیفه سجادیه، نشان داده می‌شود که عدالت در این متن، بر سه لایه اصلی استوار است: عدالت الهی به عنوان صفت و فعل خداوند، عدالت اخلاقی فردی به مثابه شرط لازم برای عدالت اجتماعی، و عدالت در مناسبات اجتماعی با محوریت نفی ظلم، دادخواهی، مواسات با محرومان و تنظیم نسبت انسان با قدرت و ثروت. یافته‌ها نشان می‌دهد که عدالت الهی به عنوان معیار نهایی ثواب و عقاب و ساختار کیهانی جزا تصویر می‌شود؛ همچنین نسبت میان عدل و فضل و ناتوانی انسان از تحمل عدالت محض، مؤمن را به سوی توبه و اصلاح اخلاقی سوق می‌دهد؛ و در نهایت این که عدالت اجتماعی در قالب نفی ظلم، طلب تغییر ساختار ظلم و حساسیت نسبت به رنج مظلومان متجلی می‌گردد. بر این اساس، می‌توان از دل صحیفه سجادیه، مدلی سه‌لایه از عدالت اجتماعی استخراج کرد که در آن، عدالت اجتماعی میوه درختی است که ریشه آن عدالت الهی، تنه آن رحمت و اخلاق فردی، و شاخه‌ها و ثمراتش در مناسبات اجتماعی، حقوقی و سیاسی انسان آشکار می‌شود.

واژگان کلیدی: ظلم، عدالت اجتماعی، عدالت الهی، فقر



## مقدمه

عدالت اجتماعی، به ویژه در جهان معاصر، به یکی از پرچالش‌ترین مفاهیم علوم انسانی، فلسفه سیاسی و الهیات تبدیل شده است. نظریه‌های مختلفی چون عدالت لیبرالی، عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای و عدالت توانمندی، هر یک قرائتی خاص از عدالت اجتماعی عرضه کرده‌اند؛ اما در سنت اسلامی، عدالت اجتماعی بدون در نظر گرفتن عدالت الهی و نسبت وجودی انسان با خداوند قابل فهم نیست.

در مکتب اهل بیت:، عدالت صرفاً «برابری حقوقی» یا «توزیع امکانات» نیست؛ بلکه نظامی است که در آن، خدای عادل، انسان مکرم، و جامعه مسئول در برابر خدا و انسان، سه ضلع اصلی را شکل می‌دهند. [۱۵]

صحیفه سجادیه، به عنوان مجموعه مناجات‌ها و دعا‌های امام سجاد<sup>۷</sup>، در نگاه نخست متنی عبادی — عرفانی به نظر می‌رسد؛ اما پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این اثر شریف، در کنار تعالیم توحیدی و معنوی، حاوی شبکه‌ای غنی از آموزه‌های اجتماعی، سیاسی و عدالت‌محور است که می‌توان آن را نوعی «الهیات دعا» در بستر بحران‌های پس از عاشورا دانست. [۴]

مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که «الگوی عدالت اجتماعی در صحیفه سجادیه چگونه از طریق ادعیه امام سجاد<sup>۷</sup> صورت‌بندی می‌شود و نسبت میان عدالت الهی، عدالت اخلاقی فردی و عدالت اجتماعی در این متن چگونه است؟».

با توجه به این که بخش قابل توجهی از تحقیقات پیشین بیشتر به مقایسه کلی اندیشه امام سجاد<sup>۷</sup> با نظریه‌های غربی عدالت پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل ریزمتنی دعاها با روش تحلیل مضمون توجه کرده‌اند، این پژوهش می‌کوشد با تمرکز بر چند دعای کلیدی، مدل درون‌متنی عدالت اجتماعی را استخراج کند، نه این که صرفاً صحیفه را به عنوان منبع استشهاد برای نظریه‌های بیرونی به کار گیرد.

ساختار مقاله بدین صورت است: پس از مرور ادبیات نظری و پیشینه پژوهش، چارچوب نظری عدالت سه‌لایه تبیین می‌شود؛ سپس روش تحقیق معرفی و جامعه و نمونه پژوهش بیان می‌گردد؛ در ادامه، مضامین مرتبط با عدالت در ادعیه منتخب صحیفه تحلیل می‌شود؛ و در پایان، دلالت‌های این الگو برای عدالت اجتماعی در جهان معاصر بحث می‌شود.

## ۱. مبانی نظری عدالت اجتماعی در اندیشه اسلامی و شیعی

## ۱-۱. مفهوم عدالت اجتماعی

عدالت در لغت به معنای برابری، استقامت و قرار دادن هر چیز در جای خود آمده است. در کلام اسلامی، عدالت هم صفتی الهی است («عدل» به عنوان یکی از اصول مذهب امامیه) و هم فضیلتی انسانی و هم قاعده‌ای اجتماعی در روابط میان انسان‌ها و ساختار قدرت می‌باشد. [۹]

«عدالت اجتماعی» در ادبیات اسلامی، به وضعیتی گفته می‌شود که در آن:

۱. حقوق اساسی انسان‌ها - به عنوان مخلوق مکرم خدا - محفوظ باشد؛



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۲. توزیع امکانات و فرصت‌ها، عادلانه و عاری از تبعیض ناروا باشد؛

۳. نظام‌های حقوقی و قضایی از ظلم، تبعیض و فساد منزه باشند؛

۴. ساختار قدرت و ثروت در خدمت کرامت انسان قرار گیرد، نه برعکس.

در این چارچوب، عدالت اجتماعی صرفاً یک «قرارداد اجتماعی» نیست؛ بلکه ریشه در توحید، معاد و مسئولیت انسان در برابر خداوند داشته و نقض آن در سطح اجتماعی، پیامدهای اخروی نیز در پی خواهد داشت.[۷]

## ۲-۱. جایگاه صحیفه سجادیه در تبیین عدالت

صحیفه سجادیه از جهات مختلف، یکی از متون ممتاز در الهیات عدالت‌محور شیعی است:

• از حیث محتوا: دعا‌های صحیفه مملو از تعبیری درباره عدل و فضل الهی، حقوق بندگان، نفی ظلم، مواسات، قناعت، انفاق و رعایت حقوق دیگران است؛

• از حیث سیاق تاریخی — سیاسی: امام سجاد<sup>۷</sup> در فضایی زندگی می‌کند که پس از فاجعه عاشورا، ظلم ساختاری امویان بر جامعه حاکم است؛ زبان صریح سیاسی سرکوب شده؛ و دعا به ابزار «مقاومت نرم» و «تربیت هسته عدالت‌خواه» تبدیل شده است.[۴]

• از حیث روش بیان: عدالت در صحیفه، در قالب دعا و گفتگوی عاشقانه با خدا طرح می‌شود؛ به این معنا که مؤمن، عدالت اجتماعی را از مسیر «تربیت قلب» و «سلوک اخلاقی» می‌آموزد، نه تنها از طریق برهان نظری. چند پژوهش معاصر، صحیفه را متن کلیدی برای فهم اخلاق اجتماعی، فقه حکومتی و سبک زندگی عادلانه دانسته‌اند؛ از جمله مقاله «جایگاه اخلاق اجتماعی و خانوادگی در صحیفه سجادیه» و نوشتار «تجلی قرآنی بایسته‌های اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه».

## ۲. پیشینه پژوهش

مطالعه پیشینه نشان می‌دهد که می‌توان پژوهش‌های مرتبط با موضوع را در چند دسته اصلی جای داد:

مقاله «بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در اندیشه امام سجاد<sup>۷</sup> (با تکیه بر صحیفه سجادیه) و جان راولز» به عنوان یکی از مهم‌ترین تحقیقات این حوزه، به مقایسه منظومه عدالت در صحیفه با نظریه عدالت راولز پرداخته است. این تحقیق نشان می‌دهد که عدالت در اندیشه امام سجاد<sup>۷</sup>، ذیل توحید، کرامت انسان و مسئولیت اخروی تعریف می‌شود، در حالی که در نظریه راولز، عدالت ذیل قرارداد اجتماعی، برابری آزادی‌های اساسی و اصل تفاوت صورت‌بندی می‌شود.[۱۲]

نقد اصلی بر این نوع آثار آن است که با وجود اهمیت تطبیق، کمتر به تحلیل ریزساختار دعاها و استخراج مدل درون‌متنی عدالت پرداخته‌اند؛ یعنی متن صحیفه بیش از آن که موضوع تحلیل باشد، به منبع استشهاد برای یک مقایسه فلسفی تبدیل شده است.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

مقاله «جایگاه اخلاق اجتماعی و خانوادگی در صحیفه سجادیه» با رویکردی موضوع محور، فضایل اجتماعی مانند مواسات، خیرخواهی، تواضع، حسن معاشرت با خانواده و خویشان و... را در دعاهای مختلف صحیفه بررسی کرده و نشان داده است که این اثر، منبع عظیمی برای اخلاق اجتماعی است. همچنین، نوشتار «تجلی قرآنی بایسته‌های اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه» تأکید می‌کند که آموزه‌های اخلاق اجتماعی در صحیفه، به شدت متأثر از آیات قرآن کریم است و امام سجاد<sup>۷</sup> در دعاهای خود، این آموزه‌ها را در قالب نیایش صورت‌بندی می‌کند.

این آثار گرچه به عدالت اجتماعی اشاره می‌کنند، اما معمولاً آن را در دل بحث کلی اخلاق اجتماعی می‌گنجانند و کمتر به صورت‌بندی استقلال‌یافته «نظریه عدالت» در صحیفه می‌پردازند.

در مقاله «مبانی فقه حکومتی در صحیفه سجادیه و رساله حقوق امام سجاد<sup>۷</sup>»، نویسندگان با تکیه بر برخی ادعیه صحیفه (مانند دعا برای مرزداران، کارگزاران و...) تلاش کرده‌اند نشان دهند که این متن، حاوی مبانی فقه حکومتی و سیاست عادلانه است. همچنین، مقالاتی درباره نسبت اخلاق و سیاست در سیره امام سجاد<sup>۷</sup>، صحیفه را نماد سیاست اخلاق محور و عدالت محور در مواجهه با نظام‌های ستمگر اموی دانسته‌اند.

این دسته آثار، به طور ضمنی به عدالت اجتماعی به عنوان یکی از بایسته‌های حکومت دینی اشاره دارند، اما تمرکز اصلی آنها بر سطح کلان سیاست است، نه بر ساختار دعایی عدالت. با جمع‌بندی پیشینه می‌توان چنین گفت:

- عدالت اجتماعی در صحیفه سجادیه تا حدی در ادبیات معاصر بررسی شده، اما یا در قالب تطبیق با نظریه‌های غربی است، یا ذیل اخلاق اجتماعی و فقه حکومتی؛
  - کمتر پژوهشی با روش تحلیل مضمون، سه لایه عدالت الهی، عدالت اخلاقی فردی و عدالت اجتماعی را از درون متن دعا استخراج کرده است؛
  - تمرکز نظام‌مند بر پنج دعای اول، دهم و چهاردهم، بیستم و ششم به مثابه محورهای عدالت در صحیفه، هنوز انجام نشده یا به صورت پراکنده و بدون صورت‌بندی مدل نهایی بوده است.
- نوآوری پژوهش حاضر در این است که با تحلیل مضامین عدالت در ادعیه منتخب، مدلی درون‌متنی از عدالت اجتماعی در اندیشه امام سجاد<sup>۷</sup> پیشنهاد می‌کند که می‌تواند مبنای تطبیق‌های نظری بعدی قرار گیرد.

### ۳. روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، نظری — تحلیلی و از نظر روش، کیفی با رویکرد تحلیل مضمون است. در این روش، به جای سنجش‌های آماری، متن به صورت مکرر خوانده شده، واحدهای معنایی استخراج گشته و سپس در قالب مضامین میانی و عالی‌تر دسته‌بندی می‌شود.



۱-۳. جامعه و نمونه پژوهش

از این جامعه، با روش نمونه گیری هدفمند، پنج دعا به عنوان نمونه اصلی تحلیل برگزیده شده است:

۱. دعای اول: به عنوان نیايش افتتاحی صحیفه که در آن مبانی آفرینش، مرگ، ثواب، عقاب و عدالت الهی تبیین می شود.
۲. دعای دهم: که نسبت میان عدل و فضل الهی و ناتوانی انسان از تحمل عدالت محض را به صراحت بیان می کند.
۳. دعای چهاردهم: که به عنوان دعای مظلوم در دادخواهی از ستمگران، میدان اصلی ظهور عدالت اجتماعی، نفی ظلم و درخواست تغییر است.
۴. دعای بیستم (مکارم الاخلاق): عدالت اخلاقی فردی، شرط لازم عدالت اجتماعی است.
۵. دعای بیست و ششم: عدالت ابتدا در شبکه همسایگان و دوستان و محله آغاز می شود.

۲-۳. مراحل تحلیل

۱. خواندن مکرر متن عربی و ترجمه فارسی ادعیه منتخب؛
  ۲. تقسیم متن به واحدهای معنایی (فرازها و جملات محوری)؛
  ۳. فیش نویسی اولیه برای هر فراز، بر اساس مفاهیمی چون «عدل»، «فضل»، «ثواب»، «عقاب»، «ظلم»، «فقر»، «دادخواهی»، «فقر وجودی»، «فقر اجتماعی» و...؛
  ۴. گروه بندی فیش ها در قالب مضامین میانی (مانند «عدالت جزایی الهی»، «پیوند عدل و فضل»، «نفرت از ظلم و ترس از ظالم شدن» و...).
  ۵. تلفیق مضامین در سه لایه اصلی عدالت: عدالت الهی؛ عدالت اخلاقی فردی؛ عدالت در مناسبات اجتماعی.
- برای افزایش اعتبار یافته ها از چند متن عربی و ترجمه فارسی استفاده شده است. همچنین در نهایت متن عربی توسط نگارنده مقاله ترجمه شده، تا دقت مفهومی و روانی بیان هم زمان تأمین شود. نیز مضامین استخراج شده با برخی نتایج پژوهش های پیشین درباره اخلاق اجتماعی و عدالت در صحیفه مقایسه شده تا از تکرار ساده یافته ها پرهیز شود.

۴. تحلیل متون منتخب صحیفه سجادیه

در این بخش، عدالت در صحیفه سجادیه را نه به شکل چند شعار کلی، بلکه از درون متن دعاهای مشخص و با رویکرد تحلیل مضمون بررسی می کنیم. تمرکز بر پنج دعای محوری است:

۱. دعای اول (آغاز صحیفه)
۲. دعای دهم (عدل و فضل)
۳. دعای چهاردهم (دعای مظلوم)
۴. دعای بیستم (مکارم الاخلاق)



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۵. دعای بیست و هشتم (همسایگان و دوستان)

هدف این است که نشان دهیم عدالت در صحیفه یک شبکه منسجم سه لایه ای است:

عدالت در مناسبات اجتماعی

عدالت اخلاقی فردی

عدالت الهی

## ۴-۱. عدالت الهی در دعای اول: مهندسی کیهانی ثواب و عقاب

### ۴-۱-۱. متن دعا و ترجمه

در بخش پایانی دعای اول، پس از توضیح آفرینش انسان و محدود بودن عمر او، امام ۷ وارد صحنه مرگ و جزا می شود:

ثُمَّ إِذَا انْقَضَىٰ أَجَلُهُ، وَ اسْتَوْفَىٰ مُدَّةَ أَمَدِهِ، قَبِضْتَهُ إِلَيْكَ عَلَىٰ مَا سَبَقَ مِنْ عِلْمِكَ فِيهِ، فَمِنْهُمْ مَنْ تَقْبِضُهُ إِلَيَّ ثَوَابِكَ، وَمِنْهُمْ مَنْ تَقْبِضُهُ إِلَيَّ عِقَابِكَ، لَتَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ تَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ، عَدْلًا مِنْكَ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ: «و در نهایت، وقتی زمان هر انسان به سر می رسد و عمرش تمام می شود، تو بر اساس آگاهی پیشینیات درباره او، جانش را می گیری. بعضی را وارد دنیای پاداشت می کنی و بعضی را به عرصه کیفر وارد می کنی؛ تا آنها که بدی کرده اند نتیجه کار خود را ببینند و آنها که نیکی کرده اند، بهترین نوع پاداش را دریافت کنند. این داوری سراسر عدالت توست؛ و نام های تو از هر نقص و کاستی پاک است.» [۲]

### ۴-۱-۲. ساختار عدالت در این فراز

این فراز، حداقل سه لایه تحلیلی دارد:

الف) عدالت به عنوان «ساختار» نه فقط «صفت»

عبارت «لَتَجْزِيَ...» غایت این قبض را بیان می کند: تمام سازوکار مرگ، انتقال، و برپایی قیامت، برای تحقق جزای عادلانه است. یعنی عدالت، نه یک ویژگی حاشیه ای خدا، بلکه هدف ساختاری نظام هستی است. این نکته با آیات متعددی هم خوان است که «عبث» را نفی می کنند؛ مانند آیه: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا...» (مؤمنون: ۱۱۵) و آیه: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ... وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ» (فصلت: ۴۶). [۱۵]

ب) تفاوت نسبت ثواب و عقاب با عدالت

در اینجا ملاحظه می شود که دو بخش جمله نامتقارن هستند:

- «لَتَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا» یعنی: بدکاران «به اندازه عملشان» مجازات می شوند؛
- «و تَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ» یعنی: نیکوکاران «به نیکوتر» از عملشان پاداش دریافت می کنند.

پس عدالت در عقاب، یعنی تناسب دقیق عقاب با عمل، ولی عدالت در ثواب با «فضل» خداوند گره می خورد؛ یعنی کسی که نیکی می کند، بیش از حقتش پاسخ می گیرد، و کسی که بدی کرده، دقیقاً به اندازه بدی خودش مجازات می شود. این الگو، در



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

کلام شیعی برای توضیح تفاوت «عدل» و «فضل» بسیار به کار رفته است: عدل یعنی «إعطاء كل ذي حق حقه»؛ و فضل یعنی «الزيادة على الاستحقاق».

ج) «عدلاً منك» به عنوان تمیز و تأکید

جمله «عدلاً منك» نقش تمیز را دارد؛ یعنی تمام این نظام ثواب و عقاب، از نوع «عدل» است و هیچ جزئی از آن «ظلم» نیست. همین تعبیر، پشتوانه قرآنی و حدیثی اصل «عدل» در اصول عقاید امامیه است و به روشنی با اصل «لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (کهف: ۴۹) همخوانی دارد. [۱۴]

## ۳-۱-۴. دلالت‌های اجتماعی این فراز

اگر این فراز را جدی بگیریم، دست کم سه پیام بسیار مهم و برای عدالت اجتماعی امروز در پی دارد:

۱. هر نظام اجتماعی که ثواب و عقاب انسانی در آن بی تناسب باشد، با نظم الهی در تعارض است. نظامی اداری که متخلف صاحب نفوذ را می‌بخشد، ولی ضعیف را خرد می‌کند، یا ساختار اقتصادی که سود کلان بی‌زحمت را برای گروهی خاص تضمین می‌کند، در منطق این فراز، نظم «ظلم» است، نه نظم «عدل».

۲. انسان مؤمن، تصویر نهایی عدالت را دیده است؛ بنابراین در برابر بی‌عدالتی زمینی، «عادی‌سازی» نمی‌کند. کسی که باور

دارد هیچ ظلمی بدون پاسخ نمی‌ماند، دیگر نمی‌تواند ظلم اجتماعی را به عنوان «واقعیت طبیعی زندگی» بپذیرد.

۳. تمایز عدل و فضل، الگوی حقوقی می‌سازد. در سطح حقوقی، «حق مردم» باید دقیق ادا شود (عدل)، و اگر جایی سخن از «بخشش و تخفیف» است، باید صریحاً به عنوان «فضل» و در چارچوبی شفاف تعریف شود، نه در قالب رانت و تبعیض پنهان.

## ۲-۴. پیوند عدل و فضل در دعای دهم: حدّ تحمل انسان و الگوی عدالت رحمت‌محور

دعای دهم، میدان اصلی بیان نسبت «عدالت» و «فضل» در رابطه خدا و انسان است. پژوهش‌های معاصر درباره این دعا، آن را دعایی تربیتی می‌دانند که خوف از عدالت و امید به فضل را هم‌زمان در دل مؤمن نهادینه می‌کند.

### ۱-۲-۴. متن دعا و ترجمه

اللَّهُمَّ إِنِّ تَشَأُ تَعْفُ عَنَّا فَبِغْضِكَ، وَإِنْ تَشَأُ تُعَذِّبُنَا فَبِعَدْلِكَ، فَسَهِّلْ لَنَا عَفْوَكَ بِمَنِّكَ، وَاجْرِنَا مِنْ عَذَابِكَ بِتَجَاوُزِكَ، فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَدْلِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِّنَّا دُونَ عَفْوِكَ يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ: «خدایا، اگر بخواهی ما را ببخشی، از سر لطف و بخشش توست، و اگر بخواهی ما را عذاب کنی، مطابق عدالت توست. پس با کرم و مهربانی‌ات راه بخشیدنمان را هموار کن و با گذشت خودت ما را از عذاب دور نگه‌دار؛ چون ما توان تحمل عدالت محض تو را نداریم و هیچ کدام از ما بدون عفو تو نجات پیدا نمی‌کند. ای بی‌نیازترین بی‌نیازان» [۲].



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۴-۲. سه تصحیح مهم در فهم عدالت

این فراز، سه سوء تفاهم درباره عدالت را تصحیح می کند:

۱. عدالت خداوند با بی رحمی متفاوت است

امام ۷ نمی گوید: «اگر عذاب کنی، ظلم کرده‌ای»؛ می گوید: «فَبِعَدْلِكَ» و در ادامه: «إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأِنِّي لِدَلِكْ أَهْلٌ»: «اگر عذاب شدم، من خودم مقصوم». در کلام امامیه، این جمله ردّ صریح تصویر «خدای ظالم» است؛ به این معنا که ظلم را انسان تولید می کند، و عدالت، واکنش منصفانه خدا به همین ظلم است. [۳]

۲. عدالت محض، برای انسان ناقص غیر قابل تحمل است

«لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَدْلِكَ» یعنی اگر خداوند تنها مطابق عدالت محض عمل کند و ذره‌ای پای فضل به میان نیاید، هیچ کس نجات پیدا نمی کند. این جمله، هر دو افراط را نفی می کند:

• افراط کسانی که فقط قانون و مجازات را می بینند؛

• افراط کسانی که از عدالت حرف می زنند، اما هر مسئولیتی را پشت «رحمت» پنهان می کنند.

۳. فضل، حذف عدالت نیست؛ طبقه بالاتر آن است

ساختار جمله: «إِنْ تَشَاءُ تَعْفُ عَنَّا فَبِفَضْلِكَ، وَإِنْ تَشَاءُ تُعَذِّبُنَا فَبِعَدْلِكَ» به روشنی نشان می دهد که فضل، ورای عدالت است، نه ضد آن. فضل، یعنی بیش از حق، نیکی کردن؛ و عدل، یعنی دقیقاً طبق حق رفتار کردن. این تمایز، در نظریه عدالت اجتماعی هم حیاتی است:

• عدالت توزیعی حداقل الزامی است؛

• تعاون، ایثار و مواسات، سطح بالاتر بوده و مستحب هستند، نه این که جایگزین عدالت باشند. [۶]

۴-۳. الگوی عدالت رحمت محور در سطح اجتماعی

اگر این مدل در سطح جامعه عنوان شود، بسیاری از اموری که به نام عدالت در جامعه انجام می گیرد، زیر سؤال می رود:

۱. آن نظام کیفری که فقط مجازات را می بیند و هیچ برنامه‌ای برای اصلاح، بازسازی اجتماعی و امکان بازگشت ندارد، با

الگوی صحیفه بیگانه است؛ چون در آن نظام، رحمت نجات بخش غایب است.

۲. در مقابل، گفتمان‌هایی که تمام مسئولیت را در سطح «بخشش شخصی» قرار داده و ساختارهای ظالمانه را دست نخورده

رها کرده و به فضل بی عدالت دعوت می کنند؛ این هم با منطق صحیفه سازگار نیست.

۳. مدل صحیفه، عدالت حقوقی شفاف و قاطع، در کنار سازوکارهای عفو مشروط، جبران خسارت، توبه اجتماعی و

بازگشت کنترل شده مجرم به جامعه است. [۹]



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۳-۴. عدالت، ظلم و دادخواهی در دعای چهاردهم: از تحلیل روان‌شناختی ظالم تا مقاومت توحیدی

این دعا صریح‌ترین متن صحیفه در مواجهه با ظلم اجتماعی است و شرح‌های متعددی در این باره نوشته شده است.

## ۳-۴-۱. خدا، شاهد بی‌نیاز از شهادت

دعا با توصیف خداوند آغاز می‌شود:

يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِينَ، وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ، وَيَا مَنْ قَرَّبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ، وَ بَعْدَ عَوْنِهِ مِنَ الظَّالِمِينَ... «خدایا، تویی که هیچ خبر و فریادِ ستمدیدگان از علم تو پوشیده نمی‌ماند، و برای آگاهی از رنج‌ها و سرگذشت آنان به گواهی هیچ شاهدی نیاز نداری، و نصرتت به مظلومان نزدیک و حمایت از ستمگران دور است...» [۲]

در این فراز، سه لایه وجود دارد:

۱. بی‌نیازی از سازوکار شهادت انسانی:

دادگاه‌های زمینی مبتنی بر شهادت، پرونده، سند و... هستند؛ در این میان، بسیاری از ظلم‌ها به خاطر نبود شاهد یا قدرت ظالم پنهان می‌مانند. اما خداوند «لَا يَحْتَاجُ... إِلَى شَهَادَاتِ الشَّاهِدِينَ»؛ هیچ ظلمی برای او مخفی نمی‌ماند.

۲. نزدیکی نصرت به مظلوم و دوری از ظالم:

تعبیر «قَرَّبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ... وَ بَعْدَ عَوْنِهِ مِنَ الظَّالِمِينَ» یک ارزش‌گذاری روشن است، یعنی خداوند طرفدار نفع مظلوم است. این همان چیزی است که در آیات «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» تکرار می‌شود.

۳. بنیان روانی امید به عدالت:

مظلوم در متن ساختار ظالمانه، معمولاً احساس بی‌پناهی می‌کند. این دعا به او می‌گوید: دادگاه واقعی جای دیگری است؛ آنجا دیگر هیچ خبری از رشوه، جعل پرونده و نفوذ نیست.

## ۳-۴-۲. تحلیل روان‌شناختی ظالم

یکی از جملات کلیدی دعا این است:

قَدْ عَلِمْتَ، يَا إِلَهِي، مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ، وَأَنْتَ هَكَه مُنِي مِمَّا حَجَزْتَ عَلَيْهِ، بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ، وَاعْتِرَارًا بِنَكِيرِكَ: «خدایا، تو خودت خوب می‌دانی که فلان بن فلان چه بر سر من آورده است؛ از چیزهایی که تو حرام و ممنوع کرده‌ای در حق من دست دراز کرده، و از حقوقی که برای او خط قرمز گذاشته بودی به حریم من تجاوز کرده؛ سرمست از نعمت‌هایی که به او داده‌ای و فریب‌خورده از این توهم که با اعتراض و کيفر تو روبرو نخواهد شد...» [۲]

در اینجا دو عامل برای ظلم معرفی می‌شود:



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۱. بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ: «مستی ناشی از نعمت»؛ یعنی قدرت، ثروت و موقعیت اجتماعی، اگر با تقوا و خوف از خدا همراه نباشد، به «بطر» منتهی می‌شود؛ همان حالتی که قرآن درباره اقوام طاغی توصیف می‌کند: «وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ...».

۲. وَاعْتَرَا رَبَّكَ: «توهم عدم روبرو شدن با خداوند»؛ یعنی چون مجازات الهی فوراً نازل نمی‌شود، ظالم خیال می‌کند اصلاً خبری از حساب نیست؛ این همان مفهوم «استدراج» است. [۱۳]

شرح‌های معاصر بر این دعا، تأکید کرده‌اند که این تحلیل، یک روان‌شناسی دینیِ ظلم به دست می‌دهد: ظلم محصول نعمت بی‌مهار و غفلت از معاد است؛ که این دقیقاً با تجربه تاریخی حکومت‌های مستبد و الیگارش‌های اقتصادی هم‌خوان است.

## ۳-۳-۴. نفرت از مظلوم بودن، و ترس از ظالم شدن

در فراز بعدی، به نقش فرد در عدالت اجتماعی پرداخته شده است.

اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أَظْلِمَ فَعَنِّي مِنْ أَنْ أَظْلِمَ: «خدایا، چنان که ظلم دیدن را نزد من ناگوار ساخته‌ای، مرا از ستم کردن به دیگران مصون بدار». [۲]

اکثر انسان‌ها از این که مظلوم واقع شوند بدشان می‌آید؛ و این امری طبیعی است. اما بسیاری از همین انسان‌ها، اگر به قدرت برسند، همان رفتاری را می‌کنند که از آن می‌نالیدند. امام ۷ این دور باطل را در ریشه روانی‌اش نفی می‌کند و می‌فرماید: من تنها از مظلوم بودن نمی‌ترسم؛ بلکه از ظالم شدن هم می‌ترسم.

در سطح عدالت اجتماعی، این بدان معناست که:

- جامعه عادل، تنها جامعه «قربانی محور» نیست؛
- باید انسان‌هایی تربیت شوند که به صورت پیشینی، از اعمال قدرت ظالمانه بیزار باشند؛
- بدون این تربیت، هر انقلاب عدالت‌خواه، در مرحله‌ای به بازتولید همان ساختار ظالمانه با چهره‌ای جدید تبدیل می‌شود.

## ۴-۳-۴. دعا به عنوان دادخواست تغییر ساختاری

بخش دیگر دعا، صرفاً درخواست صبر نیست؛ بلکه یک دادخواست برای برهم زدن وضع موجود است:

وَلَا تَبْلُغُهُ فِي أَمَلِهِ، وَلَا تُجْرِلْ لَهُ عَلَيَّ يَدًا إِلَّا قَطَعْتَهَا، وَلَا لِسَانًا إِلَّا أَلَجَمْتَهُ: «خدایا، مگذار درباره من به آرزوهایم برسد؛ هیچ دستِ بالا و قدرتی بر من برای او فراهم مکن، و اگر پیدا شد خودت از کارش بینداز؛ و هیچ زبانی را در حق من به سود او گویا مساز، و اگر به سخن درآمد، خودت خاموشش کن». [۲]

اینجا دعا یعنی: خدایا، ساختار نفوذ او بر روی من را قطع کن؛ دست قدرت و زبان گویایش، همه را بگیر.



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

در خوانش اجتماعی، این دقیقاً درخواست فروپاشی اقتدار ظالمانه است، نه فقط «تحملش». شرح‌های جدید این دعا بر این نکته تأکید کرده‌اند که دعا در صحیفه، ابزار «تسلیم» نیست، بلکه ابزار «مقاومت توحیدی» است؛ چرا که ایمان به عدل الهی، مظلوم را به شکستن زنجیر عادت فرامی‌خواند.

## ۴-۴. عدالت در شبکه روابط اجتماعی: دعای بیست و ششم (همسایگان و دوستان)

تمرکز بخش پیشین بر روی تقابل ظالم — مظلوم در سطح نسبتاً کلان بود، اما تمرکز دعای بیست و ششم بر روی پایین‌ترین لایه اجتماع یعنی محله، همسایه، دوستان، و جماعت مؤمنان است. این همان جایی است که اغلب نظریه‌های عدالت اجتماعی غربی کمتر آن را لمس می‌کنند، ولی در تجربه زیسته مردم، محور احساس عدالت و بی‌عدالتی است.

### ۴-۴-۱. ساختار دعا

ابتدای دعا چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَكَّلْ فِي جِيرَانِي وَمَوَالِي، وَالْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَالْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا... «خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست؛ و در میان همسایگانم، دوستان و پیروانم، و همه کسانی که حق ما را می‌شناسند و از دشمنان ما بیزارند، خودت سرپرست و پشتیبان من باش».

دو نکته مهم در این بحث وجود دارد:

۱. عدالت در حلقه نزدیک: موضوع دعا «الجیران و الموالی» است؛ یعنی کسانی که از لحاظ اجتماعی، نزدیک‌ترین تماس را با فرد دارند. این همان جایی است که اگر عدالت در آن رعایت نشود، تمام ادعاهای عدالت در سطح نظام سیاسی، برای فرد «دروغ» جلوه می‌کند.

۲. مبنای هویتی — اعتقادی شبکه: «العارفین بحقنا، المنابذین لأعدائنا»، یعنی این شبکه اجتماعی، حول محور ولایت و شناخت حق اهل بیت: شکل گرفته است. عدالت اجتماعی در جامعه شیعی، در یک شبکه «بی‌رنگ و خنثی» رخ نمی‌دهد؛ بلکه در بستر یک هویت ایمانی است. [۵]

### ۴-۴-۲. عدالت و مواسات در سطح خرد

در ادامه دعا، امام ۷ از خدا چنین می‌خواهد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَجْزِ جِيرَانِي وَأَوْلِيَّي عَنِّي أَفْضَلَ مَا أَجْزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْمَلَلِ... وَوَقِّفْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَسَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَعَوْنِ فَقِيرِهِمْ، وَإِعَاثَةِ مَلْهُوفِهِمْ... «خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست، و همسایگان و دوستانم را، به نیابت از من، به برترین پاداشی که به هر یک از اهل آیین‌هایت داده‌ای، سرفراز گردان؛ و



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

آنان را موفق بدار که سنت تو را زنده نگه دارند و نیکوترین آداب الهی ات را در زندگی به کار گیرند: در مهربانی با ناتوانانشان،

بر آوردن نیاز نیازمندانشان، یاری دادن به فقیرانشان و فریادرسی در ماندگانیشان».[۲]

در اینجا چند مؤلفه صریح عدالت اجتماعی در سطح خرد وجود دارد:

- إِرْفَاقٍ ضَعِيفِهِمْ: یعنی رفتار مهربان با ضعیفان؛
- سَدِّ خَلَّتِهِمْ: یعنی بستن خلأها و نیازهای مادی؛
- عَوْنٍ فَقِيرِهِمْ: یعنی یاری رساندن به فقرا؛
- إِعَانَتُهُ مَلْهُوفِهِمْ: یعنی فریادرسی کسی که گرفتار شده است.

این چهارگانه، در مقاله‌های کتاب «اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه» به عنوان رکن‌های اخلاق اجتماعی اسلامی معرفی شده

و در کنار مفاهیمی چون همدلی، رأفت، و اصلاح ذات‌البین، به عنوان زیرساخت عدالت اجتماعی تحلیل شده‌اند.[۶]

بنابراین باید بگوییم: هر ادعای عدالت اجتماعی که این سطح را نادیده بگیرد، ناقص است. جامعه‌ای که در آن فقر همسایه،

تنهایی پیرزن محله، و گرسنگی کودک کنار خانه عادی شده باشد، حتی اگر نظام قضایی بسیار منظمی هم داشته باشد، در منطقی

صحیفه، نظام «عادلی» نیست.

## ۴-۵. عدالت اخلاقی و ساختن «فرد عادل» در دعای مکارم الاخلاق (دعای بیستم)

دعای بیستم، در اکثر شرح‌ها و مقاله‌ها، به عنوان منشور کلی اخلاق فردی و اجتماعی امام سجاد ۷ معرفی شده است. مقاله

«تحلیلی بر اخلاق اجتماعی در دعای مکارم الاخلاق» نیز نشان می‌دهد که بخش بزرگی از این دعا، مستقیماً به اخلاق جمعی، رابطه

با دیگران و کنترل قدرت شخصی مربوط است.[۱۱]

### ۴-۵-۱. بسط عدالت در کنار کنترل خشم و اصلاح روابط

بخش میانی دعا چنین می‌گوید:

وَ حَلِّئِي بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ، وَ أَلْبِسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَ كَظْمِ الْغَيْظِ، وَ إِطْفَاءِ النَّارِ، وَ وَصْمِ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ  
الْبَيْنِ، وَ إِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ، وَ سَتْرِ الْعَائِبَةِ... «مرا به زیور شایستگان بیارای و جامه پرهیزگاران بر تنم کن؛ آن چنان که در گسترش  
عدالت، فرو خوردن خشم، خاموش کردن آتش دشمنی، پیوند دادن دل‌های از هم گسسته، آشتی دادن میان مردم، آشکار کردن

نیکوکاری و نیک‌خواهی، و پوشاندن عیب دیگران آراسته و پایدار باشم».[۲]

در اینجا هنگامی که «بَسْطِ الْعَدْلِ» در کنار چنین جملاتی آمده است:

- كَظْمِ الْغَيْظِ: «مهار خشم»؛
- إِطْفَاءِ النَّارِ: «خاموش کردن شعله نزاع»؛



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

- ضَمُّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ: «جمع کردن پراکندهگان»؛
- إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ: «اصلاح رابطه مردم»؛

به این معناست که «عدالت» در اینجا یک حالت حقوقی خشک نیست؛ بلکه یک روحیه است. یعنی کسی که عدالت را می گستراند:

- همان کسی است که خشم خود را در برابر ضعف دیگری مهار می کند؛
- به جای دامن زدن به دعوا، آتش نزاع را خاموش می کند؛
- و در اختلافات، نقش آشتی دهنده دارد، نه آتش بیار معرکه.

شرح های متعددی تأکید کرده اند که این فراز، شالوده «اخلاق اجتماعی عادلانه» است؛ یعنی انسان عادل، همان کسی است که در رفتار روزمره اش، عادلانه برخورد می کند، نه فقط در سطح نظر.

## ۲-۵-۴. عدالت به عنوان میدان تمرین قدرت

در ادامه فراز، امام ۷ چنین می فرماید:

وَلَيْنِ الْعَرِيكَةِ، وَخَفْضِ الْجَنَاحِ، وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَسُكُونِ الرِّيحِ، وَطِيبِ الْمُخَالَقَةِ، وَالسَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ، وَإِثَارِ التَّفَضُّلِ، وَتَرْكِ التَّعْيِيرِ، وَالْإِفْضَالِ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّ... (و نیز در نرم خویی، فروتنی، خوش رفتاری، آرامش و وقار، خوش خلقی، پیش قدم بودن در کارهای شایسته، ترجیح دادن بخشنده گی، چشم پوشی از سرزنشگری، و نیکی کردن حتی به کسی که در ظاهر شایسته آن نیست، پایدار باشم). [۲]

این صفات نشان می دهد که امام ۷ «فرد عادل» را دارای چنین ویژگی هایی می داند:

- لَيْنِ الْعَرِيكَةِ: «نرم خو و منعطف، نه خشن و خودرأی»؛
- خَفْضِ الْجَنَاحِ: «متواضع، نه فرعون مآب»؛
- السَّبْقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ: «پیش قدم در کارهای خوب»؛
- تَرْكِ التَّعْيِيرِ: «دوری از تحقیر و سرزنش دیگران».

در نهایت این انسان است که ساختارها را اجرا می کند. اگر مجری قانون (مدیر، معلم، مأمور دولت، و...) این صفات را نداشته باشند، هر قدر هم که قانون عادلانه نوشته شده باشد، خروجی این قانون برای مردم «بی عدالتی» است. بنابراین در بحث عدالت اجتماعی، نقش فرد و ساخته شدن فرد عادل اهمیت فوق العاده ای دارد؛ چرا که تنها یک انسان عادل که دارای ویژگی های فوق باشد، می تواند قوانین را به درستی اجرا کرده و در نهایت عدالت را اجرا کند. [۶]



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۶-۴. جمع‌بندی تحلیلی بخش چهارم: نقشه درون‌متنی عدالت در صحیفه

اگر بخواهیم کل این بخش را جمع‌بندی کنیم، نتیجه به صورت زیر است:

دعای اول: عدالت الهی به عنوان زیر ساخت کیهانی

- ثواب و عقاب، ساختارمند و عادلانه است؛
- عقوبت عین عدل، و ثواب آمیخته با فضل است؛
- و هیچ عمل نیک و بدی در نظام الهی گم نمی‌شود.

دعای دهم: نسبت میان عدل و فضل و حد تحمل انسان

- نزول عذاب، عدالت است، نه ظلم؛
- انسان توان تحمل عدالت محض را ندارد؛
- نجات، بدون عفو ممکن نیست؛
- الگو نظام حقوقی: ترکیبی از عدالت و رحمت.

دعای چهاردهم: عدالت در میدان ظلم اجتماعی و دادخواهی

- خدا شاهد بی‌نیاز از شهادت و حامی نزدیک مظلومان است؛
- ریشه ظلم، بطر در نعمت و غفلت از وعید الهی است؛
- مؤمن باید هم از مظلوم بودن متنفر باشد و هم از ظالم شدن بترسد؛
- دعا، ابزار «مقاومت» و درخواست تغییر ساختاری است، نه صرفاً آرام کردن قربانی.

دعای بیست و ششم: عدالت در شبکه همسایگان و دوستان

- عدالت اجتماعی از حلقه محله و همسایه شروع می‌شود؛
- مهربانی با ضعیف، برآوردن نیاز، یاری فقیر و فریادرسی درمانده، ارکان عدالت در سطح خرد است؛
- این شبکه بر محور ایمان و ولایت شکل می‌گیرد؛
- عدالت بدون ریشه در هویت ایمانی، ناپایدار است.

دعای مکارم الاخلاق: عدالت اخلاقی فردی به عنوان شرط لازم عدالت اجتماعی

- «بسط العدل» در کنار کظم غیظ، اصلاح ذات البین، پوشاندن عیب و خوش خلقی؛
- فرد عادل، در مقام قدرت، خشمش را مهار می‌کند،
- فرد عادل، نزاع را خاموش می‌کند و دیگران را تحقیر نمی‌کند؛
- بدون این سطح، هر ساختار رسمی عدالت‌محور، در عمل به ابزاری برای ستمی جدید تبدیل می‌شود.



۵. بحث و دلالت‌ها برای عدالت اجتماعی معاصر

در این بخش، مدل سه‌لایه‌ای عدالت که از متن صحیفه سجادیه استخراج شد، در افق نظریه‌های معاصر عدالت و چالش‌های عینی جوامع امروز خوانده می‌شود. هدف، شعار دادن مذهبی نیست؛ بلکه هدف این است که نشان دهیم آیا این مدل واقعاً چیزی به «گفتگوی جهانی درباره عدالت» اضافه می‌کند یا خیر.

۵-۱. بازخوانی مدل سه‌لایه‌ای عدالت در نسبت با نظریه‌های معاصر

مدلی که در بخش قبل از صحیفه به دست آمد، سه سطح داشت:

۱. عدالت الهی (کیهانی و متافیزیکی)؛
۲. عدالت اخلاقی فردی (ساختن فرد عادل)؛
۳. عدالت اجتماعی (ساختاری و بین فردی).

برای آن که این مدل در فضای علوم انسانی امروز حرفی برای گفتن داشته باشد، لازم است دست کم با دو جریان اصلی نظریه عدالت مقایسه شود:

- نظریه عدالت به مثابه انصاف جان راولز؛
- نظریه عدالت «متمرکز بر رفع بی‌عدالتی» آمارتیا سن.

۵-۱-۱. مقایسه با نظریه عدالت به مثابه انصاف راولز

راولز در کتاب *A Theory of Justice*، عدالت را «انصاف» و جامعه عادل را جامعه‌ای می‌داند که اعضایش، اگر پشت «پرده جهل» قرار بگیرند و ندانند در آینده فقیر می‌شوند یا ثروتمند، سیاه می‌شوند یا سفید، مسلمان می‌شوند یا مسیحی، بر دو اصل عدالت توافق می‌کنند: [۱۷]

۱. هر فرد، حق برابر با وسیع‌ترین مجموعه آزادی‌های اساسی دارد، در حدی که با آزادی دیگران ناسازگار نشود؛
۲. نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی تنها زمانی عادلانه هستند که:

- الف: مطابق با بیشترین سود برای فرودست‌ترین افراد جامعه باشد (اصل تفاوت)؛
- ب: به مناصب و فرصت‌هایی وصل باشند که واقعاً برای همه باز است (برابری منصفانه فرصت‌ها). [۱۲]

نقطه اشتراک مهم این نظریه با صحیفه:

- راولز می‌گوید ساختار باید به گونه‌ای باشد که «بدبخت‌ترین آدم‌ها» در بدترین وضعیت ممکن نباشند؛
- صحیفه، در دعای چهاردهم و دعای بیست و ششم، دائماً از «مظلوم»، «ضعیف»، «فقیر» و «ملهوف» صحبت می‌کند و خداوند را نزدیک‌ترین حامی آنها می‌داند: «وَ يَا مَنْ قُرْبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمُظْلُومِينَ، وَ بَعْدَ عَوْنِهِ مِنَ الظَّالِمِينَ: «ای کسی که نصرت



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

به مظلومان نزدیک و حمایت از ستمگران دور است» و ... فِي إِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَ عَوْنِ فَقِيرِهِمْ، وَ إِعَانَةِ مَلْهُوفِهِمْ...  
 «در مهربانی با ناتوانان، بر آوردن نیازمندان، یاری دادن به فقیرانشان و فریادرسی در ماندگانشان توفیقشان ده». [۲].  
 شباهت این دو رویکرد در این است که هر دو، عدالت را از زاویه «ضعیف ترین و مظلوم ترین قشر» می‌سنجند؛ و هر دو عدالت را فقط «کمیود آزادی» نمی‌دانند؛ بلکه در مقابل نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی حساس هستند.

اما این دو رویکرد، تفاوت‌های جدی و مهمی با یکدیگر دارند:

۱. منبع هنجار:

- در رویکرد راولز، مبنای هنجار، «قرارداد عقلانی» است که افراد فرضی پشت پرده جهل، این قرارداد را می‌بندند؛
  - در صحیفه، مبنا «عدل الهی» است؛ یعنی انسان باید ساختار اجتماع را تا حد امکان با نظم هماهنگ کند که خدا در نظام ثواب و عقاب طرح کرده است: «لَتَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ تَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى، عَدْلًا مِنْكَ».
۲. نقش اخلاق فردی:

- در رویکرد راولز، اگر ساختارهای اساسی عادل باشند، برای تحقق عدالت، نیاز به قوی بودن «فضایل اخلاقی» نیست؛
- اما در صحیفه، بدون ساختن فردی که «فِي بَسْطِ الْعَدْلِ وَ كَظْمِ الْغِيظِ وَ إِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ» باشد، عدالت اجتماعی یک شعار توخالی است.

۳. افق معاد و مسئولیت اخروی:

- مباحث معاد، ثواب و عقاب، وارد صورت‌بندی نظریه راولز نمی‌شود؛
  - در صحیفه، عدالت اجتماعی بخشی از پاسخگویی انسان در قیامت است؛ کسی که از فقر همسایه و ستم حاکمان بی تفاوت بگذرد، نه تنها در این دنیا «غیر عادل» است؛ بلکه در آخرت هم معاقب است. [۱۶]
- در نتیجه، از مقایسه میان این دو نظریه می‌توان چنین برداشت نمود:
- نمی‌توان ادعا کرد صحیفه یک «نظریه قرارداد‌گرای عدالت» شبیه راولز دارد و چنین ادعایی جعلی است.
  - می‌توان گفت: در سطح نتیجه، حساسیت راولز به «کمترین برخورداران» با تأکید صحیفه بر مظلومان، ضعیفان و فقرا هم‌افق است، اما در سطح مبنا و روش، صحیفه بر توحید و معاد و تربیت اخلاقی فرد تکیه دارد، نه صرفاً بر قرارداد عقلانی.

## ۱-۲. مقایسه با نظریه عدالت آمارتیا سن

آمارتیا سن در کتاب *The Idea of Justice*، به صراحت با مدل راولزی «طرح یک شهر کاملاً عادل ایده‌آل» مخالفت می‌کند و می‌گوید: نظریه عدالت باید به جای «تصویر شهر کاملاً عادل»، بر کاهش بی‌عدالتی‌های موجود و مقایسه وضعیت‌های واقعی بهتر و بدتر متمرکز باشد. [۱۹]



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

در نگاه آمارتیا سن، عدالت یعنی گسترش قابلیت‌های واقعی انسان‌ها، نه صرفاً توزیع کالا. و نیز باید بینیم مردم عملاً چه توان‌هایی دارند: توان دسترسی به آموزش، توان مراقبت از سلامت، توان مشارکت در اجتماع و ... همچنین او بر «استدلال عمومی» و گفتگوی آزاد اجتماعی برای تشخیص بی‌عدالتی‌ها تأکید می‌کند. [۱۹]

نقطه اشتراک مهم این نظریه با صحیفه:

۱. تمرکز بر رفع بی‌عدالتی واقعی، نه فقط طراحی آرمان شهر

دعای چهاردهم، درباره «ظلم واقعی فلان بن فلان» است، نه یک شهر فرضی؛ امام ۷ از خدا می‌خواهد: «وَلَا تُبْلَغُهُ فِي أُمَّلِهِ، وَلَا تُجْرِلَهُ عَلَيَّ يَدًا إِلَّا قَطَعْتَهَا...» «خدایا، مگذار درباره من به آرزوهایش برسد؛ هیچ دست بالا و قدرتی بر من برای او فراهم مکن». [۲]

این کاملاً هم‌افق با تأکید آمارتیا سن بر «پرونده‌های عینی بی‌عدالتی» است، نه صرفاً تعریف عدالت مثالی.

۲. قابلیت‌ها و فقر در صحیفه

در دعای دهم، امام ۷ می‌گوید: «وَأَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقْتِنَا بِسَعَةِ غِنَاكَ...». از یک سو فقر وجودی انسان در برابر خداوند را نشان می‌دهد، اما از سوی دیگر، فقر و ضعف اجتماعی، میدان عمل مؤمن و جامعه دانسته می‌شود: «فِي إِرْفَاقٍ ضَعِيفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَ عَوْنِ فَقِيرِهِمْ، وَ إِغَاثَةِ مَلْهُوفِهِمْ...».

این عبارات، صرفاً توزیع پول را توصیه نمی‌کند؛ صحبت از توانمند کردن ضعیفان و فقرا است؛ یعنی بستن خلأها، دستگیری، یاری، فریادرسی. اینها بسیار به مفهوم «گسترش قابلیت‌ها و توان‌ها» نزدیک است؛ یعنی انسان فقط «زنده» نباشد؛ بلکه بتواند زندگی شرافتمندانه و فعال داشته باشد.

۳. استدلال عمومی و دعا به عنوان گفتگوی جمعی

آمارتیا سن بر «استدلال عمومی» تأکید می‌کند؛ گفتگوی اجتماعی آزاد درباره این که چه چیزی ناعادلانه است. در جامعه امام سجاد ۷، فضای عمومی رسماً بسته است؛ دعا، به یک معنا، به رسانه عمومی عدالت تبدیل می‌شود. متنی که در حلقه شیعیان خوانده می‌شود، ظلم را نام‌گذاری می‌کند، ساختار ظالمانه اموی را نقد می‌کند و مردم را به حساسیت نسبت به فقر و ستم دعوت می‌کند.

در نتیجه مقایسه میان دو رویکرد می‌توان چنین برداشت نمود:

- صحیفه از جهت تمرکز بر سطوح عینی ظلم و فقر، به آمارتیا سن نزدیک‌تر است تا راولز؛
- اما در عین حال، برخلاف آمارتیا سن که اساساً نظریه‌اش این جهانی است، صحیفه بر پیوند این عدالت زمینی با عدالت اخروی اصرار دارد؛
- از حیث «قابلیت‌ها»، می‌توان گفت: صحیفه، عدالت را در گسترش توان زیستن مؤمن کرامت‌مند می‌بیند، یعنی کسی که از فقر مطلق و ستم ساختاری آزاد است تا بتواند خدا را عبادت کرده و در جامعه مشارکت کند.



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

## ۲-۵. دلالت‌ها برای نظام حقوقی و کیفری اسلامی

در مجموع مطالبی که بیان شد، دلالت‌هایی برای نظام حقوقی و کیفری اسلامی به دست می‌آید.

### ۲-۵-۱. تناسب مجازات و اصل «عدلاً منک»

در این فراز از دعا: «لِتَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ تَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى، عَدْلًا مِنْكَ» و نیز فراز: «نِعْمَتِكَ ابْتِدَاءً، وَ عَفْوِكَ تَفْضُلًا، وَ عَقُوبَتِكَ عَدْلًا، وَ كُلُّ قَضَائِكَ خَيْرٌ...»؛ سه اصل برای نظام کیفری فهمیده می‌شود:

۱. اصل تناسب: مجازات باید «به اندازه عمل» باشد؛ مجازات‌های بی تناسب (مثلاً اعدام برای جرایم خرد، یا حبس‌های طولانی بدون تناسب) در منطق این دعا، ناهم‌خوان با عدل هستند؛
۲. اصل عدم ظلم مضاعف: عقوبت، عدل است، نه انتقام؛ یعنی نظام کیفری حق ندارد فراتر از حدود، به حیثیت و کرامت انسانی مجرم تعرض کند؛
۳. اصل خیر عمومی «کل قضاؤک خیر»: یعنی حتی وقتی مجازات انجام می‌شود، باید خیر فرد و جامعه هدف باشد و این با فلسفه مجازاتی که صرفاً انتقام‌محور باشد، سازگار نیست. [۹]

### ۲-۵-۲. عفو، اصلاح و امکان بازگشت

در فرازی از دعا چنین آمده است: «فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَدْلِكَ، وَ لَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِنَّا دُونَ عَفْوِكَ...» انسان عاصی، اگر تنها عدالت محض را ببیند، نابود می‌شود؛ بنابراین، نیاز به «فرصت جبران» دارد. در سطح انسانی و اجتماعی، معنایش این است:

- نظام کیفری باید در کنار اجرای عادلانه مجازات، مکانیزم‌های عفو و تخفیف و بازپروری داشته باشد؛
- عفو در اینجا، نه رانت برای قدرتمندان و نه ابزار تبلیغاتی است، بلکه سیاستی برای اصلاح و بازگشت مجرم است؛
- در فقه شیعه، تفاوت میان حدود (احکام ثابت و غالباً غیرقابل اسقاط از سوی حاکم) و تعزیرات (احکام قابل تخفیف و تبدیل) دقیقاً می‌تواند در این چارچوب بازخوانی شود. [۸]

### ۲-۵-۳. دلالت‌ها برای سیاست اجتماعی، رفاه و فقر

یکی از عمده‌یو ب بسیاری از نوشته‌های دینی درباره عدالت این است که به سطح «شعار اخلاقی» بسنده کرده و از سیاست رفاه، فقر و نابرابری حرفی به میان نمی‌آورد. بنابراین نیاز است که متن صحیفه با ادبیات معاصر عدالت اجتماعی و فقر مقایسه شود.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۳-۵. فقر در صحیفه: وجودی و اجتماعی

در فرازی از دعا، امام ۷ خود را این گونه معرفی می‌نماید: «هَا نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ...». این فقر، فقر وجودی است؛ یعنی بدون تکیه بر خداوند، انسان هیچ ندارد. این سطح، اگر بد فهمیده شود، ممکن است به توجیه فقر اجتماعی بینجامد (همه فقیر خداییم، پس فقیر بودن در دنیا مهم نیست). ولی در صحیفه این سوء برداشت نفی می‌شود؛ چرا که در دعای بیست و ششم، به صراحت می‌گوید: «فِي إِرْفَاقٍ ضَعِيفِهِمْ، وَ سَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَ عَوْنِ فَقِيرِهِمْ، وَ إِغَاثَةِ مَلْهُوفِهِمْ...». در اینجا فقر و ضعف، به عنوان مشکل اجتماعی دیده می‌شود که باید با عدالت و مواسات حل شود. در مقاله «عدالت اجتماعی و سبک زندگی اسلامی» نیز تأکید می‌شود که در منطق اسلامی، فقر تحمیلی و ساختاری، ظلم است و باید با «تدابیر ساختاری» در کنار تکالیف فردی مهار شود؛ از زکات و خمس گرفته تا ساختارهای عادلانه مالی و اقتصادی. [۱۵]

۳-۵. پیوند با نظریه قابلیت‌های آمارتیا سن

در چارچوب نظریه آمارتیا سن، سؤال اصلی این است: افراد واقعاً چه توان‌هایی برای زندگی شرافتمندانه دارند؟ تنها داشتن درآمد کافی نیست؛ بلکه مهم آن است که امکان آموزش، امکان سلامت، امکان مشارکت اجتماعی و سیاسی، امکان نیایش و امکان عمل دینی در عمل برایشان فراهم باشد. [19]

در صحیفه، عدالت تنها به «سیر کردن شکم» محدود نشده؛ بلکه در کنار عون فقیر، از «إصلاح ذات البین» و «رفع ظلم» صحبت به میان آمده است. اگر بخواهیم با زبان امروزه سخن بگوییم، یعنی:

- فقیر باید نه تنها نان، بلکه حیثیت اجتماعی داشته باشد؛
- ضعیف باید در روابط اجتماعی، تحقیر نشود؛
- و مظلوم باید امکان دادخواهی واقعی داشته باشد؛

تمام این موارد، یعنی توسعه «قابلیت‌های واقعی» انسان‌ها برای زندگی کرامت‌مند.

۴-۵. دلالت‌ها برای فرهنگ سیاسی و مقاومت در برابر ظلم

یکی از حساس‌ترین مباحثی که وجود دارد، این است که آیا صحیفه مردم را به «تحمل منفعلانه» ظلم دعوت می‌کند، یا به مقاومت عدالت‌محور؟

دعا به عنوان گفتمان مقاومت نرم

امام سجاد ۷ در فضایی می‌زیست که هر اعتراض صریح سیاسی به حکومت اموی، مساوی با مرگ بود. در چنین بستری، دعا به رسانه تربیت «هسته مقاوم»؛ ابزار نام‌گذاری ظلم؛ و شکل‌دهنده فرهنگ سیاسی عدالت‌محور تبدیل شد.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

دعای چهاردهم، دقیقاً دعای کسی است که «نه ساکت است و نه خودسر مسلح»؛ او مظلوم آگاه و دادخواه است: **اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ بَغَى عَلَيَّ بَغْيَ مَنْ جَهَلَكَ، وَتَعَدَّى عَلَيَّ تَعَدَّى مَنْ لَمْ يَخْفَكَ... «خدایا، او در حق من چنان ستم و سرکشی کرده که انگار تو را اصلاً نمی‌شناسد، و آن چنان از حد خود گذشته که گویی هیچ ترسی از تو در دلش نیست...».**

این زبان، ظلم را به «جهل خدا» و «بی‌خوفی از او» وصل می‌کند؛ یعنی مشروعیت‌زدایی کامل از حاکم ظالم. در ادامه هم ملاحظه شد که امام خواهان فروپاشی قدرت ظالم است، نه صرفاً صبر در برابر ظلم.

## ۵-۵. دلالت‌ها برای سبک زندگی و اخلاق شهروندی

اگر عدالت اجتماعی تنها در زبان قانون و سیاست و نظریه تعریف شود، در زندگی روزمره مردم حس نمی‌شود. صحیفه، بر خلاف بسیاری از متون نظری، عدالت را تا سطح رفتار خرد روزمره پایین آورده است.

### ۵-۱. همسایگی و شهروندی عادلانه

دعای بیست و ششم صحیفه سجادیه، یک منشور کوچک برای «شهروندی عادلانه» است:

- همسایه و دوست، فقط یک عنصر عاطفی نیست، بلکه حلقه اول جامعه سیاسی است؛
  - اگر در همین حلقه، ضعیف خرد شود، فقیر تحقیر شود و ملهوف تنها بماند، هیچ «طرح کلان عدالت» اعتباری ندارد.
- در فرهنگ شهری امروز، این دلالت‌ها به زبان ساده یعنی:
- شهر عادل، فقط شهری با قوانین خوب نیست؛ بلکه شهری است که در آن، مردم برای همسایه فقیر، سالمند تنها، کودک کار، مهاجر و... مسئولیت اجتماعی حس می‌کنند؛
  - عدالت شهروندی یعنی نانو، راننده تاکسی، معلم، پزشک، کارمند بانک و... هر کدام در حوزه کوچک خود، وجدان عدالتی داشته باشد.

اینجاست که در دعای مکارم الاخلاق چنین آمده است: **فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكُظْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّارِ، وَضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ...».**

اگر بخواهیم با زبان امروزی این فراز را بیان کنیم چنین است:

- در خانواده، محل کار و شبکه‌های اجتماعی، به جای دامن زدن به نزاع و تحقیر، به سمت آشتی و انصاف حرکت کنید؛
- وقتی عصبانی هستید، از قدرت قانونی یا اجتماعی خود برای انتقام از دیگری استفاده نکنید؛
- و آبروی دیگران را ابزار قدرت خود ندانید.



مقالات معاصر درباره «عدالت اجتماعی و سبک زندگی اسلامی» تأکید می‌کنند که جامعه‌ای مصرف‌زده، مُسرف و بی‌تفاوت نسبت به فقر پیرامون، هرگز جامعه‌ای عادل نمی‌شود؛ حتی اگر قانون اساسی‌اش مملو از کلمه عدالت باشد. صحیفه در دعاهای مختلف روحیه قناعت، ایثار، انفاق و ساده‌زیستی عقلانی را ترویج می‌کند؛ که این موارد، همگی پیش شرط عدالت هستند و مهم‌تر از همه باید متوجه بود که انسان گرفتار «بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ» (مستی نعمت)، دیر یا زود به ظالم ساختاری بدل می‌شود.

#### ۶. نتیجه‌گیری

این پژوهش با رویکرد تحلیل مضمون، می‌کوشد تا از دل متن دعاهای منتخب صحیفه سجادیه، مدلی درون‌متنی برای عدالت اجتماعی در اندیشه امام سجاد ۷ استخراج نموده و آن را در نسبت با نظریه‌های معاصر عدالت بازخوانی کند.

#### ۱-۶. جمع‌بندی مدل عدالت در صحیفه سجادیه

تحلیل تفصیلی دعاهای اول، دهم، چهاردهم، بیستم (مکارم الاخلاق) و بیست و ششم (دعای همسایگان و دوستان)، نشان داد که عدالت در صحیفه، مفهومی تک‌ساحتی و صرفاً اخلاقی یا حقوقی نیست، بلکه در سه سطح به هم پیوسته صورت‌بندی می‌شود:

۱. عدالت الهی (کیهانی و متافیزیکی)؛

۲. عدالت اخلاقی فردی (ساختن «فرد عادل»);

۳. عدالت اجتماعی (روابط و ساختارها).

در سطح نخست، دعای اول دستگاه ثواب و عقاب الهی را به مثابه ساختار عادلانه عالم ترسیم می‌کنند و پس از توصیف آفرینش و پایان عمر انسان می‌خوانیم: «لَتَجْزَى الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا، وَ تَجْزَى الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى، عَدْلًا مِنْكَ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ».

یعنی نظام مرگ و قیامت و جزا، برای تحقق عدل است؛ بدکار به اندازه عملش مجازات می‌شود و نیکوکار به بهتر از عملش پاداش می‌گیرد، و این مطلب یکپارچه «عدلاً مِنْكَ» است. عدالت، در این سطح، نه یک توصیه اخلاقی، بلکه طرح مهندسی جهان است؛ یعنی دستگاه تشریح و دستگاه تکوین هر دو بر عدل بنا شده‌اند. [14]

در دعای دیگری نیز همین نحو صورت‌بندی دیده می‌شود: «نِعْمَتِكَ ابْتِدَاءً، وَ عَفْوُكَ تَفْضُّلاً، وَ عِقُوبَتِكَ عَدْلًا، وَ كُلُّ فَضَائِكَ خَيْرٌ...».

«نعمت» ابتدای بدون استحقاق، «عفو» تفضُّل، و «عقوبت» عین عدل است؛ این سه گانه، تمایز دقیق عدل و فضل را در سطح الهی تثبیت می‌کند.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

در سطح دوم، دعای دهم و به طور خاص دعای مکارم الاخلاق، عدالت را به حالت درونی و خلقی فرد منتقل می‌کنند. در دعای دهم، نسبت عدل و فضل در رابطه خدا و انسان، به گونه‌ای بیان می‌شود که هیچ جایی برای تصویر «خدای ظالم» باقی نمی‌گذارد، اما در عین حال، ناتوانی انسان از تحمل عدالت محض را به رسمیت می‌شناسد:

«اللَّهُمَّ إِنَّ تَشَأْ تَعْفُ عَنَّا فَيَفْضَلِكَ، وَإِنْ تَشَأْ تُعَذِّبْنَا فَيَعْدِلُكَ... فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَدْلِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِأَحَدٍ مِنَّا دُونَ عَفْوِكَ...».

در اینجا عذاب عین عدالت است، اما نجات جز به عفو ممکن نیست. از سوی دیگر، در دعای بیستم، عدالت به خلق فردی مؤمن تبدیل می‌شود: «وَأَلْبَسْنِي زِينَةَ الْمُتَّقِينَ، فِي بَسْطِ الْعَدْلِ، وَكَظْمِ الْغَيْظِ، وَإِطْفَاءِ النَّارِ، وَصَمِّ أَهْلِ الْفِرْقَةِ، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْيَمِينِ...». عدالت اینجا «بسط» می‌شود؛ یعنی در رفتار روزمره فرد، در کنار مهار خشم، خاموش کردن نزاع و اصلاح رابطه مردم. این سطح، حلقه میانی میان عدل الهی و عدل اجتماعی است. بنابراین، تا فرد عادل ساخته نشود، ساختار عادل پایدار نخواهد ماند. [۱۱]

در سطح سوم، دعای چهاردهم و دعای بیست و ششم، عدالت را در بستر رابطه مظلوم و ظالم، و شبکه همسایگان و دوستان، به طور عینی صورت‌بندی می‌کند. در دعای چهاردهم، خدا به صراحت «نزدیک به نصرت مظلوم» و «دور از عون ظالم» معرفی می‌شود: «يَا مَنْ قَرَّبْتَ نُصْرَتَهُ مِنَ الْمُتَظَلِّمِينَ، وَبَعَدَ عَوْنُهُ مِنَ الظَّالِمِينَ...».

ریشه ظلم، «بَطْرًا فِي نِعْمَتِكَ» و «اغْتِرَارًا بِنَكِيرِكَ» است؛ یعنی مستی نعمت و فریب خوردن از تأخیر در عقوبت.

مظلوم هم نه تنها از ظلم دیدن متفر است، بلکه از ظالم شدن می‌ترسد: «اللَّهُمَّ فَكَمَا كَرِهْتَ إِلَيَّ أَنْ أُظْلَمَ فَقِنِي مِنْ أَنْ أُظْلِمَ».

در دعای بیست و ششم نیز عدالت در سطح خرد اجتماعی تصویر می‌شود: «فِي إِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَسَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَعَوْنِ فَقِيرِهِمْ، وَ إِغَاثَةِ مَلْهُوفِهِمْ...».

در اینجا چهار محور عدالت روزمره طرح می‌شود: رفتار مهربانانه با ضعفا، بستن نیازها، یاری فقیر و فریادرس در مانده. این سطح نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی از «محلّه و همسایه» آغاز می‌شود، نه فقط از قانون اساسی و ساختار کلان. [۴]

به این ترتیب، مدل عدالت در صحیفه، مدلی سه‌لایه است که میان توحید، اخلاق فردی و نظم اجتماعی پیوند برقرار می‌کند و اجازه نمی‌دهد عدالت به سطحی صرفاً حقوقی، صرفاً اخلاق فردی، یا صرفاً عرفانی فرو کاسته شود.

## ۲-۶. پاسخ به مسأله اصلی پژوهش

مسئله اصلی پژوهش این بود: «الگوی عدالت اجتماعی در صحیفه سجادیه چگونه از طریق ادعیه امام سجاد ۷ صورت‌بندی می‌شود و نسبت میان عدالت الهی، عدالت اخلاقی فردی و عدالت اجتماعی در این متن چگونه است؟».

با توجه به تحلیل‌های بخش چهارم و پنجم، اکنون می‌توان پاسخ را به صورت صریح و قابل دفاع این‌گونه جمع‌بندی نمود:

۱. عدالت اجتماعی در صحیفه، بدون عدالت الهی و اخلاق فردی قابل فهم نیست. عدالت اجتماعی در این متن، صرفاً

«برابری حقوقی» یا «توزیع امکانات» نیست؛ بلکه میوه درختی است که ریشه آن عدل الهی (عُقُوبَتُكَ عَدْلٌ)، تنه آن اخلاق



## صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

فردی (بسط عدل، کظم غیظ، اصلاح ذات‌البین) و شاخه‌ها و ثمرات آن در مناسبات اجتماعی (دادخواهی مظلوم، یاری ضعیف

و فقیر، اصلاح شبکه همسایگی) ظهور می‌کند. [۱۲]

۲. عدالت الهی، افق نهایی سنجش عدالت اجتماعی است. در دعای اول، نظام ثواب و عقاب الهی، نمونه کامل عدالت معرفی می‌شود: بدکار دقیقاً به اندازه عملش جزا می‌گیرد و نیکوکار به بهتر از عملش. [۱۵] جامعه‌ای که در آن، مجازات‌ها بی‌تناسب، پاداش‌ها رانتهی، و ضعیفان فراموش شده‌اند، در منطق این متن، از نظم عدل الهی فاصله دارد.

۳. عدالت اخلاقی فردی شرط لازم، ولی ناکافی عدالت اجتماعی است. دعای مکارم الاخلاق نشان می‌دهد که فرد عادل کسی است که در سطح خلق و رفتار، عدالت را «بسط» می‌دهد، خشم خود را مهار می‌کند، نزاع را خاموش، و رابطه‌ها را اصلاح می‌کند. بدون این سطح، هر ساختار رسمی عدالت‌محور، در عمل به ابزاری در دست صاحبان قدرت تبدیل می‌شود. اما در عین حال، عدالت اخلاقی فردی کافی نیست؛ بلکه اگر ساختارها و سیاست‌ها ظالمانه باشند، اخلاق فردی به تنهایی نمی‌تواند عدالت اجتماعی را محقق کند. [۴]

۴. عدالت اجتماعی در صحیفه، هم «ساختاری» است و هم «میان‌فردی». در دعای چهاردهم، امام سجاد ۷ مستقیماً از خدا می‌خواهد که قدرت ظالمانه «فلان بن فلان» را ویران کند و راه نفوذ او را ببندد؛ این معنایی کاملاً ساختاری دارد، یعنی: فروپاشی روابط قدرت ظالمانه، نه صرفاً آرامش روانی برای تحمل ظلم.

### ۷. نوآوری و سهم نظری و روشی پژوهش

در اینجا، نوآوری‌های اصلی پژوهش را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

۱. صورت‌بندی درون‌متنی مدل عدالت، به‌جای تحمیل پیش‌فرض‌های بیرونی بخش قابل توجهی از تحقیقات پیشین درباره عدالت در صحیفه، به ویژه پژوهش‌های تطبیقی با راولز، بیشتر از خود متن صحیفه به عنوان «منبع استشهاد» استفاده کرده‌اند تا «موضوع تحلیل»؛ یعنی ابتدا چارچوب نظری را از فلسفه سیاسی مدرن گرفته‌اند و سپس کوشیده‌اند برای آن در صحیفه شاهد بیاورند. در این پژوهش، با روش تحلیل مضمون، تلاش شد مدل عدالت از دل خودِ دعاها استخراج شود؛ به این معنا که متن صحیفه، منبع تولید نظریه است، نه صرفاً تأییدگر نظریه‌ای از پیش ساخته شده.

۲. تلفیق سه سطح الهیات، اخلاق فردی و عدالت اجتماعی در یک مدل واحد اغلب آثار موجود بر یکی از این سه سطح تمرکز دارند: یا از «عدالت الهی» سخن می‌گویند، یا «اخلاق اجتماعی» در صحیفه را بررسی می‌کنند، یا به «فقه حکومتی» و سیاست می‌پردازند. سهم این پژوهش در آن است که نشان داد این سه سطح، در متن صحیفه به صورت یک شبکه واحد حضور دارند و بدون یکدیگر قابل فهم نیستند. مدل سه‌لایه‌ای عدالت، دقیقاً بر پایه این ارتباط درونی بنا شد.

۳. گشودن امکان گفتگو با نظریه‌های معاصر عدالت، بدون حل شدن در آنها



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

در بخش پنجم، مدل عدالت صحیفه با نظریه عدالت به مثابه انصافِ راولز و نظریه عدالتِ آمارتیا سن مقایسه شد؛ نشان داده شد که از حیث حساسیت به وضعیت فرودست‌ترین افراد، شباهت‌هایی میان صحیفه و اصل تفاوت راولز، و نیز میان تأکید صحیفه بر رفع ظلم و فقر واقعی با تمرکز آمارتیا سن بر کاهش بی‌عدالتی و گسترش قابلیت‌ها وجود دارد. در عین حال، تفاوت بنیادین مبنای الهیاتی و نقش اخلاق فردی، اجازه نمی‌دهد مدل صحیفه در این نظریه‌ها حل شود. بنابراین، این وضعیت، امکان گفتگو را فراهم می‌کند، نه تقلید ساده را.

۴. کاربرد روش تحلیل مضمون در مطالعه متن دعایی

بیشتر پژوهش‌های سنتی درباره صحیفه، رویکرد توصیفی - موضوع محور (استخراج موضوعات و فهرست کردن آیات و روایات مرتبط) داشته‌اند. در این مقاله، تحلیل مضمون به عنوان روشی کیفی به کار گرفته شده تا با فیش‌برداری واحدهای معنایی دعاها و دسته‌بندی آنها در مضامین میانی و عالی، الگوی عدالت به صورت یک «مدل مفهومی» بازنمایی شود. این رویکرد می‌تواند الگویی برای سایر مطالعات دینی - الهیاتی مبتنی بر متون دعا و زیارت نیز باشد.

## ۸. دلالت‌های نظری و عملی

از حیث نظری، مدل سه‌لایه‌ای عدالت در صحیفه، چند دلالت مهم دارد:

### ۸-۱. بازتعریف عدالت اجتماعی اسلامی فراتر از تقلیل‌های رایج

عدالت اجتماعی در گفتمان‌های رسمی، اغلب به توزیع اقتصادی یا مجموعه‌ای از سیاست‌های رفاهی، فروکاسته می‌شود. در مدل صحیفه، عدالت اجتماعی در عین توجه جدی به فقر، نیاز، ضعف و مظلومیت، به افق الهیاتی و اخلاق فردی پیوند می‌خورد؛ بدین معنا، عدالت نه صرفاً برابری مادی، نه صرفاً اخلاق فردی، و نه صرفاً رابطه فرد با خدا، بلکه شبکه‌ای متشکل از این سه محور است.

### ۸-۲. تصحیح دو افراط رایج: عدالت بی‌رحمت و رحمت بی‌عدالت

ترکیب عدل و فضل در دعای دهم نشان می‌دهد که عدالت بی‌رحمت، برای انسان غیر قابل تحمل و در نهایت ظالمانه است، و رحمت بی‌عدالت نیز به هرج و مرج و بی‌مسئولیتی می‌انجامد. این مدل، در سطح نظری، می‌تواند مبنای بازاندیشی در نظریات عدالت‌کیفری، توزیعی و روبه‌ای در چارچوب اسلامی باشد؛ نظریه‌ای که در آن، هم حقوق قربانی و جامعه محفوظ است و هم امکان بازگشت، توبه و اصلاح برای مجرم از بین نمی‌رود.



# صحیفه سجاریه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

۸-۳. تأکید بر نقش اخلاق فردی در نظریه عدالت

در بیشتر نظریه‌های مدرن عدالت، فرض بر این است که اگر «ساختارهای اساسی» درست طراحی شوند، رفتار افراد تا حد زیادی خود به خود تنظیم می‌شود. در صحیفه، برعکس عنوان می‌شود که ساختار عادل بدون فاعل عادل دوام نمی‌آورد؛ بلکه فرد باید در سطح عواطف (کظم غیظ)، روابط (اصلاح ذات‌البین)، و رفتار روزمره (بسط عدل، ترک تعییر، ستر عائبه) عدالت‌محور باشد تا ساختار عدالت، در عمل محقق شود.

از حیث عملی، اگر این مدل در سیاست‌گذاری و آموزش دینی جدی گرفته شود، چند پیام روشن دارد:

۱. برای نظام حقوقی و کیفری:

- ضرورت بازنگری در مجازات‌های نامتناسب و خشونت‌بار با تکیه بر اصل «عقوبت عادلانه»؛
- تقویت سازوکارهای عفو، تخفیف، جبران و بازپروری در چارچوب شرعی، برای نزدیک کردن نظام کیفری به ترکیب عدل و فضل؛
- تربیت قضات، ضابطان و کارگزاران حقوقی بر پایه اخلاق مکارم الاخلاق (کظم غیظ، ترک تعییر، حسن سیره) تا عدالت، در اجرا تحریف نشود.

۲. برای سیاست اجتماعی و رفاه:

- طراحی سیاست‌های رفاهی که نه فقط بر پرداخت نقدی، بلکه بر تقویت «قابلیت‌های واقعی» فقرا (آموزش، سلامت، مشارکت اجتماعی) تکیه کند؛
- ترجمه چهارگانه «إِرْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، سَدِّ خَلَّتِهِمْ، عَوْنِ فَقِيرِهِمْ، إِعَاثَةِ مَلْهُوفِهِمْ» به شاخص‌هایی برای ارزیابی عدالت شهری و محلی؛
- ترکیب سیاست‌های ساختاری (مالیات، توزیع منابع، خدمات عمومی) با ترویج فرهنگ مواسات و انفاق در سطح مردمی.

۳. برای فرهنگ سیاسی و مقاومت علیه ظلم:

- تقویت گفتمان دادخواهی توحیدی بر پایه دعای چهاردهم؛ مظلوم باید هم‌زمان به مقاومتی اخلاقی و خواست‌تغییر ساختاری دعوت شود، نه صرفاً به صبر منفعلانه؛
- بازخوانی دعا و مناجات به عنوان رسانه تربیتی عدالت‌خواه، نه صرفاً متن خصوصی عبادی؛
- تربیت فعالان سیاسی و اجتماعی در افق مکارم الاخلاق، تا عدالت‌خواهی به خشونت کور یا فرصت‌طلبی سیاسی آلوده نشود.

۴. برای سبک زندگی و اخلاق شهروندی:



- تأکید بر عدالت در روابط روزمره (خانواده، محله، محیط کار) به عنوان معیار مهم تری از صدور شعارهای کلان؛ دعای بیستم و بیست و ششم صریحاً این سطح را محور قرار می‌دهند؛
- نقد سبک زندگی مصرفی و بی تفاوت نسبت به فقر و رنج دیگران، به عنوان مانع جدی عدالت اجتماعی؛
- پیوند میان تربیت عبادی (مثلاً انس با صحیفه) و تربیت شهروندی عادل، در برنامه‌های آموزشی حوزه و دانشگاه.

### ۹. محدودیت‌ها و افق‌های پژوهش

مهم‌ترین محدودیت‌ها و افق‌های این کار عبارت‌اند از:

۱. محدودیت متنی:

مطالعه حاضر، هرچند بر دعا‌های اصلی مرتبط با عدالت (۱، ۱۰، ۱۴، ۲۰، ۲۶) تمرکز کرده است، اما تمام ظرفیت صحیفه را پوشش نمی‌دهد؛ بسیاری از دعا‌های دیگر (مانند دعای مرزداران، دعای برای پدر و مادر، دعای برای اهل ثغور و...) می‌توانند ابعاد تازه‌ای از عدالت در حوزه امنیت، خانواده و روابط بین‌الملل را روشن کنند.

۲. محدودیت نظری تطبیقی:

مقایسه با رویکرد راولز و آمارتیا سن، در حد نشان دادن شباهت‌ها و تفاوت‌های کلی بود، نه یک تطبیق فلسفی عمیق با همه ظرایف نظری این دو متفکر؛ برای چنین تطبیقی، لازم است کار مستقلی انجام شود.

۳. محدودیت تجربی و کاربردی:

این پژوهش صرفاً متنی و نظری است؛ نشان نداده‌ایم که اگر آموزه‌های عدالت در صحیفه، وارد سیاست‌گذاری و آموزش دینی شوند، چه اثری بر نگرش‌ها و رفتارهای واقعی شهروندان خواهند داشت. برای پاسخ به این پرسش، نیاز به مطالعات تجربی (پرسش‌نامه، مصاحبه، مداخله آموزشی) است.

با وجود این محدودیت‌ها، پژوهش حاضر گامی در جهت صورت‌بندی منسجم عدالت اجتماعی در صحیفه سجادیه و گشودن باب گفتگو میان الهیات شیعی و نظریه‌های معاصر عدالت برداشته است.



منابع:

- قرآن کریم.  
صحیفه سجادیه.  
پایگاه اسلام کوئیت، عدالت قضا و قدر از منظر صحیفه سجادیه.  
پایگاه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، امام سجاد(ع) مظهر سیاست و عدالت اسلامی.  
حسینی، ع، ۱۳۹۸، جایگاه اخلاق اجتماعی و خانوادگی در صحیفه سجادیه، مجله گفتمان اندیشه، ۲ (۳).  
حق شناس، ح، ۱۳۸۸، اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه، قم: دفتر عقل.  
درخشه، ج، شجاعی، ج، ۱۳۹۳، نسبت اخلاق و سیاست در سیره سیاسی امام سجاد(ع)، فصلنامه سیاست، ۱ (۴۴).  
رضایی، ع، ۱۴۰۲، نقش قوانین اسلامی در ترویج عدالت اجتماعی بر اساس دیدگاه‌های جان راولز و آیت‌الله مطهری، دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۱ (۱).  
قبادیان، ع، و مستحسن، ف، ۱۴۰۴، مبانی فقه حکومتی در صحیفه سجادیه و رساله حقوق امام سجاد(ع)، پژوهشنامه امامیه، ۱۱ (۲۱).  
مطهری، م، ۱۴۰۲، عدل الهی، تهران: صدرا.  
منصورنژاد، م، ۱۳۹۱، تحلیلی بر اخلاق اجتماعی در دعای مکارم الاخلاق (صحیفه سجادیه)، همایش منطقه‌ای اخلاق اجتماعی از منظر قرآن و عترت، تفت.  
نوروزی نژاد، ف، و دیگران، ۱۴۰۲، بررسی تطبیقی نظریه عدالت اجتماعی در اندیشه امام سجاد(ع) (با تکیه بر صحیفه سجادیه) و جان راولز، نشریه مطالعات سیاسی - اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران، ۲ (۴).  
ویکی اهل البیت، تحلیل ظلم و استبداد.  
ویکی فقه (بی تا)، دانشنامه مجازی ویکی فقه.  
ویکی فقه، (بی تا)، عدالت اجتماعی و سبک زندگی اسلامی، دانشنامه مجازی ویکی فقه.  
هادیان رسانی، ا، بصام، ک، ۱۳۹۵، تجلی قرآنی بایسته‌های اخلاق اجتماعی در صحیفه سجادیه، حدیث و اندیشه، ۲۱ (۱۱).  
Rawls, J., 1971, *A theory of justice*. Cambridge, MA, Harvard University Press.  
Rawls, J., 1985, *Justice as fairness: Political not metaphysical*. Philosophy and Public Affairs.  
Sen, A., 2009, *The idea of justice*. Cambridge, MA, Belknap Press of Harvard University Press.



سید جلال صمدانی

عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

### چکیده

صحیفه سجادیه یکی از برجسته‌ترین آثار عرفانی، اخلاقی و دعا محور در فرهنگ اسلامی و شیعی است که از امام سجاد(ع)، چهارمین امام شیعیان، به یادگار مانده است. این کتاب که به «زبور آل محمد(ص)» نیز معروف است، مجموعه‌ای از دعاها، مناجات‌ها و تعلیمات اخلاقی است که علاوه بر جنبه عبادی، محتوایی عمیق در حوزه‌های اجتماعی، تربیتی و معرفتی دارد. صحیفه سجادیه از جمله متون بنیادی در شناخت مکتب اهل بیت(ع) به شمار می‌آید و نقش مهمی در تبیین اندیشه‌های معنوی اسلام ایفا کرده است. صحیفه سجادیه یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین آثار اسلامی و شیعی است که مجموعه‌ای از دعاها، مناجات‌ها، آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی امام سجاد(ع) را در خود جای داده است. این کتاب نه تنها یک متن عبادی، بلکه اثری تربیتی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی است که در دوران خفقان اموی، نقش مهمی در احیای هویت دینی مسلمانان ایفا کرد. مقاله حاضر به بررسی تاریخیچه شکل‌گیری صحیفه سجادیه، ساختار، مضامین محوری، جایگاه علمی و ادبی و تأثیر آن بر فرهنگ اسلامی می‌پردازد.

کلمات کلیدی: صحیفه سجادیه، اندیشه اسلامی، فرهنگ



## مقدمه

پس از واقعه عاشورا و شرایط بحرانی جهان اسلام، امام سجاد(ع) در دوره‌ای که بیان مستقیم حقایق دینی بسیار خطرناک بود، از زبان دعا برای انتقال پیام‌های الهی استفاده کرد. نتیجه این روش حکیمانه، شکل‌گیری اثری ماندگار به نام صحیفه سجادیه بود که بعدها «زبور آل محمد(ص)» نام گرفت. این اثر از قرن نخست هجری تا امروز، نه تنها منبعی برای عرفان و اخلاق، بلکه چراغی برای اصلاح اجتماعی و عبودیت حقیقی بوده است. صحیفه سجادیه نه تنها کتابی برای دعا، بلکه منبعی برای شناخت انسان، جامعه و راه‌های رسیدن به کمال معنوی است. در شرایط سیاسی سخت پس از عاشورا، امام سجاد(ع) از زبان دعا برای احیای دین و هدایت جامعه بهره برد و آثاری جاودان چون صحیفه را بر جای گذاشت. امروز نیز این کتاب همچنان چراغی برای جویندگان معنویت، اخلاق و عدالت است و مطالعه آن راهی برای درک عمیق‌تر از مکتب اسلام و اهل بیت(ع) به شمار می‌آید..

## مضامین اصلی صحیفه سجادیه

### ۱- توحید و معرفت الهی

بخش بزرگی از دعاها به معرفی صفات الهی، قدرت خداوند و نیاز مطلق انسان پرداخته است. امام سجاد(ع) در این دعاها روح تضرع و خضوع را در دل انسان بیدار می‌کند.

### ۲- اخلاق و تربیت فردی

صحیفه، یک کتاب جامع اخلاقی است. آموزه‌هایی همچون فروتنی، شکرگزاری، صبر، گذشت، خیرخواهی و کنترل خشم در دعاها به روشنی دیده می‌شود.

### ۳- عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری

امام(ع) در بسیاری از دعاها به نیازهای جامعه اشاره کرده است



دعا برای رفع مشکلات اقتصادی

رسیدگی به فقرا

حمایت از مظلومان

سلامت مسئولان و هدایت آنان

این بخش‌ها نشان می‌دهد که صحیفه، کتابی کاملاً اجتماعی و تمدن‌ساز است.

#### ۴- مبارزه با ستم و جاهلیت دوران

اگرچه دعاها به ظاهر عبادی هستند، اما در لایه‌های عمیق‌تر به مبارزه فرهنگی با ستمگری و انحرافات حاکم اشاره دارند. امام با زبان دعا، پیام عدالت، مقاومت و بیداری را منتقل می‌کند.

#### ۵- انسان‌شناسی و روان‌شناسی

صحیفه به زوایای روح انسان مانند ضعف‌ها، ترس‌ها، آرزوها و نیازهای معنوی توجه دارد و راهکارهای پرورش قلب و تقویت ایمان را بیان می‌کند. این ویژگی باعث شده که امروزه نیز کاربرد تربیتی و روان‌شناختی داشته باشد.

#### اهمیت صحیفه سجادیه در فرهنگ اسلامی

##### ۱. منبعی اصیل برای معارف اهل بیت (ع)

همانند نهج‌البلاغه و قرآن کریم، صحیفه نیز بخشی از هویت فکری شیعه را تشکیل می‌دهد و ریشه‌های اندیشه الهی و اخلاقی در آن قابل مشاهده است.

##### ۲. ماندگاری تاریخی

در طول قرن‌ها، صحیفه سجادیه در حوزه‌های علمی، محافل عرفانی و جلسات مناجات جایگاهی ویژه داشته و مورد شرح و تفسیر بسیاری از علمای بزرگ قرار گرفته است.

##### ۳. اثر ادبی ارزشمند



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

از نظر نثر عربی، این اثر یکی از قله‌های فصاحت به شمار می‌آید و بسیاری از ادیبان آن را شاهکاری بی‌بدیل دانسته‌اند.

### ۴. کتابی برای همه عصرها

در جهانی که انسان‌ها با اضطراب، تنهایی و پیچیدگی‌های اجتماعی روبه‌رو هستند، محتوای صحیفه راهی برای آرامش، معنویت و بازگشت به ارزش‌های انسانی ارائه می‌کند.

### زندگی و شرایط دوران امام سجاد(ع)

امام سجاد(ع)، فرزند امام حسین(ع)، در دوران حکومت امویان می‌زیست؛ زمانی که حکومت با جعل حدیث، تحریف تاریخ و تضعیف ارزش‌های اسلامی، تلاش داشت اندیشه اهل بیت(ع) را کمرنگ کند. در چنین فضایی، امام سجاد(ع) با دو ابزار مؤثر به احیای دین پرداخت:

#### ۱. دعا و مناجات (تولید فرهنگی)

#### ۲. تربیت شاگردان فکری و علمی

اگرچه حکومت فضا را برای فعالیت سیاسی امام بسته بود، اما دعاهای ایشان، نوعی «مقاومت نرم»، تربیت معنوی و آگاهی‌بخشی به جامعه به شمار می‌رفت.

### تعریف و ساختار صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه شامل ۵۴ دعا است که توسط امام باقر(ع) و زید بن علی گردآوری شده است. این مجموعه به چند بخش موضوعی تقسیم می‌شود:

#### ۱. دعاهای عبادی و عرفانی

مانند دعا در شب قدر، دعا برای بخشش گناهان و دعاهای حمد و تسبیح.

#### ۲. دعاهای اخلاقی



## صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

در مورد شکیبایی، شکرگزاری، فروتنی، حسن خلق و پرهیز از گناه.

### ۳. دعاهای اجتماعی و سیاسی

مانند دعا برای مرزبانان، دعا برای والدین، دعا برای همسایگان و دعا برای اصلاح مسئولان جامعه.

### ۴. دعاهای معرفتی و انسان‌شناسانه

که به جایگاه انسان در جهان، نیاز فطری او به خدا و ضعف‌ها و توانایی‌های بشر می‌پردازد.

### ۵. دعاهای تربیتی

مانند دعاهای آموزش ارزش‌های دینی، مبارزه با نفس و تقویت اراده.

### ابعاد محتوایی صحیفه سجادیه

#### ۱. بعد توحیدی و عرفانی

صحیفه سجادیه سرشار از توصیف‌های دقیق و زیبا درباره صفات الهی، قدرت خداوند و رابطه عبد با معبود است. این مضمون‌ها پایه‌گذار بخش مهمی از عرفان اسلامی و شیعی شدند.

#### ۲. بعد اخلاقی

صحیفه یک کتاب کامل اخلاقی است. امام سجاد(ع) در دعاهای مختلف، فضائل اخلاقی مانند:

تواضع

احترام به والدین

کنترل خشم

خیرخواهی

رعایت حقوق دیگران

را با بیانی عمیق و تربیتی بیان می‌کند.

#### ۳. بعد اجتماعی و سیاسی

برخلاف تصور رایج، صحیفه تنها مجموعه‌ای عبادی نیست؛ بلکه:



برای هدایت مسئولین،

مبارزه با ظلم،

حمایت از محرومان،

تقویت انسجام جامعه اسلامی،

تعلیماتی مستقیم و غیرمستقیم دارد.

این جنبه، صحیفه را تبدیل به «کتاب جامعه‌سازی» کرده است.

#### ۴. بعد تربیتی و روان‌شناختی

دعاهای امام در مورد حالات روحی انسان - مانند ترس، امید، غم، میل به گناه و ضعف اراده - تحلیل

روان‌شناختی دقیقی دارند. روان‌شناسان نیز این دعاها را نمونه‌ای از «درمان معنوی» می‌دانند.

#### ۵. بعد ادبی و هنری

نثر عربی صحیفه یکی از قله‌های فصاحت و بلاغت است. ساختارهای ادبی به‌کاررفته در آن در دانشگاه‌های

عربی و اسلامی تدریس می‌شود.

اهمیت تاریخی و تمدنی صحیفه سجادیه

#### ۱. احیای دین در دوران اختناق

امام سجاد(ع) با دعاهایی که ظاهر عبادی اما باطن آموزشی داشت، توانست هویت حقیقی اسلام را زنده نگه

دارد.

#### ۲. تأثیر بر ادبیات اسلامی

بسیاری از اندیشمندان اهل سنت نیز صحیفه را ستوده‌اند و شروح متعددی برای آن نوشته‌اند.

#### ۳. تأثیر تربیتی

این کتاب در طول تاریخ برای تربیت اخلاقی، عرفانی و اجتماعی مسلمانان مورد استفاده بوده است.

#### ۴. پیوند با قرآن و نهج‌البلاغ



# صحیفه سجادیہ امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

## نتیجه گیری

صحیفه سجادیه گنجینه‌ای بی‌بدیل از معارف الهی، اخلاقی و اجتماعی است. این اثر، روشی برای رسیدن به توحید، اصلاح نفس، بازسازی جامعه و مدیریت معنوی زندگی انسان ارائه می‌کند. امام سجاد(ع) در دوره‌ای که امکان بیان مستقیم حقایق وجود نداشت، با زبان دعا تمدنی معنوی بنا نهاد که تا امروز بر افکار و فرهنگ اسلامی تأثیرگذار است.

## فهرست منابع

علی خان مدنی، سیدعلی خان. ریاض السالکین فی شرح الصحیفه السجادیه.

مجلسی، محمدباقر. معراج السعاده فی شرح الصحیفه السجادیه.

مدرس افغانی، محمدباقر. الصحیفه السجادیه الکامله.

حسینی طهرانی، علامه سیدمحمدحسین. شرح و ترجمه صحیفه سجادیه.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. شرح صحیفه سجادیه.

انصاریان، حسین. ترجمه و توضیح صحیفه سجادیه.

## ب. کتاب‌ها درباره امام سجاد(ع)

شریف القرشی، باقر. زندگانی امام زین‌العابدین(ع).

سبحانی، جعفر. زین‌العابدین الگوی صبر و مقاومت.

حکیمی، محمدرضا. امام سجاد(ع) پیام‌آور عاشورا.

مرتضی عاملی، سیدجعفر. الامام علی بن الحسین(ع).

جعفریان، رسول. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه.

## ج. مقالات علمی

«ابعاد اجتماعی صحیفه سجادیه»، مجله علوم انسانی باقرالعلوم.



# صحیفه سجادیه امام سجاد (ع)

۱۹ و ۲۰ آذرماه

- «انسان‌شناسی در صحیفه سجادیه»، پژوهشنامه معارف اسلامی.
- «تحلیل ادبی و بلاغی صحیفه سجادیه»، فصلنامه زبان و ادبیات عرب.
- «ساختار دعاهاى صحیفه سجادیه»، فصلنامه علوم حدیث.

## د. منابع تاریخی مرتبط

- طبری، محمد بن جریر. تاریخ طبری.
- شیخ مفید. الارشاد.
- ابن اثیر. الکامل فی التاریخ.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. تاریخ یعقوبی.
- ابوالفرج اصفهانی. مقاتل الطالبیین.

